

توقیعات مبارکہ

حضرت ولی امر اللہ

۱۹۲۶-۱۹۲۲

میلادی

مؤسسه ملی مطبوعات امری

۱۲۹ بیع

این مجموعه

شامل است برشت و یک فقره

از توقیعات مبارکه ولی عزیز امرالله

حضرت شوقی ربانی

که در سالهای ۱۹۲۲ تا آخر ۱۹۲۶ میلادی

صادر شده است

۱۹۲۲ - ۱۹۲۶

فہرست توقیعات مبارکہ جلد اول

| شمارہ ردیف | عنوان توقیعات مبارکہ و بیّنات | تاریخ صدور | شمارہ صفحات |
|---------------|---|-----------------|-------------|
| ۱ | طہران - بواسطہ معضی محترمہ محفل مقدس روحانی اجبای الہی روحی لہم الغداء ملاحظہ فرمائند (اولین توقیع مبارک) اجبای حقیقی جانفشان حضرت عبدالہباراد در عبودیت ... | ۱۹ ک ۲ ۱۹۲۲ | ۱ - ۲ |
| ۲ | طہران معضی محترمہ محفل مقدس روحانی روحی فدایم ملاحظہ فرمائند اجبای مخلص جان نثار حضرت عبدالہباراد و برادران ... | ۱۵ شباط ۱۹۲۲ | ۳ - ۸ |
| ۳ | بواسطہ جناب آقای میرزا محمود زرقانی اعضای محترمہ محفل مقدس روحانی بجسی روحی لہم الغداء ملاحظہ فرمائند | شباط ۱۹۲۲ | ۹ - ۱۲ |

| شماره صفحات | تاریخ صدور | عنوان توفیقات مبارکه و فیاضین آنها | شماره ردیف |
|-------------|------------|---|------------|
| ۱۳ - ۱۶ | مارچ ۱۹۲۲ | <p>روحی و راحتی فدا و آفتاب عبد البهاء</p> <p>ربّ عظیم شابد و واقف است ...</p> <p>بواسطه حبیب روحانی بنده مقرب</p> <p>درگاه الهی جناب آقا شاه خلیل الله</p> <p>خازانی علیه بهاء الله احبای الهی و</p> <p>اما، الرحمن برادران و خواهران روحانی</p> <p>در فاران و بشرویه و امم العری و غیر</p> <p>نقاط خراسان روحی داشتند لهم</p> <p>الغدا ملاحظه نمایند</p> <p>هوالمستی آنناظر العظیم - جیبیان</p> <p>عبد البهاء و انجمن بر میثاق بهار ...</p> | ۴ |
| ۱۷ - ۱۹ | مارچ ۱۹۲۲ | <p>بواسطه ذرات ان استان مقدس</p> <p>جنابان هر فردی در دهرام و ایران</p> <p>و الله الله سرور عظیم بهاء الانبیاء علیهم السلام</p> | ۵ |

| شماره ردیف | عنوان توقیعات مبارکه و مجامع آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|---------------|---|-------------------|-------------|
| | فرمایند - ایران و هندوستان بندگان صادق مخلص حال ابدی پارسیان هریان و سایر اجزاء و اما، الرحمن روحی محبتهم الغداء ملاحظه فرمایند . | | |
| ۶ | عنوان معلوم نیست این عبد پس از واقعه تولد نصیبت عظمی مصور حضرت عبدالبهاء ... | آپریل ۱۹۲۲ | ۲۰ |
| ۷ | بواسطه بعضای محترمه محفل روحانی طهران احبای الهی و اما، الرحمن در ایران و قفقاز یا ترکستان و هندوستان و اقلیم مصر و سایر صفحات | ۱۶ دسامبر ۱۹۲۲ | ۲۱ - ۲۹ |

| شماره ردیف | عنوان توقیعات مبارکه و مجلیات آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|---------------|--|------------------|-------------|
| ۸ | شرق طرّا ملاحظ نمایند ای حبیبان عبداللہ، روحی محترم برچسپ از صعود ... بواسطہ حضرات اعضاء محفل روحانی احیاء اللہ و امام الرحمن فی مدینہ بورسعید علیہ السلام ایہا العالمون علی نشر نفحات اللہ لقد اہتز قلبی ... | ۲۳ دسمبر ۱۹۲۲ | ۳۱ - ۳۰ |
| ۹ | بواسطہ اعضاء محترمہ محفل روحانی عشق آباد برادران و خواہران روحانی احیاء اللہ و امام الرحمن مدینہ عشق آباد و ہاشکندہ و روخوند و قہقہہ و مرقند و سایر نقاط امریہ در صفحات رستان طرّا ملاحظ نمایند | ۲۷ دسمبر ۱۹۲۲ | ۳۸ - ۳۲ |

| شماره ردیف | عنوان توفیقات مبارکه و محاسن آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|------------|---|--------------------------|----------------|
| | <p>سنادیان امر اقدس جمال بهی و یاران ثابت باوفای ...</p> | | |
| ۱۰ | <p>طهران بواسطه محضای محمدیه محفل مقدس روحانی یاران الهی و یاران الرحمن در تمام صفحات ایران طرّاً ملاحظه نمایند .</p> <p>ای عزیزان حضرت عبدالبهاء روحی لوفالکم العزاء ...</p> | <p>۱ جنواری ۱۹۲۳</p> | <p>۳۹ - ۴۵</p> |
| ۱۱ | <p>اجبای الهی و امام الرحمن در مدینه منوره طهران و اهر و طالقان و حسن آباد و جعفر آباد و علی آباد و حضرت عبدالعظیم و سایر نقاط مجاوره طرّاً نمایند بواسطه محضای محمدیه روحانی طهران</p> | <p>۱ ک ۲ ۱۹۲۳</p> | <p>۴۶ - ۴۹</p> |

| شماره صفحات | تاریخ صدور | عنوان توقیعات مبارکه و مخاطبین آنها | شماره ردیف |
|-------------|------------------------|---|------------|
| ۵۲ - ۵۰ | ۱۳ ک ۲ ۱۹۲۳ | یاران و اماره الرحمن در آن اماکن منوره و صفحات متعدده ... بواسطه اعضای محض روحانی شست اجبای آئی و اماره الرحمن در شست ولا بهیمان و انزلی و طوالتش و شست نشاء و غازیان و خمام و سایر نقاط مجاوره طراً ملاحظه نمایند. طهای شکفته معرفت الله را در این حدیقه امکان ... | ۱۲ |
| ۵۵ - ۵۳ | ۲۳ جمادی الاول ۱۳۴۱ | بواسطه اعضای محض روحانی اصفهان اجبای آئی در مدینه اصفهان و نجف آباد و ملجاء و فریدن و ارجین و ستمی ختیار و کلهکویه و اردستان و رزواره و دولت آباد و سده و تیران | ۱۳ |

| شماره ردیف | عنوان توقیعات مبارکه و مخاطبین آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|------------|--|------------------------|----------------|
| ۱۴ | <p>دهدی آباد و قمشه و سایر نقاط مجاور طراة ملاحظه نمایند .</p> <p>روحی محکمتم و وفاکم العزاء فی حق دوستان آئنی ...</p> <p>بواسطه اعضای محترمه محفل روحانی شیراز اجابتی آئنی و امانا برکن در مدینه مبارکه شیراز و آباده ذرقان دوستان و نیز در جهرم و داراب و فسادارستان و اسفندآباد و شهر و بند عباس و سایر نقاط مجاوره روح لم العزاء ملاحظه نمایند</p> <p>یاران و یاوران حضرت عبدالباق برادران و خواهران ...</p> | <p>۱۲ ک ۲ ۱۹۲۳</p> | <p>۵۹ - ۵۶</p> |
| ۱۵ | <p>بواسطه اعضای محترمه محفل روحانی</p> | <p>۱۳ ک ۲ ۱۹۲۳</p> | <p>۶۳ - ۶۰</p> |

| شماره دریف | عنوان توفیقات مبارکه و محاسن آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|---------------|--|------------------------|----------------|
| ۱۶ | <p>قرودین اجبای الهی و امام ابراهیم در قرودین و شهادت و سایر نقاط مجاوره طراً ملاحظه نمایند مستوحشین بمنظر اعلی و تقبّلین انوار مشرق و جمال الهی ...</p> <p>بواسطه اعضای محترمه محفل روحانی تبریز اجبای الهی و امام ابراهیم در تبریز و مراغه و میلان و خوی و اسکو و ایوانغلی و بناب میاندوآب و ساوجبلاغ و سیان و محقان و الطنجی و اردوباد و اردبیل و میرچی زنوز و سایر نقاط امریه در صفحات آذربایجان طراً ملاحظه نمایند فدیکلم بروچی و فوادی یا اجباء الله</p> | <p>۱۳ ک ۲ ۱۹۲۳</p> | <p>۶۷ - ۶۴</p> |

| شماره ردیف | عنوان توقیعات مبارکه و خطبین آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|---------------|---|----------------|-------------|
| ۱۷ | وامانہ در این صین . . . بواسطہ اعضای محترمہ محفل روحانی ہمدان اجبای الہی و امام ترجمن در ہمدان و انرا جرد و بہار حسین آباد و توسیرکان و سایر نقاط مجاورہ طراً ملاحظہ نمایند حدہ و ثنائیات و تائیدات غیبیہ جمال الہی را . . . | ۱۳ ک ۲ ۱۹۲۳ | ۶۸ - ۷۱ |
| ۱۸ | بواسطہ اعضای محترمہ محفل روحانی بارفروش اجبای الہی و امام ترجمن در مدینہ بارفروش و آمل و ساری و اشرف و بندر جزو تاکر و عرب خیل و ماہ فروجک و سایر نقاط امریہ در در صفحات منورہ نازندان طراً | ۱۳ ک ۲ ۱۹۲۳ | ۷۲ - ۷۴ |

| شماره ردیف | عنوان توفیقات مبارکه مخاطبین آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|------------|--|------------------------|----------------|
| ۱۹ | <p>ملاحظه نمایند افدیکم بروحی یا اولیاء الله واجباء هر چند این عبدستان ... بواسطه اعضای محرمه محفل روحانی یزد احبای الهی و اما، الرحمن درین یزد و ناین وارد کان حسین آباد و مشاد و ابرقو و سهند آباد و لغت و محمد آباد و بلوک مجومر و خویک و مروت و دج و انار و بوانات و سایر نقاط مجاوره طراً ملاحظه نمایند حمد و سپاس قوه قاهره جمال آقدس ابهی و شکر و ستایش ...</p> | <p>۱۳ ک ۲ ۱۹۲۳</p> | <p>۷۷ - ۷۵</p> |
| ۲۰ | <p>بواسطه اعضای محرمه محفل روحانی احبای الهی و اما، الرحمن در</p> | <p>۱۳ ک ۲ ۱۹۲۳</p> | <p>۷۸ - ۸۰</p> |

| تاریخ صدور | عنوان توقیعات مبارکه مخاطبین آنها | شماره صفحات |
|------------|---|--|
| | <p>کرمان و درنجان و سمنان و رشتگان و سیرجان و راور و تون و سنند و و شمیرزاد و سایر نقاط مجاوره در آن صفحات طراً ملاحظه نمایند</p> <p>ثابتین بر عهد محکم الهی رادر هر دی شاهی معطر بنفحات رحمن</p> <p>۲۱ بواسطه عیاضی تحریر محض روحانی کاشان اجبای الهی و امار الرحمن در کاشان و قنصر دمارگان و آن و بیدگل و شکان و نوش آباد و و ادقان و جوشقان و فتح آباد و کش و سایر نقاط مجاوره طراً ملاحظه نمایند</p> <p>روحی لمحبکم الفدا یا اولیاء الله</p> | <p>۸۱ - ۸۳</p> <p>۱۳ ک ۲</p> <p>۱۹۲۳</p> |

| شماره ردیف | عنوان توقیعات مبارکه و مخاطبین آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|---------------|--|---------------------------|----------------|
| ۲۲ | <p>واجبات هر چند از محابره ...</p> <p>بواسطه عضای محترمه محفل روحانی</p> <p>آدم احبابی الهی و امام الرحمن در قم</p> <p>و آئمه و جاسب و نراق و سایر</p> <p>نقاط مجاوره طراً ملاحظه نمایند</p> <p>روحی لوفائکم الفداء فی بحقیقه</p> <p>در این ایام مظلمه که جمال بمیثیل ...</p> | <p>۱۳ ک ۲</p> <p>۱۹۲۳</p> | <p>۸۴ - ۸۶</p> |
| ۲۳ | <p>بواسطه عضای محترمه محفل روحانی</p> <p>سلطان آباد احبابی الهی و امام</p> <p>الرحمن سلطان آباد عراق و شاه آباد</p> <p>و خلیج آباد و شهذلف آباد و تفرش</p> <p>و گرگان و شستیان و آستانه و ادیس</p> <p>آباد و دورق و حسین آباد و سایر نقاط</p> <p>امریه مجاوره طراً ملاحظه نمایند</p> | <p>۱۳ ک ۲</p> <p>۱۹۲۳</p> | <p>۸۷ - ۹۰</p> |

| شماره ردیف | عنوان توقیعات مبارکه و فحاشین آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|------------|---|---------------------------------|-------------|
| ۲۴ | <p>ای برادران و خواهران روحانی این عبد فانی در صبح و مساء ... بواسطه اعضای مکرّمه محفل روحانی مشهد احبابی الهی و اما، الرحمن در مشهد و بشرویه و نامق و حصار و قوچان و شهرود و جندق و سبزوار و نیشابور و تربت و خیراتقراء و انارک و خوت و سرچاه و ازغند و قاین و دوغ آباد و فروغ و بیرجند و کاخ و طبرس و فاران و محبتان و بجنورد و سایر نقاط امریه در صفحات خزان طراً ملاحظه نمایند مشتقدان نیاز موقده الهیه و سیر تعالیم ربانیه را در آن صفحات ...</p> | <p>۲۴ جمادی الاول ۱۳۴۱</p> | ۹۱ - ۹۳ |

| شماره ردیف | عنوان توقیعات مبارکه و مخاطبین آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|------------|---|-----------------|-------------|
| ۲۵ | بواسطه اعضای مکرّمه محفل روحانی کرمانشاه احبای الهی داماد آبرهن در کرمانشاه و سنقر و گروس و سنندج و مکنه و کرند و دولت آباد و ملایرو جوراب و آذرمان و نهاوند و بروجرد و خرم آباد و سایر نقاط مجاوره طرّاً ملاحظه نمایند بلبلان طرّاً این بوستان الهی را ترغیاتی بدیع بر شاخار . . . | ۱۱ ک ۲ ۱۹۲۳ | ۹۴ - ۹۶ |
| ۲۶ | بواسطه محفل روحانی انزلی احبای الهی برادران و خواهران روحانی در بند انزلی رو حنیفیم ملاحظه نمایند یا احباب الله و اولاد الله محمد الله که | ۱۷ شباط ۱۹۲۳ | ۹۷ - ۹۸ |

| شماره ردیف | عنوان توقیعات مبارکه و مخاطبین آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|---------------|---|----------------|-------------|
| ۲۷ | نامه آن برادران خواهران روحانی ... بواسطه اعضای مکرّمه محفل روحانی طهران و یار معنوی حضرت امین ^{علیه} روحیفدا هم اجبای الهی برادران و خواهران روحانی در کشور مقدّس ایران و بلاد هندوستان و قفقازیا و ترکستان بنیّ التّهریر و قلم مصر و برتیه شام و سایر صفحات شرق طرا ملاحظه فرمایند | ۲۳ ک ۲ ۱۹۲۳ | ۹۹-۱۰۷ |
| ۲۸ | افدیکم بروحی و جنانی یا اجباء الله آن شریں نغماتہ فی بلادہ ... اعضای مکرّمه محفل مقدّس روحانی طهران خضرم الله و ایدہم ملاحظه نمایند | ۳ ک ۲ ۱۹۲۳ | ۱۰۹-۱۱۳ |

| شماره ردیف | عنوان توفیقات مبارکه و مخاطبین آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|------------|--|-------------------|-------------|
| ۲۹ | <p>افدیکم بروحی یا اجابیه و مناسبتین عباده الحمد لله آثار و علائم ... بواسطه اعضای محرمه محفل مقدس روحانی مدینه طهران - اجبای الهی برادران و خواهران روحانی در کشور مقدس ایران و بلاد هندوستان و قفقاز و ترکستان و بین النهرین و قسیم مصر و برتیه اشام و سایر صفحات شرق طراً ملاحظه نمایند</p> | ۲۷ شباط ۱۹۲۳ | ۱۱۴ - ۱۴۰ |
| ۳۰ | <p>افدیکم بروحی یا اهل الباء المقتبین من سیه الآفاق ... بور سعید حضرات الاعضاء المحفل الروحانی و سایر الاحباء حفظهم الله و ایدهم</p> | ۱۰ - ایار ۱۹۲۳ | ۱۴۱ - ۱۴۲ |

| شماره ردیف | عنوان توقیعات مبارکه و خطبین آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|------------|--|----------------------|-------------|
| ۳۱ | روحی و ذاتی لکم القداء ایها المقتبسون من نار محمدیه ... بواسطه اعضای محرمه محض مقدس روحانی طهران روحیه اہم احبای الہی برادران و خواہران روحانی در کشور مقدس ایران روحی فداہم ملاحظہ نمایند فدیکم بروحی و رحمتی یا احباء اللہ مدتیت کہ بیغبناتوان ... | ۱۴ - نو فمبر ۱۹۲۳ | ۱۴۳ - ۱۴۶ |
| ۳۲ | بواسطه منشی محض روحانی جناب محب السلطان حضرات اعصابی محرمه محض روحانی مدینہ طهران ایدہم اللہ ملاحظہ نمایند روحی لکم القداء یا امماء اللہ | ۳ - نو فمبر ۱۹۲۳ | ۱۴۷ - ۱۵۴ |

| شماره ردیف | عنوان توقیعات مبارکه و خطبین آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|---------------|---|-----------------------------|-------------|
| ۳۳ | <p>و صفیاء المحمدیه که با ترتیبات ...</p> <p>بواسطه جناب محب السلطان منشی</p> <p>اعضای محرمه محفل مقدس روحانی</p> <p>طهران ایدهم الله بشید القوی</p> <p>ملاحظه نمایند</p> <p>روحی لکم الغداء یا اولیاء الله و</p> <p>انما فی بلادہ نامہ محفل مقدس</p> <p>روحانی ...</p> | <p>۲۲ دسمبر</p> <p>۱۹۲۳</p> | ۱۵۷-۱۵۵ |
| ۳۴ | <p>اجای الہی برادران و خواہران</p> <p>معنوی در کشور مقدس ایران و صفحات</p> <p>ترکستان قفقاز و خطہ ہندوستان</p> <p>بین النہرین و بلاد عثمانی و اہم مصر</p> <p>و بریہ شام و سایر صفحات شرق</p> <p>ظراً ملاحظہ نمایند</p> | <p>۱۹ دسمبر</p> <p>۱۹۲۳</p> | ۱۷۹-۱۵۸ |

| شماره ردیف | عنوان توقیعات مبارکه و مخامسین آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|------------|--|-------------------|-------------|
| | ای شادریان و برگزیده گان جمال کبریا و پروان حضرت عبدالعزیز... | | |
| ۳۵ | بواسطه نشی محفل مقدس روحانی اعضای محرمه محفل مقدس روحانی مدینه طهران آید بهم الله شبدیه الهی ای شادریان از الهی روحی ملکشکم و استعالم الفداء، دونا مه آخر... | ۲۸ ک ۲ ۱۹۲۴ | ۱۸۰-۱۸۳ |
| ۳۶ | بهائیان عالم در شرق و غرب طراً ملاحظه نمایند در این حین که این مسکین از اراض مقصود مجبور در آتش حسرت... | ۱۹۲۴ | ۱۸۴-۱۹۴ |
| ۳۷ | بواسطه اعضای محرمه محفل مقدس روحانی مرکزی ایران احبای | ۲۴ سپتمبر ۱۹۲۴ | ۱۹۵-۲۰۰ |

| شماره ردیف | عنوان توقیعات مبارکه و مخاطبین آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|------------|---|------------|-------------|
| ۳۸ | <p>آلای و امام الرحمن در قلم مقدس ایران ملاحظه نمایند یا مظهر تشبوت و جواهر الوفا و قایم ناگوار این خسته دل مستمند ... اعضای محرمه مجله نشر نفحات طهران</p> | ۱۹۲۴ | ۲۰۱ |
| ۳۹ | <p>برادران روحانی و فادثبات یاران ستمیده ایران ... بوسیله نشی محض روحانی طهران</p> | ۳۰ - کتبر | |
| | <p>جناب آقا میرزا علی کبر روحانی ایده الله . طهران اعضای محرمه محض مقدس روحانی ایده بهم و حفظهم یا ائمه الله و اصفیاء روحی</p> | ۱۹۲۴ | ۲۰۲ - ۲۰۹ |

| شماره ردیف | عنوان توفیقات مبارکه و مخاطبین آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|---------------|---|----------------|-------------|
| | در احیای کلمه الفداء نامه محفل روحانی | | |
| ۴۰ | بواسطه اعضای محرمه محفل مقدس روحانی مرکزی ایران علیم بهاء الله الانبی برادران و خواهران روحانی در کشور مقدس ایران ای عزیزان حق روحی مظلومین الفداء چندیت از آن موطن عزیز ... | ۶ مارچ ۱۹۲۵ | ۲۱۰ - ۲۱۹ |
| ۴۱ | شرکت نوحه سالان طیور حدیقه بقا اطفال ملکوت را ازستان به ترقیات معنویه ... | — | ۲۲۰ |
| ۴۲ | اعضای محرمه محفل مقدس روحانی مرکزی ایران آید هم به خفتم یا انما الله و صفیاء روحی ثباتکم | ۹ می ۱۹۲۵ | ۲۲۱ - ۲۲۳ |

| شماره ردیف | عنوان توفیقات مبارکه و مخاطبین آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|------------|---|----------------|-------------|
| ۴۳ | و دعا ئلم الفدا . . . اعضای نجبه شرفیات طهران برادران روحانی شایسته نورانی آقا ذکرا الله بار ضی مقدسه فایز . . . | — | ۲۲۴ |
| ۴۴ | اعضای محرمه محفل مرکزی ایران ایده هم الله | خزیران ۱۹۲۵ | ۲۲۵ |
| ۴۵ | یا احباء الله و صفیاء اینعبه در این جوار پر انوار بر یک . . . بواسطه محفل مرکزی کشور مقدس | ۸ جون | |
| | ایران امضاء الله و ذوات محرمه عضای محافل محله روحانیه بهائیان در اقالیم شرق طراس حفظ نمایند ای سروران جنبه ملکوت حضرت | ۱۹۲۵ | ۲۳۶-۲۳۷ |

| شماره ردیف | عنوان تحقیقات مبارک و مجاہدین آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|------------|--|------------------------|------------------|
| ۴۶ | <p>رَبِّ الْجَنُّودِ دَرِین کُور موعود ...</p> <p>بواسطه محفل مقدس روحانی مدینه حیفه - اجابى الہی و اما، لہر حمن</p> <p>برادران و خواہران روحانی در صفحات شرق طراً ملاحظہ نمایند</p> <p>روحی در حقّی کلم الفداء یا اہل البہا و اصحاب الوفا ...</p> | <p>تموز ۱۹۲۵</p> | <p>۲۵۱ - ۲۳۸</p> |
| ۴۷ | <p>بواسطه محفل مقدس روحانی مرکزی ایران - اجابى الہی برادران و خواہران روحانی در صفحات شرق طراً ملاحظہ نمایند</p> <p>ای مستظلیں در ظلّ دوحہ بقا جمال ہی روح من فی الوجود المضجعة العذراء ...</p> | <p>۱۶ - اکتبر ۱۹۲۵</p> | <p>۲۵۷ - ۲۵۲</p> |

| شماره ردیف | عنوان توقیعات مبارکه و مخاطبین آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|---------------|---|--------------------|-------------|
| ۴۸ | اعضای محرمه محفل مقدس مرکزی روحانی کشور مقدس ایران ملاحظه نمایند یا ابناء الرحمن و اولاد الله روحی تعالیم و شبائکم و دفائکم القداء ... | ۲۸ - اکتبر ۱۹۲۵ | ۲۵۸ - ۲۶۱ |
| ۴۹ | براسطه اعضای محرمه محفل مقدس روحانی مرکزی ایران - احبای الهی در صفحات ایران و قفقازیا و ترکستان طرّاً ملاحظه نمایند اینها المحرقون من نار الفراق روحی الخرنم و دفائکم القداء ... | ۲۷ نوامبر ۱۹۲۵ | ۲۶۲ - ۲۶۶ |
| ۵۰ | انساء الله اعضای محرمه محفل مقدس روحانی مرکزی ایران و فقهه الله ملاحظه نمایند | ۳۰ نوامبر ۱۹۲۵ | ۲۶۷ - ۲۶۸ |

| شماره ردیف | عنوان توقیعات مبارکه و مخاطبین آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|------------|--|---------------|-------------|
| | یا امان، بته و اصفیاء نامه خیر آن محفل مرکزی تاریخ «نوفمبر...» | | |
| ۵۱ | بواسطه اعضای محرمه محفل مقدس روحانی مرکزی اعضای محفل روحانیه در کشور مقدس ایران حفظه الله ملاحظه نمایند ای سروران لشکریات جمال شما ربا لایات انبیات ... | ۳ ک ۲ ۱۹۲۶ | ۲۸۲-۲۶۹ |
| ۵۲ | از حیفا شیراز مصیبت زدگان جرم جناب سید احمد روحانی، جناب محمد صدیق، جناب نصر الله آزادگان، جناب پرویز کاویان جناب ابراهیم کاویان علیه فضل الله | — | ۲۸۴-۲۸۳ |

| شماره ردیف | عنوان تزیینات مبارکه و مخاطبین آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|---------------|---|---------------|-------------|
| ۵۳ | الملك العزيز المنان ایها الصابرون فی البلاء هر چند نیران ظلم و عدوان شدش ... اعضای محترمه مجله محض روحانی مرکزی | — | ۲۸۵-۲۸۶ |
| ۵۴ | برادران و خواهران روحانی اجای الکی داماد الرحمن در صفحات ایران و قفقاز و ترکستان و اقلیم مصر و هندوستان و ترکیه و عراق و سوریه حفظم الله طرأ علی خطه نمایند ای عشاق و فدائیان نیرافاق ددانیدم که از مشغله سپایان ... | خبریه ۱۹۲۶ | ۲۸۷-۲۹۹ |

| شماره صفحات | تاریخ صدور | عنوان تحقیقات مبارکه و مخاطبین آنها | شماره ردیف |
|-------------|------------|---|------------|
| ۳۰۰ - ۳۰۱ | تموز ۱۹۲۶ | اعضای محترم محفل مقدس روحانی مرکزی کشور مقدس ایران حفظهم تبه و ایدهم ملاحظه نمایند یا امراء الرحمن و اصفیاء چندی قبل نامه ای عمومی مرقوم دار سال گردید ... | ۵۵ |
| ۳۰۲ - ۳۰۴ | تموز ۱۹۲۶ | اعضای محترم محفل مقدس روحانی مرکزی کشور مقدس ایران و فقهم تبه ملاحظه نمایند ای حبیبان با وفا و خادمان و حارسان ارجبال تقدس ای نامه خیر آن محفل مقدس ... | ۵۶ |
| ۳۰۵ - ۳۱۷ | ایلول ۱۹۲۶ | اجبای الهی و امام الرحمن در کشور مقدس ایران و قفقاز و ترکستان | ۵۷ |

| شماره ردیف | عنوان توقیعات مبارکه و مخاطبین آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|------------|--|--------------------------|------------------|
| | <p>و صفحات هندوستان و قلمیم مصر و عراق و ممالک ترکیه و برتیه شام طراً مدحظه نمایند روحی و ما اعطانی ربی فدا بشاکلم یا ملا المؤمنین در تعقیب رساله خیر...</p> | | |
| ۵۸ | <p>اعضای محترمہ محفل مقدس روحانی مرکزی قلمیم ایران حفظکم مدحظه نمایند .</p> | <p>۱۹ دسمبر ۱۹۲۶</p> | <p>۳۲۱ - ۳۱۸</p> |
| ۵۹ | <p>یا اصفیاء الرحمن و اجباء و امناء ناله های اخیر آن محفل مقدس راجح به انتخاب مفاصل دو اچی روحانی مفاصل روحانی یاران در شرق و غرب عالم باید من دون استثناء</p> | — | <p>۳۲۳ - ۳۲۲</p> |

| شماره ردیف | عنوان توفیقات مبارکه و خاطبین آنها | تاریخ صدور | شماره صفحات |
|---------------|---|------------------------------|-------------|
| | <p>هر سالی در یوم اول عید سعید رضوان . . .</p> | | |
| ۶۰ | <p>من حیفا الی بغداد اعضای محترم مجلس مقدس روحانی زید اجلالم اولیای الهی عریضه آن مجلس مقدس در خصوص نخل جلیل حضرت شیخ محمد رسید . . .</p> | <p>۳۰ دسمبر ۱۹۲۶</p> | ۳۲۴ - ۳۲۵ |
| ۶۱ | <p>از حیفا بطهران اعضای محترم مجلس روحانی زید اجلالم اولیای الرحمن روحی تقیالم البغداد علی اعلاء کلمته</p> | <p>۲۰ ربیع ثانی ۱۳۴۵</p> | ۳۲۶ - ۳۳۰ |

فهرست مناجات‌های صادره در ضمن توقیعات مبارکه

| شماره | عنوان | شماره صفحات |
|-------|--|-------------|
| ۱ | ای حق توانا و مولای بهیمتا تودا درس ضعفائی | ۲۸۷-۲۹۰ |
| ۲ | ای خدای مهربان بنا عظیمت را با سبایی غیبی در عالم امکان نصرتی سریع بخش | ۸۷ |
| ۳ | ای رب عزیز قلوب محترقه جیبانت را ببرد نسام امید و عنایت شاد و مهنز فرما | ۹۱ |
| ۴ | ای سمندر نار موقده در سینه سینا (لوح حضرت عبدالبهاء خطاب بجناب سمذرات) | ۱۷۷-۱۷۸ |
| ۵ | ای عزیزان من محزون مشوید و آفریده گردید (از قول حضرت عبدالبهاء) | ۱۵۹ |
| ۶ | ای قوی قدیر و حافظ این غنام تو بهیمتیم محافظه نما | ۱۱۴ |
| ۷ | ای مولای توانا و عالم بالا نظری باین زندگان بنوا نما | ۲۶۵-۲۶۶ |
| ۸ | ای یلای شغوف و انکسوت بهیت نظری باین پرده‌دار غایت مخفی | ۴۶ |
| ۹ | دست و ملاذنا ازل کرد و بنا | ۳۱۶-۳۱۷ |

فہرست مطالب توقیعات مبارکہ تبرقہ الغبار

| شمارہ مطالب | موضوع | شمارہ صفحات |
|-------------|--|-----------------------|
| | حرف الف | |
| ۱ | اتباع اراضی حول مقامات مقدسہ در ارض آقدس | ۲۵۶-۲۵۷-۲۸۱ |
| ۲ | اتحاد و الفت و لزوم آن و اقتباب از تعصبات | ۲۴-۲۵ تا ۱۸۸ ۱۹۹ |
| ۳ | اجتماع دو زوجہ | ۳۲۴ |
| ۴ | احصائیہ و اہمیت آن | ۱۱-۲۲۵ |
| ۵ | استنساخ آیات و الواح | ۲۴۱ تا ۲۶۷-۲۶۸ ۳۱۴ |
| ۶ | اشعار جناب نبیل و لزوم جمع آوردن آنها | ۱۸۲ |
| ۷ | اطفال و جوانان و لزوم تربیت و تحصیل آنان | ۸۶-۱۷۳ |

| شماره صفحات | موضوع | شماره مطاب |
|-----------------------|-------------------------------|---------------|
| ۲۲۳ - ۲۲۲ - ۱۷۶ - ۱۷۵ | اماء الرحمن و لزوم ترقی | ۸ |
| ۲۴۴ | آنان | |
| ۲۴۶ | اماکن مستبرکه | ۹ |
| ۱۳۹ تا ۱۳۲ - ۱۱۲ - ۴۴ | انتخابات | ۱۰ |
| ۳۲۳ - ۳۲۲ - ۳۱۴ | | |
| ۲۱۳ - ۲۱۵ - ۲۹۰ تا | انتشار امرائی در ممالک | ۱۱ |
| ۲۹۲ | غرب و امریکا | |
| ۲۱۴ | انتشار امرالله در استراليا | ۱۲ |
| ۳۱۵ | انجمنهای خیریه - علمی - ادبیه | ۱۳ |
| | و شرکت در انجمنها | |
| ۲۶۸ | آواره و عدم توجه باو | ۱۴ |
| ۱۴۷ - ۴۰ - ۳۹ | ایران و اهمیت آن و | ۱۵ |
| ۱۶۹ تا ۱۶۶ - ۱۴۸ | وظائف بهائیان | |
| ۲۰۷ - ۲۰۴ | ایران | |

| شماره | موضوع | شماره صفحات |
|-------|---------------------------------------|-----------------------|
| | حرف ب | |
| ۱۶ | بلايا و شدت و ازدياد آن | ۴ - ۷۹ - ۸۱ - ۸۲ |
| | و صبر و تحمل اجتناب است | ۱۱۶ - ۲۰۳ - ۲۹۷ - ۲۹۸ |
| | پشرفت امر الله است | ۳۱۰ - ۳۱۱ - ۳۱۶ |
| ۱۷ | بلايای وارده بر جمال اقدس | ۲۱۰ - ۲۱۲ - ۲۲۶ - ۲۲۷ |
| | حضرت اعلی و حضرت عبدالبهاء | ۲۵۸ - ۲۹۵ |
| | و پیردان آنان | ۲۹۶ |
| ۱۸ | بهائیان از همه پیشتر بایران حلا و دار | ۱۶۶ |
| ۱۹ | بیت اعظم بغداد | ۲۷۴ - ۲۷۶ تا - ۲۷۹ |
| | | ۲۸۰ - ۲۹۶ |
| ۲۰ | بیت العدل اعظم | ۲ - ۴ - ۶ - ۱۰ - ۱۳۲ |
| | و وظائف و اختیارات | ۱۳۳ - ۲۳۹ - ۲۴۰ |
| | آن | ۲۸۱ - ۲۸۲ |

| شماره مطالب | موضوع | شماره صفحات |
|-------------|-------------------------------------|---------------|
| | حرف ت | |
| ۲۱ | تأیید قلوب و لزوم دجیمیت آن | ۱۲۸ |
| ۲۲ | تدوین تاریخ امر | ۲۵۹ - ۳۱۴ |
| ۲۳ | ترجمه کتاب مستطاب اقدس | ۱۸۲ |
| ۲۴ | تکلیف محض روحانی در پرتو تسبیح | ۳ - ۱۴۱ - ۱۴۲ |
| ۲۵ | تعیین وظائف عامه بهائی در | ۳۲ تا ۳۸ |
| | ترکستان | |
| ۲۶ | تقدیر از خدمات احبا | ۱۸۵ - ۲۰۲ |
| ۲۷ | توجه کلیه اهل بهائیت به کتاب مستطاب | ۲۶ |
| | اقدس الواح و صایا است | |
| | حرف ح | |
| ۲۸ | حجاب در ایران | ۱۲۱ - ۱۷۶ |
| ۲۹ | خطیره اقدس و اهمیت آن | ۷۴۷ - ۲۶۰ |
| | و موقوفات امری | |

| شماره مطالب | موضوع | شماره صفحات |
|-------------|--|-----------------------|
| ۳۰ | حقوق مدنی شرعیة شخصیه افراد و اهمیت آن حرف خ | ۲۵۰ - ۲۵۱ |
| ۳۱ | خبر دانیال اجم بیه ۱۳۳۵ حرف د | ۷۰ |
| ۳۲ | درس تبلیغ و مدارس تبلیغ و اهمیت آن حرف ر | ۱۲۷ - ۱۷۴ - ۲۵۴ |
| ۳۳ | روابط اکابر با اصاغر و روابط افراد احباب با یکدیگر حرف ز | ۱۲۲ - ۱۲۳ - ۱۶۹ - ۱۹۸ |
| ۳۴ | زیارت اعیان مقدسه حرف س | ۳۲۵ |
| ۳۵ | تأثیر اظهار رضایت از احباب | ۲۷۶ - ۲۷۷ - ۲۸۵ |
| | | ۲۹۵ |

| شماره مطالب | موضوع | شماره صفحات |
|-------------|---|--|
| ۳۶ | ستایش از اجبای جبرم و ذکر حوادث ناگوار مجسم | ۲۸۳ تا ۲۸۷ ۳۰۸ تا ۳۱۰ |
| ۳۷ | سیل فی ریزه خسارات وارده براجب و مساعدت بهائیان امریک حرف ش | ۲۱۰ - ۲۱۶ - ۲۱۷ |
| ۳۸ | شرکت نوخسان | ۲۲۰ |
| ۳۹ | شمایل مبارک جمال ابی - حضرت اصلی - حضرت عبدالبهاء | ۱۵۱ - ۱۷۲ - ۲۴۹ |
| ۴۰ | شیراز و اجبای شیراز که منبع فیض الهی بوده حرف ص | ۵۶ - ۵۹ |
| ۴۱ | صندوق خیریه و لزوم تقدیم تبرعات و تقویت آن | ۱۳۰ - ۱۳۱ - ۲۳۶ ۲۷۳ - ۲۷۴ - ۳۰۲ تا ۳۰۴ - ۳۱۳ |

| شماره مطالب | موضوع | شماره صفحات |
|----------------|--|---|
| | حرف ظ | |
| ۴۲ | ظهور آثار اولیه بشارت الهی | ۸۸ - ۱۰۰ تا ۱۰۶ - ۲۷۷ ۲۷۸ - ۳۰۰ |
| | حرف ع | |
| ۴۳ | عدم مداخله در امور سیاست | ۲۳ - ۴۲ - ۱۲۰ - ۱۹۹ - ۲۰۵ ۲۲۱ - ۲۳۳ - ۳۱۵ - ۳۲۶ ۳۳۰ |
| ۴۴ | عده اعضای محض روحانی - اهمیت مقام نشی محض | ۳۲۵ - ۱۷۳ |
| ۴۵ | غرت ارض طاهر حکومت ایران | ۲۱۸ - ۲۱۹ - ۲۷۹ |
| ۴۶ | عظمت امرالله | ۲۱۱ - ۲۶۲ - ۲۶۵ |
| | | ۲۸۰ - ۲۸۱ - ۳۱۲ - ۳۱۳ |
| ۴۷ | عمل شایان تقدیر میرزا علی محمد خان موافق | ۱۸۳ |

| شماره مطالب | موضوع | شماره صفحات |
|----------------|---|-------------------------|
| ۴۸ | عنوان (شوقی افندی) | ۱۱ - ۱۲ - ۱۶ |
| | حرف ف | |
| ۴۹ | فقرا و مستمندان لزوم شکری از آن ^{ان} | ۱۲۸ - ۱۸۱ - ۲۳۶ |
| | حرف ق | |
| ۵۰ | قیام و لغت یا قضین و مخالفین و | ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ |
| | مغلوبیت آنان و لزوم جناب از ایشان | ۱۹۵ |
| | حرف ل | |
| ۵۱ | بجده و تشکیلات آنها کلاً در | ۷ - ۱۴ - ۴۳ - ۱۱۱ - ۱۳۴ |
| | تحت نظر محفل میباشند | ۱۳۸ - ۱۴۹ - ۱۳۵ |
| ۵۲ | بجده شرفیات | ۲۲۴ - ۲۵۹ |
| | حرف م | |
| ۵۳ | مازندران که مبط انوار است | ۷۲ |
| | (بار فروش - آمل - ساری | |
| | اشرف - تاکر - عربخیل) | |

| شماره مطالب | موضوع | شماره صفحات |
|-------------|---------------------------------------|----------------------------------|
| ۵۴ | مبلغین و شرایط لازم آنان | ۲۷ - ۲۸ - ۲۵۵ |
| ۵۵ | مجلات امری و لزوم اشتراک و تقویت آنها | ۴۴ - ۱۲۹ - ۱۷۴ ۲۳۵ |
| ۵۶ | محافظه امر الله واجب | ۱ - ۲ - ۱۸ - ۲۳ - ۴۲ ۶۳ - ۱۲۸ |
| ۵۷ | محفظه آثار ارض اقدس | ۲۴۸ |
| ۵۸ | محفظه آثار امری | ۲۴۸ - ۲۶۷ |
| ۵۹ | محفل روحانی محلی و مرکزی | ۵ - ۶ - ۷ - ۱۰ - ۱۴ - ۱۵ |
| | وابستگی و مرجعیت و وظائف | ۱۸ - ۲۶ - ۴۲ - ۴۳ |
| | و اختیارات و لزوم اطاعت | ۵۷ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۵ - ۱۲۸ |
| | از قرارهای آنها | ۱۲۹ - ۱۳۱ - ۱۷۰ - ۱۷۱ - ۱۷۳ |
| | | ۱۹۱ - ۱۹۲ - ۱۹۹ - ۲۰۵ - ۲۰۸ |
| | | ۲۲۲ - ۲۲۷ - ۲۲۹ - ۲۳۷ |
| | | ۲۳۹ - ۲۴۶ - ۱۷۱ - ۲۷۲ |
| | | ۳۱۳ - ۳۱۶ |

| شماره مطالب | موضوع | شماره صفحات |
|----------------|--|--------------------------|
| ۶۰ | مجلس اقتصاد | ۱۵۶ |
| ۶۱ | مدرسین بنین و نبات طهران | ۳۱۹ - ۳۲۰ - ۳۲۱ |
| ۶۲ | مسافرت اجبائی خارج بایران و وظیفه اجبائی ایران | ۱۵۲ - ۱۵۳ |
| ۶۳ | مسافرت و هجرت حضرت ولی امرتّه و والگذاری اداره امور امرتّه بحضرت ورقه علیا | ۲۰ - ۲۱ |
| ۶۴ | شغل حضرت ولی امرتّه و کثرت آنها بواسطه اتساع دائره امرتّه عالم | ۹۹ - ۱۰۰ - ۲۷۰ - ۲۷۱ |
| ۶۵ | ملکه رومانیای (مارمی) و توجه ایشان بامر الله | ۲۹۳ تا ۲۹۵ ۳۰۵ تا ۳۰۸ |
| ۶۶ | میس مارثاروت و خدمات شأرا آنها بامر اللهی | ۲۹۲ - ۲۹۳ ۳۰۰ - ۳۰۱ |
| | | ۳۰۵ |

| شماره مطالب | موضوع | شماره صفحات |
|-------------|--------------------------------------|-----------------------------|
| | حرف ن | |
| ۶۷ | نجات عالم از وضعیت استفاک | ۵۵ تا ۶۰ - ۶۱ - ۶۵ |
| | فصلی ممکن نیست مگر با پیروی از تعلیم | ۶۶ - ۱۰۷ - ۱۰۸ - ۱۴۴ تا ۱۴۶ |
| | آلهی، بهائیان باید با عمل تعلیم | ۲۰۶ - ۲۰۷ - ۲۲۷ - ۲۲۸ |
| | آلهی با بابل عالم عرضه دارند | ۲۵۳ - ۲۵۴ - ۲۵۵ |
| ۶۸ | نشر نفحات الله و تقدم | ۲ - ۷ - ۱۴ - ۱۷ - ۱۸ |
| | آن بربر کار و نحوه بیان | ۲۳ - ۲۴ - ۲۷ - ۴۷ |
| | | ۴۸ - ۵۷ - ۵۹ - ۶۰ |
| | | ۷۵ - ۷۶ - ۸۳ تا ۸۵ |
| | | ۹۳ - ۱۱۹ - ۱۲۴ تا |
| | | ۱۲۷ - ۱۳۹ - ۱۴۶ |
| | | ۱۶۰ - ۱۶۴ تا - ۱۶۷ |
| | | ۲۰۱ - ۲۱۱ - ۳۱۲ |
| | | ۳۱۸ |

| شماره مطالب | موضوع | شماره و صفحات |
|----------------|--|---------------|
| | حرف هـ | |
| ۶۹ | هندوستان و مستعده بودن آن برای نشر نفحات | ۱۷ - ۱۸ |
| | حرف و | |
| ۷۰ | وظیفه اهل کلبا بعد از صعود حضرت عبدالبها | ۱ - ۲ |
| | حرف ی | |
| ۷۱ | نیچا جته جامعه عالم - امریه و جامعه بهائی است | ۲۶ |

اولین توقع مبارک حضرت ولی امر الله ارواحا فداء
 طهران بواسطه عضای محترمه محفل مقدس روحانی حجابی الهی روحی لیم لعداء ملاحظه فرمایند
 بموالله

احبابی حقیقی جانفشان حضرت عبدالبهادر را چه بودیت استانش سیم و شریکم ده
 این مصیبت جانور یعنی فرقت و حسرت جل بمشایش برآنی مونس و ندیم .
 هر چند میل شری مولای خونان از دیده عنصری متواری گشت ولی چون حجاب
 و جشمس مرتفع شد اشراق تأیید اش قوتیر چون صومون و حمایتش اکل و شدید تر
 از قبل خواهد بود . حال باید بگویی تقویه خلافت کلماتش نظر نمایم و غنایماید
 خفیه اش شویم . وعده های صریح که از فم اطهر و قلم مبارکش صادر گشته بیاوریم
 و بنهایت جدیت و شور و طمینان و حکمت و توجه و محویت و انقطاع و همت
 و ثبات قدم بمیدان خدمت گذاریم . حصصین امر الله را محافظه کنیم و تعلیم
 جانپور و شش را تعظیم و ترویج دهیم . امید و طمید این بنده شرمزده آن است
 که بعون و تأیید حضرت عبدالبهادر روحی لرمه الاطراف فداء و بار اذعیه اجایش
 که از قلوب محترمه ضافیه منیرشان صدارت موفق بخدمتی گردد تا کسب استعداد
 و قابلیت این عنایات مبذوله را نماید و بتعاون و تعاوض پاران و مشورت و دستا

و صلاح دید بیت عدل عمومی که بعض قاطع مرجع کل امور است موفق باجری
نصایح مبارکه شود. از یاران با وفایش لازماً سید محم که دعا نمایند تا بر این
عزم ثابت مانم تا انشاء الله بفرموده مبارک این نهال ضعیف نالایق قوتی یابد
و کس استحقاق نماید و ثمر رسد و باین جهت علت سرور و فرح قلوب یاران
آزادی خرمندت امرش نداشته و نخواهم داشت انشاء الله بعونه و هدایت
بمشورت عامله مقدسه و حضرات افنان در ارض مقصود بحسن و وجه مرتب و منظم
خواهد گشت و تمهیدات لازمه کامله از برای انتخاب و تأسیس بیت عدل عمومی
پس از مشورت و وقت تمام ابلاغ بیارن خواهد شد آن وقت کل طابین
بدایت و مطمئنین تأییداته قیام خواهیم نمود و بقوه ملکوتیش متحداً متفقاً امر
را از هجوم اعدا حفظ خواهیم کرد و وحدت بهائی را محافظه خواهیم نمود روابط
دین مراکز امریه را مستحکم خواهیم داشت و بر ترویج تبلیغ در شرق و غرب عالم
الی صین المات خواهیم کوشید. تا عاقبت در ملکوت ابھی با جود ثواب
عظیم نائل گردیم و نعمت فوز بقایش فائز شویم. حقوق یا الهی آمل ارتقا کت
المتحرین لفرانک بر حمتک و فضلک. بنده استانش شوقی ربانی

۲- دران اعضای محترمه محل مقدس روحانی روحیه ما هم ملاحظه نمایند

برائت

اجتای مخلص جان بنش حضرت عید البها، و برادران روحانی این مبنه
 شرمند درگاهش را در این جوار سه روزه مقدسه نوراً، صبر و سکون قرا
 در این مصیبت جانسوز و خط و حراست الهیه و تأییدات قویه غیبیه ملکوتیه
 و هدایت رحمانیه برانی مطمئن و طالبیم که آن هیأت عزیزه محترمه را برابر برای رضا
 خویش در آن اسلیم مبارک موفق گردانند و بر محافظه امرش و تقسیم نصرت
 دین منش مؤید فرماید امید و هدیه مان بر یک آن است که برومی جدید و
 نفسی بدیع مسووث فرماید. ابواب خدمت را بر وجهان گشاید برسی
 و کوشش و غیبتان بخزاید. در سبیل خدمت و تسکیری نماید و تأییدتش را
 شامل گردانند تا بر اجرای این خدمت و طی این سبیل موفق گردیم و از
 بندگان با وفاش محسوب شویم. حق علیم شاهد کل تجارح و اراکام گوید
 که این بنده ضعیف لا زال در ایام مبارک علی الخصوص در این سنوات خیره
 خود را مستعد هیچ گونه خدمتی بلکه قابل ادنی عنایات مولای حسونم
 نمیدیدم چه رسد بحجه تاج موہبتی و مقام رفیعی که آن عضویت مقدس مرجع

کل امور بیت العدل عمومی الهی است که من دون استحقاق غایت فرموده
ولی یقین دارم اگر چنانچه در افکار و اقوال و رفتارم ادنی آنچه الهی از رضای
مبارکش و تجافزی از آنچه اراده مبرمه اش است حاصل نشود و از شوون و مقام
تویق و تعطیلی در شمول نایده اش واقع نگردد این مرده پریشان ناتوان را خلق
جدید نسازد. اطمینان بخشد و قوه ملکوتی غایت فرماید.

چه خوش بود اگر چندی اوقات را تنها در نهایت فراغت و آرامی و توجه و تقاطع
از هر شائی از شوون دنیا در جوار سه تبعه نوراء ایام و یالیم را بتضرع و زاری
میگذراندم و در روز بروز خود را فارغتر و مجتهدتر میخوادم تا آنکه آن محویت صرفه
و روحانیت الهی در تبسم بر تو افتد و استحقاق قیام بر ایفاء همچه وظیفه مقدسی
حاصل شود ولی قلباً مطمئنم که نفس قیام برواجبات مهمه امریه جلب تأیید را
نماید و روح جدید غایت فرماید و چون تکلیف شدیم آن است که افکار را
حصر نموده تمام قوی و مشورت اجابت و جهاد الیه و مستنداً علیه تمهیدات
مهمه لازم از برای تشکیل آن مرجعی که در مستقبل حلال مشکلات و وضع احکام
و شرائع غیر منصوصه و مبسوتین امور مبهمه است حتی المقدور فراهم آرد لذا
از یاران با وفای جانفشان حضرت عبدالمجید در تمام نقاط امریه در ایران

بواسطه اعضای محترمه این انجمن مرکزی است که عبادتگاه ما این مرجع
 تشکیل و تأسیس گشته امور اجتماعاً و مجتمعا در هر طبقه ملی از بلدان راجع
 به محفل روحانی خصوصی آن شهر گردد و اعضای این هیأت بحمل مشورت و نهایت
 توجیه و تحریک و انقباض و هوی تشکک نمایند و آنچه را که اراده مبارک و در آن
 دانند مجری دارند و اگر چه در هر طبقه ملی از بلدان بیان آید اعضای انجمن
 آن شهر بالاتفاق او با اکثریت آراء صلاح دانسته محفل روحانی مرکزی اعلیٰ
 که در طهران است مراجعه نمایند و همچنین در اموری که محفل خصوصی
 بلدان در آن مختلف الرأی گردند آنرا هم محفل مرکزی طهران نمایند.
 و هر چه را که این مرکز اجرا نتواند صلاح دانند با عرض مقصود و باین عبدنا لایق
 اطلاع دهند تا در نهایت خلوص و توجیه هدایت مبارک و اراده مقدس را
 طالب شوم و آنچه را که مروج مصالح امریه و جالب تأییدات الهیه است
 معلوم و مجری گردد.

جماعت مدح جل اسم الله اعظم می فرماید خیمه نظم عالم بدو ستون قائم
 و برپا مشورت و شفقت و حضرت عبدالباقی در لوحی از الواح باین
 بیان ناطق از مشورت مقصود آن است که آراء نفوس متعدده بسته

بهتر از رای واحد است نظیر قوت نفوس کثیره البته عظم از قوت شخص واحد است
 لهذا شور مقبول گاه بکریاد و شور و آن از امور عادی و شخصی گرفته تا امور کلیه عمومیه مثلاً
 شخصی کاری در پیش البته اگر بعضی خوان شود که بخوری و شغایه و نواقی که حقیقت
 حال واضح و آشکار شود و همچنین با فوق آن اگر اهل قریه بی محبت امور
 خویش با یکدیگر مشورت نمایند البته طریق صواب نمودار شود و همچنین هر صنف از
 اراصاف مثلاً اهل صنعت در امور خویش با یکدیگر مشورت نمایند و تجار در
 مسائل تجاریه مشورت کنند خلاصه شور معتبر و محبوب در هر خصوص و امور
 الی حسب بینه الاصلی لذا نظام عالم بهائی و ترتیب تمشیت امور امریه
 من دون تأخیر و در نهایت اتقان متوقف بر آن است که محافل روحانی بقدر
 امکان در تمام امور امریه راجع باشند و جمیع اجابت‌الکره و مشاوره نمایند
 و ترتیب و قرار دهند و تمام امور را که متعلق با تسلیم ایران است بمجلس مرکزی
 آن تسلیم مراجعه نمایند و آنچه را که آن مرکز صلاح داند و مشورت با اراض
 اقدس را لازم و واجب شمرد فوراً فحایره نماید و چون بیت العدل عمومی تأیید
 شود آنچه مستلزم دهن من عند الله است و تحت حیانت و عصمت و حرمت
 جمال ابعی . امور باین نحو مرتباً سرعاً تکملاً مجری گردد و مدت بهائی

مخفوظ ماند و ارتباط محفل روحانی بسکندر حکم تر و شدید تر شود و آنچه از محفل
و کمیته های متنوعه از برای حفظ و ترویج امر الله در بین احب و دشمنی پنهان
کرد و کل باید در ظل محفل روحانی آن بلند باشد اطاعت آنرا نماید و بر حسب
دستور العمل محفل روحانی حرکت نماید مرجع و مخاطب محفل روحانی باشد
نه سایر محافل خصوصی احب .

ولی آنچه الزم و واجب و اعظم است تبلیغ امر الله است و تولید آن روح
و ذوق و شوق ترویج کلمه الله در قلوب افراد احب . بقدر امکان نظرها
باید از ترتیب و تنظیم امور داخله احب با تساع دائره امر و انتشار نفحات الله
در بین سایرین متوجه نمود و قائل و خبریات امور را تا حدی ترک نمود و در مقام
امور که ارتفاع صیت امر و حفظ حصن حصین شریعه الله است و تحسین
اخلاق افراد شبر است کوشید تا لطمه ای بر امر الله وارد نگردد و بلیات
و شهادت حضرت رب اعلی و اسیری و زندانی جمال قدم و بلیات قیاب
بر حضرت عبد البهسا و دم الهی شهید ابد نرود و وعده های صریحه منزله از
قلم میشتاق تحقق یابد . قوله الأعلی « این محبوبت عظمی و این منجبت
کبری حال اساش بسید شهادت الهیه در عالم امکان در نهایت قنات

بنیان و بنیاد یافت و بتدریج آنچه در هویت ذورقدس است ظاهر و آشکار
گردد الآن بدایت انبات است و آغاز ظهور آیات بنیات در آخرین قرن
و عصر معلوم و واضح گردد که چه بسیار روحانی بود و چه موهبت آسمانی ،،
اینا الله جمیعین علی بشت تعالیمه فی کل الاقطار و حفظ حصن امره من شر الاعداء
و التوجه الیه والاستعانة منه فی کل الاحوال .

نسخه ای از مکتوب عمومی بسان انگلیزی که بمجموع دوستان حضرت عبدالبهاء
در تفصیل ایام اخیر مبارک و وقوعات ارض مقصود بعد از صعود و مناجرات
و مراسلات و مقالات جرائد راجع باین مصیبت عظمی و نصائح الهیه و بشارت
رحمانیه که در مستقبل ایام تحقق خواهد یافت بمشورت و مساعدت الهه الهه لیدی
بلا مفید ستاره خانم که حال در ارض اقدس مقیم است نگاشته شده نزد
جناب آقا میرزا عبدالحمید خان نخل جناب آقا میرزا محمد باقر خان ارسال شد
تا ترجمه نموده محضر انتسابین احب نزد محفل روحانی طهران ارسال دارند .

بنده استانش شوقی ۱۵ شباط

۳- بواسطه جناب آقا میرزا محسنود زرقانی

اعضای محترمه محفل روحانی مبسوطی روحی لهم الفداء ملاحظه فرمایند
هو الله

روحی در حستی فداء آجتبه عبدالهبا، ربّ علیم شابد و واقف است که در
این رزیه کسب می که جهان امکان و قلوب یاران را ظلمانی نموده و رقات
مقدسات و این عبد فانی کلاً در هرانی بیاد دوستان آن سامان بوده و ستم
و در احیان شرف باستان مقدّش روحی جدید و تأییدی شدید از ملکوت
غیب سائل و آملیم. این عبد از شدت مشاغل و هجوم افکار و غلبه احزان
در این ایام فرصت نگارش نامه ای علیحده با حجب ای اندیاز نماید و نفس حجاب
واقف و آگاهند که این مسئولیت عظمی که من دون استحقاق بر شانه این
ناتوان گذارده شده چگونه مشاغل فکریه را زیاده نموده که حتی فرصت نگارش
منفقود. از جہتی تهیه تمهیدات کافیّه لازم از برای احب ای و صیایای مقدّ
حضرت عبدالبهاء و از جہتی دیگر خدمت و پذیرائی حضرات مسافری که
حال از ایران و اروپا و هند و امریک در ارض اقدس مجتمعند از طرفی دفع
شرناقصین محمد آتی و تنظیم و ترتیب امور امریه در این ارض و حل مشکلات

مقتضای مستعد و جواب اساسی از نفوس غارجه که ازین صعود طلعت
 پیمان بجهان پنهان طالب دانش تعلیم امریه گشته اند از طرفی دیگر معاودت
 و مساعدۀ بعضی از اجبای که از نقاط مختلفه ارض کمال شور و همت قصد تأسیس
 مرکزی امری نموده اند و ترجمه الواح لازمۀ محتمله که از ملک پیمان اخیراً نازل و بجهت
 ارسال گشته کل این امور انجام و اتمامش مشروط بشمول تأییدات خفیه متابعه
 الهیه است و منوط و موکول بآدمیه اجبای الهی است که از قلوب صافیه
 منیره شان منبعث است و الا این شبه ذیل و عید حقیر چه تواند وجه استعدادی
 دارد که بامری از این امور کما ینسبغی پردازد .

از اجبای الهی در هر دیار هستند حایم چنین است که علی العجله الی صین تائیس
 مربع کل امور بیت العدل عمومی الهی امورا حب منفرداً و مجتمعاً در نقطه
 از نقاط هند و بر ما راجع محفل روحانی آن مدینه یا قریه گردد و اگر چنانچه
 امر محتملی که راجع بمصلح امریه در مقام هندوستان است در نقطه ای از نقاط
 بمیان آید بمصلح دید و تصویب اعضای محفل روحانی آن نقطه راجع بهیت
 تفهیمیه کنونشن است ایانه اجبای هندوستان شود و آنچه را این بهیت
 قرار دهد و صلاح داند بارض اقدس رجوع نماید . چون چنین شود امور مرتبه

و منظم شود و اختلاف بین این سه ادو محافل رفع شود و در شیت امور تاریخی
حاصل گردد چه که در مستقبل آیام امر الله چنان آتساعی یابد که رتق و قس امور در
در دست یک شخص ممکن نشود و امور متوق و معطل ماند.

از اعضا، محترمه محفل روحانی بمسئله نیز استاده عا دارم که بیاتی را مخصوص
تعیین نمایند و با سرعت مایکن عدد اسامی مؤمنین و مومنات را در هر نقطه
از نقاط هند و بر ما علیحدہ تعین ثبت نمایند و بواسطه محفل روحانی بمسئله
بأرض مقصود ارسال دارند چه که بسیار لازم است ولی بنحوی تعین گردد
که برودت و اغیراری بین اجبا و مبتدئین حاصل نشود و ادنی ضرری بامر الله
وارد نگردد.

رجای اخیرم آن است که در مراسلات و مذاکرات اجبای الهی جز
بشوقی آفندی مرا مخاطب نسازند فخر و مبایات این عبد باین نام است
و بس چه که از فم طهر صادر میشت و در نظرم از هر گونه اسم و لقبی عزیز تر و
و شیرین تر و شریف تر است و همچنین احترامات فائده و تعظیم و تکریم از هر
قبیل مخالف و مباین حال و تمنای این عبد است. نظر برادرانه نمایند این
نظر را در اعمال و اقوالشان نسبت باین فانی ابراز و اظهار نمایند چه که

از برای حال روحانی این عبد بتر است و از برای ترقیات در محوالم مغنویه
 اوفق و انب .

بمنع مرسله اجبای لمبئی و اصل و نیت این عبد چنان است که بالتلیا به
 از حبسای جانفشان آن قلمیم قسم موفوری از آن صرف ترین و تحسین
 مقام مقدس مظهر حضرت عبدالمجید اگر کرد .

از آندوستان و برادران حقیقی روحانیم تنها و استیلایم همواره آن است
 که دعا نمایند و تضرع و استجبال بدگاه غنی متعال کنند که این عبد را
 مؤید فتنه ماید بر آنچه رضای مقدس اوست و علت سرور و جهور و نشاط
 و انبساط احبب الله است . بنده استانش شوقی

شباط ۱۹۲۲

۴- بواسطه حبیب روحانی بنده مقرب دهگاه الهی جناب آقا شاه خلیل الله فارانی

علیه بھاء الله

اجتبابی الهی و اما، الرحمن برادران و خواهران روحانی در فاران و تبریز و ام القری و سایر نقاط خراسان روحی ناشتعالهم الغداء ملاحظه نمایند

هوالمستی آنناظرالعلیم

جیبان عبدالبها و راسخین بر میثاق بھار در این بید فراق حجران کز عهد تیر آفاق صبر و شکیبائی و نیست حقیقی اتحاد و یگانگی صمیمی و ثبوت و رسوخ شدیدی در امر الهی در این جوار سه روضه مقدسه نوراء همواره مستلیم و از صمیم فؤاد آن یاران پر شور و دله خطه مبارکه بادیه معطره خراسان را که در فجر ظهور و ایام جمال موعود و دوره مرکز میثاق رب و دود بخند ماتی شایان مفتوح شده قدمای حبش مورد الطاف مخصوصه صادره از مصدر اعلائی و با اثر قلم جمال بھمی و کلک میثاق گشته اند مستقبلی با هر فتوحاتی چون شمس ظاهر در میدان امر الله ملتمس و طالبیم .

و عینایت نخل و منفصل کلم که غموم و احزان و تاثرات شدید و بارگرا نین مسوئیت عظمی و کثرت و تنوع مشغل و تراکم مشکلات مانع گشته که با نمایندگان

آن مجوزان و مسافرین و مسافرات غریزان تسلیم نمودند و در ارم محاسب
و مؤانست بنام و بر احوال و گزارشات و اقدامات و خدمات امریه آن کمیته
واقف و متحضر گردم.

شبهه ای نبوده و نیست که جذب و اشتغال و توجیه و سعی و محنت مجلس مدون
آن سامان و خدمات گذشته و حاضره شان بعبث به سامیه جلب تأیید
الهی و هدایت ربانی را نخواهد نمود. حصن میثاق جمال ابھی را می فطه
خواهند کرد و در تألیف قلوب و ارتباط نفوس با حق و مؤید خواهند شد
و بیسیلغ امر جانپوش منقطعاً عما سوی الله قیام نموده ناروقده الهیه را
در صفحات متجاوره شعده و خواهند فرمود.

و اعظم و بهترین وسیله در این ایام آن است که در هر نقطه از نقاط
ایالت خراسان که عده مؤمنین از نه (۹) تجاوز نموده باشد محفل روحانی پیا
گردد و در نهایت روحانیت انتخاب شود و کل امور روحانی اجبا و مطالب
امریه منفرداً او مجتمعاً بآن محفل مقدس رجوع شود تا با اتحاد و یابا کثرت آراء
قرار و ترتیبی داده شود و اگر چنانچه در نقطه ای از این نقاط بصواب و بدید اجبا
تأسیس انجمنهای متفترقه امریه لازم گردد انتخاب و تمشیت این انجمنها

محول باعضای محفل روحانی آن نقطه است کُل باید در ظل محفل مقدس
روحانی باشند و مَسْئول بآن مطیع و متقاد هر قانون و نظامی که محفل
روحانی وضع نماید و ترتیب دهد اگر چنان شود اُمور مرتب گردد و خلل و تاخیر
و اختلافی در مشیت و اجرای اُمور اُمَرِیه حاصل نشود و الا وحدت بهائی مخلوط
نماند و اختلاف آراء مادم بینان آئنی گردد. بجدی اهمیت و مرکزیت
محفل روحانی را مرکز میثاق جمال ابھی حضرت عبدالبها تقویت نموده
و نمایان فرموده که حتی لوح مبارک اشراقات را که یکی از اجزای مصر
بسان عربی ترجمه نموده و باثر کلک میثاق تصحیح و تعدیل گشته طبع و نشر
آن ترجمه را مشروط و موقوف بتجویب محفل روحانی مدینه قاهره نموده اند
و محفل روحانی باید اطلاعی عمومی بر اقدامات و خدمات تمام انجمنهای
متسلطه در طلبش داشته باشد چه که محفل روحانی بوجه منی طلب و مرجع
و مرکز امور در مخبرات ارض اقدس و سایر مراکز اُمَرِیه در عالم خواهد بود
اجبا باید متوجه به محفل روحانی مدینه و یا قریه خود باشند. خدمت بآن نایند و طرذاً
بر ترتیب و نظامی که در آن محفل با کثرت آراء وضع شده بنمایند. تعاون و تضام
اجبا و ارتباطشان بیک مرکز و تألیف و اتحاد حقیقی صمیمی قلوب و نفوس

از لوازم ضروریه ترویج امر الله است در این ایام
 ورجای شدید و امید و طیدم از اجبای الهی است که هرگونه اسم و لقبی نام نشانی
 و نعت و ستمی را بتنبیه باین عبد ذلیل استانتش از نظر محو سازند بلکه فراموش نمایند
 و خبر شوقی افندی چه کتابچه شفا یا مخاطب سازند چه که این نام نامی است که
 که از لسان بر ملاوت مولای خونم جاری میگشت و فخر و فرح و مباهاتم در این نام است
 و بس. احترامات فائده و تعظیم و تکریم مفوظ را کن گذارند و در عبودیت عتبه
 مقدسه اش این عبد را برادر و سیم خود دانند و آنچه را تصنیف و نظم نمایند در
 نعت و اوصاف مبارکش باشد. شرح فرقتش نمایند و ذکر ایام خیره مبارک
 و صعودش بر فتنه اعلی باشد. این مناسب است و مآدون آن مورش غزن و
 کدر این فانی.

در این جوار پر انوار عنایات پروردگار را از برای آن شفیقان روی دلجویش
 در بر آن دومی مستدعی و سائلم.

حفظکم به فی حصن جمایت و دو قالم من کل شر و بلاء و مکر و ده. بنده استانتش شوقی

بواسطه زائرانستان مقدس

جنابان مسرور دیار و بهرام و ایران دامت الله سرور عظیم الهی و لاهی عطا خطه فرمایند
ایران و هندوستان بندگان صادق و مخلص مال الهی
پارسیان مهربان و سایر اجداد الله و اماء الرحمن روحی مجتسم العدا عطا خطه فرمایند
هو الله

منا دین انریسه آفاق و اشفاقان روی و لجوی و بر میشتاق از ملکوت
غیب در این ایام حرمان و محبت ان تائیدات متابعه و نقاش قدسیه و
تسلیتی آئیه رجاء است عامی نمایم تا هر یک با قلبی تسبیح و قدیمی ثابت و زبانی
ناطق و روحی مطمئن و توحشی کامل در میدان تبلیغ جولانی نمایند و به تمام قوی
تا نفس اسیر و کافا بر مصلحتش نموده در جهان الهی متکا مظهر با جبر و ثوابی خریل
که نعمت فوز بقایش باشد فائز و مرزوق گردند .

خطه هندوستان چه از حیث اتساع و اقد میت تاریخ و تمدن و چه از حیث اخلاق
مشارب و تنوع ادیان و تعداد اجناس و استعداد نفوس میدانی است حاشی
و وسیع از برای ترویج کلمه الله و ارتفاع علم بسین دین الله علی الخصوص در
سنوات اخیره مورد عنایت مخصوصه مرکز میشتاق بوده و بوعده های گوناگون

شاده امیدوار گشته حال که تأییدات خفیه ششیش از پیش داشتند پیش
شامل اجبای ثابت در انحراف خواهد گشت امید چنان است که سعی و محنت موفور
اجباء و اتحاد و یگانگی و تعاون و تعاضدشان در امر الهی سبب گردد که این
قدیمه جامع بر ثروت و وسعت از نار موقده الهیه شعله زند و اقالم متجاوره را
در شرق اقصی مهتر و نورانی نماید .

از لطاف الهیه امید دارم که مبتلین کاملی که متصف بصفات رحمانیه هستند
در آن تسلیم مبعوث گشته ندای جانفرانی امر الله را بدلائلی قاطعه و بیانی
نافذ گوشزد قریب و بعید نمایند و وعده های صریحه و بشارات آئیه امریه را
از خیر غیب بخیبر نشود آورند . و لکن آنچه الآن از الزم لوازم و اہم امور است
صیانت حصن حصین امر الهی و اتحاد و ایتلاف و امتزاج حقیقی صمیمی قلبی
اجباء الله است . تائیس محافل روحانی است و تشدید رابطہ مشورت در
امری از امور . نشر نفحات است و تقسیم و ازدیاد مرسله و مخابره با تمام نقاط
امریه عالم . مراعات حکمت است و ترویج و اعلان تعالیم اساسیہ دین
توجه تام است و استعانة را سادون واسطه از مصدر تائید یعنی جمال
ابھی و حضرت عبدالبہاء روحی المرقد هما الفداء . تعلیم معارف است

وسی و استقام در مصالح عمومی و منافع خیریه . اگر چنین شود عالم امکان
 با اثر تعالیم خصال قدم و همت یاران جانفشان حضرت عبدالمجید از
 ظلمات تعصب و جنگ و جدال و حقد و بغض و رانی یافته بنور الهی
 منور و سعادت ابدیه فائز خواهد شد .

در این جوار رفیعین لوا و امرالله را در آن خطه مستعده فتوحاتی کلیه و نجای
 بابر طالب و اعلم و مسواره قنطر و مترصد در ور نسیم جانپس و راز ریش
 قلوب دوستان انسانان .

بنده آستانش شوقی

مارج

۱۹۲۲

هو الله

۶- این عبد پس از واقعه مؤلمه مصیبت عظمی صعد حضرت عبد بها بملکوت
 ابھی بجدی مستلا و دچار خدمات اعدای امرالله و غزن و الم گشته ام کہ
 وجودم را در اسپحو و قتی و در چنین محیطی منافی ایغای و طائف و تہمہ تعدیہ
 خویش می شمرم لہذا چندی ناچار امور امریہ چہ داخل و چہ خارج را بعمدہ
 عاملہ تعدیہ مبارکہ بریاست حضرت در قہ علیار وحی لہا الفداء میگذازم
 تا بخدمتہ تعالی کسب صحت و قوت و طہیسان و نشاط روحانی نموده بخو
 دنخواہ و مراحم رشتہ خدماتم را کاملاً مرتباً بدست گرفته بمبستی آرزو و آل
 روحانیتہ ام فائز و نائل گردم

بندہ ہستانش شوقی

آپرل

سنہ ۱۹۲۲

۷- نمونه‌ای مخصوص است که از برای حبس‌ی آتشی و اما، الرحمن ایران و قفقازیا

ترکستان

بواسطه اعضای محترمه محفل روحانی طهران نگاشته شد
 احبای آتشی و اما، الرحمن در ایران و قفقازیا و ترکستان و هندوستان
 و تسلیم مصر و سایر صفحات شرق طه ملاحظه نمایند

بهوالا بھمی

ای حبیبان عبدالهبا، روحی لمحببتکم العزاء، بر چند پس از صعود رب عزیز
 و افول کواکب میثاق تقدیرات آئینه مدتی علم توفیق تعطیل در جریان امور
 امریه نمود و طیور لیل را جری و جسور کرد ولی از توجهات و تعطیلات کن مولای
 حافظ و حارسان امید و طبع چنان است که این تسکین را همچنان و فورانی
 شدید در پی باشد و دوری و مجوری این عجب نیست به اشکب قوه و استعدادی
 جدید در ایفای وظائف مهمه متعده خوش گردد و اهل نقص و فتور را دیگر
 شائبه‌ای از امید و طمینان در تفریق جمع اهل هب انگذارد.

بجده الله میرهن و عیان گشت که همواره غیبی مقتدرش بی ناصر و طهر و حافظ
 علم همین را محافظه نماید و اثبات کلمات تا ماتش را کند و آنچه را صیرر نماید

فرموده چه از احقاق امر الله و چه از از افاق و تشیت مثل معتدین برای این
ظاہر و آشکار سازد و هیچ شبهه ای نبوده و نیست که اساس این امرستین
ورزین است و در دوش مستمدا از حقیت سیر و عاشقان بحیث و حسابش
کل ثابت و جان نشار . ولی اہل ہوس و ارباب را لکان ست چنین
بود کہ وقایت و حیانت حصن امر الله منوط بسعی و کوشش نفسی از نفوس بُو
و یا مشروط بوجود و ترویج اسباب ظاہرہ ہیہات ہیہات غاہم نظیون
حال کہ در میدان متروک جولانی نموده ظن موبہوشان بقینتی تلمحہ از
از ہر تبدل گشت و اقدامات و مساعی محمداً شان بپیشانی و غمورت و کثرت
تجول گردید . سربیان کہ در وصایای مبارکہ مسطور « و سوف ترا ہم ہم
واعوا خلفم سرّاً و جہاراً فی خسران مبین » بر ہر ذی بصری کشوف و پدیدار
و چون حقیقت این فقرہ قہریہ از وصایای مبارکہ کا تشریفی
رابعہ انفار و افصح گشت و وعدہ های محکمہ تحقق یافت وقت آن است کہ
باروحی پر فتوح و قلبی مستبشر و قدمی ثابت و جذبی بدیع و استمدادی جدید
بر حسب اتمام و اکمال وظائف و لوازم ضروریہ حیات امریہ مان ہر یک
کامیابی و یسق قیام نماید تا فقرات اخری و بشارات امنع ابھی کہ در کان

در قدمه فدا، بجهان صراحت و وضوح تا لیکد شسته من دون تاخیر تا محاسبه
 گردد و آوازه امرائی پس از آنکه هر سادی عنود و جسور را خاموش نموده خاور و باختر
 را با تهنیت از آرد. و چون بغرض مستین قدم اول در میدان امران گذاریم و مقصد
 تحقق وعده های روح افزایش کردیم این مبادی اساسیه و شرایط ضروری را
 باید آورده در حبه ای هر یک من دون ادنی اهمالی و تمام قوی کوششیم.
 شرط اول محافظه حصن حصین امران است و آن خبر غیبت است کامله و بی شک
 و بیداری و نظرد بر در محو اقبامور و اعتدال و حکمت در ترویج امر بها
 و عدم تداخل در امور سیاسیه و صدق و شستی با کمال دل و مل عالم تحقق
 نپذیرد باید کمال بیدار باشیم ولی نه متجاسر حقائق امریه را بدلیل و برهان و ثبات
 و زانیت و عزت و وقار نظمها را داریم ولی در حین اثبات و اقناع احواح
 و اصرار و مجادله ننماییم. میفرماید: اگر مقبول نیست مقصود حاصل و الا
 تعرض باطل. از هجوم اعداء و شبهات اهل ریب و اعتراضات متعصبه
 بر امران و محمول و کسالت را بخود راه ندانیم و ایرایس و قنوط نشویم بلکه همواره
 بیدار و مترصد اینگونه صدمات و لطامات گردیم. هر چه راست و منجبت از
 انحراف نفسیه دانسته اعتنا ننموده در ذریعهم فی خوضهم یلعیون. را

حاصل گردیم و آنچه را بسنی بر تحریری حقیقت یا قیتم بدلیلی قطعی و بسانی علی
 در نهایت ادب و استغنا جواب هر یک را دهیم و صراط مستقیم را بر هر غفل
 مرتابی کشف سازیم . با جمیع ادیان بروج و در میان معاشرت نمایم و با
 ملل و فرق مختلفه بر یکت مخالطه و مکالمه نمایم و با هر طبقه ای از طبقات نفوس
 خود را محسوس سازیم . ولی زنهار زلف را که گرگ خوشخوار در صف اغنام الهی
 راه یابد و محرت بنیان در جبهه اهل بهادار داخل شود و ابرص مقیم به کل سلیم امر
 تقرب یابد . اگر این دو عالم محکم که معاشرت و الفت و محبت با ابر
 از تمام اهل عالم و محاببت اشرار و اغیار است کاملاً متاد یا محمول گردد چند
 نگذرد که ندای جانفرای امر محبا هر مستمع بشنود در از تمام طبقات و انشا
 اهل عالم جذب نموده هدایت نماید و این خود نموده امر الله از آفت اغیار و
 خلل خارج محفوظ و مصون ماند و چون امر الله از نار شبهات اعدا و تعرضات
 اشرار و لطامات اغیار محفوظ گردد شرط ثانی اتحاد و الفت متممین است
 یعنی حفظ وحدت جمع اهل محبا ، و سعی و کوشش در ایجاد و حفظ و تشدید
 روابط و هانیه که شرق و غرب و جنوب و شمال عالم بهائی را یکدیگر چون
 اعضا و جوارح یک تن مرتبط و متحد و مساعد و طلب یکدیگر می سازد .

الیوم در عالم وجود هیچ قوه‌ای و هیچ ندائی تا بحال مذاهب و طبقات و
 افراب و اجناس متنوعه عالم را یکدیگر گمراهی بنی الفت و اتحاد حقیقی
 دائمی نداده. ادیان عالم دور و غافل از حقیقت و اُس اساس یکدیگرند
 و مذاهب مختلفه در هر یک مستباحض و متعدی یکدیگر. دول عالم و ارباب
 سیاست تا امروز دو قطعه حسیه شرق و غرب را یکدیگر گمراهیام بلکه مصاحبه
 نداده که سهل است در اکثر دول عالم و امپراطوریهها اجناس مختلفه کوس
 استقلال زنند و فصل تحسنی طلبند. نیزان تعصب عصبی بر قوای سیاست
 غلبه نموده و بر اختلافات عالم شرافت نهوده.

و همچنین تعصب اقتصادی عربی بل حتم غفیری الیوم جنگ و جدال
 بین جمهور سرمایه داران و جمهور رنجبران کل ملل عالم جویند و این تعصب
 اقتصادی حال مجدی نارش التهاب یافته که حسی بروصحت و شعور جمعی
 غلبه نموده و اکثر دول متقدمه و شعب متقدمه راقیه عالم که در حیث سان و تاریخ
 و مشرب و دین و حکومت و سیاست یک رنگ و متحد الما کند هر یک در
 تفریق و تشیت امت متحده خود لو شدند.

و همچنین تعصب وطنی، سیاسی تمام این قوی و تعصبات الیوم در عرض

توحید و تالیف قلوب نوع شبر بر جدال و اختلافات داخله اش می افزاید
 عالم وجود تشنه یک قوه قاهره جامعه ای است که دایان و
 مذاهب قدیمه و شعب و اجناس متباینه و حکومت و دول متحاربه و طبقات
 متباغضه را بیکدیگر طوعاً و قلاً مصالحه و امتزاج دهد چه قوه ای ؟
 مگر قوه قاهره تعالیم بجهان استیام و امتزاج را فراهم آورد روش
 صلال مشکلات است و سطوش مسلط بر هر شکستی در عالم وجود .

و این جهت جامعه که جوهر این امر مبارک است و کافل حفظ وحدت جمع
 اهل کعبه است نفوذ و تأثیرش منوط : اولاً بتوجه عموم بهائیان شرق
 و غرب بدو کتاب مستطاب اقدس و وصایای مبارکه حضرت عبدالها
 و ثانیاً : بتأسیس و تحکیم محافل شور و روحانی در تمام نقاط امریه که در مستقبل
 ایام چون ممالک متهدی گردند بهیئت عدل مبدل و محول گردد .

هر چند مرجع و مرکز توجه از برای عموم این دو کتاب مبارک است ولی باید
 در ترویج اسباب اعلای امر الله و حفظ و تغزیز و تأسیس و تحکیمش در میان ملل و
 دول عالم این محافل روحانیه جهدی بیغ مبذول دارند و مسؤولیت عظیم
 بر خود گیرند و محل و ربط امور را تا حدی معلوم بر عهده خود گیرند تا در ترویج

و تعمیم امر غل و تاحیر و فتوری حاصل نگردد و اساس بیوت عدل الهی
درستقبل ایام مستحکم شود.

و چون صیانت و وحدت امر الله تحقیق یافیت دفع شر اثر اشد و نفاق
و شقاق در امر الله منعدم گردید.

شرط ثالث و اخیر از برای ارتفاع کلمه الله امر مهم تبلیغ است و این
امری است بغایت مهم و مشکل و دقیق. شرائط تبلیغ در الواح مقدسه علیاً
مسطور و مثبت است باید بدقت کامله و توجه تام آن شرائط را تلاوت
کرد و سعی و جهد موفور مبذول داشت تا هر یک باین صفات ملکوتیه تصف
گشته زبان بتبلیغ دین الله گشویم.

از جمله شرایط منزله تنزیه و تقدیس و اتصاف بصفات ممدوه مرضیه
و حسن رفتار و گفتار و کردار، مراعات حکمت است و ملاحظه مقتضیات
زمان و مکان باید اعمال ممد و مثبت بیان در تبلیغ گردد و شخص مستمع اولاً
استعداد طالب و نوایای قلبیه و مشرب و محیطش را بدقت ملاحظه
نموده آغاز صحبت نماید. تحصیل علوم و فنون و معارف و کتاب معلوما
هر چند از لوازم ضروری محسوب نه ولی اثراتشیرکلی و اهمیت عظمی خارج

نیت . ایوم تسلیع شرائط مذونه در الواح اول فریضه بر نفسی است
 که خدمت بعقبه علیار طالب و آمل باشد و بهترین اسبابی است از برای
 هر شتاقی که مشایده اشتغال عالم را بنابر موقده الهیه آرد و نماید .
 کبریات و مرات از لسان اهلریشاق شنیده شد که اگر چنانچه مبادی استی
 و تعالیم اصلیه حضرت بهاء الله که در بلاد غرب علی رؤوس الأشهاد اعلان
 و بیان شد در نهایت وقار و تجرد و توجه و خلوص بطالب استعداد بجهان
 اسلوب بدیع و لحن جید و ترقیب کامل که موافق و مطابق مشرب عالم
 اتفاق در چندی گذرد که مستمع منتقلب گردد و نور ایمان در قلبش بر تو افکند

حال بگوئیم تا باین شرایط و صفات مزین و منقوشه جام
 طاف عرفان الهی را بر تشنگان عالمیان برسانیم . هر یک این
 شیوه مضیه را پیش گیریم و این وظیفه مقدسه را انجام دهیم .
 اجرمان در ملکوت ابهی عظیم است و ثوابمان جزیل . اینست استقامت
 قلبی این عبد از هر یک از حبیبان و جان نشاران عبد البهاء و
 هیچ شک و شبهه ای نداشته که این استقامت نمای اول و آخرین
 عبد استبان را قبول خواهند فرمود و روح مقدس حضرت عبد البهارا

در ملکوت جلال شاد و حسنه م خواهند کرد .

همواره ترقی و منتظر اینگونه بذرات از آن صفحات بوده و هستیم

بنده استانش شوقی

۱۶ دسامبر ۱۹۳۳

شوقی

٨- بواسطة خضرات أعضاء المحفل الروعاني
 احباء الله واماء الرحمن في مدينة بور سعيد عليهم بقاء الله
 هو الله

ايها العالمون على نشر نجات الله لقد اتهمز قلبي طرباً بشأه فيتمتعكم نورا
 الله على نشركم التوبة الميثاق في الآفاق واستحكاكم لأساس الامر في
 تلك الانحاء والاقطار ولقد سرتني بشارة تأسيس المحفل الروعاني في دياركم
 وقيامه ببيت تعاليم الله وتشديد روابط الروحانية بين الاحباء في مشارق
 الارض ومغاربها .

واني في جوار هذه البقاع المقدسة التمس لكم التوفيق من الرب المجيد حتى
 تتسع دائرة خدامكم الامرية وترفعوا وتأسسوا في مستقبل الايام في تلك المدينة
 التي كانت موطن اقدم مولانا حضرة عبد البهاء بنیان مشرق الازكار و
 بذلك تفوزوا بختي آلام الروحانية وتخدموا خدمته جليلة للعبادة المقدسة
 وقد اطلع بمضمون خطابكم الاحباء من المسافرين والمجاورين في بقعة النور
 ونشر حواصدهم القياكم واهتمامكم وسعيكم الموفور في هذا السبيل وعليكم
 بالاشتراك بالمجندات الامرية فنحن باختر والبشارة ونور شيد خاور لانها

أحسن رابطة روحية بين الأخيار ودققوا نظره في مطالعة مقالاتها
 وأرسلوا لكل منها ما عندكم من البشارات الأمرية لتستجيب لقلوبهم وتمتدح
 الأرواح بالأطباع على نفوذ الأمر وإعلاء كلمته في هذه الديار.

والني اشتاق للأطباع على أسماء الأختباء وعددهم من
 المؤمنين والمؤمنات بغير فكم في مدينة بورسعيد واسمعيه ابغين
 من الواحد والعشرين وصاعدا.

ولازال نظره أخباركم الأمرية وبشارتكم الرحمانية من تلك الجهات
 عليكم في كل الشؤون والأحوال مراعاة الحكمة المسطورة في الكتاب

شوقي حيفا

٢٣ ديسمبر ١٩٢٢

که جنود مجتهد یابید و معیشتان گردد و بر خدمات ماضیه و ترقیات
روحانیه شان هر دم بغیر اید تا بمستی آمال و آرزو فائز گردند و آن قطعه عظیمه
ترکستان را با تمام بنور معرفت الله مشور سازند و مالی آن بلاد از قریب و بعید
و وسیع و شریف را بصراط مستقیم الهی دلالت کنند .

از اخبار و پیشات جدیده که حاکی از فوران نار موقده الهیه در آن بلاد
سرور و محبوب کلی حاصل گشت و رقات مقدسات تسلیم یافتند و قلب این
عبد سرور و شادمان گشت مجاورین و مسافرین ارض اقدس شکر و سپاس
بدرگاه بی نیای نمودند که الحمد لله این شورش و آشوب داخله که در اوایل
سبب پریشانی و مشقت اجبای الهی گشت عاقبت منتی بعلو امر الله و
تغریز احب و توقیر و تحمیل اهل کعبه شد و حم غفیری مبادی مضربه عقاید
یعقوبه شان را دور انداخته بقالیم الهی متمسک گشتند و در عوض بهم برپشتیان
اجتماعیه اساس و مدت عالم انسانی را مستحکم ساختند . کل دعا در حق
آن یاران نمایم تا دایره خدمت آن تاعی عجیب یابد و وعده های اعلای امر الله
که از قلم حضرت عبدالبهاء نازل در آن سامان کاملاً سریعاً تحقق یابد .
در کل احیان در نهایت اشتیاق منتظر و مترصد محبوب نسیم جانپور و شادمان

۹- بواسطه اعضای محترمه محفل روحانی عشق آباد
برادران و خواهران روحانی اجبای الهی و اماء الرحمن در مدینه عشق آباد
و طاشکند و مرو و خوقند و قمقه و سمرقند و سایر نقاط امریه در صفحات
ترکیستان طراً ملاحظه نمایند

بهو الله

منادیان امر اقدس جمال البهی و یاران ثابت با وفای مرکز شتاق حضرت
عبد البصیر ادریس و مختار در این جوار پر انوار ترقیات معنویه و نایب
مقابله و الطاف نامتناهی طبع ما انشاء الله بعون و عنایت ربانیه شعله
امراتی را در تمام اطراف و کناف آن تسلیم بر افروزید و ندای جانپرو
یا کعبا و الا البهی را بسمع هر بصیر و هو شمنی برسانید .

اجبای مدینه عشق در گذشته ایام مورد عنایات باهره از مصدر ایهائی بود
و با اثر ملک پیمان منتظر بالطف و توجهات مخصوصه . ارتفاع بنیان
رفع مشرق الاذکار حبسای آن سامان را منظور نظر عنایت فرمود و
اقدامات وسیعی موفور شان در این سبیل آن جان نشان غریز و مقرب
درگاه کسبه یا کرد . حال از عقبه مقدسه بدل و جان دعا و تمنای منیم

از آن دیار بوده و مستم و تفتوح را محبت و الفت و وداد بین احباب
در مرتبه مقدسه سائل و آمل .

حال وقت آن است که محفل روحانی در تمام نقاط امریه در صفحات ترکستان
تأسیس و تحکیم گردیده و در هر نقطه چه شهر و چه قریه که قده نمین از رجال از
سن بیت و یک مافوق آن از نه (۹) تجاوز نموده اجبای آن نقطه نه نفر
از جمع خود در نهایت توجه و تجرد و انقطاع کتب و مستقلاً انتخاب نمایند و
و نام آن را محفل روحانی گذارند و تمام امور که راجع بمصلح امریه در آن نقطه
است باعضای آن محفل هر یک از اجبا مراجعه نمایند تا پس از مشورت دقیق
و مذاکره تمام هر یک از اعضا محفل روحانی در نهایت حریت ابدای رأی
خویش نمایند و باتفاق آراء یا بالکثرت امور را بنظم تأسیس گردد و شامل حل
و تصفیة شود و کل اعضا و احباء در داخل و در خارج محفل مطیع و متقاد رأی
اکثریت گردند و لو آنکه رأی اکثریت مخالف واقع باشد و عاری از صواب
امر مهم تبلیغ، منابرات رسمیة امریه، ترتیب محافل و مجالس
تأسیس و اشتراک بمجلات امریه، طبع و انتشار الواح مبارکه و کتب و مقالات
امریه، امور مشرق الاذکار، انشاء و اداره مدارس بهائی و غیره تأسیس

خیریه علمیّه امریه در هر نقطه از نقاط کل باید در تحت اداره و باطلاع و مسو ابید محض روحانی باشد و امر هر یک را محض روحانی محول بجنبه ای مخصوص نماید و اعضای آن بجنبه را نفس محض روحانی در صین تشکیل انتخاب نماید و در ظل و اطاعت خود آورد .

و آنچه را محض روحانی با کثرت آراء امری از امور خارج از دائره منطقه محدود و خویش اند و آن امر را مسأله کلی محسم امری شمرده تعلق با برائت تمام اقلیم دارد آنوقت به محض مرکزی اجبای ترستان مراجعه نماید و محول بآن سیاست مرکزی کند و تمام محافل روحانی در ظل و مطیع و مسؤل محض مرکزی آن اقلیمند اجبای کل باید این محافل را چه خصوصی و چه مرکزی تقویت نمایند و انس و دل بآیند و تصویب قرارهای محض روحانی خود نمایند . اعتماد بان نفوس کنند و بجا و تعاضد قیام نمایند .

و در صین انتخاب اعضای محض روحانی مؤسین و مؤنسات هر دو ارسن بیست و یک و مافوق آن حق تصویت یعنی ابدای رأی در انتخابات دارند ولی چون حجاب در شرق مانع است و معمول به نساء عجائزه از حق عضویت در محض روحانی ممنوع . منتخبند ولی نه منتخب .

و اما تشکیس محفل مرکزی تسلیم ترکان باید منتخب منتخبین باشد یعنی حسب
 و اما الرحمن از سن بیست یک و مافوق آن بحسب استعداد و قوه شان در هر
 نقطه از نقاط امریه عده و کلماتی از ما بین خود انتخاب نمایند و این و کلاً
 در نقطه ای مجتمع شده و یا کتبه آنرا انتخاب کنند و آن را نفر اعضای
 محفل شور مرکزی آن اقلیمند و این هیئت مانند محافل خصوصی مجرد انتخاب
 در ابتدا بجهت های مخصوص انتخاب نماید و امور تبلیغ و محاربات امریه و
 ترتیب محافل و مجالس و تائیس و اشتراک بجوایات امریه و طبع و انتشار الواح
 و کتب و مقالات امریه و امر شرق الاذکار و انشاء و اداره مدارس بها
 و سایر تشکیلات خیریه علمیه امریه که راجع بنقطه ای مخصوص از نقاط امریه باشد
 بلکه راجع بمصالح عمومی است و در آن اقلیم است هر یک را بجهت ای
 مخصوص محول نماید و این بجهت تماماً در ظل محفل مرکزی هستند مسئول اعضا
 آن محفلند و مطیع و منقاد آن . اگر چنین شود امور مرتب و منظم گردد . امریه
 ترویج شود . وحدت بهائی محفوظ ماند و یگانگی و الفت و اتحاد باقی و برقرار
 گردد . و این محفل مرکزی آنچه را خود متشیت ندهد یا بض اقدس مرجع
 نماید باین نحو اساس بیوت عدل الهی مستحکم گردد و امور امریه کاملاً مرتباً

من دون تأخیر مجری شود و از جریان بازماند .

و اما در خصوص اشتراک مجلات امریه یعنی نجم با خیر و البشارة و خورشید خاور
امید و طید چنان است که در صورت استطاعت احباب در تمام نقاط این
امر محکم لازم را اجمال نخواهند نمود و بواسطه محافل روحانی خویش جمیعاً
اشتراک باین مجلات امریه خواهند کرد و محفل روحانی بواسطه مجله مغرب
مخبره بآدرسه آن مجلات نماید و بشارات امریه خود را ابلاغ کنند تا اجبای
شرق و غرب عالم واقف و مستحضر بر اقدامات دوستان در تمام جهات
گردند و شبهه ای نیست که اداره کامله خورشید خاور باید ازین بعد باند
اداره مجله نجم با خیر در صفحات امریک بعهده محفل مرکزی قلم ترستان
گذاشته شود و محفل مرکزی آن مجله را تحت اداره مجله مجلات امریه خود گذارد
تا تمام یاران آن صفحات تأیید و معاونت و تقویت این مجله را بنمایند
و اهمیت عظیم به ترتیب تنظیم و توسیع و تحسین و تعمیق دهند و آنرا نمایند
اجبای آن تسلیم دانند و محصور نقطه ای از نقاط امریه آن قلم
از درگاه الهی درین تشریف به تبعه نوزاد از برای یاران
ترستان عنایات حضرت خفی الاطاف علیم و تأییدات غیبیه مسئلت

نمایم تا انشاء الله بخدماتی جلیده باستان حضرت بهاء الله موفق گردند
 و برضا و تقای مولای مهربان حضرت عبدالبهاء در ملکوت بھی
 نازل و فائز شوند

۲۷ دسمبر ۱۹۲۲

بندہ استانش

شوقی

۱۰- طهران بواسطه اعضای مجتمعه محل مقدس روحانی یاران الهی و امام، الرحمن
در تمام صفحات ایران طسسه اعلام خطه نمایند

هو الله

ای عزیزان حضرت عبدالهبا، روحی لوناظم الخدای در این صین که در دامن
این کرم الهی بگذرد فکر برادران و خواهران روحانی خویش در شرق و غرب عالم
مانوس و مالونم آن برگزیدگان الهی و خاصان حق را که در این استیسم تعقد
تبریح دین الله مشغولند فوراً بسبب آورده در کمال شوق و شغف قلم را بر داشته
به تحریر و ابدا ی مافی التضمیر پرداختم.

آن قلم حسیل سرور اقلیم است و قوه مودعه مکنونه در آن قوه روح الهی
ابنائش برگزیده اهل عالمند و یارانش فائق بر فحول رجال دین مسم.

رکن کنیش امر الهی است و موسس بنیانش آئین ربانی. حصن کنیش و صایا
مقدسه است و سیف و سناش تعالیم الهیه. رافع لواش جمال اقدس
ابھی است و همواره ظهیر و ناصرش مرکزیشاق الهی حضرت عبدالهبا
شبهه ای نبوده که احبای الهی و امام، الرحمن در آن سامان تقدیر و تجید
این نعمت کبری نمایند و از این موهبت عظمی که اهل حسیل و تاج عزت

ابدیه است دقیقه‌ای غافل نشوند. از غفلت جهان و غفلت جهانیان
 طول نگرند و از خدمات قابعه و محظورات تعدیه این آیام خموش و ژمرده
 نگرند بلکه هر قدر افاق عالم بر ظلماتش بغیراید و لیلۀ آشوب و انقلاب طویلتر گردد
 امیدشان بطلوع صبح صلح و سلام شدیدتر گردد و اطمینان‌شان بطلوع شفق
 معرفت الهی در قلوب غافلان قوی‌تر شود و بشارت الهی که عالی‌ترین مستقبل
 بامران یار است در کتاب هر یک منصوص و محتوم است و آثار و علامت این
 تجدید روحانی در ارواح و نفوس اهل آن کشور منور الیوم واضح و معلوم
 از وصول اخبار و وجبات احوال اضطراب و انقلاب آن صفحات فراگرفته
 و راحت و آسودگی مفقود ولی یاران رایگانۀ حصن حصین در میان این شور
 و آشوب همانا ذکر نبض آئینه و عمل بموجب تعالیم مقدسه ربانیه است
 این تعالیم سماویّه در جمیع شؤون و احوال ضامن صون بحایت بهایان است
 و کافل سعادت حقیقی و ترقیات معنوی عالم انسانی. توجه بعالم اخلاق
 است و جهد و سعی در تهذیب و تشقیف افکار. از آن تعصبات جنسی و
 وطنی و سیاسی است و تعمیم تربیت در هر طبقه‌ای از طبقات نفوس.
 اتساع ساحت افکار است و استعداد عون و تأیید در برامری از ساحت

کبریا . یاران در این مسترن نورانی هر یک ناشرین تعالیمند و پیامبر
این بشارت بطالبان و مشتاقان این عالم .

ثبات و استقامت در این عمل مبرور جالب تأیید است و در هر دمی
توجه و استعانه از حقّ قدیر کافل فلاح و نجاتی باهر . این بنده ضعیف
بیلد آن یاران در جوار بقاع علیا باین دعا مشغول و مانوس که :

ای مولای شفیق و خون از غلوت ابهات نظری بحال این پروردگان
ید غایت افکن و حزب مظلومت راقوت و شهرتی ده آتش فرقت و

حرقت نشان و بما معین هدایت من علی الارض تسکین و تخفیف ده .

قلوب پرموده دوستان را بشارتی جدید مشوف کن و بنیان مجید امت را

در آن اقلیم مقدّس استوار و مرتفع فرما . هر شکلی را بید قدرت رفع کن

و وحشت و اضطراب را باسایش دل و جان تبدیل ده . آشفگان

رویت را بتحقیق آمال تسلیت بخش و این آوارگان مستمدر را در کف حرمت

و حمایت محفوظ دار . امید این عبد استان چنان است که باوقیه برآید

و خواهران روحانیم که از قلوب محترقه صافیّه شان صادر است این تمنا

مقرون با حاجت گردد و بتدریج آن بشارت موعوده در حق ایران و ایرانیان

یک یک تحقق پذیرد . ایوم امور عالم منقلب است و ادیان و ملل
 و احزاب و دول متعدی یکدیگر . حفظ یاران در این همه و آشوب منوط
 و مشروط بعدم مداخله در امور سیاست و مشکلات شرعیة و دنیة و اقدامات
 و مساعی احزاب مختلفه قباغضه است باید کل محبت و مهربانی نمود
 و خدمت عالم انسانی را منظور نظر داشت مراعات حکمت و بردباری لازم
 و واجب است و هوشیاری و بیداری و ملاحظه تمام در عواقب امور و تدبیر
 کامل در اظهار عقاید از شرایط ضروریه محسوب . بیطرفی کامل را نیست بجز
 سیاست باید قلباً و لساناً اظهار داشت و خیرخواهی تمام نوع بشر چه دولت و
 چه ملت که از اساس مبادی بحبایان است با قوال و اعمال اثبات نمود .
 اگر چنین شود بدرقه غایت رسد و تأیید و توفیق ترادفا شامل حال گردد و
 مصونیت اجباد اعلای امر الله تحقق پذیرد .

و از برای حفظ و صیانت اجبا و حکیم ارکان مشورت که این ایام از الزم لوا
 محسوب است تقویت و تعمیم محفل شور و روحانی است .

یعنی در هر بلده و قریه ای در آن قلم وسیع که عده اجبا از رجال ارست
 بیت و یک و مافوق آن از نه (۹) تجاوز نماید اجبا محفل روحانی مخصوصی

تأسیس نمایند و در تمام امور روحانی که راجع بمصالح امریه در آن نقطه است
مشورت تام کنند و کل چه در داخل و چه در خارج محفل باید اطاعت و انقیاد
با اعضای محفل نمایند و تصویب و تأیید اجراءاتش را نمایند و لو رای اکثریت
مخالف واقع و جاری از صواب باشد .

و اگر چنانچه در نقطه ای از نقاط دایره امراتاسی یافته امور امریه مانند امر
تبلیغ و محاربات امریه و تأسیس مدارس کسبائی و امر مشرق الاذکار و طبع
و انتشار الواح و کتب و مقالات امریه و ترتیب و تنظیم محافل و مجامع
و سایر تشکیلات روحانیة عمومیة کلیه کل باید محمول ببلجنه ای مخصوص گردد
و اعضای هر بلجنه ای را محفل روحانی خود انتخاب نماید و در ظل و اطاعت و اداره
خود آورد . مرجع و مخاطب محفل روحانی است و سایر بلجنه ها کل اجزای آن
محفلند و مسؤول و در ظل آن .

اجا باید اعتماد و ثقۀ تام با اعضای محرمه محفل روحانی خویش داشته باشند
و بتعاون و تعاوضه قیام کنند و همچنین اعضای محفل شور باید بمصالح امریه
عمومیة فخر باشند . ترویج مقاصد شخصی ننمایند و ناظر با فکار و امیال و مصالح
خویش نگردند و چون مساوات حقوق رجال و نساء در این دور بدیع از تعالیم

اساسیه است درین انتخابات رجال و نساء از تن بیت و یک توافق
 آن بر دو حق نصویت یعنی ابدای رای در انتخابات دارند ولی محبوبیت
 نیستند. اگر خود را آگاه و مطلع بر اوضاع امریه ندانند انتخاب نکنند و ابدای
 رای ننمایند و چون امر حجاب در شرق مانع است و معمول به عجاظه نساء از
 حق عضویت در محافل روحانی ممنوع و امید چنان است که این قدم اول که
 در میان مساوات حقوق رجال و نساء برداشته شد سبب تشیع تجرّی
 اماء الرحمن در آن سامان گردد و نهایت بحمت و حکمت و سعی و همت هر یک
 قیام بر ایفای وظائف خود نمایند و در معلومات امریه و اقدامات روحانیه
 مساوی رجال گردند.

و اما در خصوص اشتراک مجلات امریه از فرائض احبای الهی آن است که
 تمام قوی تقویت و معاونت این مجلات بهائی را نمایند و در صورت استطاعت
 احبای جمعا و رسما بواسطه محفل روحانی خویش اشتراک باین مجلات کنند و ثبات
 امریه خود را نیز بواسطه محفل روحانی تقرر استمراراً بداره آن مجلات ارسال
 دارند و همچنین مقالات امریه در نهایت اتقان و متانت و سلاست
 مرقوم دارند و بواسطه و تصویب و اطلاع محفل روحانی خویش باین مجلات

ارسال دارند تا روابط متقنه محكمه نقاط اتریه شرق و غرب عالم را بیکدیگر پیوندد
 با رض اقدس مرتبط سازد و بشارات اعلای امراتہ شام روحانیان را
 ہر دم معطر و قلوب را مستبشر دارد ولی باید حکمت را ملاحظہ نمود و باین امور
 در نہایت سکون و قرار تدبیر و ملاحظہ اقدام کرد تا علمہ ای بسکلی امراتہ وارد
 نگردد و از ہر ضرری و خطری محفوظ و مصون ماند .

در این جوار از در گاہ رب مختار عنایات و تأییدات الہیہ را از برای آن
 یاران و امام الرحمن در نہایت تضرع و ابتهال ہموارہ طالب مستقیم
 و بشارات روح پرور و اقدامات روحانی آن عزیزان را معطر و مرقمہ .

۱ جنوری ۱۹۲۳ - ۱ جمادی الاولی ۱۳۴۱

بندہ استانش شوقی

اجبای الهی و اما، الرحمن در مدینه منوره طهران و ابرو طالقان و حسن آباد
و جعفر آباد و علی آباد و حضرت عبدالعظیم و سایر نقاط مجاوره طراً ملاحظه نمایند
بواسطه اغضای محترمه محفل روحانی طهران

یاران و اما، الرحمن را در آن اماکن منوره و صفحات مقدسه بدل و جان شتام
و آنان را هر دم بسیار آورده عون و عنایت و صون و حمایت ربانیه را در
جمع شئون و احوال علی الخصوص در این ایام پرچشت و انقلاب خواهم
فی الحقیقه آنچه از مصدر عنایت حضرت جمال اقدس ابھی و ملک میثاق
حضرت عبدالبهار روحی تراب رسما الاطهره فداء در حق آن بنادیان
امراة از بدو ظهور تا کنون نازل گشته از تعداد و احصا و تقدیر و توصیف
و بیانش کل عاجز و قاصریم. نصایح و مواعظ الهیه در این دور بدیع
و این عصر جدید چون غیث باطل در حق آن یاران در گذشته ایام نازل
گشته و تعلیمات و تمهیدات کافیه شافیه از اصول و فروع در الواح و رسائل
مرکز عهد میثاق با قهار آن دوستان با کلمات کشف و توضیح شده.
وسائل و اسباب حفظ حصن امراته و وسائل و قایت شریعت امده
و انتشار کلمه الله و تحکیم اساس دین الله و الفت و اتحاد احبائه

واضحاً کما یقین و دقیق فرموده . اهمیت و مقتضیات حکمت را بیان
فرموده و بید قدرش اساس دستور الهی کامل محض صیانت و ترویج امر
الهی در مستقبل ایام نهاده . وسیله دفع شر از شرار را توضیح و تأکید کرده و
و شرائط مبتغین و مبادی اساسیه تبلیغ را کاملاً اعلان فرموده . اسرار
مشورت را نهاده و اصحاب شور را وظائفی متعدده و فرائضی مقدسه در
کتاب مبارکش ثبت نموده . ارکان وحدت بهائی را استحکام ساخته و بوضوح
تائیدات غیبیه و توفیقات مستابعه قلوب خادمان امرش را شاد و مطمئن فرموده
حال در این ایام که شمس جالبش از دیده عنصری پنهان گشته و گوش
امکان از ندای جانفزایش محروم و ممنوع شده اجبای الهی در شرق و غرب
عالم علی الخصوص بایران آن سامان که پرورده ی غایتسند و رشتن جهانیا
باید در جمیع شئون و احوال تمام قوی باین اوامر و نصایح ربانیه توجه شوند
و قمتگ گردند . هر صبح و شامی جهدی جدید و سعی بلیغ مبذول دارند .
تا نیک این تعالیم سماویه را عامل گردند و در حیات شخصی خود و معاملات
و شئون دنیوی و روحانی هر دو این روح الهی را اظهار نمایند و این
تعلیمات الهیه را اجرا کنند تا فی الحقیقه شخص بهائی با اعمال و کردارش

معلوم و مشهور گردد و انکار خصوصی و عمومی عالم را بزودی زود کاملاً متوجه
 بامر الله نماید تا عالم وجود از دول و علل و احزاب و قبائل و ادیان و اجناس
 کل گنجینه درمان در دو آلام و محن و بلایای مهیبت اجتماعیه را در تعالیم حضرت
 بهاء الله دانسته بکمال شوق و طمینان اقبال کنند و امر الله را نصرت
 نمایند و سراپرده وحدت عالم انسانی را بموجب تعالیم مقدسه در قطب آفاق
 مرتفع سازند و آهنگت یا بهیاء الاهی یا بقصی بلاد عالم رسانند .
 این است شرط وفا . این است اول و اعظم و طیفه هر شخص بهیائی
 که تعمیم امر الهی را آرزو نماید و سرور و رضای آن مولای خون را در ملکوت
 ابلی طالب گردد . اگر هر یک از احباب منفرد آتش و روز در این بسیل بکوشد
 و استمداد یابد از درگاه رب مجید نماید چندی نگذرد که روح بدیعی ظاهر
 شود و شور عجیبی در امر الله افتد . و نیز تعالیم حضرت بهاء الله جلوه کاملی
 ارواح و نفوس الهیه ادا جفا نموده پر توی شدید بعالم امکان اندازد و ظلمات
 حاله تعصبات و منازعات و مخاصمات داخله و خارجه را بطوع و اشراق
 شمس صبح عمومی مبدل سازد . اگر چنین شود این وعده محکم الهی من دون تأخیر
 تحقق پذیرد و بشارت ربانی جلوه گر گردد . قوله الاصلی : این مهیبت

کبری و این منقبت عظمی حال اسامش بید قدرت الهیه در عالم امکان در
 نهایت متانت بنیان و بنیاد یافت و بتدریج آنچه در هویت در تقدس
 است ظاهر و آشکار گردد. الآن بدایت انبات است و آغاز ظهور آیات
 بقیات. در آخرین تهرن و عصر معلوم و واضح گردد که چه بجاری
 روحانی بود و چه موهبت آسمانی.

از برای هر یک از یاران آن صفحات که محبوب عالمیانند و چشم جهانیان
 بآنان متوجه و چنین بشارتی در حقشان نازل ترقیاتی سریع و کلیه معنویه همواره
 از درگاه الهی مستقیمینیم و بشارت جانپور که حاکی از نجاح و فوز
 بایرشان در این سبیل است از آن شطر مبارک لا زال ترصد و منتظر.

۲۳ ج ۱، ۴۱. ۱۰ ک ۲، ۱۹۲۳

بندۀ استانش شوقی

بواسطه اعضای محفل روحانی رشت

احبای الهی و امانا، رحمن در رشت و لاهیجان و انزلی و طوالش رشت
و نسا، و غازیان و تمام سایر نقاط مجاوره طهره ملاحظه نمایند
هو الله

کلمهای شگفته معرفت الله را در این حدیقه امکان رواج قدسیه ایمان
و ایتقان و نفحات معطره حب و و داد و خلوص و انجذاب از درگاه حضرت
خفی الألفاف همواره ملتزم و خواهانم تا ببلبلان عالم وجود که نستطر حلو
مقصودند از حسن و جمال محبوب که در وجوه آن یاران پر توانده احقه مجذوب
گردند و از بوی خوش تنزیه و تقدیس اجاب چنان شام معطر نموده که
مست و مدبهوش شوند .

هدایت نوع بشر و استخلاص بیست اجتماعیه از دیلات و مضرات عالم ناسوت
متوقف بر روش و سلوک اجباء الله است و مشروط بتقدیس و انقطاعشان
از متاع و شوون این دنیای فانی . هر قدر یاران بیشتر عبودیه الوتقای
تعالیم الهیه که شرق و غرب عالم را در این سنین متوالیه احاطه نموده تمسک
نمایند و نصیاح و مواظط قلم اعلی را که چندین سال در تعلیم و تربیت نفوس

۱۳ پیکر بوده پیش از پیش در حیات شخصی خود با ما محبت نماید چشم عالم
 زود تر بنور مشرق این ظهور الهی فائز شود و سمع امکان از این رتبه ملکوتیه بهتر
 و سرعتر متوجه و ملتذ گردد.

ایام چون برق در گذراست و قلوب کل مستعد و تشنه ما معین جان
 الهی گشته پس یاران باید وقت را غنیمت شمرده و همتی بکارند تا طالبان
 مقصود فائز شوند و غافلان براه ستیغم الهی دلالت گردند. این چه
 وظیفه مقدسه و این چه نعمت کبرائیت که حضرت بهاء الله در این کور
 عظیم بهبایان را بان مخصص فرموده. باید شکرانه این الطاف
 قیام کنیم و در مقابل این موهبت مبذوله می نیایسیم و راحت نیشینیم
 بحکمت کبری در نهایت اعتماد و انجذاب در میدان خدمت قدم ثابت نمایم
 و گوی سبقت را از یکدیگر بر بایم. آنچه را ما موریم انجام دهیم و آنچه
 تقدیرات الهیه حکم فرماید تسلیم و راضی شویم و خیر امر الله را در این داریم.
 یأس و قنوط را بخود راه ندهیم و تردد و کسالت را از نظر محو سازیم. چنان
 و اطمینان و دولی بنماییم که اهل شک و ارباب پند گیرند و افسردگان
 و تپید روح و جان با تیراز و حرکت آیند. هر قدر امور معشوش تر گردد و نهوش

عالم مضطرب و فاضلت شونذ ثبات و اطمینان قلبی اجتناب جلد و ای شدید
نماید و هتشان بلندتر گردد چه که عاقبت را خیر محض دانست و ارتفاع کلمه
و اقبال جهانیان را که قلم اعلی بآن بشارت داده مؤکد و محتمم شمرند .

این غنیمت کبری و این شرف انبی و عزت بی منتی بسیاران در این عصر
نورانی عنایت گشته اگر خود را بیاس و محمودت متبلا کنند و محروم بنمایند
لابد قوه مقدر الهیت نفوس دیگر را در زرع خویش مسبوت نماید و بر اتمام
این امر برور نموده دارد . پس باید بگوئیم تا از این فوز ابدی خود را ممنوع
نمایم و از این تاج عزت ابدیه محروم نسازیم .

از درگاه رب تعالی در حق آن یاران دعا و تضرع نمایم که هر یک را
بخدماتی فائده نموده دارد و قسمت نصیبی عظیم از مواهب سماویه در عالم بالا
مقدّر فرماید . ولیس هذا علی الله بغیر و الله لیسمع مجیب

۲۷ ج ۱ ، ۱۳۴۱ - ۱۳ ک ۲ ، ۱۹۲۳

بنده استانش شوقی

۱۳- بواسطه محضای محرمه محفل مقدس روحانی اصفهان

اجبای الهی در مدینه اصفهان و نجف آباد و بجا رو فریدن و ارجن رتبی نخبیار
و لکلویه و اردستان و زواره و دولت آباد و سه ده و تیران و مهدی آباد
و قمش و سایر نقاط مجاوره طسراً ملاحظه نمایند.

روحی لمحبکم و وفایکم العزاء فی الحقیقه دوستان الهی و اماء روحانی دین
ایام ظلمانی بر چند آتش حرمان مشعل و پریشانی و انقباضات در تمام نقاط و جهات
بر عالم امکان استولی ولی چنان وفائی ظاهر نموده و همت و اقدامی فرمود
که این سوختگان آتش فراقش تسلیت جستند و این قلوب محرقه طمینان
و تسکین یافته اند.

در این ایام عالم وجود در مملکه عظیم افتاده و از اعماق قلوب ندای نجات
و استخلاص از شر این مخاطر مرتفع. قلوب پریشان است و نفوس تشنه
ماء معین صلح و سلام و ارواح از نتایج و خیمه و مضرات مملکه ضعیفه و بغضا
و ظلم و جفا و حقد و حسد شمشیر و در عذاب است و عموم از امتداد جنگ و
و جدال و حرب و قتال خسته و نالان. از حریت مفروطه و تضعیف
و تخیل قوه دیانت هرج و مرج یافته و بر مکاید سیاسی و منازعات

اقتصادیه و شکلات خبیثه فسروده. جز قوه امر الله هیچ امری و هیچ
 قوه ای این مفسد قویه را اصلاح نماید و جز تعالیم سماویه که در این ظهور
 بدیع کاملاً از سما و شیت الهی نازل گشته این علل و امراض مزمنه را شفا ندهد.
 پس حبای الهی که نادیمان این امرند و ناشران این
 تعالیم باید امروز با اعمال و کردار و رفتاری در بین عموم ظاهر شوند که بعض
 اعمال غافلان را تبلیغ نماید و تشنگان طالبین نجات را هدایت کند
 چه با این امر حیا قشیده شد که اگر فردی از افسر ادعای اجرا ی یک
 تعلیم از تعالیم الهیه در نهایت توجه و تجرد و همت و استقامت قیام نماید
 و در تمام شؤون حیات خویش این یک تعلیم را منظور نظر داشته بتمام اجرا
 نماید عالم عالمی دیگر شود و ساحت غیر اجنت ابھی گردد. ملاحظه نمایند که
 اگر حبای الهی کلاً افسر و اجرا ی و صایا و نصایح قلم اعلی قیام
 نمایند چه خواهد شد. امید این عبد استان و دعای این بنده ناتوا
 آن است که آن یاران که چنین الطافی در حقشان در گذشته ایام منبذ
 گشته و چنین نفوس حبلیه ای از ایشان قیام نموده تبلیغ امر الله نموده
 و مبعوث شد اشتافتند الیوم بحمان روح الهی مبعوث شوند و بحمان و

بگوشتند تا وعده های کامله و بشارات قلم اعلیٰ یک یک تحقق یابد و این
 عالم ناسوت اثر اختلاف و تعصبات را نمی یافتمه در ظل ظلیل شریعت
 الهی وارد گردد و براحت و آسایش حقیقی فائز شود .

۲۳ جمادی الاولی ۱۳۴۱ بنده استانش شوقی

بواسطه اعضای محترمه محفل روحانی شیراز

احبتی الهی و اما، رحمن در دینه مبارکه شیراز و آباده و زرقان و سرستان
و نیز و جهرم و داراب و فسا و اسبجان و اسفندآباد و بو شهر و بندر عباس
و سایر نقاط مجاوره روحی لهم الفدا ملاحظه نمایند

یاران و یاوران حضرت عبدالمجید و برادران و خواهران روحانی
این عبد استان را بهمواره در جوار این بقاع علیا جلوه ای جدید و استقامتی
شدید و شور و ولی بدیع در ترویج و خدمت امر الله از عتبه مقدسه مستدعی
و سألیم و بشارت متواصله را از آن صفحات مبارکه در نامه های آن عزیزان
مستفاد و مشتاقیم.

از آن اماکن مقدسه انوار فجر ظهور الهی دید و اولین ندای امر الله در تفع
گشت. آن بلده طیبه مصدر منبع فیوضات الهیه شد و بید قدرت
اساس این بنیان رفیع را اول در آن دینه جلیله بمجید و از آن شطر
مبارک بشارت یوم جدید بگوش قریب و بعید واصل گردید و علام ظهور امر
از آن سامان واضح و عیان شد. حضرت بهاء الله روحی لمفجحه الانور
فداء کراراً و مراراً شفاً و در الواح محکمه اش تقدیر و توصیف آن یاران را

نموده و فتوحات روحانیه و ترقیات کلیه بان عسکریان و عده فرموده و
 مولای عزیز فرمان حضرت عبدالمجید، نظر شفقت و عنایتش را از آن
 جمع بازداشته بتوجّهات مخصوصه و مطلقات قلبیه و تشریقات مستجاب
 محافظت و تربیت فرمود. حال وقت آن است که بحکمت نسبتین شجره
 مبارکه، آئینه حضرات افغان دوحه بقا و قدامت و احب و جوانان مستعد پر
 اهتمام آن صفحات و سایر یاران و اما، رحمن آتش محبت الله شعله زند و
 قوه امر حضرت بهاء الله ظهور و بروز می عجب نماید. آن تهنهائی افشاند
 از اراضی قلوب انبات نماید و آن دما، مسفوله در سبیل امر الهی نتیجه و ثمری بخشد
 شبهه ای نیست که در این ایام که آشوب و انقلاب و برج و برج
 آن اقلیم را فرا گرفته احبای الهی باید در تسلیخ امر الله و انعقاد محافل
 مجالس و صحبت و مذاکره بامستدین نهایت حکمت و بردباری و بهموری
 و ملاحظه را مجری دارند. پرده در پی بهیچ وجه ننایند و از حد اعتدال خارج نگردند
 امور روحانیه امریه را کل محفل روحانی خویش رجوع نمایند و
 نهایت ثقه و اعتماد را با اعضای محفل شور داشته باشند و اعضای محفل
 با هم قوی و بنهایت تجربه و صفاء و خلوص و همت تمشیت امور پردازند.

بصالح و امیال شخصی خود ناظر نباشند و در محافظه امر الله و توقیر و تحمیل آن
 در انظار هر دم سعی بلیغ منظور دارند. این هیجان و اضطراب هیچ
 شبهه‌ای نبوده بآمن و امان و راحت و اطمینان و ارتفاع امر الهی و عزیز
 و نصرت احباب و تدبیل و پریشانی اعدا مبدل خواهد گشت. باید کل
 در اعتماد و اتکال چون جبل را بنح با شیم و در انظار عقاید امریه خویش مشایه
 و بیدار. این غیوم مظلمه برور ایام متلاشی گردد و حکمت‌های بالغه احدیه
 من بعد مشکوف و واضح شود.

خطه ایران علی‌الخصوص مدینه شیراز سراپا روشن و منور گردد روح بعالم
 امکان دهد. مطاف عالمیان گردد و ناله عشق را برافروخته در قطب
 آفاق ندای یاکعباء الالبھی را بسمع جهان و جهایان رساند.
 حال وقت استقامت است و عمل بموجب نصایح ربانیه
 تسلیق و تحریر بر تسلیع است و استعانه و استمداد از حق و تدبیر.
 از آنکه کدورت و اغبرار است و تشدید و ابطال الفت و اتحاد حقیقی
 در بین احبباء.

این است آرزو و تمنا و دعای این عجب از عجبه مقدسه و شبهه‌ای

نیت که آن یاران این عهد ناتوان را بهترین مساعد و ظیر در این
امر بسر و خواهند بود

۲۳ ج ۱، ۴۱ - ۱۲ ک ۲، ۱۹۲۳ بنده استانش شوقی

من
کتابخانه
موزه
و مرکز
اسناد
وزارت
فرمانروایی

بواسطه اعضای تحریرمحل روحانی قزوین

احبتی الهی و اما، چمن در قزوین و اشتها و دوسایر نقاط مجاوره
طراً ملاحظه نمایند.

توجهین منظر اعلی و مقتبین انوار مشرق جمال الهی در این بقاع علیا کشف
جدیده و تجلیاتی بدیعه و اقداماتی کلیه در ترویج و تعمیم تعالیم حضرت بهاء
خواهم و نشأه جدیدی و ظهور و بروز کاملی در میدان امراته طلبیم.
عالم امکان مایوس و ناتوان است باید در این عصر مجید بهائیان عالم علیا
یاران شرف بروج ایمان نفخه امید در جبهه امکان دهند و بقوه روح الهی
این ضعف و ناتوانی را بصحت و توانائی تبدیل نمایند.

دول و ملل عالم بجدال و خونریزی و قتال مشهور و مألوف و معاد گشته
بسط صلیح و آشتی دائمی حقیقی را بعید المرام بلکه در این عصر و قرن متعین و
و متیحسین دارند. یوم یوم احبباء الهی است که بقوه بیان و اعلان
و اثبات آثار مبارکه اولین انوار شفق صبح صبح عمومی را بدیده جنگجویان و
و مایوسان عالم بنمایند و باظهار و شرح و عده های محکم و بشارات مبارکه
لزومیت تأسیس صبح اعظم را بنگرین و متعرضین بدلائل مقنعه اثبات نمایند

افراد بشر در شرق و غرب و جنوب و شمال چنان غافلند که محو از آفتاب
 قنوعه متراشیده عالم را هیچ وجه قابل الاجراء و ممکن الوقوع ندانسته تئیس
 عصر طلایی موعود را منقنون و موهوم شمرند. روز روز یاران حضرت
 عبدالبهات که با اعمال و رفتار و گفتار و کردار تعالیم مساویة را حکایت
 در حیات خویش مجسم نمایند و هر یک بشیر آن عصر مشعشع نورانی گشته اند تا بقریب
 وقوع آن یوم مبارک نمایند و تردد و انکار و اعتراض نادون عالم را با یقین
 و اقبال و توجیه تمام تبدیل دهند. این است اولین وظیفه هر شخصی که خود را
 نسبت بامر حضرت بهاء الله دهد و باین نام مقدس مبارک در میان اهل
 عالم معروف شود و الا اگر کردار ممد و مثبت گفتار نشود روح الهی از نفوذ
 و تاثیر بازماند و از جلوه و شکوه ممنوع گردد.

در این بسیل بخت موفور شرط اول است و هر صبح و شام بلکه هر دقیقه
 و آنی مستمر آجهد طبع لازم و واجب.

اگر سعی و کوشش مبذول گردد و صبر و شکیبائی و بیداری و هوشیاری
 از نظر منحوشود و بدعا و تضرع و استغاثه و استعانه از ملکوت الهی منظم گردد
 شبهه ای نیست که تأییدات پی در پی رسد و مجسایان من جمیع الوجوه

چنان بخت از آسائین و فائق بر رجال عالم گردند که ندای اسم اعظم
عالمی را مجذوب نموده از وسیع و شریف کل ساجد و خاضع این امرحانی
شوند و سلطنت ظاہر و باطنه حقیقیه حضرت بهاء الله را بحشیم سر و سر بینند
که چه بخور تمام طبقات عالم مستولی گشته و نشاء حیات حقیقی در روح ابد
در ارکان عالم دمیده .

چه خوش است اگر این روز فروردیوم موعود بودی زود بدون فتور و تأخیری
جلوه گر گردد و چشم روحانیان تحقق و عود الهیه منور شود . هر یک از این ضرب
مظلوم غریز و عالم شود و سرور جهانیان گردد و پیش الهی بفتوحاتی روحانی
و ابدی فائز گشته مظفر و منصور شود .

در حق آن یاران از اعقاب علیا فراغت و آزادی از شوون دنیا خواهم تاد
نهایت سکون و راحت تمام قوی در شیرفت مقاصد روحانیه و تساع خدای
امریه قیام نمایند و موفق گردید . نظرش شامل است و الطاف و تأییدش کامل
تا بهمت اجابا چه نماید و تمنهای افشاند و ید عنایت حضرت عبدالبهاء این
سین متوالیه از ارضی قلوب آن یاران بجه قوت و سرعتی انبات گردد و
نشود نمالند . شبهه ای نیست که هر یک از آن مدعیون مانده و جسمانی

و فحارین ملکوت الہی جمعی را در ظلّ طلیس کلمۃ اللہ وارد خواهند کرد و صیت ا
مبارک را در آفاق مشہر خواهند ساخت .

ولی آنچه را این عبد استدعا و تمنا نماید همانا وقایت و حفظ امر اللہ است و
مزید فوقیت یاران الہی تا ہیچ وجه خللی و فتوری در پشیرفت امر اللہ حاصل
نگردد و من دون تاخیر در نہایت قوت و سرعت و ابھت و جلال تمام
مقاصد و امال و مآرب بندگان جمال الہی در این عالم وجود تحقق پذیرد و
شہدائی نیست کہ با شرادعیہ خالصہ آن وجودات مبارکہ و جان نشانان
و خادمان عتبہ مقدسہ این دعا مقرون با جابت گردد و این غیوم تہرالمہ
روزی تلاشی گشتہ اشعہ تائید پی در پی اشراقی شدید در ارواح و نفوس
نماید و نصرت محمومہ امر حضرت بہاء اللہ را بر عالمیان واضح و ثابت
گرداند . ۱۳ ک ۲ ، ۱۹۲۳ - ۲۵ ج ۱ ، ۱۳۴۱

بندہ استانش شوقی

بواسطه اعضای محترمه محفل روحانی تبریز

احبتی الهی و اما، دامن در تبریز و مراغه و میلان و خوی و اسکو و ایوان
و بناب و میاندوآب و ساوجبلاغ و سیان و ممقان و انجلی و اردمیه و ارد
و درچی و درنوز و سایر نقاط امریه در صفحات آذربایجان

طراً ملاحظه نمایند

فدیکم بروحی و فوادی یا احباء الله و امانه در این حین که بیاد آن نفوس
خالصه مخلصه و مادیان امر روحانی در آن صفحات افتادم بقلبی طافخ و محبت
و اشتیاق قلم را برداشته تا احساسات و عواطف قلبیه این عبد نسبت
بآن دوستان عزیز که هر یک معین و پیر این فانی در ترویج امر الهی هستند
ابراز و اظهار نمایم. هر چند در تحریر و محابره ظاهره تأخیر و فتور حاصل گشته
ولی همواره قلمم بروابطی روحانی مرتبط بآن یاران بوده و جان و نام
بذکر و فکر آن حبیبان مجدم و مانوس.

این ایام ایام انقلاب است و علام و بشارت بشارت موعوده در کتاب
در بروز و ظهور. زمان طمینان است و اوقات همت و استقامت
و خدمت بامر الله. هر قدر افق عالم تاریکتر گردد و نوع بشر بر مخاصات

و منازعات مذهبی و سیاسی و ثرادی و اقتصادی خویش بفرایید اشعه
امید پرتوی شدید تر اندازد و قلوب یاران تحقق آمال و ایفاء اکمال وعده ها
آنی شاد و مطمئن تر گردد ولی این بشارت بر عوده تحققش متوقف بر بهت
یاران است و استقامتشان در پیل اعلای امر الله منوط بتوجه و استعانت
مستمری آن نفوس از مصدر الطاف است و شروط مبراعات حکمت و
و توطید ارکان مشورت و تألیف قلوب در بین اجباء .

الحمد لله که در این ظهور بدیع الواح و آثار الهیه راجع بأمور صلیت و فرعیه
خبریه و کلیه . علمی و فنی . مادی و ادبیه . سیاسی و اقتصادی چنان
عالم را احاطه نموده که شبه آن از اول ابداع در هیچ منظره از مضامین قبل
و هیچ عصری از اعصار غایبه دیده و شنیده نشده . شخص مصلحتی
اگر توجّه تام باین آثار مقدسه نماید و خوض و تعمق در بحر این تعالیم سماویه کند
و معانی دقیقه و حکمت های بالغه نموده در هر یک را بدقت ملاحظه از آن استنباط
نماید از هر محنت و مشقتی و تعب و زحمتی و خطر و وبالی و حزن و کدری
حیات مادی و ادبی و روحانی خویش محفوظ و مصون ماند .

وقت آن است که نور این تعالیم کافیه شافیه که کافل نجات و استعاض

این عالم پر اختلاف و ظلمات است بخت آن حبیبان و استعانت روان
و حکمت یاران و خلوص و جانفشانی اجبار بر عالم شبر پر تویی شدید افکند
و این سیئات عالم وجود را بجنات تبدیل نماید و این اضطراب و دہشت
در روح انتقام و ضغینه و خوف را که ارکان عالم را متزلزل نموده باطمینان
و راحت دل و جان و حب و و داد و الفت و استیام و اخوت حقیقیہ
مبدل نماید تا امر حبیب حضرت بہاء اللہ پرده برانداختہ و لولہ و آشوبی
قلوب و ارواح اندازد و صوت تبیل و تکبیر و نعت و وصف جمال بھی
و قوہ حضرت عبدالبہاء عالم کون را باہتر از آرد . احبای الہی منصور
و منتظر گردند و اعدای الہی مقهور و معدوم . امر الہی سلطہ ای جہان
یابد و قوای ملکوت بر ممالک و افراد شبر مستولی گشتہ این قطعہ زمین گہرا
و گلشن گردد . پس باید بایستد ہمچو روز مبارکی در نہایت شور و ہمت
و توکل و اعتماد قیام بر شرفیات نمایند تا بمقصد اصلی فائز گردیم و امر
الہی را بہتمام قوی نصرت نمایند و بشاہدہ جمال اقدس بھی و فوز تقوی
مولای حسنون حضرت عبدالبہاء با جبر و ثوابی خیریل در ملکوت بھی
فائز و نائل گردیم .

هر دم منتظر شبارات روح انگیز از آن نوحی و صفحات بوده و هشتم و بیاد
آن من و یان امر الهی در این جوار مقدس مانوس و مالوف .

۱۳ ک ۲، ۹۲۳ - ۲۵ ج ۱، ۱۳۴۱

بنده استانش شوقی

بواسطه اعضای محترمه محصل روحانی بهمان

حسبای الهی و امان رحمن در همدان و افزا جرد و بهار حسین آباد و تویرکان
و سایر نقاط مجاوره طرأعا حفظه نمایند

حمد و شاعرانایات و تأییدات غیبیه جمال الهی را که این صفت شست و منظوم را
در این همسمه و آثوب محافظه فرمود و نصرت بخشید. بباط اعدای ایش
را در هم چسپید و زلزله بارکان آن مخربین بنیان الهی انداخت. اشعه
ضعیفه امید حسودان را بظلمات یأس مبدل کرد و جنبش و حرکت مذبحه
اهل نقص و فساد را بجمودت و موت ابدی تبدیل داد. آنچه را در حق آنان
دعه و نه بود ظاهر و عیان کرد و نور هدایت و قوه مستمره روح تقدس
را بر هر مرتابی مشکوف و مبرهن فرمود.

پس چرا خاموش نشینیم و خزن و اندوه بخور راه دهیم. هنگام خدمت و
و نصرت است و ایام ایام استقامت و جانفشانی در پیل امر است.
تقدیرات الهیه را جز آن عالم غیب و شهود دیگری نداند و آنچه را آینده از
خیز غیب بجز شهود رساند هیچ نفسی از پیش واقف نگردد ولی شکر آن مولای
حافظ و ناصر را که بوعده های روح بخش چنان قلوب این خسته دلان را

شاه و مطنن فرمود که هر قدر محن و بلا یا مشکلات و رزایا از دست ملت غافل
 و احزاب متباغض و اعدای مجامع و در حال ظالم غدار و ابد گردد ادنی غبار
 بر خاطر نورانی یاران حضرت عبدالبهاء نشیند و غیوم مظلمه حیرت و افسردگی
 انوار امید و طمینان را از ظهور و اشراق در قلوب صافیه اجتناب نماید .
 حضرت بهاء الله در این معرکه عظمی که عالم وجود را بحرکت آورده
 ارافق ابھایش نظری انداخته با منگی ملکوتی منادیان امرش را خطاب
 می فرماید : **و نزلکم من افقی الابهی و نضر من قام علی نصرت امری**
بجنود من الملأ الاعلی و قبیل من الملائکة المقربین .
 آن جيش عرمرم تأیید ممد و ناصر و ظمیر این آوارگان است و قوای مادیه
 عالم از تأییدات جنود علای محسوم و ممنوع . هیچ بنیانی است
 استوار نگردد و باقی و برقرار نماند مگر بنیان الهی و پیچ امری در عالم امکان
 ترویجی ابدی و تقسیمی دائمی نیاید مگر آنکه مستند از قوای روحانیه گردد
 و اساسش مبنی بر تعالیم امر الهی باشد لذا بر سطوت و سلطنتی روز بروز است
 و هر شوکت و جلالی عنقریب محمود فراموش گردد .
 ولی این عده معدوده اجتناب که تا بحال کلام و بیانشان از حوزه محدود

خوش خارج گشته و بر افکار عمومی عالم میستولی نشده چون میسند بر تعلیم روحانیه اند و مصدر اقدامات و خدماتشان فیوضات الهیه است در استقبال ایام قحاً و اکیده روزی گوی سبقت را از میدان تاج رجال عالم خواهند برد و سلطنتی ابدیه الی ممر القرون و الأعمار تخیل و تخیل و تخیل خواهند حال وقت تخم افشانی است و استحکام اساس مستین الهی .
 بجا حکمت باید بذر محبت الهی که در ارضی قلوب گشته شده سقاییت کرد و از خواصف شدیده این ایام و باد های مخالف نفس و هوی محافظه شود . واضحاً می فرماید و تأکید مینماید . قوله الأعز الأعلی :

وَأَمَّا مَا سَأَلْتُمَنِ الْآيَةَ الْمَوْجُودَةَ فِي سَفَرِ دَانِيَالٍ "طوبى لمن يرى ألف وثلاث مائة وخمسة وثلاثين" هذا سنة شمسية لميت بقرية لأن بذلك التاريخ ينقضى قرن من طلوع شمس الحقيقة وتعاليم الله تكمل في الأرض حتى تكمل وتتلأ الأنوار مشارق الأرض مغاربها يومئذ يفرح المؤمنون
 این کلمات معنیه بار که که اوضح من شمس است و مصرح و مؤکد فی الحقیقه اهل بهار اکافی است که شعله امید و طمینان در قلوبشان بغور آن آرد و آن روز فیروز را در انتظار جلوه تام دهد

روح جدیدی بنفوس بخشد و قوه کاملی در تهیت و تدارک این بوم مبارک
 بآن یاران بخشد.

حال وقت بهت است و زمان استقامت و تمکک بحسب تعالیم الهی
 در جمیع شؤون و احوال

۱۳ ک ۲، ۹۲۳ - ۲۵ ج ۱، ۱۳۴۱

بند استهانش شوقی

بواسطه اعضای محترمه محل روحانی بار فروش

احبتی الهی و اما، رحمن در مدینه بار فروش و آمل و ساری و اشرف و بندر
و تاکر و عرب خیل و ماه فرومک و سایر نقاط اتریه در صفحات منوره مازندران
طراً ملاحظه نمایند

افدیکم بروحی یا اولیاء الله و احبائه هر چند این عبد آستان در این جوار
مستحیر و از آن اماکن منوره دور و محجور ولی چه با اوقات که قلب روان
بیاد دوستان آن قطعه نوراء قهر و بیکر و فکر محبوبان آن سامان نالوف
و مشغولم. نهایت آمال و آرزوی دل و جانم زیارت آن مہبط انوار است
و طواف مستطیر اس مبارک جمال اقدس ابھی. تشریف بان خال باناک
است و سیر و مرور بر آن اودیہ و جبال و اتال مبارک که آن خطہ علیا.
استنشاق روائح قدس از اندیاز است و شرب ماء معین از انہر جاریہ و صفات
آن صفحات. آن یاران کہ بچنین نعمتی فائز و در مسجود مقاماتی ساکن
و مقیمند باید ہر دم در آن موطن مبارک جمال قدم از آن سر چشمہ فیوضات استغفا
نمایند و پرتوی از این مہبت کبری بر ایران و ایرانیان افکنند در
حب و وداد و روحانیت و اشتغال فی تحقیقہ سرور جہانیان گردند

و در تقدیس و تنزیه و تجرد از متاع و شئون دنیا مشرق عالمیان شوند .
 محافل چنان مجلل و مکمل در حوالی آن مقامات مقدسه بپارایند که
 نفحات شگبیزش شام این مشتاقان را معطر و منبیرین نماید بنیان
 مشید رفیع مشرق الاذکار را کمالاً در قلب صفحات مازندران مرتفع سازد
 و صوت تهلیل و تکبیر در لیالی و اسحار چنان مرتفع گردد که توجّات روحانی
 باین شواطی مقدسه واصل گردد و عالمی را بطرب و اهنزار آرد .

و بخدمات و اقداماتی در بسیل تحسین احوال و ترقی و پیشرفت وطن خویش و
 عالم انسانی قیام نمایند که افکار کلّ متوجه بآن نقطه مبارکه گردد و اشعه
 هدایت بر آن تسلیم مکنه تمام اقالیم عالم منتشر شود . همچو یوم مبارکی که تحوّل و ترقی
 است و بشارت منزله در حق آن خطه مطهره حکم بد از آن مرفوع پس حمید
 نمایم و تبصره و ابتهال از جهال و تدم و اسم عظیم مسلت نمایم که مارا
 بنفحات روح القدس روحی جدید بخشد و در آن انحاء و اکناف بسوخت
 نماید و مقدر فرماید که باین تأسیسات موفق گردیم و بتحمیدات پنجه روز قیوم
 مخصص و مؤید شویم . هر چند در این ایام ظاهراً اسباب مفعودولی آنچه
 هم و الزم است تقویت ارکان امر الله در آن سامان است و از ویلا

دوله و روحانیت و انجذاب و الفت و اتحاد و تسلیع و خدمت درین
 اجاء الله تا بتدریج آن جوهرستور کشف شود و آن یوم موعود بمیان آید
 غنایات خاصه خفیه جمال قدم و حضرت عبدالبهاء، روحی لرمسها الا لفرذا
 شامل آن یاران بوده و حال بیش از پیش بد غنائش معین و مادی آن
 نفوس مقربه درگاه الهی است. پس باید بشکرانه این الطاف و نهایت
 توکل و اعتماد مجدداً بر هدایت نفوس از تمام طبقات چه اعلی و چه ادنی قیام
 کنیم و مقرر صد تائیدات متواصله اش گردیم. این است سمت آن خالصان
 الهی و این است رویه مجاورین آن مقامات مقدسه. امیدم چنان است
 که باین شیوه مرضیه فرین گردید و مادیان عالم انسانی شوید.

۲۶ ج ۱، ۱۳۴۱ - ۱۳ ک ۲، ۹۲۳

بندۀ استانش شوقی

بواسطه اعضای متمرده مصل روحانی نبرد

احبابی الهی و امانا، رحمن در مدینه نبرد و نایبین وارد کان حسین آباد و نسا و بروج
و اسفند آباد و تفت و محمد آباد و بلوک مجمر و خویدر و مروت و دوج و امانا
و بوانات و سایر نقاط مجاوره طرّا ملاحظه نمایند

حمد و سپاس قوه قاهره جمال اقدس الهی و شکروستایش غیایات موفوره
و توجّهات کامله حضرت عبدالبهار که در آن سامان حم غفیری را بشاطی
بحر ایقان و عرفان دلالت فرمود و ندای امر رحمن را گوشزد آن نفوس
زکّیه طیبّه کرد. جمعی را از مدعیین و مختارین در ظلّ لویش محسوس نمود و بغیر
شهادت کبری و اکیس حسیل جانفشانی فائز و مکلّف نموده بدایه منقّه
شده، شجره امرش را ستایت کرد و بخدمات فائده آن یاران با وفایش
اساس بنیان متین را بنهاد. در عبودیت آستان مقدّسش آن یاران
و یاورانش را سیسم و شریک خود دانست و غیایات لا تعدّ ولا تحصى در حق
این جمیعان مبذول داشت. حال وقت آن است که در مقابل این
لطاف و تعظّمات و عزّت و افتخار و حسن و تعلق قلبی که من دون استحقاق
شامل حال این ضعیفاشته هر یک با جرای نصیاح و تعالیمش قیام نمایم

و آنچه را آتمای قلبی و رضای او بوده تمام قوی در تحصیل و اجرای آن بکوشیم
و آن خدمت امر الله است و عمل بموجب نصایح الهیه و تعالیم سماویه .
تألیف قلوب است و تهذیب اخلاق . انقطاع از ماسوی الله است
و ترویج امور خیریه و مصالح عمومی عالم انسانی . بدم بنیان جنگ و قتال است
و تأسیس بنیان مشید صلح عمومی . از آله تعصبات است و تعمیم علوم و معارف
باید به بیان طراد تمام احوال این حکم الهیه و مبادی سامیه را در اعمال و
کردار و رفتار و گفتار خویش چه خیریات و چه کلیات برد و اظهار و اثبات نمایند
تا این امر عظیم افکار عالم را که حال در نهایت پریشانی و حیرانی خفیه متدحجاً
متوجه بقوای معنویه گشته جذب نموده بر آن بتماها مستولی گردد و اجبای
الهی عمل متزاید و نمرنده عالم را باین دریاق اعظم شغالی سریع و کامل
بخشد . این چه نعمت و موهبتی است که در حق یاران مختارین ملکوت بهایش
مبذول گشته و این چه تاج عزت و افتخاری است که بر سر آن نجات دهندگان
این عالم ظلمانی نهاده . حال وقت تاسیس و نیایش است و طلب و
استمداد تأیید و عون و صیانت جمال الهی تا توفیق رفیق گردد و روح مطهر
امر الهی جلوه نموده بر قوای عالم طبیعت و سیات بتماها غلبه نماید

بساط امراتہ در شرق و غرب در انظار ممالک و شوب گسترده شود و ندای
جا نغزای یا کعبا، الابی آشوب و لوله ماد یون و سیاسیون قفقاز
نشانند و بغوزی حقیقی و سعادت سرمدی رسانند.

حال وقت همت است و زمان خدمت. بومایای مبارکه رجوع نمایند و
اهمیت تبلیغ و تشیع و تحریص اجبار خدمت این امر عظیم در این ایام مظلّمه
ملاحظه و رقت فرمایند که چقدر مهم و لازم است و بر برامری فائق و مقدم
ولی حکمت را باید منظور داشت علی الخصوص این ایام که آن قلم پریشان و
بیجان است و اضراب مسلط و مکیده و مفسد قویّه در میان.

اجا باید بحمل المستن تعالیم الهی متمسک گردند و بذیل مشورت تثبیت نمایند و
مشکلات ترانید یابد و در امر تبلیغ و هدایت نفوس فستور و تأخیر حاصل شود.

در لیالی و ایام و در احوال مناجات بیاد آن خادمان جان نثار
امرائی بوده و مستم الطاف و تائیدات و عون و صیانتش را لازمال در حق

آن برادران و خواهران روحانی متمسک و طالبم

۲۵ ج ۱، ۱۳۶۱ - ۱۲ ک ۲، ۱۹۲۳

بنده استانش شوقی

۲۰- بواسطه اعضای متحرکه فضل روحانی

احبای الهی و امانا، رحمن و کرمان و زرخبان و سمنان و رستخبان و سیرجان
و راور و تون و سنگسر و شیمیرزاد و سایر نقاط مجاوره در آن صفحات طراً ملاحظه نمایند
هو الله

ثابتین بر عهد محکم الهی را در هر رمی شامی معطر بنفحات رحمن خواهم
و قیام و اقدامی بدیع در این ایام آرزو نمایم . هر چند امور در بعضی از نقاط
در آن صفحات متقلب و پریشان گشت و یاران مظلوم دوباره بچنگ اهل سوء
و عدوان و مغرضین گمراه افتادند ولی غیبی دوستان را نصرت میفرماید
و اهل ظلم و ستم را عنقریب مقهور و مغلوب خواهد نمود . ادعیه قلبیه مستمره
برادران و خواهران آن مظلومان در قطعات اروپ و امریک و آسیا و آفریق
باحت قدس آن مولای جنون رسیده و مقبول و بجز اجابت مقرون نخوا
گشت و این فیه ضعیفه را محافظه فرموده مسلط بر دشمنان و حشودان خواهد
فرمود . ثمرات این عطیات و صدقات در مستقبل ایام چون شمس ظاهر و
معلوم گردد و نتیجه این پریشانی و ویرانی اجابا بعد از این بر وجه یاران
و دشمنان بر دو مشوف شود . اجابا از صدمه و ابتلا در سبیل امر الله نباید

دقیقه ای آزرده گردند و متأسر و متحسر شوند. در لوح ابن ذنب آن لسان
 عظمت که تسلی دهنده عالم است باین بیان ناطق :

طوعاً تقاضا تی فی حکم عجا اقی بنگد می فی محل و المحرم

براستی میگویم آنچه در سبیل الهی وارد شود محبوب جان است و مقصود روان
 ستم ملک در پیش شهیدی است فائق و عذابش عذبی است لائق .

لوح حضرت سلطان ذکر شده : و نفسه الحق لا اخرج من البلیا فی سبیه
 و لا من الرزایا فی حبّه قد حصل الله البیاضا و یه لنده الکره انحصار و ذبانه
 لمصباحه الذی به اشرفت الارض و السماء . این تذیل ظاهره احباء الله

باید سبب شود که حرارت محبت الله در قلوب شدت یابد و نور استقامت و
 همت نفوس را پیش منور سازد این ظلم و ستم چون عاقبت مدام الله

است باید مذاق روحانیان را شیرین و انگبین بنماید و بر تشکر و مستنان
 و خلوص و انجذابشان بفریاد چه که این واقعه مانند ابر بهجاری اراضی قلوب را

مستعد نموده بگل و ریاحین ایمان و ایقان زینت و رونقی بدیع بخشد و تارین
 عذاب نورش غمغریب پر تو بهدایت کبری را بر نفوس و ارواح عالم افکند .

حال وقت صبر و سکون است و هنگام تشکب بجل مستسین تعلیم الهی

هر قدر یاران بیشتر توجّه بمبادی اساسیّه این امر نمایند و معانی و حکمتهای
بالغه را از آن کلمات عایات استنباط کنند و همّت در اجرای آن نصیاح
شفقانه فرمایند غایت و حمایت الهی بیشتر شامل گردد و اشراق تأیید و تیرش
خطّه بیسنگ بهتر معلوم گردد و شاهراه خدمت بامر الله و ترویج دین الله و ضحرت
و مشوقم شود. الحمد لله آنچه لازمه ترقی و ارتفاع عالم باعلی درجه عزت و رفاه
است من جمیع الوجوه از قلم اعلی و کلک میثاق باید عیان نازل گشته بیارن
اسباب را کاملاً عطا فرموده تا بحکمت و استقامت و خلوص و جانفشانی
در میدان خدمت قدم گذارند و تا نفس اخیر نبوشند که این ندا جفا نگیرد
گردد و این نور جهان نسوزد شود.

و بیاد آن یاران در جوار این سه تفعه مبارکه در هر دمی مانوس و مأوم
و در حق آن یاران بدعا و مناجات مشغول و در و بشارت روحبخش از
آن دیار مستطرد و مترصد

۲۷ ج ۱، ۳۴۱ - ۱۳ ک ۲، ۹۲۳

بنده استانش شوقی

بر اسطه اعضای محترمه محفل روحانی کاشان

اجبای الهی و امان و دامن در کاشان و قصر و مازگان و آران و بیدل و مغان
نوش آباد و وادقان و جوشقان و فتح آباد و کشته و سایر نقاط مجاوره طراحت پذیرند

به واسطه

روحی بحکم الغداء یا اولیاء الله و احبائه هر چند از منجبره و مرسله بآن
برادران و خواهران عزیز تر از جان و روانم مدت مدیدی ممنوع و محروم
گشتم و عواطف مکنونه در قلب را از محبت و تعلق و اشتیاق و امید نسبت
بآن خادمان عتبه مقدسه ظاهراً ابراز و اظهار ننمودم ولی همواره بیاد آن
یاران حضرت عبد البهاء که در عبودیت آستان بجا شریک و سهم این
عبد نالایقند مالوف و مانوس بودم و بتذکر و تفکر در حال آن عزیزان مشغول
پس از واقعه مؤلمه صعود مولای جنون مملکت ابھی چنان روی
مضویه قلوب جمیعان را در خدمت و جانفشانی بامر اعظمش متحد و مرتبط
فرموده که بعد مسافات و مرور سنین و ایام و انقلابات جهان در سبیل
حسودان و تزیید مشاغل از یکدیگر منفصل ننماید که سهل است مخبرات روحیه
مستمره را به هیچ وجه حاصل و مانع نگردد.

این قوه ملکوتیه که ارواح و نفوس اجبارا چون تن واحد و اعضا، و جوارح یک
یککل منبسطه بوده و هیچ مدی هیچ امری تشتت و پرتی نشان نگرند بلکه آرام
و حوادث زمان و هیجان و آشوب عالم برافت و یگانگی و وحدت و استقامت
این ضرب مظلوم بفرماید . صفوف مجتهد و این همیشه موبد الهی را هیچ وسیله
و شوکتی خرق ننماید و این جمع متوجه بافق اعلی را هیچ ظلم و جفائی (تعدی
و ابتلائی تشتت و متفرق نگرداند . اسسش را بد قدرت الهی بخواهد
و در ظل جناح عنایت و مژگش نشود و محافظه گشته فتوحاتش فتوحاتی روحانی
است و وسائل و وساطت نسل برایش اسباب غیبی الهی . تعلیماتش بر عنایت
است و قشون و سپاهش خودتایید عالم اعلی . پس چرا خموش و سست
نشینیم و این عالم پر فتنه و آشوب را بحال خود گذاریم و در دو آلام فرزندش
درمان ننماییم . امید و حید شوب و قبال و طوائف محتمنه عالم توجه به هدایت
الهی است و کینا حافظ و حامی این خلق بیچاره از هجوم و تسلط قوای مملکه
مادیه حصین امر الهی است . اگر چنین است دقیقه ای فتور در ترویج
امر بها و ظلمی است عظیم و ایهال و عدم اهتمام در انتشار این نور بسین فتور
و قصوریت شدید . میفرماید : المدعوون کثیرون و المختارون قلیلون

پس مارا که سرش آلتی در این غمور عظم نخوان موبت کبرایش دعوت نرود
 چرا باید خود را از این نصیب هدایت من علی الارض محروم سازیم و از نجات
 در ملکوتش محسوب گردیم و در مرز معرین مشورت شویم ، باید به تبلیغ و نهایت
 تمکین قیام نمود ، نیست امری را که امروز حضرت عبدالمجید از ملکوت
 جلالش باین ناظر و از دوستانش منتظر . در وصایای خیره اش می فرماید
 « در این ایام اتم امور هدایت من و اتم است باید امر تبلیغ را اتم شمرد
 زیرا اس اساس است . این عبد مظلوم شب و روز ترویج و تشویق شوق
 گردید . دقیقه ای آرام نیافت تا آنکه صیت امر الله آفاق را احاطه نمود
 و آوازه ملکوت الهی خادرو و باختر را بیدار کرد . یاران الهی نیز چنین باید
 بفرمایند . این است شرط وفا و این است مقتضای عبودیت استان بها »
 حال بقبی امیدوار مستظرم که آن یاران مصداق این کلمات مبارکه گردند
 و اس اساس را در عالم وجود مستحکم ساخته بنیان امر الهی را متدربا بر آن بنیاد
 مرتفع نمایند و شرط وفاراجری دارند و بمقام عبودیت صرند بجهت فائز گردند .
 منتظر این بشارت روحبخش آرند یا روده هجتم ۱۳۴۶ ج ۱ ، ۱۳۴۱ ، ۱۳۴۰ ک ۱۳۲۲

بنده استانش شوقی

بواسطهٔ اعضای محترمهٔ محفل روحانی قم

احبای الهی و اماء الرحمن در قم و آمره و جاسب و نراق و سایر نقاط مجاور
طرّاً ملاحظه نمایند

روحی لو فاکلم العزاء فی الحقیقه در این ایام مظلّمه که جمال بمیشال محبوب
و مولای مهربان از دیدهٔ عنصری متواری گشته و دل مجبوران مشتاق را
ایف غم و اسف و حسرتی شدید فرموده آن برادران و خواهران روحانی
که هر یک معین و ناصر و هیراین بنده ضعیفند تمام قوی متوجّه ایه متوکلاً حمید
منقطعاً عن دونه با جرای تمنّا و آرزوی حضرت عبدالمحبّس اقیام فرمودند
و شرط و فاراباً تمهاتاً و احکماً مجری داشتند. از اهل نه نما در صحیفهٔ حمرا محسوب
گشتند و در زمرهٔ مقربین داخل شدند اجرشان عند الله خیریل است و مقامشان
در ملکوت ابھی عظیم و رفیع. امیدم از درگاه خداوند عالمان چنان است که
روز بروز بلکه آنّا فائز بر ثبات و روحانیت و بهمت و خلوص بنمایند. شد
هدایت کبری را در آن خطّه برافروزند و عالم تشنه لب را بسبیل عرفان الهی
برسانند. هر یک آیت هدی گردند و اودی جمعی غفیر از غافلان و محرومان
عالم شوند. بحکمت کبری جمیع تسلیع بیارایند و علم بسین یا بحسب اوباهی

در قلب آن اسلیم برافرازند. قلوب متغفزه از یکدیگر را استیام و ارتباطی
 حقیقی دهند و اخراب و ملل متباغضه را بصلح و شستی دائمی دعوت نمایند
 باعمال نفوس را تعقیب نمایند و سلوک و رفتار نام بهائی را اغزیر و صیت ا
 مبارک را شتهر سازند. از شرطیات تعصبات عالم مادی را رانائی دهند
 و بتعمیم و تحکیم اساس تربیت خدمت بعالم انسانی نمایند. مختصر تعالیم
 حضرت بهاء الله یکیک تأسیس کنند و در حیات خویش مشخص نمایند.
 این چه امر مهم لازمی است و چه وظیفه صعب شکلی. تعالید و تعصبات
 در نفوس محسوسه و اغراض و امیال شخصی در کل نفوس موجود خرقه قاهره
 تعالیم به این تعصبات را محو نماید و این مفساد قویه که جسم المکان را سمو
 و عیسل نموده اصلاح نماید و شعبه محبت الله و حرارت خلوص و انجذاب
 تبدیل نهد. وقت خدمت یاران است و ایام آیام خدمت و نجاشی
 و سعی و جهد در نجات و استخلاص عالم انسانی. باید با افراد شیر پر دخت
 و تربیت نفوس ابتدا و قیام کرد تا ملل عالم که مرکب از افرادند و دول که
 از اجزای ملت محسوب هر دو تعقیب گردند و هدایت شوند و باین واسطه
 وحدت عالم انسانی تأسیس شود و نجات و فلاحش تحقق پذیرد.

امروز نقطه نظر اجاباید تربیت و تثقیف افکار و تحسین اخلاق نفوس باشد
 تا بتدریج هیئت اجتماعی تغییر پذیرد و خیمه یگانه عالم انسانی مرتفع شود.
 باید در این ایام با مورا ساسیه پرداخت و ارکان این بنیان بشیر را در پیش
 افراد مستحکم ساخت. چون افراد را منح و کامل و ثابت گردند امر ترویج تحقیق
 یابد و انتشار سریع امر آنسه ممکن گردد. تربیت اطفال بحسب تعالیم مودنه
 در کتب الهیه بی نهایت محکم و لازم است در آن اجمال نمایند چه که اس
 اساس است. علوم مادیه عالییه و اطلاعات روحانییه و خوش و قبح در
 الواح و آثار مبارکه و تعلیم اسلوب تبلیغ و تاریخ ادیان و تحصیل کتب مقدسه از
 انجیل و توره و قرآن کل از مبادی اساسیه تربیت اطفال و جوانان است
 و چون باین تحصیلات موفق شوند باید کلام و بیان را با فعال لایقه و اعمال طیبه
 مزین دارند و اثبات نمایند تا از مادیات و مناسبات سیرین شوند و چون
 چنین شود فوج نفوس متعال نمایند و هدایت گردند. از آستان مقدس دعا
 و استعا نمائیم که اطفال و جوانان و سائر اجبار و عیال و نساء کلاً با نیای
 و طائف مقدسه خویش قیام نمایند و در اقدامات و مساعی خود نموده و موفق
 شوند. ۲۸ ج ۱، ۱۳۴۱، ۱۳، ۲، ۹۲۳، بنده استانش شوقی

بواسطه اعضای محمد بن محمد روحانی سلطان آباد عراق
اجای آلتی و اما، الرحمن در سلطان آباد عراق و شاه آباد و خج آباد و مشهد
و تفرش و گرگان و آستیان و آستانه و ادیس آباد و در قاء و حسین آباد و سایر
نقاط اتریه مجاوره طسره را محاطه نمایند

هو الله

ای برادران و خواهران روحانی این عبد فانی در صبح و مساء در ملکوت
جلال در این جوار عون و صون و حمایت آئینه را از برای آن برادران و
خواهران روحانی طلبم و نریزید و موفقیت آن دوستان را از درگاه حضرت
عبدالمجید جویم که ای خدای مهربان بنا عظیمت را با سبایی غیبی در
عالم امکان نصرتی سریع بخش و یاران ایران را در این سبیل مجذباتی فائق
موفق کن. سراپرده وحدت عالم انسانی را در قطب آفاق بموجب تعالیم
ربانیات مرتفع نما و یاران آن سامان را در سایه آن خمیه گیرنگ از نظر
عالم جلوه ده. این حزب تشیت را در ظل لوا، میشتاقت ناصر انظرفا جمع
کن و هر یک را عزیز و دو جهان نسره ما . آلاء و نعم مادی و معنوی
بر خادمان جانفشان امت مبذول کن و این بندگان با وفایت را

در ملکوت

در ملکوت خویش شوالی حبس نایل فائز و نائل فرما .

الحمد لله که ایوم ثبات اعلیٰ امر الله در بروز و ظهور است و علامت ترویج کلمه الله
در هر نقطه و دیاری واضح و مشهود . در دین الهی در قطعات خمس عالم علی الخصوص
در الکاف و صفحات بعیده قطعہ استرالیاء و شرق اقصی نفوس زکیه ای دست و
دخول میگردند و عنقریب فوج فوج در جنوب و شمال و شرق و غرب عالم باین
نوبتین اقبال نمایند . مصداق ثبات قلم اعلیٰ در شرف ظهور و وقوع است
و نتائج بیات و صدمات و شتات متوالیه حضرت اعلیٰ و جمال اقدس
ابھی و مولای عزیز حضرت عبداللہ، متدرجاً با کلمات و احسنها واضح و
مکشوف می گردد . حال که امر مبارک جمال قدم رو بقدیم و آستان
است و صیت آوازه امر الله سميع جهانیان رسیده احبای الهی باید پیش
پیش علی الخصوص در آن خطه منقلبہ مراعات حکمت را نمایند و پیرده دری
نکنند از حد اعتدال خارج نگردند و وظائف مقدسه خود را با انجام رسانیده
بصبر و سکون منتظر شمول تأییدات آئینه گردند و مترصد حصول اسباب فوز
و فلاح . تعجیل ننمایند و افکار را در اضطراب و میجان نبیندازند . یغنی
بتمهید اسباب در رفع مشکلات و تعیب نفوس مشغول است . یاران باید

در حسن کردار و حسن رفتار کوشند و تقصارت و کوتاهی را در جمیع شؤون چه خربی
 و چه کلی تطبیق نمایند. اگر چنان شود نفوس منجذب شوند و غافلان آگاه گردند
 و الا امر الهی از تاثیر و نفوذ بازماند و روح الهی از جریان و سریان در عروق
 و سریان عالم امکان ممنوع گردد. حیث است اگر این نارحمیت است
 که در قلوب ایوم روشن گشته از شعله و نوران ممنوع شود و از فتور و خمودت
 یاران تسکین و تخفیف یابد. ظلمات تعصبات نور دین حقیقی را از وجه
 عالم مستور نموده و وقت آن است که مادیان این ظهور الهی با اعمال و عقاید
 باین ناروقده در قلوب شعله بزرگان عالم رنند و لزومیت دین را بدلائلی قوی
 و فعلی محسوس و مادیون عالم اثبات نمایند. هر چند آن میدان وسیع است
 ولی جولان شکل چه که اعمال طیبیه طاهره مرضیه شرط است و من دون آن خسرا
 مبین. باید تو تسل بذل کبر یا کرد و شب و روز استعدا و التماس نمود که در این سبیل
 غایتش مد بخشد و توفیقش رفیق گردد تا با اعمال لایق شایسته این مقام فائز شویم
 و خدمتی شایان بعبثیه مقدسه اش نمایم. این است دعای این عبد
 در کستان الهی و چون باده عتیقه خالصه آید از ان منتظم گردد امید چنان است
 که مقبول آن درگاه شود و معجز آجابت مقرون گردد.

منتظر اخبار روح بخش مایران از آن سامانم و بذكر و فكر و شنایشان دامن
مشغول و مانوس

۲۶ ج ۱، ۱۳۴۱، ۱۳، ۲، ۹۲۳

بند۹ استانش شوقی

بواسطه اعضای محترمه محفل روحانی مشهد

اجبای الهی و اما رحمن در مشهد و بشرویه و نامق و حصار و قوچان و شاهرورد
 جندق و سبزوار و نیشابور و تربت و خیرالقرآ و انارک و خوت و درچاه و ازغند
 و قاین و دوغ آباد و فروغ و بیرجند و کاخ و طبرستان و مجنود
 و سایر نقاط امریه در صفحات خراسان طراً ملاحظه نمایند

مشعلان بنابر موقده الهیه و ناشرین تعالیم ربانیه را در آن صفحات پرفیض
 عظیم و نجاح و فلاحی با هر درمیدان امر الله از درگاه الهیه دانماست فیما بین
 که ای رب غریز قلوب محترقه حیسانت را بمردن نام امید و عنایت شاد
 و ممتز فرما و بانوار تعالیم آسمانیت آن خطه مبارکه را روشن کن. نیمه
 امرت را در قطب آن استیلا جلیل مرتفع نما و یاران آشفته رویت را بقوتی
 ملکوتی مبعوث کن. موانع و ماکل را با سبایی غیبیه زایل نما و ندای اسم
 اعظمت را بگوش هر قریب و بعید و وضع و شریف برسان تا بادیه خراسان
 که در بدو ظهور اعلام و ریایات نصرت امرت را مرتفع ساخته دوباره با همراز
 آید و از خلاف رجالی چون اسلاف مبعوث گردند که صیت آن قطعه
 نوزاد در شرق و غرب عالم منتشر سازند. اینست دعای قلبی صمیمی

مستمری این عبد از درگاه الهی و امیدم چنان است که در این سیه هجران
 و ایام حرمان احبا و امار الرحمن چنان قیامی نمایند که عالم را با تیراز
 آزند و روح بحسب مرده عالم دمنند. هیچ شبهه ای نبوده اگر همت موفود
 این سبیل منبذل گردد قوه قاهره روح الهی شامل حال آن معتسربان و غریبان
 حضرت عبد البهاء گردد و امر الله چنان شعله ای زند که من فی الوجوه
 مدبوش و حیران نماید. باید در این اوقات بر یک بواجبات و وظایف
 خویش در جزئیات و کلیات کاین فی و طبع قیام نمائیم و بکفایت مذکوره
 کتاب در ارضی طیبیه قلوب تحم افشانی نمائیم و توکل و اعتماد با خود و منتظر
 شمول الطاف گردیم و مقرر صد تحقق بشارات الهیه شویم و طول و پرمرد
 نگریم. آنچه را ما نوریم بحاجت و دل انجام دهیم و آنچه بسبیل الهی واقع
 گردد خیر محض و مرقع مصالح امریه و از تقدیرات الهیه و حکمتهای بالغه
 اعدیه شمریم. در الواح و آثار متقن و تعمق نموده بگوئیم هر یک از آن نصایح
 مشفقانه را عامل شویم و بر نیت کردار و رفتار در بین خلق عزیز و متساگردیم
 از درگاه محبوب الهی و مقام مقدس حضرت اعلی و مرتبه مظهر
 حضرت عبد البهاء روحی لا حیا لهم الفداء در حق هر یک از آن

برادران و خواهران روحانی خود قلبی طایف از محبت الهی و قدمی ثابت
 در امر روحانی و ربانی ناطق بآیات و اسرار ربانی خواهیم و صون و حمایت
 استعدا کنیم تا بختی آمل فائز گردیده در دو عالم منتخوذ مغرور و منصور شوید.

۲۴ جمادی الاولی ۱۳۴۱ بنده استاش شوقی

بواسطه اعضای محترمه مجلس روحانی کرمانشاه

احبتی الهی و اما رحمن در کرمانشاه و سنقر و گروس و سنندج و صحنه و
کرند و دولت آباد و ملایر و جواراب و آذرمان و نهاوند و بروجرد و خرم آباد
و سایر نقاط مجاوره طرّاً ملاحظه نمایند

ببلبلان گلزار این بوستان الهی را ترغاتی بدیعه بر شاخسار ایمان و عزمان
و ایتقان از محبت مقدسه همواره سائل و مستعیم و از آن شیفتگان جمال
در ذکر و شای آن روی محبوب و جلوه ستور تغیثات و نوت و اوصاف ضیعه
تمنّی و منتظر .

هر چند عواصف شدید جهان و جهانیان را سراسر احاطه نموده و غبار جنگ
و ستیز آسمان عالم را تیره و تاریک کرده و در وایح کدره ضعیف و بغضناش
بنی نوع بشر را از استقامت نفحات قدس که از محبت غایت جمال ابھی در این
عصر موعود در محبوب و مردود است ممنوع ساخته ولی تا عالم امکان در زیر
مصائب و بلیا نسوزد و دول و ملل ششم از کمای سیاستیه و مقاصد سیاسیه
خفیه شان بگردند و افراد بشر از محبوب این باد های مسموم مخالف بهوی و بهی
پشیمان و مأیوس نشوند انوار ابدی از مشرق این ظهور کلی الهی پرتوی بر عالم

نیکفند و لب تشنگان عالمیان کجوتر عرفان و ایمان و صل نگرند . تاخسته و
 و آزرده نگرند و مستغفر از حال پروبال خویش نشوند و تشنه و سرگردان آرزوی
 حاصل نجات را ننمایند علویت این تعالیم و سمو این کلمات مقدسه چهره نماید
 و قدر و منزلتش در انظار معلوم نشود . شبهه ای نیست که آن روز مبارک خوا
 رسد که نفس مخربین آئین و دین الهی و مروجین عقائد سخیفه مادیون عالم
 خود قیام نمایند و این آشوب و فتن را بدست خویش خاموش کرده بنیان
 بیدینی مغرطشان را از اساس براندازند و بجان و دل و بقوای اشد و اصل
 از قبل بتلافی مافات قیام نموده خود را منضم به پیه دان این امر مبارک نمایند
 و مروج تعالیم حضرت بهاء الله گردند چنانچه علام و دبشائرش ایوم در صفحات
 روسیه تاقدی واضح و معلوم گشته امید بکلی مقطوع بود که این شورشیان
 ممالک روس که مبداء اساسی آنان تغییر شرب عالم و توجه عوام به بیدینی عدم
 اعتقاد بشوئن روحانیست روزی خود اسباب ترویج امر الله را در صفحات
 ترکستان و قفقازیا فراهم آرند . این حزب نذا را بلند نموده که دین مانند
 افیون بیکل سیت اجتماعیه راست و غافل نماید و بهوشیاری و بیداری
 ککالت و بهیوشی تبدیل دهد . اسباب غیبی الهی همچه قوه مخربه ای را

اسباب اعلائی امرالله در آن سامان نمود . حال همین نحو که این امر عجیب
و قویش بعید المرام بلکه مستعجم و محال بود عیسی الکی در تعقیب نفوس و
ارواح مشغول است . و شبهه ای نیست که اگر یاران ثابت و راسخ مانند
و در نهایت تعلیم و حکمت بوظائف خود قیام نمایند امور عجیبه از پس پرده
حکمت الکی مشهود و عیان گردد و جنود تائید بقوائی ملکوتی و با سبب غیر
منتظره در نقاطی مخصوصه نصرت امر قیوم را خواهند کرد و چشم روحانیان
در تمام قطعات عالم روشن و منور خواهند نمود .

ایام ایام خدمت و جانفشانی است تا از این نعمت کبری و تاج موهبت
عظمی در این یوم مبارک ممنوع و محروم نشویم

۱۱ ک ۲ ، ۹۲۳ ، ۲۵ ج ۱ ، ۱۳۴۱

بنده استانش شوقی

اجتای الہی برادران و خواہران روحانی در بند انری
 بواسطہ محض روحانی انری روحیہ اہم ملاحظہ نمایند
 ہوا اللہ

یا احبہ اللہ وادو اللہ الحمد للہ کہ نامہ آن برادران و خواہران روحانی
 کہ حکایت از روحانیت و اقدامات مجددانہ اجتای الہی می نمود بارض
 اقدس واصل گردید و از قرأتش فرح و سرور کلی حاصل . امید چنان است
 کہ ہموارہ شام آن یاران باہمت و وفای شارات الہیہ و عبود و مرور ازین
 و مسافریں ارض مقصود و ملاقات و موانست مبلغین و مسادیان امر اللہ کہ
 از اندیاز گذر می نمایند معطر و معسبر باشد و ارواح و قلوبشان شاد و مستبشر .
 در این جوار از استان ملک مختار آن جسع را ترقیات معنویہ و تقدم و
 و پیشرفتی سریع در میدان وسیع امر اللہ خواہم تا انشاء اللہ بخت اعضا
 محترمہ محض روحانی و معاونت و مساعدہ قلبی یاران اسس محکم و مستین
 ہناده و بنیان رفیع مشرق الاذکار را در مستقبل ایام در نہایت جلوہ و شکوہ
 مرتفع سازید . حال وقت تائیس است و ترویج تعلیم الہیہ . جل جلالہ
 و استلاف و یگانگی و اتحاد را باید در بین یاران روز بروز بشیر تقویت داد

و بر تعاون و تقاضا افزود. از جهت افراد اجتناب باید کمال انقیاد و اعتماد را
 با عضای محفل روحانی خویش داشته باشد و مساعدت و تأیید آن محفل را نمایند
 و از جهت عضای محفل باید شب و روز فکری جز ترویج مصالح عمومی امریه و تغزیر
 امر الله و حفظ و سیانتش از شر اعدا نداشته باشند. امثال و مصالح شخصیته
 را فراموش نموده خود را خادمان و نماینده جمع احباب دانند و آنچه را مصلحت امر
 و خیر عموم است مجری دارند. امید چنان است که یاران انزلی این اسکا
 الهی را محکم و استوار نموده بخدماتی فائق درسیل امر الله موفق گردند.
 اینست دعای این عبد و تمناش از درگاه حضرت عبد الباقی از برای
 یاران جان نثار.

در حق جناب دکتر رحیم خان و جناب خان بابا از آستان حضرت بهاء الله
 شفای عاجل طلسم و صون و حمایت الهیه مسئلت نمایم. امید آنکه این عاجز اجابت
 و قبول مستردن گردد.

همواره منتظر اخبار و ثبانات روحبخش از آن دیار بوده و هستم. ۱۷ ش ۱۳۲۳
 بنده استانش شوقی

۲۷- بواسطه اعضای محترمہ محفل روحانی مدینہ طہران و یار معنوی حضرت امین الہی
روحیفہ اہم نسخہ ای مخصوص اجبای الہی و اما پھر چمن در صفحات ایران وقفہ
و ترکستان استنساخ گشت و ارسال شد

اجبای الہی برادران و خواہران روحانی در کشور مقدس ایران و بلاد ہند و
وقفہ از یاد ترکستان و بین انہرین و اقلم مصر و بریہ اشام و صفحات
شرق طراً ملاحظہ فرمایند

افدیکم بروجی و جنانی یا احباء اللہ آن شریں نغماتہ فی بلادہ رب علیم در روح
مقدس حضرت عبد البہس، در ملکوت غیب شاہد و آگاہ است کہ بچہ قدی
قلب این بندہ مستمند متأسف و متحیر است و چگونہ ناچار و متحیر کہ مکاتبہ
با ہر فردی از افراد آن یاران جان نشا در این ایام پر انوار ممکن و میر
نیت . از یوم ورود بارض مقصود قلوب صافیہ آن دوستان عزیز گو
من است دی رحمت نمودم و آنی فراغت نیافتم . لیلا و نهار
ہیچ امری جز تمشیت امور روحانیہ و ترویج مصالح امریہ و ملاحظہ در تمہیدات
غوری لازمہ کافیہ نپرداختم . مشغل ذہنی و علمی بجدی افکار این عبد را
شغول نموده و مطالب و لوازم و احتیاجات عمومیہ احباء و قطعات

و اقای عالم چنان ازدیاد و اهمیت یافته که دقیقه ای فرصت نمانده تا آنچه را
 آمال و آرزو و مقصود دل و جان این بنده آستان است و محبوب و مطلوب
 یاران تحقیق باید و بابر فردی از افراد جمع اهل کعبه ارسد و مخا بره گردد
 از جتنی تمنّی و تفحص و تدقیق در اتخاذ و سائل فعاله از برای اجرای وصایای
 الهیه و تحقیق نوایای مقدّسه مبارکه و از جتنی دیگر تحریر و مخا بره مستمری با تمام
 محافل روحانی شرق و غرب که هر یک در مستقبل ایام گنجانه اساس بیوت
 عدل الهی خواهند گشت و حکیم و تعظیم دوازده متعده و اثنوّه هر یک از آن
 از طرفی تدبیر در حل و رفع مشکلات و اقع در ارض اقدس و سایر نقاط که
 بر چند بظا هر اسباب تحدیش اذمان است ولی بباطن از حکمتی بانه
 اعدیه محسوب و از طرف دیگر مقاومت و قلع و قمع فتنه ضاله حسودان و
 ناقضان امر الهی که با وجود توجّح علم مظفر میثاق و مہبوط مساعی باطله شان
 هنوز بوساوس و دسائس شیطانی خود مشغول و وظائف مقدّسه این
 عبد بجدی محمّ و زیاد است که از این نعمت عظمی و محبت کبری محموم و منعم
 اگر بداند که چگونه صعود مرکز عهد و میثاق ملکوت اشراق
 قلب آفاق را من تمام الوجود در این ایام بحکمت و اہنرازا آورده و در

بلاذاد و قائم فسیحه مستعد غریب روح تسلیخ در عروق و شریان قاعده مؤمنه
تا به حضرت عبدالمجید جریان و سریان یافته و بکجه خدایات فائعه با بهره
هر یک موفق شده اند اندکی بر اتساع دائره امر الهی واقف گردید و بر بار و
علامت تحقیق و عود محمود مبارکه مطلع شوید .

بعضی منصوص کمال میثاق باز موقده الهیه که یقیناً در شرق عالم مشغول
فرموده اول در ممالک فرنگ شده زنده و پرتوی از غرب بشرق افکند .
بیشتر در باختر افکار عموم و ارواح نفوس را جذب و روشن نماید و بعد بخاور
سرایت کند و جهانگیر شود . از جمله می فرماید :

« بهاء الله ایران را روشن نموده و در افکار عمومی عالم محترم نماید و ایران
چنان ترقی نماید که محسود و مغبوط شرق و غرب گردد . اگر این سخن در بخیر
حال حضرت بهاء الله بر افکار عمومی اروپا مستولی شده بود و ایران را
جنت رضوان نموده بود و ایرانیان را محترم در نزد جمیع دول و ملل بلکه
کار بجائی رسیده بود که مرجع جمیع دول و ملل گشته بود . اگر بهاء الله
در اروپا ظاهر شده بود ملل اروپا غنیمت می شمردند و تا بحال سبب آزادی
جهان را اعطای نموده بود ولی انوس با وجود آنکه این امر در ایران ظاهر شده

عاقبت املی اروپا از دست ایران و ایرانیان خواهند گرفت. این را
در گوشه کتابچه مرقوم فرمائید عاقبت خواهید دید هنوز ایرانیان بهبائیان
رامی کشند .

حال ملاحظه فرمائید که یغیسی در تئیه پجور روز مبارکی در بلاد معموره عالم چه
انقلاب جنبشی و دہشت و وحشتی فراهم آورده . در قلوب و افکار روسا
و متفکرین آن بلاد چه عطش میل و استعدادی احداث فرموده .

عدہ معدودہ اجاء اللہ را در این مہمہ و آشوب دول و مل و احزاب و
طبقات در دو قارہ اروپا و امریک بچہ روح بدیعی و شوخیسی الیوم مش
فرمودہ کہ از اقصی بلاد و اکناف و اطراف تہامینہ جہان در واسطہ آئین
پاسیفیک نذا مرتفع است کہ قارہ جدیدہ صفحات استرالیاجسبند
غیب فتح گشتہ و علم مسین حضرت بہا، اللہ در قلب آن اقلیم بست یاران
امریک منصوب و مرتفع . بارض مقصود و مخبرات برقیہ از آن امان
بعیدہ رسیدہ کہ اول مجلس و ضیافت بہائی تشکیل شدہ و بذرحبت
کہ در سنین حرب الواح مبارکہ حضرت عبدالبہادر آن دیار گشتہ حال انابت
شدہ و نشو و نما نمودہ و بآثر آن الواح مسنیعہ و کلمات مہیجہ نافذہ یارانی

چند مبعوث گشتند و بزم و اقامت در آن قطعه شامه بسیار شدند
و متجاوز از صد و پنجاه شهر عبور نمودند در هر یک از آن مدائن اقامت نموده
تحم محبت الله را افشاندند و محض سقايت و محافظه کرة آخری مرور بر هر یک
از این مدن و قری نمودند و اساس ابدست خود را مستحکم ساختند. این است
نتیجه مهم عالیله یاران امریک که بقوه حضرت عبدالهبا، امرالله را چنین
نصرت نمودند و در قاره استرالیایا بچشم قوت حاتی روحانی موفق گشتند و نظراً
منصوراً تاج عبودیت آستان بهار ابر بر نفس انداختند و همچنین در قطعه اروپ
آثار حشر و نشوری جدید معلوم و آشکار گشته در اماکن و ممالکی که تا بحال از شعیه
این ظهور الهی ممنوع بوده مانند بلاد نسه و مملکت ایتالیایا و قطعه سویس و صفت
سحالی آلمان و دو قطعه اسوج و نزوج و خاصه ممالک روس در تمام این
نقاط آثار حیات ظاهر و محسوسه انوار از آفاقش طالع. یارانی چند کلمات
مکنوز حضرت بهاء الله و صحائف علمیه و رسائل و الواح مبسوطه همه و
و نقطه های عمومی حضرت عبدالهبا را بلغات عبری و ایتالیایی و آلمانی
ترجمه مینمایند و باین واسطه افکار را متوجه بامر الله میسازند. در نقاط
بسیاری محافل تأسیس کرده اند و عده ای را بشاطی بحسب عرفان الهی

وارد نموده اند . ندای این مسکین از زبان حال و معاشن مرتفع
 که فرموده قلوب را حاضر و آماده افشاندن بذر محبت الله نمودیم حال منتظر
 اقدامات و تعاون و تعااضد برادران و خواهران شریفیم تا مدد نمایند
 و این قطعه مجنوده پر استعداد اروپا چون ایالات آمریکا مشتعل فرمایند
 و نام حضرت بهاء الله را در اطراف و کنافش معروف و مشهور سازند
 از شرق و غرب همین ندا مرتفع . خواهران روحانی در خرابی راه پان
 بیانات حضرت رحمان را بزبان چینی و ژاپانی هر دو ترجمه نموده بوسیله
 خدمت راهبها ساخته تا یاران شرق و غرب هر دو در این میدان
 قدم نهند و مملکت چینیان را که فی الحقیقه دارای عالمی و تمدنی
 مخصوص است و از حیث عدده نفوس ربع مسکون عالم است و
 از جهت ثروت داخله و قوای طنونه مادی و ادبیه و روحانیه تفوق
 بر هر مملکتی از ممالک عالم دارد و دارای مستقبل محتموم و لامع ، بجهت
 قطعه جسمه پر قوه ای را بیدار نمایند و با همراز آرند و در
 ظل کلمه الله در آورده با اقا لیم سائر عالم محشور و مالوف سازند
 و وحدت حقیقی نوع بشر را بقوه حضرت بهاء الله ثابت

نمایند و تأسیس کنند .

الحمد لله آنچه را که قلم می‌شاق بان بشارت داد
و وعده فرمود و تأکید کرد به زخم نغز هر ناقص بر روی «شرف غور»
و بروز است و بیان مبارک که :

«غفریب کتاب می‌شاق» «صوامع آفاق تریل گردد» «جلوه و وقوع»
این علامات را هر مصنفی مشاهده نماید مگر کوران حسودان که بذلت و نداشت
مبتلا گشته و روزی بخبر آن بسین در آویز محمید گرفتار و معذب خواهند شد .
آئین بسین اساسش در قطعات غمزه حکم گشت و اقالیم جدیدی
و کشور های وسیعی بتدریج مفتوح و روشن شد . امرائمه دایره اش کامل گشت
و تمام اقالیم جهان را در حلقه کامله تعالیمش آورد . نارش هر چند تا بحال
شعله جهان نور زده و نورش بصیر و بصیرت دول و حکومت عالم را هنوز منور
ناخته ولی شعله اولیه اش بر هر قطعه و دیاری حال اشراق نمود و غمزه
بجسمت آن جانهای پاک آفتابش تجلی تام نماید و جهان منور گردد .
در لوحی از الواح حضرت عبدالعزیز ، خطاب مجمعی از احبابی فرماید که
«ایدوستان حقیقی الهی شمس حقیقت از افاق غیب مملکت پنهان»

این اوان چنان اشرافی نموده که من فی الامکان حیران گشته و قسمی جمیع
 اقطار را بولوله و غنغنه آورده که صیت اسم اعظم مالک شرق و غرب را
 احاطه کرده ندای سبحان ربی الاعلی است که از جمیع انحاء بلند است و نور
 یا بهاء الاهی است که از کل آفاق متصل بسبح . حال ای احباب
 الهی وقت همت است که این صیت الهی با صوت ستایش و محامد و
 احبابی الهی توأم گردد تا جمیع عالم شهادت دهند که نفوسی که در ظل مشیق
 جمال مبارکند هر یک شمع آبخشند و گل صد برگ خندان هزار گلشن و باغیان
 و روش نیز آفاق اقتدا نمایند و مطالع آیات رب متاقدند . و الهباء
 علیکم یا احبب الله و محابیب عبد البهاء « چقدر این بیان عالی
 که متجاوز از بیست سنه قبل نازل گشته مناسب این ایام است گویی که از برای
 هجده یوم مبارکی نازل گشته چه که از جهت رزق ملکوتی در اقطار و ارجاء عالم مرتفع
 گشت و از جهت دیگر این علو و تموا د الله انظار نفوس را متوجه بهایان
 عالم و مظلومان این امر اعظم نموده گفتار احبابیسم قریب و بعید رسیده
 حال نفوس مستطر آنند که از رفتار و کردار یاران را بحیث ایمان حقیقی و نفی
 ملکوتی استشمام نمایند . بدقت ملاحظه فرمائید . میفرماید « وقت آن است که این

صیت الهی با صوت ستایش و محمد روش حبیبی الهی توأم گردد»
 هر قدر نام بهائی مشتبه تر گردد و امر الله عزیزتر و رفیعتر شود اعمال و اخلاق حسنه
 طیبه زکیه طاهره احبب الله باید بهمان وجه در انظار آشنا و بیگانه بیشتر
 و بهتر جلوه نماید. آثار علویت این تعالیم باید در روش احباب ظاهر و مشوف
 گردد چه که اول مبلغ حسن رفتار یاران است و بهترین دلیل و مادی بصراط
 مستقیم الهی همانا حسن سلوک و حسن معاملات و خدمت حقیقی بعالم راسخ
 روح الهی نفوذ و تأثیرش در جسد امکان متوقف و منوط باعمال است
 نه اقوال و الا فتور و تأخیر حاصل شود و تأییدات شدید که مخصوص این
 قرن عظم است شامل حال نگردد و آمال و نوایا تحقق نیابد. همت
 لازم و سعی موفور واجب. تذکر و تنبیه شرط است و استمداد عون و غایت
 استمرار از ملکوت حتی قدیر از لوازم ضروریه محسوب. بذل اتهام و استعانه
 عون و عنایت هر دو باید جمع گردد تا در اعمال از سایرین ممتاز گردیم فی تحقیق
 تبلیغ این امر مبارک را نمائیم و الا از فیض برکت محروم و از تحقق آمال
 ممنوع خواهیم گشت.

محض خاطر عاظم یاران ایران و هموطنان محال قدم و هم عظم بر صفحه

مخصوص لوح المنع اقدس حضرت عبدالبنیاء که در گذشته ایام نازل
گشته است نسخ نموده تفاء ارسال میگرد تا کل تشویر و شغف آیند و بر همین
و اعتماد بغیر آیند و بدانند که بچه حدی استقبال اندیاز با هر است و فیض الهی
کامل . هنگام هنگام خدمت است و یوم یوم تمت و استقامت در هنگام
امرائی . حیف است اگر خاموش نشینیم و سکون و سکوت پیشه نریم بلکه
فتور در تحقق این مقصد اعلیٰ قصوری است عظیم و تعویق و تعطیل در وقوع این
وعدۀ کبری محرومیت از نعمت عظمی و فوز ابدی در جهان آلی است .

ای دنیا یا آهناء و محبوب علی السلوک فی سبک

و ارتفاع ادراک بین العالمین

۲۳ ک ۲، ۱۹۲۳ - ۵ ج ۲، ۱۳۴۱

بنده استاش شوقی

۶۸- اعضای محترمه محفل مقدس روحانی طهران

حفظم الله وایدهم ملاحظه نمایند

افدیم بروجی یا احباء الله وامنائین عباده الحمد لله آثار وعلامت شور
دوله وحممت وخدمت یاران از مکاتیب واصله از آن سامان ظاهر
و آشکار است و رانحه وفاداستقامت و جانفشانی در امر الله از رسا

مخاض یاران و افراد احباب در مدینه طهران متفویع . این عبد در احیان
مناجات از درگاه الهی مزید توفیق و رفع موانع و مشکلات و حفظ و صیانت
احباء الله را عموماً و اعضای محترمه محفل روحانی را خصوصاً طالب عظم
و شبهه ای نیست که اگر یاران تمام قوی در نهایت الفت و اتحاد قیام
نمایند و مداومت کنند و عده های آئینه یک یک تحقق یابند و ثبات از
ط رغبه کمال ناقض و کمال معاند فلولم با ما جسلوه گر گردد .

اولین نامه محفل روحانی غره ۲۷۲۲ و سیل گشت بدقت قرائت گردید
و علت سرور و اطمینان گشت و بر اقدامات و همسم عالییه اعضای محفل تهذیب
اطلاع حاصل شد امیدم چنان است که اعضای این محفل بر خدایات عظیمه
درستقبل ایام موفق گردند و من تمام الوجوه هر یک سر مشق جوانان شوند

از اقدامات یاران ایران و معاونت کلی از برای ارتفاع بنیان رفیع
 مشرق الاذکار امریک علی الخصوص حضرات امام الرحمن که بجنبه مخصوصی محض
 این امر محکم انتخاب نموده اند نهایت سرور و ابتهاج حاصل گشت. از برای
 یاران عموماً و اعضای این جنبه خصوصاً تأییدات الهیه و عون و عنایت ربانیه
 را در نهایت تضرع و ابتهال منست می نمایم. حال از لوازم ضروریه این ایام
 آن است که فوراً محفل مقدس روحانی طهران رسماً و کاملاً در اوپور طی بمسوط
 بدقت ترتیب دهند و ارسال دارند یکی راجع باوضاع امریه عموماً در ایران
 و دیگری خصوصی مختص بشؤون روحانیه در مدینه طهران از قبیل مشیرت امرالله
 این ایام و امر تبلیغ و احتیاجات آن و تسهیلات و تنظیمات محفل روحانی سایر
 محافل امریه و اقدامات امام الرحمن و محافل و انجمنهای آنان و علاقات و
 روابط موجوده با ارباب حکومت و حرکات خفیه ملت یابوس یحیی و مساعی
 ناقضین ناکشین و لوازم امریه و امور سائر متعلقه بامرالله. بعبارة اخری
 باید حالت و موقف امری را بتمام در نهایت وضوح و تدقیق در اوپورت
 خویش معلوم و محسوس نمایند و فوراً بأرض آقدس ارسال دارند.

این ایام انظار تمام محافل روحانی در شرق و غرب عالم کل متوجه محفل بنیه نموده

طهران است چه که منویا و مادیاً مقدم بر تمام مراکز امریه عالم است مظهر
 اقدس الهی است و از جهت عده یاران و اقدامات روحانیه و دایره نفوذ
 فائق بر تمام نقاط امریه در عالم بهسانی

اساس این است که از قبل با مختصار ذکر شد. محفل روحانی یگانه مرکز تمام
 شئون و اقدامات و خدمات روحانیه اجماعاً الله و امام، الرحمن در مدینه
 طهران است و چون دایره اش وسیع است و مجامع امور مهمه عمومی امریه که
 راجع باقیم ایران است محمول بان گشته. باید بجهت مانی مخصوص خود اعضا
 محفل روحانی انتخاب تشکیل نمایند و برای از امور مهمه امریه را بیک بجهت
 از این بجهت محمول نمایند. از جمله بجهت تبلیغ و بجهت مناجرات امریه و بجهت
 تعلیم و تربیت اطفال و بجهت ترتیب و تنظیم محافل و مجالس و بجهت طبع و نشر الواح
 و آثار مبارکه و بجهت امور عمومی خیریه و قس علی ذلک هر یک را بجهت مانی مخصوص
 محمول نمایند و خود اعضای بجهت را را انتخاب کنند و اطلاعات عمومی را اقداماً
 بر بجهت مانی داشته باشند و تمام بجهت را از شعب محفل روحانی منحوب و
 ظل آن مسؤول باعضای آن است. و آنچه اساس است: اولاً
 اعتماد تام و وثیق بر فردی از افراد احباب در مدینه طهران از یاران و امام الرحمن

باعضای محرمه محفل روحانی است. و ثانیاً سعی و کوشش بلکه حصر افکار
اعضای محفل در ترویج مصالح عمومی روحانیه امریه نه نظر بامیال تعصب
و افکار شخصیست خویش. عموم یاران چه در داخل و چه در خارج محفل باید محفل
روحانی را نمایند و خود شمرند و تقویت نمایند و ترویج اجرا کنند
و همچنین اعضای محفل روحانی باید خود را خادم مصالح عموم اجادانند و
و مرجع مصالح روحانیه یاران بشمرند.

و همچنین چون وقت تجدید انتخابات اعضای محفل روحانی بمیان آید باید
هر یک از افراد احباب تصویت یعنی ابدای رأی را از وظایف مقدسه
و جدائی خویش شمرد و بقدر امکان اقبال در این امر نماید و مستقل از رأی
در نهایت توجه و خلوص تحسین و وفارغ از هر بارب نفسیه و مقاصد شخصی
نفوس را که خالصاً و جدائاً قابل این مقام که عضویت محفل مقدس روحانی است
را ندانند انتخاب نماید. یاران طهران باید در این امر مشق جهانیان گردند
ز نهاد زخارف را که مستند احزاب و علل خارجه بلاد غرب و شرق و نوات و
عواید و رسوم منصره شان از قبیل آنتریک و پارتی بازی و پرو پگانه که حتی
اشمش گریه است بجمع اجبارسد و در نفوس یاران ادنی اثری ناید و در حقیقت

نمهای مخصوص اجبای الهی و اما، الرحمن در ایران و قفقازیا و ترکستان استنباخ
 گردید و بواسطه اعضای محترمه محفل مقدس روحانی مدینه طهران ارسال شد
 اجبای الهی برادران و خواهران روحانی در کشور مقدس ایران و بلاد
 هندوستان و قفقازیا و ترکستان و بین پنجاهمین و اقلیم مصر و بریتانیا
 و سایر صفحات شرق طراً ملاحظه نمایند

هو الله

افدیم بروحی یا اهل لبها، المقتبین بن نیرالافاق و بدر المیشاق
 الساطع انوارهما علی العالمین . آن عاشقان و فدایان جمال اقدس
 ابھی و سپیروان پرورده دید عنایت حضرت عبدالبهاء برادران
 و خواهران عزیزتر از جان و روان اشتاق و محرم و حفظ و مصونیت و تأیید و موافقت
 بر یک را از آستان مقدس حضرت بهاء الله سائل . هر دم باید آید از ان نغم و ذکرشان
 شغول بدین اراضی مقدسه که مطاف عالمیانست و از جهانیا بدیاری ایام حیات و در خدمت خدای
 و مقام مبارک حضرت اعلی و تربت مطهر حضرت عبدالبهائین دعا نموده که
 ای قوی قدیر و حافظ امین اغنام تو هستیم محافظه نامانند
 امر تو ایم تأیید و توفیق بخش ناشرین نفوس کلبه کلبه هستیم ما را

از مادت فارغ کن و پاک و مقدس نما حاصل پیام نجاتیم با محال و اقل
 مملوئی در انجمن عالم مبعوث فرما منتظر ظهور بشارت تو نیم و دل بوجدائی محبت
 بسته قوه ات را نمایان نما و تحقق آمال این قلوب محرومه را شاد و مستبشر کن
 این فیه مظلوم را از بد و ظهور در کیمف منبع و ملاذ رفیع محافظه فرمودی و در تحت
 محاسن و اغوال آئین بنیت را اعلان فرمودی و در آتش جوارح حبیبیت
 برافروختی و بدما شهیدانت شجره امت را سعایت کردی . هیکل زیبای
 مقدس امت را از ظلم و جنای دول و ملوک عالم و لمن و لمن اعدا و دسائس
 ناقضان اهریمنانست عنصر حمایت و وقایت فرمودی و با انواع محن
 و بلا یا و اسرت و غربت و نفی و زندان را فیض لولایت را متحن و مخصص
 فرمودی . حال وقت نصرت و عزت است ابواب آسایش و جلال را
 بروجه این ستم دیدگان مفتوح کن و عظمت و سطوت قدیمه ات را نمایان نما
 بهایان مظلوم را قوت عنایت کن و متحروشته را و عالم ملک را در ظل
 طویل شریعت مقدسه ات در آور . آنچه را بایرانین که یاران عزیز تو اند
 و عده فرمودی ظاهر کن و وعود الهیه که در کتاب اقدس مسطور الحال و
 اتمام فرما . توئی مقلب قلوب و کاشف کروب . توئی سميع

و محب و توفی قادر و توانا .

بی نفس بلا و اذیت و جفا بنصوص آیت محمد سید است و مروج امرت
حلیل . سادی آیین الهی است و مذکر و منبیه نفوس غافله . باید شکرانه خود
و مطمئن بنافضه و حکمت و قدرته بحل صبر و شکیبایی تشکرت .

ملاحظه فرمائید که سان حضرت عبدالبها تسلی دهنده عالم در لوحی از الواح
چه می فرساید :

« ای ستمیدگان راه نیردان عوانان دست تطاول گشودند و ستمکاران
قوت بازو نمودند گمان کنند و رای زنند که این بلایا تو همین احباء الهه
و تعذیب امنا، الله و تضرع امر الله است فبئس ما هم یظنون قسم
بنوریز عظم که این عذاب شهد عذاب است و این بلا موبست کبری اوین
خصل عسل مصفی . این تو همین تعظیم است و این تعذیب مکرم و این تحقیر
توقیر و این تضییع تأیید . ایام بگذرد و عمر گرانمایه منتهی گردد و چون شام
اجل درسد و صبح آخرت بدید جمیع راحتها شتت گردد و همه سوداگران
شود مگر بلایای یاران و مصائب مظلومان و صدمات ستمیدگان که در
بازار امکان با حضرت جانان بر و سودا داشتند و سود بکیران بردند و

روح عظیم یافتند و عزت قدیم دیدند و ناز و نعمت بستند و بار خوی چون مه
تابان از افاق ملکوت دیدند فطوبی لهم و حسن مآب . قوت ملکوت
ایهی قلب ماییت نماید و تبدیل و تجدید حقیقت کند . ذلت ابرار را عزت
پایدار کند و حرقت اخیار را لطافت بخش اسرار . علقم تلخ را شکر شیرین نماید
و شبنم فقر را یم عظیم . ظلمت آلام را انوار افاق اعلی نماید و شست
محض را رحمت ملکوت ابھی . پس شکر جمال قدیم را که چنین فوز
عظیم مسیر فرمود و حمد رب کریم را که چنین نعمت عجل مقرر داشت . طوبی
لکم من هذا الفضل العظیم .

برادران و خواهران عزیزم هر چند افاق شرق الیوم بظاہر تاریک است
و اہل آن صفحات در ہیجان دول و علل در آتش تعصب سوزانند و شوب و
واخراب نزاع و قتال مشغول و بدسائس و مکاید مألوف ولی بلا و غرب نیز
غافل و بیابا و مشکل مستنوعه تمزاید خود گرفتار . فی الحقیقه تمام جهان
مضطرب است و جهانیان مستلاخسته و مأیوس و تلحکام . نائرہ این
جنگ اُل عظمی نفوس و ارواح را چنانکہ باید و شاید پاک و از آلائش خشنی
و بغضات معترض نموده . بیان واضح مبارک حضرت عبدالہبار ابیاد آید

که در حسی که ابرامی قتال و نزاع بین المللی ظاهراً متعاشی گشته بود و دول
 و سیاستون عالم زیر صلح و آشتی آراسته بجان موبوم خود اساس صلح
 نهاده اند این بیان از لسان اطرش جاری که در حیدر صفحه اوراق حال
 عالم عقد مصالحه بسته اند ولی قلوب از انوار صلح و آشتی دور و ممنوع .
 خرقه آئینه ارکان صلح ابدی گذاشته نشود ، این نص بیان پاک است
 که در مکاید سیاست در میان است و مقاصد خفیه در جولان . امروز
 بعد از انقضای چهار سده ملاحظه نمایند که چگونه مشاغل سیاسیه و تعصبات
 جنسیه و شخصیه و منازعات اقتصادی استمرار بکلیه تزايد یافته و بلاد شرق
 و اقلیم فرنگ از اروپا و امریک و قطعه آفریک حتی قاره بعیده استراليا
 فرا گرفته نفوس و ارواح دول و ملل در این هممه و آشوب غافل از آئینت
 و اسیر تعصبات و منکم در شهوات و دچارصدمات و بیات . بجز
 اهل ببا که بروح الهی در این قرن نورانی مبعوث گشته اند و از هر گونه
 تعصبی فارغ و آزاد و از آلائش جهان پاک و بیزار و مستبشر و آزادند و فوج
 الهی سرور و مطمئن و شادمان .

عالم کون پرآمده و پریشان محتاج این روح الهی است که در نفوس اجباید

الهی و دینیه گذشته و در عروق و شریان بهبانیان الیوم نباض است
 ماکه باین نام و صفت موسوم و موصوفیم باید که کل محبت عظیم مبذول داریم
 و قدم را ثابت نماییم تا در رفتار و نمودار در داخل و خارج در خیریات و کلیات
 این روح کمون الهی را دیده هر مودع عالم مشاهده نماید و این جهان تاریک
 از روش و سلوک تانده حضرت عبدالهیا، نور الهی را یابد و از چاه ضلالت
 را فی یاقه باوج سعادت حقیقیه وصل نمود. می نماید :

(این یوم یوم قیام نجات است و عبودیت آستان احدیت تا حیات
 باقی است تعجیل نمائید و تا بهار را در اخزان در بر گرفته و سفار بیماری غالب
 نشده قیام نمائید. در این یوم هدایت نفوس بصراط مستقیم مغایر نیاید
 الهی است. نفوسی که خود را وقف این امر نمایند در صون حفظ الهی هستند
 هر که در این یوم یک کلمه حقیقت نطق نماید آن کلمه لازال در توج و حرکت
 خواهد بود و هرگز معدوم نخواهد شد)

نام عبدالهیا گوش قریب و بعید رسیده و چشمهای عالمیان الیوم
 از وضع و شریف ناظر بهبانیان تا از اعمال و اخلاق این بنده گان
 پر تو نور خوی حضرت عبدالهیا، ببینند و از اطوار و حرکاتمان نتایج

و آثار آن قوه مودعه در کلمات آئینه مشابده کنند و الا گفتار ثمری بخشد
و هر خدمت و اقدامی با لئال از تائید غیبی و پیشرفت و تاثیر دائمی کلی مجموع
و محروم گردد. گفتار رفتار و کردار لازم و کردار را همت طبع و سعی مستمری
شرط و واجب. خیر جهد جمید و سعی موفور و استغاثه و استعانه و استمداد
فدوت غفور را ای نه و واسطه ای نیست.

از امور سیاسیه و مخاصات احزاب و دول باید کل قلبا و ظاهرا اسنانا
و باطناً کلی در کنار و از اینگونه افکار فارغ و آزاد باشیم. با هیچ حزبی رابطه
سیاسی نجوییم و در هیچ فرقه ای از این فرق مختلفه متنازعه دخل نجوییم
نه در سلک شورشیان در آئیم و نه در شئون داخله دول و طوائف و قبایل هیچ
ملتی ادنی مداخله ای نایم. بقوه تجربه هیچ امری اقدام ننماییم و از
حقیقت و جوهر این امر مبارک که اساسش مودت و وفاق است آنی
غافل نشویم. امر الله را چه تعلقی با امور سیاسیه و چه مداخله ای در مخاصات
و منازعات داخله و خارجه دول و ملل. باید در نهایت سکون حکمت
و اشتغال و همت و ثبات و استقامت نصائح مشفقانه رب غریز
کلمات و مرآت تلاوت نایم و حامل گویم و بنفوس مستعد و اعلا

و القانایم و در تعمیم و اجرائش تا نفس اخیر بدل و جان کوشیم. با سبانی
 معنوی بتدیل عالم اخلاق پردازیم نه آنکه تک بوسا ئل مادیه سیاه جویم
 بقوانی ملکوتی تدریجاً قلوب را تعقیب و مستخر نمایم و ترکیه نفوس و ارواح را
 منظور نظر داریم نه آنکه در ترویج اسم و شهرت کوشیم و در فکر کسب مقام و منزلتی
 در این عالم فانی باشیم.

امر حجاب در این ایام از امور لازمه محکم و اجبه محسوب. حضرات امامان
 در بلدان شرق علی الخصوص در ممالک روس یعنی ترکستان و قفقاز یا وایلیم
 مصر و همچنین عراق و ایران و بریه الشام باید مراعات تمام از این امر مفروض
 که تعلم مبارک تا لید گشته نمایند ادنی انحرافی این اوقات جائزه و تخفیف
 و تبدیلی در اینگونه رسوم و عادات حال مخالف حدود الهیه و رضای مقدس
 حضرت عبدالبهاست زمان و مکان حال چنین اقتضا نماید و شبهه ای
 نیست که نساء اجبا در این ایام پر و شست و انقباب که آثار حریت مفروضه
 ظاهر و معلوم گشته و الحار و شرب نفوس تغیر سریع کرده و از حد اعتدال
 خارج گشته نهایت تقید و مواظبت را مرعی خواهند داشت.

و همچنین مراعات مقام و حفظ مراتب مستحب و واجب است رجوع

بأثر ملک پیمان فرماید که می فرماید :

(اصاغر باید رعایت و احترام اکابر کنند و اکابر باید رعایت و مهربانی در حق اصاغر نمایند . جوانان باید خدمت و حرمت پیران نمایند و پیران باید محافظت و رعایت جوانان نمایند . این حقوق متبادله است .

نه چنان باشد که هر کسی خود را می مستقل انگیزد)

قدهاء اجبا و حضرات مبلغین که در پیل امر الهی اذیت و جفا دیده اند و باستان مقدس خدمت نمودند و قلم اعلیٰ بذکر و تقدیر خدماتشان تحرک گشته بر جوانان و مستدین احترام و ملاحظه این نفوس متعربه واجب است و مراعات و تشویق و تحریص جوانان بر قدهاء مؤمنین نیز فرض و لازم یوم یوم آنیرش و استیام و تعاون قلبی و الفت و ووداد صمیمی دائمی بین تمام افراد اجبا از پیر و جوان و قدیم و جدید در اعلاای امر الله و ترویج و تبلیغ و تحکیم محافل روحانی است . محبت جمال اقدس الهی الیوم باید بآتش در نهایت قوت در نفوس اول در اجبای الهی و بعد در اهل عالم مشهود و واضح گردد . می فرماید :

باید یاران الهی مجذوب و مفتون یلگیر باشند و جانفشانی در حق یلگیر

کنند

کند اگر نفسی از اجابگیری برسد فائده آن باشد که تشنه بی چشمه آب حیات
رسد و یا عاشقی بمشوق حقیقی خود ملاقات کند.

ملاحظه فرمائید که بچه معامی حضرت عبدالهباء یارانش را دعوت می فرماید
باید عاشق و مغتوب و مجذوب یکدیگر گردند چه رسد به لغت و مؤلف است
و مصحبت و تعاون و تعاضد یکدیگر در اعلاای امر الله.

حال در این ایام فراق و حرمان که دریای عشق و محبتش در قلوب و ارواح این
محرقرین نافرقتش موج گشته وقت آن است که بهمت بکاریم تا مصداق
و نظیر این بیان اعلیٰ کردیم و عشق عبدالهباء را در محبت و جانفشانی و
خدمت بیاران عزیزش اظهار و اثبات کنیم این از لوازم ضروریه امر الله
در این ایام است. محبت و دوستی با عموم اهل عالم از تعالیم اساسیه
شریعت الهیه است تا چه رسد بدوستی و آشتی در بین اجباء الله. تا
چنین نگردد حرارت محبت الله در کبد عالم شعله نزنند و وحدت عالم انسانی
که یگانه اساسش همانا محبت الله و اخوت نوع بشر است تحقق نپذیرد.

و چون این بنیان استوار گردد و جبل مودت و اخوت قلوب یاران را
تمه و مرتبط نماید و اساس وحدت جمع اهل کعبه ارضین و مستحکم شود باید

قدم بمیدان تبلیغ نهاد و لسان بسبیلان و تمیان و اقامه برهان گشوده
و نشاط و حکمت و استقامت و تقدیس و انقطاع روز بروز بر اتساع دام
این جمع افزود. حضرات تبلیغین باید در نهایت روحانیت و توجه و انقطاع
از متاع دنیا و از هر تعلق و توقعی و اسم و شترتی فاریخ و آزاد و بطبیعه مقدسه خود
پردازند و اعظم و صیایای مقدسه را که مقصود تبلیغ و ندای امر الله است باجسها
و اکملها مجری دارند. اینست آمال قلبیه و نصیحت اولیه و وصایای اخیره
آن مربی جنون و مولای شفق که حال از ملکوت تقدیس بشیش ایشین این
سعیل سادیان امرش آتایید و نصرت می فرماید. اینست خطاب
میهن جش جمیع یاران الهی :

« ای ثباتان برپایان این طیرال و پر شکسته و مظلوم چون آهنگ طاعلی
نماید و بجهان پنهان شتابد و جسدش تحت اطباق قرار یابد یا مغفود گردد
باید افغان شایسته را بنحی بر میثاق الله که از سر دزد تقدیس روئید و اند با حضرات
ایادی امر الله علیهم بهاء الله و جمیع یاران و دوستان بالاتفاق به نشر
نفحات الله و تبلیغ امر الله و ترویج دین الله بدل و جان قیام نمایند و حقیقه
آرام گیرند و آنی استراحت نکنند در ممالک و دیار منتشر شوند و آواره هر بلاد

و سرشته بر آفتاب گردند و قیقه ای نیاسایند و آبی آسوده نگردند و نفسی راحت
 نجویند در هر کشوری لغزه یا بحسار، الا بحی زلزلند و در شهری شهره آفاق شوند
 و در هر انجمنی چون شمع برافروزند و در هر محضی نار عشق برافروزند تا قطب
 آفاق انوار حق اشراق نماید و در شرق و غرب جم غفیری در ظل کلمه الله آید
 و نعمات قدس بوزد و وجه نورانی گردد و قلوب ربانی شود و نفوس رحمانی گردد
 در این ایام هستم امور هدایت مل و ام است باید امر تبلیغ را قلم شمرد
 زیرا اس اساس است. این عبد مظلوم شب و روز ترویج و تشویق مشغول گردید
 دقیقه ای آرام نیافت تا آنکه صیت امر الله آفاق را احاطه نمود و آوازه
 ملکوت ابدی خاور و باختر را بیدار کرد. یاران الهی نیز چنین باید بفرمایند
 این است شرط وفا و این است مقتضای عبودیت آستان بهاء «
 ملاحظه فرمایید که این امر خطیر مقامش حقد رسیع و رفیع است و شرائطش
 بجهت صعب و دقیق. اثرش بجهت حدی نافذ و پایدار است و لزوم و حتم
 قطعی و شدید علی الخصوص در این ایام که نسیان و غفلت از حق نه هزار
 چنان تاریک و منقلب نموده که شبه آنرا اعصار ماضیه ندیده. میفرماید
 «ایوم حقائق مقدسه ملا علی در حجت علیا آرزوی رجوع باین عالم مینماید

تا فوق نجدتی بستان جلالی گردند و عبودیت عقبه مقدسه قیام کنند
 و نیز می فرماید: «باط تسلیخ در جمیع احوال محدود گردد زیرا آئینده ای
 موقوف بر آن اگر نفسی بجان و دل در نهایت همت کمر بستگی امر الله نمند
 بسته از آئینده ملکوت ای محروم ماند ولی باید که محبت باشد و محبت نیست
 که بمدارای الهی و محبت و مهربانی و صبر و بردباری و اخلاق رحمانی و اعمال
 و افعال ربانی تسلیخ نمایند اینک بصمت و سکوت پردازد و کجی فراموش نماید»
 و همچنین می فرماید: «تکلیف هر نفسی از اجبای الهی آن است
 که شب و روز آرام نگیرد و نفسی بر نیارد و بر تغییر شرفیات الله یعنی بقدر امکان
 بکوشد که نفسی را شریعه تعابدایت نماید و احیا کند زیرا این اثر از او در عصا
 و قرون قلسل گردد چه که از امدادی اول تابع و ترادف و تسلسل در مومنین دیگر
 کند عاقبت یک نفس مقدس سبب احیاء صد هزار نفوس شود ملاحظه فرمائید
 که چه قدر اهمیت دارد که هدایت یک نفس عظیم از سلطنت است زیرا
 سلطنت ظاهر و بای می خدیشی شود نه عمری نه اثری نه سروری نه فرجی و نه بشارتی و نه
 اشارتی نه نامی و نه نشانی باقی ماند اما این سلطنت که هدایت نفوس
 است دست در آغوش دلبر آبدی نماید و انسان بر بالین سرمدی بیاساید

لذا باید محفلهای روحانی در جمیع بلاد فراهم آید و فکرشان این باشد که نفوس هدایت شوند و پس همین باطراف و اکناف محض شرفعات الهیه نفوسی ارسال شود که طالبان را بسبیل الهی هدایت نمایند حتی عبور و مرور نیز مفید است مثلاً بلادی که در محلات منگنه گوشه ای افتاده یارانی که در آنجا هستند از جانی خبری ندارند اگر چنانچه خبری گیرند بالتصادف است حال اگر نفوسی عبور و مرور نمایند و اخبار اشارات الهیه دهند و در هر جایک دو شب بمانند اخبار ارض مقدس و سایر بلدان و دیار را از شرق و غرب بدهند و بکمال محبت و خوشی و طرب معاشرت کنند این سبب انجذاب و اشتغال شود و نفوس تربیت گردند و بشور و وله آیند همین سبب شرفعات شود و علت اعلاء کلمه الله گردد.»

تعیین و اتساع امر تبلیغ که از مقام امور است بعضی قاطع محفل مجامع روحانی گشته و در وقت حاضر تشکیل محافل و مدارس تبلیغ از برای جوانان و اطفال اجبا و تعیین و ارسال مبلغین بنقاط لازمه و تهیه و تدارک اسباب مادی و معنوی از برای نفس مبلغین و سه احتیاجات تعلیقین و نشینشان و صدور ترتیبات و تعلیمات کافی در کیفیت سفر و عبور و مرور و مدت اقامت در

نقاط مختلفه کل محمول بامضای محافل روحانی مدن و قری است تا پس از
نشورت و مذاکره بانفس مستلغ اعضای محفل قرائتی دهند و کل اجابا بدل
و جان تصویب و تأیید و اجرای قرار برای محفل خویش نمایند .

و از جمله وظایف مقدسه محفل روحانی محافظه حصن حصین امر الله است
از منفیدین و ظالمین و معرضین و ناقضین میثاق الهی هر نفسی که ادنی
کریه از احدی ششام نماید فوراً بمحفل روحانی خویش در نهایت محکم و بردبار
اطلاع دهد و اعضای محفل بنایت همت و سکون مدافعه و محافظه نمایند و آنچه
صلاح دانند بارض اقدس مخابره نمایند .

و نیز از وظایف محفل جهاد در تألیف قلوب یاران است و دفع علت
و اثر اختلاف و کدورت و اغیار در جمع اجابا الله بهر وسیله ای باید هر
برودت و کدورتی را برودمانیت و صفابدل داد سکون و محمودت را بولک و اهل
مبدل کرد .

و نیز از وظایف محفل اعانه و دستگیری ضعیفا و عجزا و فقرا و ایام دارا
از یار و اختیار است . تأسیس و تنظیم و اداره مدرسه بھائی است از بنین
و بنات و تهیه تمام احتیاجات لازمه و ادوات کامله از برای ترویج و تشریف

امریت . مکاتبه و مخابره رسمی مستمری با نقاط امریه در شرق و غرب
 عالم بهسانی و ترتیب و تبادل بشارت و حوادث امریه و توزیع تقویمش
 در بین اجبا و الله . ترویج امر شرق الاذکار است و تحریر در اشتراک بمجبات
 امریه از قبیل خبسم باقر و مجده اطفال ملکوت در بلاد امریک و البشارت در
 اقلیم هندوستان و خورشید خاور در صفحات ترکستان و دو مجله شمس حقیقت
 و حقیقت در بلاد آلمان و خبسم خاور در مملکت جاپان است و ارسال مقالات
 شتی در مسائل ادبیه علمیّه روحانیّه و تفصیل جریان امور امریه در آن نقطه است .
 تنظیم مجالس و انجمنهای یاران است و ترتیب اعیاد و ضیافت و تشکیل
 اجتماعات و محاضرات علمیّه روحانیّه . جمع و طبع و ترجمه الواح مقدسه
 الیه و کتب سماویه و مقالات امریه است و انتشار و توزیعش در بین یاران
 و اما، الرحمن . اقدام تمام این امور از این بعد باید باطلاع و تصویب
 اعضای محفل روحانی باشد چه که دست اساس بیت عدل الهی و مرکز مجبور
 تمام شوند امریه در هر نقطه ای از نقاط در شرق و غرب عالم .
 و چون تقویت و تقدّم سریع و مثبت امور محفل که در مستقبل ایام اہمیتی جد
 و مرکزی عظیم خواهد یافت معقول و متوقف بر وجود اسباب ظاہرہ و وسائل

مادی و وسائط مالدیه است لذا افراد اجباء الله را اعانه و مساعدۀ محض
 از وظائف مقدسه و جدائی محسوب باید در هر نقطه ای از نقاط امریه که
 محض روحانی تأسیس گشته فوراً بعد از وصول این نامه صندوق خیریه ای
 تشکیل گردد و در تحت اداره مطلقۀ محض روحانی باشد و خبر باطلاع و صوابدید
 اعضای محض فلسی از آن صرف نگردد و آنچه را اعضای محض در ترویج امر تبلیغ
 و تأسیس مدارس و اعانه محتاجین و طبع و انتشار کتب و الواح و مجامع و مرسله
 با اطراف صلاح دانند از آن مبلغ برداشته صرف نمایند. اعانه دین
 بسبب از اقیاجات ضروریۀ امر الله است و از امور لازمۀ اساسیه محسوب
 بعد از ادای حقوق فی الحقیقه عظم و طیفه شخص بهائی است زیرا آنچه در
 این بسبب تقدیم گردد و صرف شود رأساً ترویج امر الهی است و تغریز و تقویت
 آئین ربانی ولی این وظیفه و طیفه مقدسه ایست و امری است و جدا
 و تکلیفی است روحانی احدی مجبور بر آن نه هر نفسی بقدر استطاعت
 خویش اعانه ای باین صندوق خیریه نماید و تقدیم محض روحانی کند اجرش
 عند الله عظیم است چه که باین واسطه ترویج امر الله نموده و اسباب تسلیخ
 فراهم آورده و امر تربیت را تعمیم و تقویت کرده و دائرۀ خدمات و اقدامات

محفل روحانی را اتساع داده اگر یاران مساعده ای در این بسیل کاملاً متحرراً
 مستمر نمایند امر الله تقدیم و انتشاری سریع نیابد اسباب میسر نگردد و امور
 متوق و معطل ماند. فیوضات الهیه را اسباب مادی لازم و تأییدات غیبیه را
 وسائط و سائل فاعاله شرط و واجب. از اعضای محفل و غیره باید تکمال
 همت باین امر اقدام نمایند و فوراً تأسیس این صندوق خیریه نموده بعهده
 محفل روحانی گذارند و آنچه را تقدیم نمایند با سهم ترویج امر الله باشد و تسکیم
 این صندوق محفل روحانی گردد هر نفسی بقدر استطاعت و اقدار خویش این
 اعانه مالی را بمحفل نماید شبهه ای نیست نصرت امر الله نموده و دستگیری از ضحفا
 کرده و تسلیع امر و ارتضاع کلمه الله نموده تأیید الهی شامل حالش گردد و بواسطه
 برکات بر وجهش مفتوح شود. یاران باید اعضای محفل خویش را در
 تمام امور نمایندگان خویش دانند و انسانی الهی محسوب نمایند هر کس را
 محفل صادر نماید بدل و جان اجرا نمایند و در تألیف قلوب و رفع اختلاف
 و تبدیل برودت و خمودت را با بجزاب و اشتغال اعضای محفل مساعد
 تمام و معاونت قلبی نمایند. باید محافل روحانی را ببردسیده ای مادی
 و معنوی تقویت نمود و اهمیت کلیه داد چه که این محافل روحانی الیوم

اساس است و محور و مرکز و صیای مقدسه مبارکه . تشکیل و ترتیب این
 محافل در هر بلده و قریه ای و همچنین تأسیس محافل مرکزی در اقالیم عالم از
 مقدمات در اجرای وصایای حضرت عبدالبهاس است تا محافل خصوصی
 و مرکزی مطلقاً مرتباً قانوناً تشکیل نگردد و در آن نشود تأسیس بیت عدل عظم
 که مرجع کل امور و نبض قاطع الهی مؤسس قوانین و احکام غیر منصوصه در کتاب
 است ممکن نه چه که انتخابش نبض صریح و صیای مقدسه باید بواسطه بیت
 عدل های خصوصی گردد . چنانچه می فرماید : « یعنی در جمیع بلاد
 بیت عدل خصوصی تشکیل شود و آن بویست عدل بیت عدل عمومی انتخاب نمایند »
 لهذا احبای الهی و اماء الرحمن هر قدر اساس این محافل را محکم نمایند و
 اسباب پیشرفت و تقدش را بهتر فراهم آرند و صیای مقدسه سرعتر
 اجرا شود و نوایای مبارکه زود تر و کاملتر تحقق یابد و جلوه نماید .

از قبل اشاره شد که در بلاد شرق در هر بلده و قریه ای که عده مؤمنین از
 رجال از سن بیت دیک و مافوق آن از نه (۹) تجاوز نموده محفل روحانی
 در نهایت روحانیت و صفاء حکمت و منانت تأسیس گردد و حضرات
 اماء الرحمن چون امر حجاب در این ایام محمول به وجاری است منتخبند

نه منتخب و تمام محافل و انجمنهای یاران از احباء الله و امام، الرحمن آنچه
تأسیس و تشکیل میگردد کل باید در ظل محفل روحانی آن نقطه باشد نفس محفل
روحانی که حضرات امام، الرحمن در انتخاب اعضایش حق تصویب یعنی
ابدای رأی دارند گمانه مکرر امور امریه یاران از رجال و نساء است تقدیر
در یک نقطه ای از نقاط لازم و جائز نه و چون واضح و موسس قوانین احکام
غیر منصوصه در کتاب الهی یعنی بیت عدل عمومی که نصب الهی باید هیچ جاد
بقاعده انتخاب مصطلحه در بلاد غرب تشکیل و انتخاب نمایند تأسیس گردد ترتیبی
جدید و قانونی محکم و تسنن و شروعاتی کامل تشریع نماید و تأسیس کند و تمام
انجمنهای یاران چه خصوصی و چه عمومی چه داخلی و چه مرکزی کل در ظل آن
و مقتبس از آن و موسس برآیند. حال عجائبه تا این بیت عدل عمومی تشکیل
نگشته محافل روحانی یاران در شرق و غرب عالم باید من دون استثناء هر
سالی در اول عید سعید ضحوان تجدید شود و انتخابات در آن یوم مبارک باید
نهایت مساوت و روحانیت شروع شود و اجرا گردد و اگر ممکن همان یوم
نیز انتخابات معلوم و اعلان شود و اصول انتخاب از این قرار است :
چون یوم انتخاب رسد باید جمیع یاران متحداً متفقاً متوجهاً بیه منقطعاً عن

دونه طالباً هدایت مستعینان فضلہ بدل و جان اقدام با انتخاب نمایند
و انتخاب اعضای محفل روحانی خویش را از وظایف مقدسہ مهمہ و جدانیہ
خود شمرند ابدًا اہمال در این امر نکنند و کنارہ گیرند و دوری بنجویشند.
منتخبین و منتخبین ہیچہ دم از استغفار نهند بلکه در نہایت افتخار و جدیت و
دسرور ابدای رای نمایند و عضویت محفل را قبول نمایند ولی اگر فی الحقیقہ
عذری شرعی موجود و ہیچہ ممکن نہ آنوقت ناچار اقدام نمایند و از اہل
نفوس کہ اطلاع کافی بر امور امریہ نہ داشته باشند مجبور و مکلف بر ابدای
رای نیستند در صورت اطلاع اقدام باین امر محبوب و لازم و آلافا.
و یاران آن نفوس را کہ خالصاً لوجہ اللہ مستعد و قابل عضویت محفل روحانی
دانند برورقہ علیحدہ اسماء نہ نفر از یاران را من دون امضاء بنکارند و مکتوم
دارند و تسلیم محفل روحانی حالتی نمایند تا این اوراق جمع گردد و آن نہ نفری
کہ بیش از ہمہ دارای اصوات اسماء آمان اعلان شود و این نفوس اعضای
محفل روحانی گردند. و اگر چنانچہ در نقطہ ای از نقاط امور امریہ اتساع
یافتہ و ظائفی را کہ در طی این نامہ قبلاً درج شدہ یعنی امر تبلیغ و محافظہ امریہ
و جہد در تألیف قلوب و معاونت محتاجین و تکمیل مدارس و ترتیب محافل

و مجالس یاران و مخابر با اطراف و ترویج امر شرق الاذکار و تأسیس محلات
 امریه و طبع و نشر و ترجمه الواح و نشرات امریه و ماسکلهای محفل روحانی هر یک
 محفل مجنبه ای مخصوص نماید و آن مجنبه را خود انتخاب کند و عده اعضای هر
 مجنبه ای را بر قدر محفل صلاح داند خود تعیین نماید و اعضای مجنبه را از بین تمام
 احباب آن نقطه چه در داخل محفل و چه خارج از آن انتخاب نماید و تمام مجنبه ها
 هر یک افکار را در امر خود حصر نموده بوظیفه خود مشغول گردد و تمام مجنبه ها ذیل محفل
 روحانی و مسؤول و مطیع آن و کیفیت انتخاب و امتداد بر مجنبه ای به عده ای
 محفل روحانی ولی چون محفل روحانی تجدید شود تمام مجنبه ها منحل گردد و محفل
 جدید مجنبه مانی مجدداً انتخاب نماید.

و آنگاه محفل مرکزی در هر قلمی که نمایند تمام یاران و محافل روحانی آن
 اقلیم است تیز از تمهیدات لازمه در اجرای وصایای مبارکه حضرت عبدالهبا
 محسوب. در بلاد غرب نظیر ایالات متحده امریک و مملکت انگلیس و ایلم
 آلمان احباب الله تاعده موفق بر تشکیل محفل مرکزی گشته اند علی الخصوص
 در قاره امریک در ایام مبارک حضرت عبدالهبا، اساس محفل مرکزی نهاده
 که در شئون روحانیه امریه یاران امریک علی العموم مذکره و مشاوریه نمایند

و محافل روحانیّه تمام نقاط امریه ایالات متحده را بیکدیگر مرتبط و متفق میگرداند
 ولی تأسیس تشکیلات در این ایام در صفحات شرق منوط و متوقف بر وجود سبب
 مراعات حکمت و مقتضیات زمان و مکان است. در تسلیم مبارک ایران
 اقدام باین امر عظیم مرتباً مکتوب حسب القانون در این ایام حاضر و صعب و مشکل
 و از وجبات احوال چنان معلوم میگردد که مخالف حکمت و منافی راحت و
 آسایش و امنیت یاران است. در هر حال چون عده یاران در آن قلم
 جلیل از حد و احصا خارج و روز بروز در تزايد است ترتیبی مخصوص و قانونی
 مناسب حال آن تسلیم که اساساً مطابق ترتیب عمومی ولی در تفرعات
 مختلف است لازم و واجب. انشاء الله جداگانه و مستقماً دستور العملی
 راجع بکیفیت انتخاب محفلی مرکزی بایران آن سامان ارسال خواهد شد و اگر
 چنانچه تشکیلات محفلی مرکزی در آن تسلیم در عهده تأخیر افتاد باید محفل روحانی خصوصاً
 مدینه منوره طهران و اعلی العجالة محفل مرکزی قلم ایران دانسته شوند عمومیه
 امریه که متعلق تقبله ایران است بآن محفل محول نموده آن محفل را نمایند یعنی
 خادم سائر محافل روحانیّه در آن تسلیم دانست.

و اگر چنانچه در اقلیم دیگر در صفحات شرق از جمله قلم هندوستان و قفقاز یا

و ترکستان و اقلیم مصر و بین النهرین حکمت اقتضا نماید و اسباب و وسائل
 فراهم آید و وهنی و ضرری بسبب امر الله وارد نگردد و فتور و تاخیری در جریان
 امور امریه حاصل نشود خوب است که یاران و اماء الرحمن بالاتفاق بنهایت
 همت یکگیل محفل مرکزی خویش اقدام نمایند. و ترتیب انتخاب محفل
 مرکزی که اصولش در الواح حضرت عبدالبها و وصایای مبارکه و اضحیٰ منوره
 از این تسرار: باید سالی یک دفعه در هر قلمی علیحدّه و کلائی انتخاب شود
 و این و کلا را افراد اجتناب محافل روحانی انتخاب نمایند و این و کلا را از
 باین اجزاء الله در تمام آن تسلیم نه نفر انتخاب نمایند این نه نفر اعضای
 محفل مرکزی آن اقلیمند یعنی اعضای محفل مرکزی منتخب منتخبینند و حضرات
 اماء الرحمن مانند محافل خصوصی منتخبینند و چون حجاب مانع است
 فقط و کلا را انتخاب نمایند و این و کلا که در شرق مختص بر حال است یا
 آنکه در نقطه ای جمع شده و یا بواسطه مکاتبه و مراسله نه نفر که اعضای محفل
 مرکزی هستند انتخاب نمایند. اگر چنانچه و کلا در نقطه ای جمع شوند و در
 امور امریه مذکوره مشورت نمایند احسن و انسب است ولی این منوط بقضا
 زمان و مکان است و مشروط بوجود اسباب و وسائل اگر حال ممکن نشود

انشاء الله مستقبل اقليم با حسنات و اقصا میسر شود و ممکن گردد .

و اما تعیین عدد و کلا در اقلیمی که عده یاران تا بحال از دیادگی نیافته مانند مصر و عراق انتخاب نکرده عدد کلا کافی است و هر نقطه ای از نقاط امریه قسمی از این نوزده بحسب تعداد اجداد آن نقطه انتخاب نماید و در اقلیم دیگر مانند هندوستان و قفقاز یا و ترکستان چون عده یاران بیشتر است نود و پنج عدد از کلا انتخاب نمایند و این نود و پنج نفوس منتخبه از بین تمام یاران آن اقليم نه نفر انتخاب نمایند و آن نه نفر اعضای محفل مرکزی هستند . انشاء الله جو و تأیید بهر یک از آن اقلیم چون احوال و اخبار آن یار کلا با نظر قدس تفرقات این ترتیب مستقیماً علیحدّه بهر یک از آن اقلیم ارسال خواهد شد و این محفل مرکزی مانند محافل خصوصی باید بهمان ترتیب مجتبه های مخصوص انتخاب نماید و هر یک وظیفه ای معین محول نماید و وظائف کل عمومی و راجع مصلحت یاران در تمام آن اقليم است نه محصور بامور مخصوصه نقطه ای از نقاط امریه و تمام محافل خصوصی در هر اقلیمی در ظل محفل مرکزی خویش و مطیع و منقاد اجراءات آن . هر امری که راجع مصلحت عمومیه یاران در آن اقليم است و نفوس عموم بهای آن در آن اقليم راجع باید در تحت اداره محفل مرکزی باشد و مجتبه ای از مجتبه های این

مجلس مرکزی محول شود تا در نهایت اتقان اجرا گردد و سبب غرت و پشیمانی امر آنست
 و چون عده یاران در مدینه طهران بعون و عنایت و برکت الهیه ترازید عظمی یافته
 اگر چنانچه مجلس روحانی حالتیه آن مدینه صلاح داند کیفیت انتخاب مجلس خصوصی آن
 مدینه را مشابه و مطابق کیفیت انتخاب مجلس مرکزی نماید یعنی اعضای مجلس خصوصی
 طهران را سبب انتخاب نشوند بلکه اجاباً اول و کمالی انتخاب نمایند و این و کلاً این
 تمام اجاباً در مدینه طهران نیز انتخاب کنند این نه نفر اعضای مجلس روحانی
 خصوصی طهرانند اگر چنان شود بهتر و متین تر است و این نظر عبرت عده اجاباً
 در آن مدینه است و الا در سایر نقاط امریه اعضای مجلس روحانی خصوصی را سبب
 انتخاب شوند ولی مجلس مرکزی بر اقلیمی نصیر مبارک منتخب منتخبین است .
 باری این اقدامات و تأسیسات هر چند از تمهیدات مهمه و مشروعات لازمه
 این ایام محسوب ولی زنده از زنده سازد بدین واسطه امر مهم تبلیغ ترویج گردد
 و در ترویج کلمه الله و بت تعالیم الله تعالی و فتور حاصل شود . یوم یوم ترویج است
 و بهنگام بهنگام نصرت و تبلیغ . این خطاب روح دهنده حضرت عبدالنبا
 بیاد آید : « ای بندگان آستان مقدس جنوداً اعلی در اوج علاصف
 بسته و حبیه و مستطرد و مرقده مرد میدان و فارس عسره فان که بمحض جولان

نصرت نمایند و تأیید کنند و قوت انظار گردند پس خوشحال فارسی که اسب
 جولان دهد و طوبی از برای دلیری که بقوت عرفان در میدان برهان تبارد
 وصف چهل بدر و سپاه فضالت شکست دهد و علم هدی بلند کند و کوس
 غلبه بنوازد تا الله بحق آنه لغی فوز عظیم و طهر بسین و آن بذا هو الفضل البیدیع
 و البهائم علیکم یا احباء الله العزیم « نفس این ندا در این اوان بادام
 از عالم بالا از حضرت عبدالبهاء بگوش سپاهیان در ملک ادنی واصل
 درنگ دیگر ممکن نه و تأمل جایز نیست میدان وسیع است و اسباب مهیا
 یقین است که موفق خواهیم شد

۲۷ شباط ۱۹۲۳، ۱۱ رجب ۱۳۴۱

بنده آستانش شوقی

٢٠- بوسيد حضرات الاعضاء المحض الروحاني وسائر الاجزاء خضعتم الله وايد هم

هو الله

روحي وذاتي لكم الغذاء ايها المقتربون من نار محبة الله اتني اخذت بايا
الفرح والابتهاج نتيقنكم انفساء المتصوفة منها راحة الحب والوفاء لله
على قيامكم نشر نفعات الله في تلك الارحاء اننا طقة بخلوكم واستاذكم وهدكم
البحرين وتعاونكم وتعاظمكم على تشييد الامركان الامر في ارض وطبعتها اثم
سيدنا مولانا حضرة عبدالبهاء روعي لاجبائه المخلصين وارقاؤه الثابتين فداء
فاهتزروحي وقرعيني فرحاً بباطليها وملا خطه اسماء امنا، الله الذين نقاهم
الله بحدة اجبائه وصيانة امره وبث تعاليمه في تلك الامحاء .

فبشرى لكم بما شتمت عبوة الاتحاد والاتفاق ووضعت اساساً دينا مستينا
لبنيان الامر الادو هو تأسيس المحض الروحاني لكل روح وريحان ونشاط وطهارة
تمكين بحل المشورة في كل الاحيان .

وانني من هذه البقعة البيضاء والروقة النوراء اهنكم وحيكم وانشاءكم
في جواركم وسلككم الموفور وادعيتكم الخالق لله العفور راجيا لكل قلبي التوفيق
والتي ايد من الرب المجيد حتى يشهر عبود الايام صيت الحق ونحقق رايه ليق

وتحقق

وتحقق الوعود المنصوصه والبيارات المزمعه من العلم الأعلى وتصبح تلك
 المدينة نبراس الهداية لذلك الأقليم القديم ومركز الأنوار في تلك الأديار
 فيؤاينا نحن المستظليين في ظله والرافعين للواءه في هذا القرن العظيم .
 نسئ أولاً للخلق بأخلاقه الرحمانية والسجود على منبجه القويم والقيام بالأعمال
 الطيبة الظاهرة والأناقطاع مما سواه تهنئ بسبل الهداية عباد الله وبسط
 ساط البليغ بكل محنة وإتهام وإني أتهجل وأتضرع في هذا الجوار إلى الرب
 المختار بأن يشيكم بفيضه وبركته ويؤيدكم بعينكم بمنه واحسانه ليزداد عددكم
 ويتسع دائرتكم ويتقوى بنيانكم وتكثر معلوماكم وتتعدد مجامعكم ومخالفكم وتحقق
 ما بكم ومقاصدكم ويرتفع بيان مشرق الأذكار في قلب تلك المدينة
 حينئذ تنفتح ظلمات الجهل والتقليد تشتت غيوم التعصب والغفلة ويلوح
 نور البصائر وتضيء بدر الميثاق في سماء القلوب بكل سطوع وشرق
 يومئذ يفرح المؤمنون

١٠ أيار سنة ١٩٢٣ شوقي

بواسطه جناب محبت سلطان نشی محفل اعضای محترمه محفل مقدس روحانی

مدینه طهران روحیفدا هم ملاحظه نمایند

بواسطه اعضای محترمه محفل مقدس روحانی مدینه طهرمان روحی قدیم

اجای الی برادران و خواهران روحانی در کشور مقدس ایران روحیفدا هم ملاحظه نمایند

هو الالبکی

فدیکم بروحی و راقی یا احب الله مدتی است که این عبدنا توان

از شرکت با آن بایران در عبودیت آستان مقدس ممنوع و محروم بوده از

ارض مقصود دور و محجور و از ادای فریضه اولیه و انجام وظیفه مقدسه خویش غریب

و قاصر. هر چند علی الظاهر در این مدت محابره مقطوع بود و مکاتبه و مراسله

مستمری با آن عزیزان متوق و معطل ولی تقرب و روان در هر سال و محفل

بلکه در هر دقیقه و آنی این عبدستمند باین ارض مقدس ناظر و متوجه و ملکوت

ابھی تشیل و متضرع و بذکران متذکر در آئینه امر الله و شوق روحانیه و انجام

خدمات کلیه در مستقبل ایام تدبیر و تفکر. ایام و اوقات گهی براحت سکون

میگذشت و گهی بمطالعہ مندرجات و محتویات مکاتیب فرج انگیز و اصله از

ارض مقصود که کل مشرب صحت و سلامتی و خدمت و جان نثاری نماید

امرائی بود ولی در اکثر ایام ساعات و دقائق این غربت و هجران تمیّن و تفکّر در گزارشات زمان و حوادث مؤلمه و شوون حالیه عالم و تدقیق و تفحص در حالات و مشارب و مقاصد نفوس میگذشت . فی الحقیقه عالم شبرالویم در قطعات خمسۀ ارض چنان بلای ناگهانی مغدّب که شبۀ آن دیده عالم ندیده و بر صفحه روزگار نگاشته گشته دول و مل و قبائل چه قوی و چه ضعیف چه تمدّن و چه غیر تمدّن چه قدیم و چه جدید چه منصور و چه مغلوب چه عالم و چه محکوم چه سفید و چه سیاه چه متدین و چه غافل کلّ از هر جنب و رتبه و دیاری مورد قهر و سخط الهی و کلّ بلایای گوناگون گرفتار . در بیل هلاک سالکند و از صراط نجات غافل . اخیراً مصداق « قد اخذت الزلازل کلّ المحبات » عیناً و اضماً مشهوداً ظاهر گشته و در نقاط و مراکز متفرقه در تمام ارض علی الخصوص در عاصمه و بنا در محمّه متقدّمترین بلاد در اقصی ممالک شرق چنان شقاوتی ظاهر نموده و علت خسارت و زیان و قناعت و و بای گشته که اسباب دہشت و جرع و فرغ اقالیم مجاوره بکده تمام عالم شده . دول قاهره متقدّمه عالم بعضی رو تشبّت و تجزّی و اضمحلال و برخی در کمال غرور مشغول تہیہ اسباب و لوازم انتقام و اکمال آلات و ادوات قتالند .

تجارت و صناعت در کل قائم متوقف و فقر و احتیاج و محنت و اضرار آفتابها
 و اکلهما و چهار اعزّه نفوس هزاران از بندگان بگیا گشته . ناز و فتنه و
 فساد و ضعیفه و بغضا در قلوب و صدور و دل و افراد مشتعل و شعله جانشینش
 یومانیوماد در آید . اکتشافات و اختراعات حدیثه کل سبب این روح
 فاسد که در جسم امکان نباض است مدد و مساعد و ظمیر و رؤسا و خلجیان عالم و
 مخبرین بنیان عالم انسانی گشته حکومت در دام مکائد و سانس مستقیمه گیر
 گرفتار و رؤسا و ویای امور پیش از پیش در دم بنیان تمدن سعی و جاهد
 قوله تبارک و تعالی : « نیر عدل مستور و آفتاب انصاف خلف سحاب »
 عزت و شوکت دین در انظار افراد و دول که از قبل معروف و مشهورترین وقتیکه بودند
 ایوم سقوط و مهبوطی عجیب یافته و مورد لطافت شدید گشته . عالم طبیعت
 باشد قوی ایوم بر خلق بیچاره استولی . غفلت از حق و خود پرستی ، حرص
 و طمع ، هوی و هوس ، جور و جفا ، تقلید و تصنع و حریت مغرطه در کمال شدت
 در نفوس اند و ضیع و شریف است حکام یافته و غالب و حاکم شده . عالم کون
 تشنه و حیران ، نفوس کور و خسته و پریشان ، سرگردان و هراسان در آشوب
 و انقباضی عظیم افتاده و بجزای الیم مغدب . در این قرن اتم و دور اعظم

دست فعالیت و ید مساعدت بر نزدیکان جمال قدم و فدایان اسم
 اعظم روحی لرزه لاله فردا لازم و واجب تا بدیج این مایه تشنه لب بصل نجات
 رسد و در دریای فیض سعادت و صلح و سلام الی الابد غوص و خوض نماید
 حال در این جمله عظمی صوت حقیقت الهی که از خجرا این جزب مظلوم الیوم متعاضد
 و قتی گوشزد جهان و جبهه ایان گردد که بجهه ایان عالم طرا در شرق و غرب
 متحد استغفا قدم را ثابت نمایند و بجدیت و اهتمام و حرارت و انقطاع اقدام
 و تاسی بان مولای وحید حضرت عبدالبهه نموده در پیل تسلیع مداومت
 کنند و استقامت نمایند حقائق بدیعه امر الله را کاملاً تحصیل نموده بابتدع
 بیان بسط و شرح دهند و تسلیع نمایند و در نهایت تجرد و صبطبار و سکون منتظر
 و مترصد نزول ملائکه تأیید از ساحت کبریا گردند چه که عود الهیه عظیم است
 و صریح . بنده استانش شوقی

بواسطه شمس محض روحانی جناب محب السلطان حضرات اعضای محترمه

محض روحانی مدینه طهران اید هم الله ملاحظه نمایند
روحی لکم الفداء یا اماناء الله واصفیاء الحمد لله که با اثر یائیدات متعبد
از ملکوت ابھی با وجود تعدد مشکلات و انقطاع مواصلاات و آشوب و
انقلاب داخله آن تسلیم و بیات و مشقات گوناگون که بر آن برگزیدگان
مظلوم در این سنین اخیر از جمیع جهات وارد شده جنبد الله در تمام صنعت
آن کشور مقدس در نهایت زرانت و مسامت در ظل ظلیل علم میثاق معاود
بر گونه نفاق و شقاق غموده بفتح مدائن قلوب و تبلیغ امر رب المجنود و فحوال
اعداد ناقضان و ناگهان غمودید و بفشار مشغول بوده اند باساء و ضراء
یاران ستمیده آن کشور مقدس از جانفشانی و ثبوت ممنوع ننمود و از هجوم
امتحانات الهیه ادنی فتور و خلی در شور و حرارت و اقدام و همت آن حبیبان
حاصل نگشته این نیست مگر از قوه مکنونه قاهره امر الهی که پس از صعود
حضرت عبدالباها بر فوق اعلی چون شمس بر عالمیان ظاهر و هویدا گشته
علی الخصوص نمایندگان یاران و خادمان حقیقی امر حضرت رحمن حضرات
اعضاء محترمه محض مقدس روحانی طهران که فی الحقیقه بو طائف خود کما

نیستی و یقین قیام نموده بتشدید روابط روحانیته بین محافل و افراد و حفظ
امراته و تبلیغ دین الله بجان دل پرداخته اند. ایدکم الله وایمانا علی الله
علی هذا المنهج القويم .

در انیمت مکاتیب متعدده که حاوی بشارات و مطالب مهمه در امور
قانونه از نقاط مختلفه واصل شده هر یک را این عبد ذیل بدقت مطالعه نمود
بعد از تمعن و تدقیق تام بر محتویات و مندرجاتش اطلاع کامل حاصل کرد .
امید و طمیدم چنان است که من بعد دائره متحد المال مئینه منوره طهران که محور و مرکز
خدمات امریه ایران است یوما فیوما اتساع یابد و اخبار و بشارات فرخ انبیرش
بشیر گردد تا مرات حقیقی اقدامات و خدمات یاران ایران شود . روح حیات
و شوق تبلیغ در نفوس و ارواح بهسایان در شرق و غرب عالم بدهد و از
اسباب و وسائل فعاله ترویج امر الله محسوب گردد .

اوضاع عالیله مملکتی ایران چنان است که امتزاج و مخالطه و طرفداری خرب
و سیاسیون آن اقلیم مضر و عاقبت منجر بشکلات و صدمات کلیله از برای
امراته شود . ترقی و عمران و نجات و استخداص آن اقلیم منوط و مشروط به تعلیم
و اجرای تعلیم است و امر الله است که محسن اخلاق و مروج تربیت و مربی

نفوس است نه اتخاذ وسائل مادیه سیاسیه و تمهیدات و اجزای غیر متینه و مصلحتیه
 و انشاء احکام و قوانین نظمیه. یاران را چه مدخلیتی در این امور مشوشه و سباب
 خارجیه. ولی باید ملاحظه نمود در نهایت تهمت کوشید تا زمامداران و ادوایی امور
 گذری حاصل نمایند و گمان نکنند که بهسایان تعلق بوطن خویش ندارند تا سباب
 فساد و غفلت و آشوب فراهم نگردد. باید در نهایت حکمت و ملاحظه و بردباری
 و روح و حیسان و محبت خالصه حقیقی با نفوس مداران نمود و کل را از وضع و
 شریف بیاورد اولیه حقیقی بهسایان اطلاع داد و آن خدمت بنوع شبر و تربیت
 عالم انسانی و ترقی مادی و معنوی ایران و تحسین ایرانیان است.
 نظامنامه محفل روحانی تباهه ملاحظه گردید و از دقت و همهم عالیله اعضای محترم
 ممنون و مشوق و مطمئن گشتم و آنچه را بنده مخلص حضرت عبدالهبا، جناب
 آقای میرزا عزیز الله خان بهباد در باره امضای غشی از قول این فانی نگاشته
 صحیح و مطابق واقع لابد محفل روحانی در تمام نقاط اقتدا بمحفل مرکزی خواهند
 نمود و تمام مراسلات و مجازات را با هم غشی محفل صادر و ارسال خواهند داشت.
 بجهتهای متعدده که تا پیش گشته بغنی محفل اصلاح و شرکت خیریه و محفل
 نورانی مبلغین و محفل تهذیب و بجهتهای مدارس و محفل شرفیات و محفل تقدیس

و محفل خادمین در بر اضراق و کمسیون فقراء و محفل ارتباط شرق و غرب و محفل
اقتصاد و محفل خدمت و محفل مرتب و شرکت نو نهالان و محفل توفیق و کمسیون
شرق الاذکار و مسافر خانه و محفل درس تبلیغ و محفل جاوید مبتغات و محفل
ترقی نوان و محفل مرتب اما، الرحمن و کمسیون گلستان جاوید کل بحبیت
تام نشاء الله بروطیفه مقدسه خود قائم و در معاونت و مساعدت محفل مرکزی اقلیم
ایران سعی و جاهد. اساس مستین امر الله را نهاده اند و در ترتیب و تنظیم امور
امریه و تشدید روابط اتحاد و اتفاق و دستگیری ضعیفا و فقرا و ترویج امر تبلیغ
بجان و دل نیا و محفل را می کوشند. امید و دعای این عبد مستمند این
جواره تبعه مبارکه علیا آن است که این بجنه های مرتبه متعدده بالاتفاق با
بجنه های محافل روحانیته سایر نقاط امریه در تمام ایران چنان اساس شورت
حقیقی مجامع شور را در شرق مستحکم نمایند و بجهت محافل روحانی ممالک غرب
چنان تعاون و تعاضد قیام نمایند که تمهیدات لازمه سریعاً کاملاً اجرا گردد
تا انشاء الله عبور آیام بر این اساس مستین بنیان بیوت عدل الهی و فقر
شید بیت العدل عمومی بر حسب دستور و وصایای مبارک تائیس گردد و
مرتفع شود و وحدت امر الله و نصرت دین الله در این همیت مجلده کاشمش

جسوه گز شود .

راجع بشایل مقدس مبارک جمال ابھی روحی لرمه الاطهر فداء احب
 واولی آنکه بر نفسی دارای چنین عکس مبارکی باشد بواسطه محض روحانی مرکزی
 طهران آنرا عجاظه بارض اقدس ارسال دارد تا تکلیف معلوم گردد و اگر چنانچه نزد
 خود حفظ نماید باید هیچ وجه من الوجوه از روی آن برنداشته نسخه اصلیه را
 ضبط نمایند و مکتوم دارند ولی ارسالش بملاحظه و دقت تا تم بارض مقصود
 احسن واولی .

در خصوص جناب ابن اصدق علیه بحسب الله الانبھی مرقوم نموده بودید
 از صعود ورقه مؤتمنه ثابته ضیاء الحاجیه بی نهایت مفوم و تاثیر ششم و کل
 در این جوار از استان کبریا علو درجات و فضل و رحمت سابقه الیه را برای
 آن متصاعده الی الله طالب و تمسیم . منتسبین متعلقین آن مؤمنه بالله
 تجیات ابدع ابھی ذاکر و کبرتم و از برای هر یک صبر و شکیبائی از استان
 الهی آمل و طالب . نظر بصعود آن ورقه متبته به محض روحانی مدینه شیراز
 اشاره شد که جناب ابن اصدق محض ترتیب و رسیدگی بامورات خویش
 و ملاقات عائله و منتسبین موقتاً عازم طهران گردند تا دستور الهی جدید از ارض

اقدس ارسال گردد و لابد اعضای محترمه محفل روحانی در مدت توقفشان در
 طهران در نهایت مواظبت و حکمت و اعتدال حصن امر الله را حفظ خواهند
 نمود و در دفع اختلاف و رفع هر گفتگونی بدل و جان خواهند کوشید به سفارش
 مخصوص شخص مذکور در نهایت تأکید ارسال خواهد شد.

در باره تعلقات و امور بنده جانفشان امین الهی شبهه ای نیست که اعضای
 محفل روحانی طهران نهایت سعی و جهد را می بذول خواهند داشت که آنچه را
 میل و خواهش آن بنده مقرب در گاه کبریاست سریعاً کاملاً اجرا شود و تحقق
 یابد و علت سرور و طمینان و فرح و انبساط آن محبوب القلوب احباب
 گردد. آنچه را از محفل روحانی بطلبند لابد حضرات اعضاء جمیعاً در انجام آن
 بقلب و روان خواهند کوشید چه که این شخص جلیل مقصدی جز خدمت
 امر الله و ترویج کلمه الله و صیانت دین الله و خیر و موفقیت یاران و دوستان
 نداشته و ندارد.

و چون این ایام تسهیلات مسافت بشرق یعنی صفحات بین انهرین و ایران
 فراهم گشته و اسباب سهولت و سرعت سفر میر شده شبهه ای نیست
 که از مشایر نفوس و زوآر و بزرگان غرب قصد آذینار نمایند و ابواب مراو

و معاشرت و تبادل آراء و افکار روز بروز پر وجه نفوس بهتر مفتوح خواهد شد
 لهذا بر دوستان و پیروان حضرت عبدالهبا، علی الخصوص امای الهی عفا
 محفل روحانی لازم و واجب که بهمت کلیه مبذول دارند تا این نفوس
 عاقله قابله مدركه مستعد که در مستقبل محض زیارت آن صفحات بآن یا
 آیند کل من دون استثناء از روش و سلوک و اقدامات و خدمات و پذیرایی
 و همان نوازی بهائیان مشغوف و ممنون و خرسند گردند و بسان طلیق قلبی
 محلو از محبت و ممنونیت و اعتقادی راسخ در قوه و نفوذ کلمه الله از آن صفحات
 بدیار خود مراجعت نمایند و زبان بمدح و ثنا گشایند و باین واسطه هر یک منادی
 و مبلغ امر الهی در بلاد غرب گردند. باید وقت را غنیمت شمرد تا نفوس هر شمنه
 پر استعداد که در آن بلاد مقیم و ساکنند و یا آنکه مرور بان شطر نمایند از اعمال و اقوال
 و رفتار و کردار دوستان جمال قدم روح امر الهی را در این عصر تاریک
 ظلمانی بیابند و از خدمت و جاتقشانی و یگانگی و اشتی با جمیع مل و دول
 که از شیم بهائیان است چنان سرمست گردند که خود اسباب عزت
 و افتخار و ترقی و نصرت امر الله را در محالک خویش فراموش آرند .
 این از لوازم این یوم عظیم و عصر جدید است .

بحوارہ منتظر و مترصد مکاتیب و بشارات یاران عزیزمستم .

۳. نومبر سنہ ۱۹۲۳ - ۲. ربیع الثانی سنہ ۱۳۴۲

بندہ استانش شوقی

براسطه جناب محب السلطان نشی محفل اعضای محترمه محفل مقدس روحانی مدینه
طهران آید هم الله بشید القوی ملاحظه نمایند

روحی کلم الفداء یا اولیاء الله وامنائه فی بلادہ نامہ محفل مقدس روحانی
نمره ۱۰۷۵ بارض اقدس وصل و با اوراق مرسوله بآما بدقت مطالعه گردید
و بر مندرجاتش استحضار کامل حاصل شد . فی الحقیقه آن یاران غیر حصین
بتمام قوی شب و روز محافظه نمایند و در ترویج تعلیم شریعت الله در کل احیان ساعی
و جاهد . در ارضی قلوب تخم افشانی مشغول و در نهایت مسانت و زراعت
و طمینان مترصد و منتظر ظهور آثار نصرت امرائی .

شب و روز بدعا و مناجات مشغولم که یاران فساد اجبای کاشان و دوستان
پر شور و همت بپایان از شر تغدین و فساد معرضین و تعدی ظالمین و شرارت
مغفلین محفوظ و مصون مانند و اگر چنانچه تعذیرات الهیه مره آخری حکم بزجر
و ابتلای ضرب الله نمود با استقامت و صبر و شکیبائی تحمل هر بلائی نمایند
و مصیبات متواتره حضرت عبداللہ را بنظر آورده تا دقیقه اخیرہ حیات چون
جبل را بنح مقاومت عواصف زمان نمایند و از شوؤن امکان ملول و افسردہ
نگردند . از اقدام و جانفشانی و همم عالیه یاران رحمان طرآن بمنیایت مرور

و ممنون گشتم. شبهه ای نیست که این مبلغ مساعدتی کامل و جدی شایان
 بیاران ستمیده آلمان نماید. مخصوص این فقره در متحد المال محفل مقدس روفا
 حیفا که تمام صفحات غرب ارسال میگردد ذکر شده و اعلان گشته تا کمال بداند
 که امر مبارک با وجود تناقض و اختلاف مشارب، شرق و غرب را بجهت جدی تربط
 و متحد نموده بلکه جانفشان بیدار کرده. از خداوند عالمیان برکت و احسان
 برای آن یاران جانفشان بر دم طالب و متمسم. این مبلغ را سائر محفل
 مرکزی تسلیم آلمان ارسال گشت تا در سداستیا جات اجاب و معاونت و مساعدت
 فقره صرف گردد. در خصوص جوانان بهائی که در آلمان تحصیل میکنند
 اگر چنانچه در زحمت و مشقت و اسباب مالی از برای تحصیل در دارالفنون امریکائی
 بیروت کاملاً ممکن و مسیر بانصوب حرکت نمایند و الا امر جهت بهران او
 تا اسباب مهیا شود و موانع زایل گردد.

و اما آنچه راجع با اقدامات محفل اقتصاد است بهتر آن است که محفل
 محترمه اش تأمل نمایند و عجله در این امر خطیر ننمایند تا مجاری احوال معلوم و واضح
 گردد و اسباب کامله فراهم شود و شؤون مملکت و امور افراد اجابا در شرق
 و غرب تحسن و استقراری یابد آنوقت یاران پر همت جانفشان در

تحت نظارت و تصویب محفل مرکزی آن استیسم باین مشروع عظیم در نهایت
 روحانیت و اتقان پردازند و بتجیر عمل رسانند و نتایج کلیه از برای ترقی امر
 و دستگیری فقرای اجبا و اعانت مسکین از ایرانیان گردد .

۲۲ دسمبر ۱۹۲۳ بنده استانش شوقی

۲۴- اجبای الهی برادران و خواهران معنوی در کشور مقدس ایران و صفحات ترکستان
و قفقاز و خطه هندوستان و بین النهرین و بلاد عثمانی و قلم مصر و بریه شام
و سایر صفحات شرق طراً ملاحظه نمایند

ای منادیان و برگزیدگان جمال کبریا، و پیروان حضرت عبدالمجید،
برادران حقیقی و خواهران روحانی متجاوز از دو سال است که گوشت میثاق
آن نجسم شمشع درمی الهی آب حنون و مولای شفق حضرت عبدلها
آهنگ ملا اعلی نمود و چون برق در پس پرده غیب پنهان و ستاری گشت
اهل مجاهدات اطفال سینواراد فقه و احده در غمرات اکر و ظلمات این خاکدان
ترابی یتیم و نالان گذاشت و عشاق آن روی دلارام را در این جهنم
پر محن و آلام بنار حرقت و فرقتش بگذاشت. بساط احزان را کاملاً مختبرند
و دیده عنصری را الی الابد از مشاهده روی و موی نازنینش محروم و مایوس کرد
حکمت بالغه چنین اقتضا نمود و مشیت قاهره الهیه بر این قرار گرفت. ولی
روح مقدس که از هشتاد و سه متاعب و مشقات گوناگون خسته
و آزرده شده بود حال شاد و آزاد در اعلی غرف جنان ساکن. بر زمین ملکوت
جالس و باین خسته دلان توجه و ناظر و از غرف اعلی بآهل مجاهدات

باین خطاب و مذاطرات و مذاکره: ای عزیزان من محسنون شوید افروز
 گردید خاموش نشینید و خود را پریشان و مأیوس مکنید من باشما هستم و شمارا در
 حصن رعایت و کف حمایت گرفته در هر آنی بآید و توفیق جدید نمایم. و فایده
 بجهانماید و تافض اخیر مانند این عبد در خدمت امر الله و عبودیت آتش
 بکوشید و جانفشانی نمائید و از یکدیگر سبقت گیرید. از هجران من بول
 شوید و از شوق دنیا و حوادث زمان خائف و مضطرب نگردید. از منصب
 امکان ادنی تر زنی در امر الله حاصل نمائید چه که شما بید خدا الله و شما بید جمع
 بهاکه در این طوفان بلا بطلوسیت کبری و استقامت عظمی و زیور اخلاق
 و صل تقوی و طراز تقوی بین ملائک، مبعوث خواهید شد. نصرت امر
 الهی نمائید و متدرجاً این جهان تاریک پر حشت و انقلاب را با وج عزت
 ابدیه در ظل امر الله در سایه سرا پرده نجات در آورید. ای یاران من انصافاً
 من در این سبیل بعد از من فتور و احمال نمائید و این فرصت گرانبهار را
 از دست ندهید و الا عاقبت خود خائب و خاسر گردید و از نعمت عظمی
 تاج عزت ابدیه خود را محروم نمائید گمان نمائید که از سکون و سکوت احدی
 از اجا و همنی بر امر الله وارد گردد لا والله رجالی مبعوث شوند

و گوی سبقت را از میدان بر بایند پس بکشید و همت موفراز
نومذول دارید من باشما هستم و در ساحت کبریا در محضر حضرت اعلی و جمال
ابھی بشدید القوی تائید یان نمایم و دلالت کنم بکل متحد استغاث قیام نمایند
تا باین مقام بلند اعلی رسید و الامر را گیر بسینید و بغور لغا در عالم بالا فائز
نشوید . این است ای اجبای عبد البها سبب سرور و فرح روح من در
ملکوت ابھی . این رتبه ملکوتی از آن در قاء ایگه عبودیت بمع شتاقان
رویش هر دم متواصل . وقت آن است ماکه آشفگان آن روی چون
مه تابانیم بقیامی جدید و نشاطی بیغ و اقامی بدیع و شوری عجیب و استقامتی
عظیم و نیتی خالص و قلبی فارغ این منادی غیب را فی الحقیقه اجابت نمایم
و در بین ملا با مربیان نعره یا بجا ، الا ابھی بر آیم که عالمیان مدعو
گردند تا بعد از انقضاء این چند روز حیات بفرموده حضرتش دیده جان را
بآن جمال ابدی باز نمایم و منور سازیم . در محضر انش حاضر گردیم و در حوش
الی الابد طائف شویم .

برادران و خواهران عزیز تر از جان و روانم هزار شکر و ثنا و حمد و ستایش
شبان الهی و پاسبان ملکوتی و قائد حقیقی حضرت عبد البها را

شایسته و سزاوار که بعد از دو سال پر حلال با وجود تأثرات شدید مؤلف و امتحانات
 عدیده و چنین مصایبی بمرورند همیشه و انقلابات جهان و بلایا و رزایای
 ناگهانی و عدم وجود اسباب و شدت عسرت و تنگی و پریشانی و جفا و اذیت
 وارده از اهل سوء و عدوان . امر حضرت بهاء الله روحی لا رقاۃ بین
 فداء و غلا لاف کل عجز و حسود محفوظ و مصون مانده از اقصی بلاد شرق
 از سواحل چین و صفحات برما الی اقصی بلاد غرب در مملکت واسعه امریکه
 و از اقصی شمال قطعه اروپا از مملکت اسوج الی اقصی جنوب قاره افریقا
 حرب الله جنود مجتده ملکوت در جمیع اقالیم و بلاد من دون ششاد و ظل
 طلیس رایتی هم عظم مشهور و در سایه اجنه طایر ملکوتی حضرت عبد البهاء
 بامرو دلائش در این معرکه عظمی در مقابل صفوف الفوف واقف و مهجم
 و در جمیع احوال بنصرت و غلبه روحانی فائز بثنائی که بسیاری از دانیان
 و هو شمنان عالم از عدم تشکیلت جمیع اهل بعبا و ثبات و فوزشان در مقابل
 تغییرات و تبدیلات سریعه کلیه عالم متذکر و متعجب گشته اند و شمه ای از روح
 مکنونه غالبه که در نفوس احبا حضرت بهاء الله و دیعه گذاشته یا قده
 ادراک نموده اند . هزاران از چنین نفوس که هر یک اگر در ظل رایت دین

محسوس شوند و احد کالاً لغند در پس پرده مترود و منتظر تابند که وراثت ملکوت
 باین میراث مرغوب لا عدل له چه خواهند کرد و تا چه حدی در تحقق آمال و
 آثارشان فائز و منظر خواهند شد ولی زحما را که مصونیت اجاب و غث ادره
 و اعلاء کلمه الله و خذلان اهل نقض و فتور علت سستی و ارتخا و غفلت و پهل
 یاران الهی گردد ادنی فتوری و دقیقه ای غفلت جائز نه . حال وقت کوشش
 و بدایت جوشش است . دقیقه ای را باید از دست نداد و هر فرصتی غنیمت
 شمرد . علی الخصوص در این ایام در کشور مقدس ایران و صفحات مجاوره که
 بسبب فتح طرق و تسهیلات مسافرت بین شرق و غرب . آن ممالک
 و اقالم بعیده نزدیک گشته و در دایره دول متقدمه معروفه عالم داخل شده
 لابد مبرور ایام اعزّه نفوس و عقلا و دانشمندان و بزرگان غرب محض سیاست
 و زیارت و تحسّس و تحسّیل اطلاعات و کسب تجربیات بآن سامان آیند .
 دور دور بحسب بیان است که قوه اسم اعظم را باین نفوس جلیبه قادره
 منصفه بنایند و پیام الهی را بلبوش بچشم نفوس زکیه ای برسانند .
 این نفوس محترمه هر چند ثومن و موقن نگردد ولی چون بصیر و منصفند و
 بر تدنی افکار و مهبوط اخلاق در ممالک شرق تماماً واقف . شبهه ای

نیست که از محبت و رعایت صمیمی و پذیرائی و همان نوازی و خدمات و
 مساعدۀ خالصانۀ بغیرضانۀ و علو افکار و تکریم مقاصد و حسن اخلاق و اقدامات
 امریه بهائیان به نهایت مجذوب و دلگرم و فرسند و متعجب گردند و چون
 بسلاخ خویش مراجعت نمایند زبان بمجاد بهائیان گشایند و باین واسطه تبلیغ
 دین الله نمایند. انشاء الله یاران عموماً و امنای الهی اعضای محافل
 روحانی خصوصاً در این امر خطیر بجهت تمام در نهایت هوشیاری و انتباه
 قدم در این میدان بگذارند و این عظم و سیدۀ تبلیغ را فراهم آرند. ولی
 مبادا اسباب رنجش و کدورت و حقد و حسد سائرین گردد باید مبادا اعتدال
 و ملاحظه باین امر اقدام کرد تا دل نفسی آزرده نگردد و اسباب فساد و غفلت
 فراهم نشود و اگر چنانچه بعضی از این نفوس اغتسانی نمودند و در دام مفیدین
 افتادند اجبای الهی طول نشوند بلکه بشیر استقامت نمایند و در این سبیل
 همت و مداومت کنند. روزی این شعبه رحمانی آن اقیم و سائر اقامیم
 نورانی و متسللاً خواهد نمود ولی حیف است مآله باسم و نام او موسوم است
 تأخیر و فتور و تعویق کردیم. آنچه را این نفوس طالبند اعمال است نه
 اقوال. خدمت و محبت و جانفشانی است نه نطق و بیان و اقامه

دیس و برهان . نفوس تشنه حقیقتند و از اسیم مجاز خسته و نیاز . این عبد
 غمناک است که از سان و قلم این نفوس که چون ملائکه ناشرات در کربلا
 سیار و منتشر گردند ذکر محامد و نعت و تعریف از شیم و اخلاق و امتیاز
 بهائیان از سایر نفوس شنود چنانچه مقاله نوثر و مفید و متین نویسنده معروض
 ما جوهر مور که اخیراً ترجمه اش در متحد المال محفل روحانی مدینه حیفارج شده باشد
 این کلام است . این است مغاطیس تأیید و این است از وسایل
 فعاله از برای ترقی و نشر امر الله .

و اما از جهت روابط داخله مایران باید که بهائیان خود را مرجع مبادی
 و تعلیمی روحانی دانند که بسیج وجه من الوجوه قیاس و مشابیه با این ادویه
 منقوشه ناقصه موجوده نداشته و ندارد . احزاب و مشروعات سیاسی و
 شئونات سائر مادیه با المال هیچیک تنها کافل سعادت ایران و ایرانیان
 نخواهد گشت . ملاحظه فرمائید که این افکار منقوشه که حال در شرق سرایت
 نموده جمعی از دول عرب اقتباس گشته و سرچشمه و منشأ و مصدرش
 احزاب متنوعه و تکثره متنازعه در بلاد عرب بوده ملاحظه فرمائید که عرب
 در چه حالت است و بچه امراض و اسقامی گرفتار . دیگر تعلید از برای چه

و تبسّع این تجربیات و اتخاذ اینگونه وسائل غیر مستقیم احزاب چه لزوم
 و احتیاجی بآن. احزاب متزاید عالم چه ازدمقراطیون و انقلابیون
 و اشتراکیون و تجدّدون چه نفوسی که طالب تأسیس حکومت مستبدّه مطلقه
 قاهره اند چه نفوسی که وجود حکومت و قانون و نظم را مخرب بنیان انسانی
 بشمرند چه نفوسی که مروج مساوات تام در بین انسانند این احزاب
 و این نفوس حال متجاوز از صد سال است که در میدان عالم بحولان بیخمن
 مشغول خربرابی و دمار و پریشانی و انقلاب و بغض و شجاعت و فقر و عسرت
 میراث دیگری از برای فقراء ارض نگذاشته اند و هنوز بهای و بهوشمول
 مقایده امور را در دست گرفته فائده دائمی نبخشند و نتایج کلیه از آن حاصل نگردد
 باید اساس را گذاشت و بر آن قصر شید سعادت عالم انسانی را بنامند
 و آن در این آیه مبارکه مسطور: **و یؤثرون علی انفسهم و لولکان بهم خصاصة**
و من یوق شح نفسه فاولئک هم الفائزون. فائزین بجهایان
 عالمند چه که باین آیه مبارکه ناظرند و عامل: یا ابن الاثنان لولکون ناظر
 الی الفضل ضح ما یفکک و خذ ما یتسفع به العباد و ان کن باطنه
 الی العدل اختر لدنک ما تخاره لک. این است اساس ترقی

و عمران ایران بل نجات و سعادت تمام مجسمان . اگر یاران فرزانه را
 باین شیم ملکوتیه خود را فرستند دارند عالم عالمی دیگر شود و این اصوات میسمه
 از میان زنده ندای زمان آئین آنگاه یا بجا ، الا بجا میکل درین عالم را
 از خواب غفلت و نادانی بیدار نماید . مقصود این است که یاران از طرفی
 ضدیت و مخالفت باین اسباب و وسائل ثانویه ماده و اجزای سیاست
 اجتماعی اقتصادی نداشته باشند و از طرفی دیگر گمان نبرند که فقط باین
 اسباب عالم و وطن نجات یابد و راحت گردد و با وج عزت رسد .

بهائیان چون بروج امر حضرت بهاء الله که در میان کشتان نباض است
 نظر نمایند باید خود را مخالف این نفوس ندانند و مقاصد خود را فوق این
 مشروعات شمرند مگر آید که او یای اموراتی تکداری حاصل نمایند اگر
 فی الحقیقه بموجب احکام و تعالیم الهیه سالک و عامل شویم و بنوع شرو
 وطن خویش خدمت نماییم عاقبت حقیقت معلوم و مشکوف گردد و خود آن
 نفوس آگاه شوند و اقبال نمایند مگر آنکه مگر آید گمان کنند که بهائیان
 تعلق بوطن خویش ندارند بلکه برستی بدانند و یقین نمایند که از همه بشیر و
 از همه مخلصتر و از همه ثابت تر در احیای ایران و عزیز ایران بوسائل

حقیقی میکوشند و مطمئنند که ایران عاقبت عزیز و توانا خواهد شد بلکه بنموده
 حضرت عبدالبهاء (دولت و ملی جمال مبارک در جمیع بسیطترین و مجرترین
 حکومت خواهد گشت و ایران معسورترین بقاع عالم خواهد شد)
 برادران و خواهران روحانی عالم شربت سطر است و قلب حضرت
 عبدالبهاء در ملکوت ابھی تمنی و شائق که بهایان تعالیم حضرت بهاء
 را از خیر قول تجزیه عمل رسانند این چه فرصت مبارکی است باید اقدام نمود
 و باب معاشرت و مراوده را با تمام ملل و نحل باز کرد . ایام گذشته نشینی
 و سکوت و خموشی گذشته باید از زاویه غمخوار نسیم و در میدان وسیع قدم
 گذاریم و مباشرت بعمل نماییم . مقصود این نیست که حکمت را فراموش
 نماییم و پرده درمی نماییم و از حد اعتدال خارج گردیم و بمخالفت اصول
 قوانین و رسوم دولت و ملت قیام کنیم حاشا که یاران الهی چنین نمایند
 بلکه مقصود این است که با اعمال و افعال تبلیغ امر حضرت بهاء الله نماییم
 تبلیغ با اعمال حکمت قبول ننمایند و تعقید و تحدیدی ندهند کل از وضع
 و شریف و قدیم و جدید و پیر و جوان قابلیت و توانائی پیچیدن این
 بسیل داشته و دارند پس عذری از برای احدی باقی نمانده بر نفسی

که خود را بشیم و محل تقدیس و تقوی و اخلاق مزین نذارو او بهائی حقیقی نه
 و لوانکه باین اسم موسوم و موصوف و معروف و اگر نفسی اقی و محل
 و از تبلیغ بنطق و بیان قاصر و باعمال و سلوک و رفتارش علت انتباه و تذکر
 و اقبال یک نفس گردد البته مزج و محترتر و عزیزتر و بهتر از شخصی است که
 سالهای سال تبشیر و تبلیغ لفظی پرداخته و شهرت و اجمیت یافته ولی
 مشرب و اخلاقی مباین و مخالف کلام و قول او. حسنات آن
 نفس عاقبت قلوب نفوسی را بنور ایمان کالملا دایما نور خواهد خست
 ولی سیئات این شخص بالاخره سبب شود که تمام مواعظش فراموش گردد
 بلکه بالعکس نتیجه نخبه و توجه و ایمان مبدل بایس دستی و بیدینی شود
 میل و رضا بلکه امر شدید حضرت عبدالبهادر این است که بکسیان
 در جمیع امور حتی در خبیات و معاملات یومیّه و روابط افراد پاکیده بگو
 بحسب تعالیم الهی رفتار نمایند. میفرماید بخصوع و خشوع و افتادگی
 اکتفا نمائید نظر محویت گردید و فای محض شوید. هر دو فنا و شفقت
 و محبت نصاب پیشینیان بوده در این دور عظم اهل کعبه بعدا کار
 و جانفشانی مأمور. عدالت محبوب و مطلوب بوده و هست ولی

مؤمنین و مؤمنات در این عصر نورانی باین امر مأمور: ضعیف مانیتفک
 و خدا مانیتفیع به العباد. لیس الفحس لمن حیب الوطن بل لمن حیب العالم
 ملاحظه فرمائید که در الواح مقدسه کتب الهیه و وصایای مبارکه احبای
 الهی بچه جدی مأمور بر هر کاری و خیرخواهی و بردباری و تقدیس و تزیین
 و انقطاع از ماسوی الله و تجرد از شوون دنیا و اخلاق و صفات الهیه
 هستند. باید بهر نحوی که ممکن است قبل از همه خیر قلب را صاف و نیت
 خالص نمود و الا اقدام به هیچ امری نتیجه دثری نبخشد. باید از تصنع و
 تقلید خراز بست چه که رانجه مستنشاش را هر عاقل بهوشمندی فوراً دور
 نماید. باید اوقات مخصوصه تذکر و تنسبه و دعا و مناجات را فراموش
 ننمود چه که بدون فضل و عنایت الهیه موفقیت و ترقی و پیشرفت در امور
 بلکه مستح و محال. نمیدانید که محبت خالصانه و صداقت و خلوص
 نیت چه اثری در نفوس نماید ولی تحقیق این امر منوط بسعی و کوشش هر
 فردی از افراد در هر یومی از ایام است. مگذارید که اغیار و حسودان و
 دشمنان بگویند که علت علو امر در گذشته ایام در اوایل ظهور قیام خارق
 العاده هیاهو و استقامت نفوس زکیه شهداء امر بوده که حال

چون دیگر نیستند امر بهاء الله مجبوراً رو با نخطاط و ضعف و تشیت و ضعیف
 خواهد گذاشت. باید او را بسطوک و افعال و بعد از آن با قوال و دلائل
 اثبات نمود که وجود الهیه محتمل است و واقع و بشارات الهیه ظاهر است
 و کامل. تا نفوس کامله بمیدان نیایند و شاهد بر انجمن نگردند اثبات این
 امر بدانسان امم بسیار شکل و اگر مؤمنین و مؤمنات منظر این کمالات شوند
 لزوم به بیان و اقناع نه. نفس اعمال دلیل است و نفس رفتار کامل حفظ
 و صیانت و شوکت امر است. این عبد عاجز مستمند خجل و شرمسار است
 و خود را هیچ وجه قادر بر هیچ امری از این امور برنده لازم ندانسته و نمیداند
 ولی شب و روز در حوالی بقاع مقدسه مناجات و دعا و توبت مشغول و از
 یاران الهی استعدا و التماس نماید که باعمال و اخلاق حضرت عبدالبهاء
 مقدسای حقیقی ظاهر شوند و این امر عزیز الهی را نصرت کامل نمایند امید است
 که این دعا مستجاب شود و این استعدا قبول گردد.

و اما آنچه راجع به ترتیب و تمثیل امور روحانیه اجابت بهمانا تقویت
 اساس محافل مقدس روحانی است در تمام نقاط چه که بر این اساس
 محکم متین در مستقبل ایام بیت عدل عظم الهی استوار و برقرار گردد

و چون این بنیان عظیم بر این اساس اقوم مرتفع شود نوایای مقدسه الهیه
 و حکم و معانی کلیه در موز و حقائق ملکوتیه که در وهایای مبارکه الهامات غیبی
 حضرت بهاء الله و ربیع گذشته بتدریج ظاهر و آشکار گردد و جلوه نماید
 پس باید کوشید و همت نمود که تمهیدات لازمه میر شود و اولین اسباب و
 اہم وسائل همانا تقویت اساس محافل روحانی بوده . امید و طید خیانت
 کہ چون در یوم اول عید سعید ضوان انتخابات محافل روحانی در تمام نقاط
 در شرق و غرب در نهایت روحانیت و مسانت و جلال و کمال تجدید گردد
 و احباب من دون استعفا بدل و جان تمہداً اقدام نمایند نہ نفع اعضا
 منتخبہ در ہر نقطہ ای قبل از باشرت بانجام وظائف مقدسہ خویش رجوع
 بکلمات الہیہ نمایند و در زبر و الواح مقدسہ تخصّص و تفرّس نمایند و لوازم
 اصحاب شور و واجبات انہی الہی و وظائف اعضای بیوت عدل
 الہی را بنہایت دقت و توجہ و فراغت بال مکرراً قرائت نموده اطلاع
 تام حاصل نمایند و ہر دم آن ادا و اقرطعیہ و نصایح شفقانہ را بپا دارند و
 بکوشند تا ہر یک را کلاً مجری نمایند . از حجبہ آنکہ باید خود را خادم این
 حقیقی احباء الله شمرند و نظر را متوجہ و حصر در منافع عموم و مصالح امر الہیہ

نمایند نه ناظر باشماض و متمسک بقاصد و آثارب شخصیه گردند. باید رای خود را در هر امری و در هر علبه ای در نهایت صداقت و روشنی و خیرخواهی و خضوع و خلوص ابداء و اظهار دارند و آنچه را بعد از مشورت کامل و مذاکره تمام رای اکثریت بر آن قرار گرفت بدل جان بدون ادنی کدورت و بخش اجرا نمایند و لو آنکه رای اکثریت مخالف واقع و عاری از صواب باشد. چه که این است حکم صریح محکم الهی. چگونه تجاوز و انحراف از این امر مخصوص جائز. و ایضاً باید اعضای محفل در الفت و اتحاد یاران و غرت امرالله و ترویج دین الله شب و روز بکوشند. اگر چنانچه از جنتی رانگه ای بوزد و آثار اغبرار و علامات اولیه مشکلی معلوم ظاهر شود باید فوراً اعضای محفل مجتمع گردند و در رسیدن باب و جلوگیری از هر فساد و دفع و دفع آن تمام قوی بکوشند و نگذارند که ضرر و زنی بر امرالله وارد گردد.

ایضاً باید در تأسیس و ابقا و توسعه صندوق خیریه کوشید. تأسیس آن در هر نقطه ای لازم و باید یاران از اعضا و غیر اعضا بقدر استطاعت خویش طوعاً نه کرهً اعانه باین صندوق نمایند و آنچه را تقدیم نمایند تسلیم امین صندوق محفل کنند تا بصوابید اعضای محفل روحانی در امور خیریه و ترویج امرالله صرف

گردد. معاونت اغیار از محتاجین و مساکین و ایام و اراذل و عجزه و فقر
بسیار لازم و واجب چه که بانی واسطه حقیقت اعظم تعالیم امر آئی که آن خدا
بعالم انسانی است اثبات شود و ظاهر گردد.

باید در امر مخبرات و مراسلات فتور و تاخیر و احوال هیچ وجه حاصل نشود تا
روابط صوری و معنوی در بین فسراد و اعضای هیئت بهائی عالم مستحکم گردد
و وحدت شرق و غرب مستبر شود و چون مخبرات و مکاتبات در هر محضی بر
عهده نشی محض خواهد بود و مخبرات فقط بامضای او محضی و بعنوان او
از این بعد ارسال خواهد شد خوبست که اقباشی محض خویش را نفسی
انتخاب نمایند که معروف و مشهور و موثق و قابل و مقدر باشد چه که در
حقیقت وظیفه نشی اتم و اشغالتش بیشتر از مقام رئیس است. و چون
نتیجه انتخاب معلوم گردد احب و اولی آنکه در هر نقطه ای اعضای محض
روحانی اسما، اعضای محض مع عنوان کامل نشی محض خویش را نزد محض
مرکزی تسلیم خود ارسال دارند و همچنین نسخه ای از آن را با برض اقدس
نزد این عبد خود ارسال نمایند تا مخبرات و مکاتبات در نهایت
اتقان و ترتیب شروع شود و تجدید گردد.

اشتراک مجلات امریه که بواسطه محافل روحانی از قبل ترتیب آن ذکر شد
از قبیل نجم باختر و مجله اطفال ملکوت در بلاد امریک و خورشید خاور در خطه
ترکستان و شمس حقیقت در بلاد آلمان و مجله البشاره در هندوستان و
مجله الاشراف که اخیراً در بلاد برما تأسیس شده و انتشار یافته امید چنان است
که محض تمشیت و ترغیب و تشجیع این مجلات امریه یاران بقدر امکان اشتراک
خواهند نمود و مقالات شتی در مسائل ادبیه علمیّه روحانیّه باین مجلات بواسطه
و تصویب محفل روحانی خویش ارسال خواهند داشت و باین واسطه بر عزت
و شوکت امرالله خواهند افزود.

امر تربیت از بنین و نبات این ایام از امور اساسیّه لازمه محسوب این
از وظائف اعضای محافل روحانی است که معاونت یاران در تأسیس
مدارس محض تربیت بنین و نبات در امور روحانیّه و تعلیم اصول تبلیغ و
تلاوت آیات و نباتات و تحصیل تاریخ امر و علوم صوری و فنون متنوعه و
تحصیل السن و لغات بکل قوی بکوشند تا اسلوب تربیت بهائی چنان
صیتش مشتهر گردد که اطفال از تمام طبقات در مدارس بهبائیان تعلیم
الهیّه و علوم مادیّه را بیاموزند و باین واسطه اسباب ترویج امر الله را فراهم آرند

امرتقی نساء و تشویق حضرات اماء الرحمن در تحصیلات مادی و معنوی
و خدمت بامرائه و تعاون و تعاضدشان با حضرات مجال در تحکیم و
و تقدم امرائه در این دور اعظم عموماً و در این اوقات خصوصاً از امور
اساسیه محسوب ملاحظه فرمایند که در لوحی از الواح ، حضرت عبدالیه
باقیار امه ای از اماء الرحمن چه می فرمایند :

« ای ورقه طیبه همای اوج عزت قدیمه بر سر اماء الرحمن سایه افکنده
و آفتاب افق توحید بر وجوه موقنات پر توانداخته ربّات مجال ابطال
میدان کمال گردیده و پرده نشینان خلوتگاه عفت پرده غفلت دریده
و سبر منزل هدایت رسیده و بانوار موهبت درخشیده و شهد غایت چشیده
و در سایه ربّ احدیت آرمیده خوشحال ایشان »

و از واجبات اولیه محفل روحانی تیمّه و اجرای وسائل فعاله از برای
ترقی امرنوان است خوب است هر محفل روحانی بجهت مخصوصی تشکیل دهد
و اعضای آن بجهت شب و روز در تشویق و تحریص و تعزیز و تکریم حضرات
اماء الرحمن و تعلیم نبات و اکمال و توسعه محفل و مجالس نساء و معاونت
آنان با مجال در خدمات امریه و تحکیم اساس محفل روحانی دائماً و قاتلاً

و افکار را احصر نمایند و این عبد امیدوار است که در ایام رضوان چون انتحای
مخفی روحانی تجدید گردد حضرات نساء که بر مجاری امور مطلقند در انتخاب اعضا
شریک رجال گردند و آنانکه هنوز کجای سبغی و طبع اطلاعی کافی حاصل ننموده
تمام قوی بکوشند تا کس استعداد و اطلاع نموده عبور ایام چون امر حجاب
بتدریج و بحسب حکمت الهیه تخفیف یابد و از میان ردد نساء و رجال برود
در انتخاب و عضویت مخفی روحانی شریک و سهیم و معاون یکدیگر گردند.
همچو یوم فیروز مبارکی خواهد رسید و اما، الرحمن در انجمن باریان ظهور و بوزی
عجیب نمایند. حال وقت تهیه اسباب است و ایام ترقی نساء در کمالات صو
و معنوی. مضن باشد که آنچه از قلم اعلی ثبت شده و از کلمه میثاق نازل
گشته حوادث زمان و شوون امکان و اجزآت و اقدامات رجال ارض
بخوی غیر مستقیم و سائل مکنونه غیبیه ای را استدراجاً محض اجرای نصو
چنان فراهم آرند که جمیع مبهوت و تعجب و تذکر گردیم. وقت اطمینان
و یوم یوم تمت و جانفشانی. باید با اعمال پسندیده او امر الهیه را
اجرا نمایم و توکل بحق کنیم تا آنچه را اراده فرموده من دون تأخیر تحقق یابد
علیا در قه سدره تقدیس و حضرت حرم و سایر ورقات

مقدسه مبارکه آن یاران عزیز را که در صفحات شرق به بتیردین آمده مشغولند
 پیوسته بیاد آرند و بذكر آن تذکرات و تجلیات ابدی و ابدی و اشیاق قلبیه
 هر آنی ذاکر و مکرر در این مقامات علیا شب و روز بدعا و مناجات در
 حق آن مخلصین و مؤمنین مشغول و لیا و خفا را مترصدند که علام و آثار
 فوز و نصرت الهی را از افاق آن صفحات ظاهری و لایح بینند و در احیان تصریح
 و ابتهال کل بتلاوت لوح مبارکی که بافتخاریکی از یاران نازل گشته تذکر
 و مشغولیم و از فضل الهی ظهور و بروز همچو میا کل مقدسه در میان اهل عالم
 علمس و شائق و مستطفر . و آن لوح نیست :

« ای سمندر ناموقده در سدره سینا جمال مبارک روحی و ذاتی و مینوی
 لا رقاه الغدا ، در اواخر ایام از غم مطر و عده فرمودند که بغیض مدار و
 تأییدات ملکوت اسرار نفوسی مبعوث گردند و هیما کل مقدسی مشهود شوند که
 انجم سما ، هدایتند و انوار فجر عنایت . منظر آیات توحیدند و مطلع انوار تعبد
 مهابط الهامند و مشاعل انوار . جبال را سخته اند و الطواد باد خه . سرج
 نوزند و بدور ظهور . و سائل الطافند و وسائل اعطاف . منادی بام
 حقه و مبادی تأسیس بنیان عظم . این نفوس شب و روز آرام نگیرند

و آلام نغینند و فراغت بخینند . در مضجع راحت نیارند و آسوده نینشینند
 آلوده نگردند اوقات را صرف نشر نفحات الله کنند و از زمان را وقف اعلا
 کلمه الله . و جویشان بستر است و قلوبشان مشرح . فوآدشان ملهم
 است و بنیادشان بر اساس اقوم . در ارجاء عالم منتشر گردند و در بین ائم
 متفرق . در هر محضی در آیند و در هر انجمنی مجمع بیاریند . بهر سانی حکم نمایند
 و بهر معنی تفهیم کنند . اسرار الهی کشف نمایند و آثار رحانی نشر کنند چون
 شمع در شبستان هر جمع برافروزند و چون ستاره بصبحگاهای بر جمیع آفاق پخشند
 نفحات حدائق قلوبشان چون نسائم سحرگاهای آفاق قلوب را معطر نمایند
 و فیوضات عقولشان چون باران بهاری بر اقلیمی را مخضر کنند . این
 عبد در نهایت انتظار است که این نفوس مبارکه کی موجود و این مظاهر مقدسه
 کی ظاهر و پدید آید اگر در شب و روز در تضرع و ابتهال که آن نجوم باز غنه
 مشرق و لایح گردد و آن وجوه مقدسه جلوه نماید . افواج تأیید رسد و
 امواج توفیق از بحر ملکوت غیب واصل گردد . مقصد این است دعا و
 تضرع نماید که این نفوس بغض جمال قدم زود معیشت گردد .
 و البهائیک علی کل وجه تنور بالنور الاّی من افق المملکت «

در این دهاکه در جوار بقاع علیا اهل بیت و طائیف جرم کبریا سیم و شریکند
آن یاران نیز شرکت نمایند و این لوح مبارک را محض تذکر و طمینان در دنیا
در نهایت توجه و تمیل بخوانند تا بآخر این ادعیه خالصه که چون بآذان نیایی
بر اراضی طیبه قلوب باریده روح قدس بوزیدن آید و اریاح کریمه جدا
و بغض و تعصب و غفلت را از این مرزعه آسمی دور نموده شام جهانیان
معطر نماید و اغیار و اعدا و مترددین را اخبار نماید و طمینان بخشد که امر
حضرت بهاء الله خاموشی در پی نه و خون مظهر حضرت اعلی و دم مبارک
شهداء و بلیای و مصائب اولیا و بدر زرقه بالعکس تقویه بازوی حضرت
عبد البهاء شجره عالم را نشو و نما داده و گل و برگ و شکوفه های معنوی
که آن اعمال و اخلاق طیبه عالمیان است الی الأبد فرین و نفعخواسته
ربا آید تا علی شرا تبارک و التوکل فی منهج رضائک.

حیفا

۱۹ دسامبر ۱۹۲۳ ، ۹ جمادی الاولی ۱۳۴۲

بنده استانش شوقی

بواسطه نشی محفل مقدس روحانی طهران
اعضای محترمه محفل مقدس روحانی مدینه طهره ان یتیم الله بشیقه القوت
ملاحظه نمایند

ای مسادیان امر الهی روحی تمکیم و استقامتکم الفداء و نامه اخیراً
نمره ۱۱۶۵ و ۱۲۴۲ مع محتویات آن کما اذ آن محفل مقدس باین
اقدس اصل و از مضمون بحجت و سرور امید واری حاصل گردید.
الحمد لله که یاران مسبور و شکور آن یتیم خدایت که در عهد امن و امان
مستریح و از ظلم و ستم و تعدی و فساد فی الجمله مصون و محفوظ. این
عبد ذلیل در احیان توجه و تضرع باستان مقدس آنخوای حافظ
و معتد از اعماق قلب منقبت و مصونیت و راحتی و سرور آن
نفوس حبلیه محترمه را مسألت می نمایم تا بوظائف مقدسه مستنوعه
مترایده خویش در انجام امور از جزئیات و کلیات کاینی لایموت
شأنه قیام نمایند تا بقوه تعالیم حضرت بهاء الله و هدایت روح تقدس
حضرت عبدالبهاء آن نمایندگان یاران الهی و خدام امر روحانی
در ظل حکومت عادل و باشرعایت حسن سلوک اولیای امور تبریج

و حکیم اساس این آئین مقدس که خادم مصباح ایران و عالمیان است در
 نهایت آزادگی و کثرت و متانت و اقتدار شب و روز مشغول گردند .
 و بتدریج تائیس و ترویج اسباب نجات و آسایش و عمران آن کشور مقدس بلکه
 تمام جهان و جهانیان نمایند و از آن مولای حق توانا رجا و تمنا نمایم که
 این اوضاع حالیه دوام و استقرار یابد و این تدابیر و اجراءات اخیره یوماً
 فیوماً اساس شستین تر و درازتره اش وسیعتر گردد و حسن نیت و خیرخواهی اجابا
 و فعالیت آن روح محرکه نافذه مودعه در تعالیم حضرت بهاء الله بر وسیع
 و شریف و حاکم و محکوم مشهود و واضح شود و بتدریج موانع زایل گردد و وعود
 آئینه جلوه نماید و تحقق یابد . اعضای محترمه آن محض نورانی که مرکز مجبور
 خدمات امریه تمام آن کشور است باید دقیقه ای در تفقد و ملاحظت و مساعدت
 و رسیدگی باحوال مشکوین و مظلومین و عجزاء و متجربین از یار و اغیار اهل
 نمایند و غفلت نکنند . هر چه اجرای این امر خطیر که از مهمات امور محسوب است
 این آیام کاملاً مشکل و اسباب مادیه از برای سد تمام احتیاجات متکلمان میباشد
 ولی بهمت و سعی لازم که بر بخوی ممکن حتی تساتاً و شغافاً و لو بمعاذتی جزئی
 دستگیری و ملاحظتی بمظلومین و مشکوین گردد چه که بانیوا سطر عزت و بهمت

و ستمو مقام و لزومیت محافل روحانی که مرجع و خدمت اجباء الهی اند معلوم
واضح شود و محبت و تعلق افراد بنایندگان خویش یونانیو ما از دیار دیار باید .

ترجمه کتاب مستطاب اقدس بواسطه جناب فاضل بزدی ایدۀ الله علی نشر
آماره و ترویج کلماته بآرض اقدس و صل و چون طبع و نشر آن حال موافق
و مناسب اوضاع حالیه ایران نه نسخۀ آن نزد این عبد محفوظ است تا
انشاء الله من بعد دستور العمل مخصوصی و کاملی بواسطه محفل روحانی طرأ
اجماع گردد و این امر مهم تحقیق یابد .

بلغ صد لیره که اجبای جانتان ایران دوباره اعانه بدستان ستمیده
آلمان فرستاده اند فوراً بواسطه محفل مقدس روحانی حیفا نزد محفل روحانی
مرکزی آلمان ارسال شد و فی الحقیقه با وجود عدم اسباب و عسرت مالی
مساعده ای کامل بآن عزیزان حضرت عبدالبها، گوید و شبهه ای نیست
که در مقابل این خدمات بزرگت الهیه شامل اجبای عزیز ایران خواهند شد
و اسباب علو امر الله در ممالک و اسعه غرب فراهم خواهند شد .

از جهت موفور اعضای مجتبه نشر نفحات در جمع آوری و استنساخ اشعار
حضرت بنیل ممنون و مشوف گشتم و از آستان حضرت عبدالبها، ترقیات

و خدماتی شایان بعتبه مقدسه از برای هر یک مناسبت می نمایم .
 از اقدام بنده مؤمن منقطع جان فشان جناب آقای قاضی زاعلی محمد خان موثق
 کثر الله امثاله تا اثر گشتم فی الحقیقه این عمل شایان تقدیر است و قابل
 هر گونه نعت و ستایش . هیچوقت فراموش ننمایم آنچه را در سال گذشته
 اند در ارض مقدس نزد این عبد با هم مبارک ایشان سالماً محفوظ است
 مطمئن و مستریح باشند . امیدم چنان است که عده چنین نفوس
 جلیله خالصه موقنه ای که فی الحقیقه از فدائیان جمال مبارکند و از بندگان
 عزیز حضرت عبد البها محسوب روز بروز زیاده تر گردد تا جلوه امر الهی پدید
 شود و قوه کلمه الله ظاهر گردد .

از برای کل الطاف و عنایات حضرت یزدان را طالب و متمسک و بیاد
 هر یک در حوارین بقاع علیا مستذکر و مانوس .

بنده استانش شوقی

ج ۲، ۱۳۴۲، ۲۸ ک ۲، ۱۹۲۴

بهائیان عالم در شرق و غرب طرّاً ملاحظه نمایند

در این صین که این مسکین از ارض مقصود مجبور در آتش حسرت و حرمان سوزان و در گوشه انزوا از بگایند و آتشنا هر دو دور و دور کنار چنان قلب تسلطم و روح در بیجان است که فوراً قلم را برداشته متوکل علی الله مافی التضمیر خود را به عسوم بهائیان در کل بلاد اظهار و ابلاغ مینمایم و باین چند کلمه که هر حرفی از آن از خاطری آزرده و دلی شکسته صادر و نبش است یاران شرق و غرب را در نهایت تألم و خجالت تذکر میدارم که ای اهل بهبسا و برگزیدگان حضرت کبریا، شهادت میدهم که حضرت اعلی و جمال الهی و روح مقدس حضرت عبدالبهبسا، از اوج علی بر این خیزن ناظرند و بر حال پرطالم واقف . هر سه شاهد و گواهند که در این دو سال پرطال بر این عاجز مستعذبه وارد گشته خبر دشت اثر صعود کیتا مولای شفق و خونم چنان ارکان وجودم را منصق و منززل ساخت که هنوز از اثر آن تاثرات شدید سکون و قرار نفوذ مضمون الواح و وصایای مقدسه و فقرات و مندرجات مد همیشه و ادا بر مبرمه محکمه اش چنان حمل ثقیلی بر کتف این ناتوان بنفاد و مسئولیت عظیمی تولید کرد که از وصف و بیانش عاجز و قاصر م . ولی با وجود این

آلام و افران وارده و صدمات فکریه و انقلابات روحیه چون دیده امید
 بصبح هدایت کبرایش متوجه بود و قلب و روان بساحت قدسش مرتبط و از روح
 مقدسش مستمد و بر تائیدات غیبیه لایسبیه اش تسکّل و بوعود صریک اش مدیون
 و متوسّل این بارگران اندکی تخفیف یافت و این شعله حرمان فی المحبّه بت
 علی الخصوص که بعد از فرقت جانورش و اعلان انتشار این واقعه موله فیه منظور از مؤمنین و
 و مؤنات در کل اقطار مدن قری من دون استثنای علم استقامت برافروشتند و در نهایت رشادت
 و جلال و ثبات و جدیت و حرارت بخدمت و نصرت و حراست دین بسین
 قیام نمودند و از صراط مستقیم منحرف نگشتند و با اهل نقض و فساد دنی توّقی
 بنخستند و در پیل امرش و اعلامی کلمه اش جان و اموال و راحت و عزّت
 ایثار فرمودند و در ترویج کلماتش جهدی طبع و اقدامی بدیع اظهار داشتند
 در این موارد آنچه اجرا نمودند شایان تحمید و تقدیر است و مستحقّ هرگونه
 و ستایش. هر چند این عبده قاصر از شدت تامل و تفتّح کتب و اساناً
 کما یغنی و یلحق ستایش و توصیف و تقدیر و اظهار ستان در مقابل این بزرگوار
 عظمی و بخت کبری بآن شیدا یان و فدایان میثاق الهی ننمود
 ولی شبهه ای نبوده و نیست که اجرشان عند الله عظیم است عظیم.

همچو قیام و شبانی از صفه روزگار محو نکرد و این عشق و فداکاری در ساحت کبریا
فراموش نشود و نابود نگردد ولی آنچه سبب اصلی و علت اولیه یگرانی و افسردگی
این دلتنگ شده و برغم و غصه این مصیبت کبری افزوده و متأسفانه این عباد
برنگاشتن این نامه واداشته و تولید مشاغل مستنوعه نموده که هر یک اسباب
تاخر و ضعف امر مقدس الهی است همانا عدم الفت و تعاون حقیقی در بین احباب
است. نمیدانید که آثار و علام عدم صفات در قلوب مؤمنین بلکه ادنی شائبه
دلتنگی و برودت و اغیار در جمع احباب چه قدر اسباب خلل و توہین و تزییف
این امر است و علت غلبت و حیرت و شرمساری این عباد و بجه حدی مضرت
و مخالف مبداء اساس شریعت الله. چون تتم نافع و لواثراتش فوراً در زعموم
نمایان و مشهود نگردد روح نباض میکل امر الله را از جلوه و نفوذ باز دارد و بتدریج
مقدم سازد. تمام اقدامات و مجبورات این سنین متوالیه را از هر گونه غرر
نتیجه و اثری ممنوع و محروم دارد و گروه مقبضین و طالبین را هزار فرسنگ از
این بعین حیات و سبیل نجات دور نماید و شمر سازد حقیقت ساطعه مشعشع
این آئین مقدس در انظار جمهور علی الخصوص در نظر تعزین و تمیزین و
دانشمندان عالم نظلمات او نام تبدیل نماید و حرمت و استیاز و شرافت

و حلاوت امر بهائی را حقا و متدرجا از نظریار و اغیار محو و زایل کند و محن
 و بلا یا و قاعب لا تخصای قدام، احبا و موستین و شهدای این امر عزیز را
 عاقبت بدر دهد و بذر خلاف و شقاق و فساد را در مراکز امریه پی در پی ایجا
 نماید و در نظام و پیشرفت محافل روحانیه که الیوم اساس بیوت عدل الهی
 است و یگانه محور و مرجع شوون امریه خطی عظیم و نزع غمی شدید فراهم آرد .
 این بنده شرمندۀ این رواج کدره را از قبل و بعد خصوصاً در این اواخر
 از نقاطی مختلفه چه دور و چه نزدیک متابعاً استقام نمود و بر شوون و حالات
 و معاملات و روابط اسف آوریاران با یکدیگر مستحضر و واقف گردید .
 چه قدر در این موارد وصف حال و ذکر و بیان حقیقت واقع صعب و مشکل است
 ولی بحدی متبجح و متاثر شدم که خود را مکلف بر آن بینم که عوطف حقیقی و
 احساسات وجدانی خویش را به آن یاران که در خدمت امراته موسس و
 غمخوار و سهیم و شریک غمناک اظهار و ابراز نمایم و بر مقلب القلوب اعتماد و اتکا
 نموده آنچه در اعماق این قلب مجروح است در کمال صراحت کشف و ابلاغ
 کنم . در این اواخر چون محافل روحانیه در اکثر نقاط استقامت نایس و
 ترویج گشت و مقدمات نظام و دستور مقدس مبارک بحسب ظاهر وضع

و اجرا گردید علام عدم استلاف و قلت ثقت و اعتماد بتدریج ظاهر و نمایان شد
دیوماً فیوماً از دیاد یافت. آثار تخلف و تغافل و ایهمال و عدم تعاون و اهتمام
و رقابت و شکایت از مضمون و فحوائی مکاتیب وارده معلوم و مفهوم گشت
و اسباب خلاف و شقاق بخوی غیر مستقیم فراهم گردید بجدی که تائیس محض
روحانی که مقصد اولیه آن قلع و قمع ریشه هر خصومت و جدال است کلم کلم
اسباب تفرقه و نزاع و تجزئی و جدال درین اجاب گردید و قوه دافعه کلمه الله
را محسوس نمود و روح آزاد پرتاثر این امر مبارک را از جریان و سریان باز داشت
حتی در بعضی مواقع علی الخصوص در نقطه ای که مجاور ارض مقصود است تولید
بغض و عناد و ستی و کراهت نمود و اسباب تفرّد و توهمین و مخالفت گشت
و بیم آن بود که لطمه ای بآسائس نظم و وحدت جمع اهل کعبه وارد گردد.
حرم و مناسبت در مقاومت و قلع ریشه فساد بر خننه و خلاف می خورد و سکوت
و عدم اعتنا محض در نظام امر و مرجع مقاصد سینه خود خوانان می گشت.
دیگر معلوم است که از این حوادث نوله و امور شوشه چقدر تکدر و تحیر و اضطراب
حاصل. اگر اجرای و صیای مقدسه و ترویج مصالح محفل روحانیه امر الله
از نشود و نما در تنفاع و تقدّم باز دارد دیگر چه وسیله و چاره ای از برای این

بچارگان باقی . اگر در اولین قدم و همین وقت حاصل جلوه و ظهور نوایای
 مقدسه و گیرچه وقت ممکن . اگر پیروان این امر مقدس که نجات دهنده
 عالمیان است داد و عا و مقصدش احیای جهانیان بمنارعه گرفتار و شتولند و از
 الفت و صفا محروم چگونه وحدت عالم انسانی را در قطب آفاق بر تفع نشان
 اگر باینان ضعیف و علیل و سقیمند و خود از دریاق عظم بی بهره و نصیب
 چگونه توانند عمل و اسقام زمنه و امراض استولیه بر افراد و ملل اشغای حقیقی دهند
 ایوم اساس عظم و میزان اکل و اتم و فارق بین حق و باطل اخلاق است
 نه اقوال . هر خبری که دارای آن باشد مؤید است و من لدی الحق و هر
 طائفه ای از آن محروم باطل است و از فضل و تأیید الهی ممنوع . نام و
 نشان ، دیل و برهان اگر مؤید و توأم بحسن روش و سلوک و اخلاق طیبیه
 مرضیه نباشد در این عصر مذموم و مطرود جهان و جهانیان است و حسن
 اخلاق ، کمالات و مظاهرش ، حسن سلوک و رفتار و یگانگی و الفت و اتحاد
 و اتفاق و حسن معاملات در خبریات و کلیات و تعاون و تعاوضه و تسمی
 صمیمی و محبت و خلوص نیت و صفای قلب و طهارت نفس و صداقت
 و امانت مابین المستیازیان است چه که این صفات ممد و مده که اهل

عالم از آن غافل و مجربند اولین و آخرین پس متفحص و برهان کافی لایع این
 آئین الهی است. محکم تجربه است و یگانه تمیز بهائیان از سایر طوائف اعم
 مقصد اصلی عموم انبیاء و رسل است و یگانه مقصود و مطلوب و غنای آنها آمال
 و آرزوی حضرت اعلی و جمال ابھی و حضرت عبدالبهائست. چه که مقصود
 از شهادت حضرت اعلی و نفی و زندانی و اسارت جمال ابھی و سنگ دم
 شهدا و متاعب و بلا یای و اتحصای حضرت عبدالبهائست و تائیس سلطنتی جدید
 و نام و شهرتی تازه و ترویج طریقت و مذہبی مخصوص نبوده بلکه مقصود حصول
 اقدم آمال پیشینیان است یعنی اخوت نوع بشر. اگر اخوت حقیقی
 باخسینا و اجملاء و اکملها در بین احبا تحقق نیابد تائیس وحدت عالم انسانی
 چگونه ممکن؟ اگر اختلاف در بین یاران که هر یک حامل پیام نبیاند زایل
 نگردد امیدی دیگر نه و تبلیغ را دیگر اثر و فائده ای و لزومی نبوده و نخواهد بود.
 دیگر یاران خود دانند و آنچه صلاح و خیر این امر است خود پردازند. آنچه بنظر قاصر
 این عبد میرسد همان است که کراراً و مراراً بایاران ابلاغ نمودم که اگر صیانت
 و تقدم سریع امراته را خوانیم باید بهر نحوی ممکن ادنی شائبه اختلاف و
 برودت و اغترار از میان خود محو سازیم و با قلبی صاف و پاک و طیب

و طاهر در کمال روح و رحمان و یگانگی نعمات تقدیس و تنزیه و خلوص محبت
 الهیه را بشام آلوده اهل عالم رسانیم . ادنی گفتگونی در جمع احباب سلب
 تأیید نماید و روح مجرد منش امر الله را از پیکل آن حبس مریض چون برق اخراج
 نماید و مجبورات و مساعی مبذوله را با تمامها بیاورد و اسباب تقصیر و انحرافات
 و تجسّسی و ضحکال آنا فانا از یاد بیاورد و از جمیع جهات اعاطه نماید .

مقصود از تاکیدات متتابعه شدید در تقویت و نصرت محافل روحانیه آن بود
 که اساس امر الله روز بروز وسیعتر و محکمتر گردد و در نظام الهی خللی وارد نشود
 و در ابطی متین و جدید بین شرق و غرب ایجاد گردد و وحدت بهائی محفوظ
 ماند و در انظار اهل عالم جلوه ای بدیع کند تا بر اساس این محافل بنیان
 بیوت عدل الهی استوار گردد و بر این بیوت عدل خصوصی تصریف بیت
 عدل عمومی در نهایت نظام و ترتیب و کمال و جلال من دون تعویق و تاخیر
 مرتفع شود و چون بیت عدل عمومی از حیز آمال تجزیه شود و عمل قدم نهادنش
 در قلل کفاف و اقامیم مرتفع و شته گردد آنوقت این بیوت مجلّه که بر اساس
 متین و زرین تمام ملت بهائی در شرق و غرب مستند و مؤسس است و از
 الهامات الهیه مستمد و مستفیض بوضع و اجرای مشروعاتی متعنه و اقدامات

کلیه تأسیساتی با بهره پردازد و باین واسطه امر به صیتش جهانگیر و نورش
عالم انسه در شود . ولی هزار افسوس که در اس اساس این محافل روحانی
که از تمهیدات اولیه در اجرای این مقاصد ضعیفه محسوب فتور و خلل حاصل
چه که اساس این محافل بدو ستون قائم و برپا و پشرفت و تقدش بدو
مشروط و متوقف . اول : اعتماد کامل و ثقه تام و اطاعت و انقیاد
و تأیید و تقویت یاران نسبت با عضای محفل روحانی خویش . و ثانی :
و فیضه اعضای هر محفلی در ملاحظه و اجرای مصالح عمومی امریه نه نظر بآرب
و مقاصد شخصی نفوس . هزار افسوس که در اکثر نقاط نه آن ثقه و اعتماد
و اطاعت و انقیاد و معاضدت و تأیید در خارج محفل موجود و نه این صفت
از مصالح و مقاصد شخصی از طرف عضای محفل ظاهر و مشهود . تا این دو
شرط یعنی خلوص نیت و حکم بر نفس و شهوات آن عموماً کاملاً دائماً در جامعه
بهائی تأسیس و استقرار نیابد اتحاد و اتفاق در هیچ نقطه ای و در هیچ امر
غیر ممکن و تا اتحاد و اتفاق و اتحاد کامل در بین اجابجا نبوده و محکم و ثابت
نگردد امر عزیز آئی در حالت توقف باقی و از فتح و ظفر ممنوع و محروم .
اگر در این تمهیدات اولیه اساسیه خرابیه غفلت حاصل گردد و اینگونه

مشکلات و موانع بیان آید در تأسیسات کلیه مشروعات عمده عمومی
 مستقبل چه خواهد شد و بنیان بیت عدل عمومی که حلال تمام مشکلات و
 مربع کل امور و واقع کل قوانین است چه وقت مرتفع خواهد گشت و توانا
 مقدسه حضرت عبدالبهائی موقوف و معطل خواهند ماند. اگر در این سبیل
 با وجود تصریحات و نصوص قاطعه آئیه اجمال نایم و در این اجمال مداومت
 کنیم فواحش را علیه ساعی فقر ظانی جنب الله. حق علیم مقتدر قهار شاهد
 و گواه است که این عباد از تعدد و تراکم صعوبات و مشکلات و کثرت زحمات
 و حصول موانع خارج شکایت ننماید و طلال نیارد چه که یقین مبین میداند که از
 این قبیل مشکلات هر قدر بر سبیل امر وارد گردد با مال ضرری از آن حاصل
 و علت ترخیص و توهم نگرند بلکه سبب شود که عاقبت اسرار حکمتی باقی
 احدیه مشهود و ظاهر گردد و مبادی سامیه آئیه معروف و مشتهر گردد.
 ولی چگونه توان گفت که عدم الفت و تعاون و تفاهم که در بین یاران
 اخیراً از دیاد یا قسه از لوازم ضروری و حکمتی آئیه محبوب. نه خیر و نه فایده
 بر آن مترتب بلکه شرم محض و جالب و بال و خسران است. این است
 که در حال معنوی این عبید تغییر و ارتقا حاصل و در قیام بواجبات و وظائف

مقدّمه خویش فتور و قصور واقع . و چون باین اوضاع حالیه پرداختن
 بهتمام امور غیر ممکن لذا ناچار گوشه عزلت را اختیار نمودم و در کمال تأسف
 و تیرانی حس تعلقات را بریده دیده گریان را بارگاه جلالش متوجه ساخته
 فرج الهی را الیلا و نهضاراً از برای خود و یاران طالبم تا انشاء بندگان
 انعامات قلوب صافیّه اجاء الله بر این قلب مغرر منطبق گردد و روح
 قدسیه الفت و وداد این روح پرمرده را بوجد و طرب و اشتهار آرد
 تا خرسند و شادمان و مطمئن و کامران قصد آن آشیان نمایم و رشته کینه
 بدست گرفته با قلبی پر نشاء و نشاط و محبت و انبساط بجاونت و مساعدت
 نفوس زکیّه خالصه طیبه طاهره ای تحقیق و عود الهیه و نوایای مقدّمه حضرت
 عبدالهبا، پردازم . تا چنین نگردد و نغمه خوش الفت و وداد و اتفاق و اتحاد
 نوزد و بشام این شتاق همچو نظر نرمد امید نبوده و نیست . دیگر بیش از
 این گفتن مرادستور نیست وانی آفوض امری و امرکم الی الله و الله خیر المظن
 بنده استانش شوقی

۳۶- بواسطه اعضای تحریر محفل مقدس روحانی مرکزی ایران احبای الهی

و اما، الرحمن در تسلیم مقدس ایران ملاحظه نمایند

یا مظاهر النبوت و جواهر الوفاء و قایمی ناگوار این خسته دل مستذرات

مدیدی در گوشه عزالت بنیادخت و در نیران اسف و حرمان بسوزانید .

ربّ حلیم و جمال قدیم شاهد و گواه است که از مجاری امور در این شهر اخیر

بچه حدی طول و تسبیح و تاسفم . افسوس حسینی که شدت فشار این بنده

شرمسار را از میدان عمل بزاونیه سکوت و خاموشی منتقل نموده و مدتی از وظایف

مترکمه بر نه مقدسه خویش بکلی بازداشت . از طرفی در شرق عالم دشمنان

که بر کین و کینسند فرصت را غنیمت شمرده دفعه و اعده هجومی قطع بر جنود

ثابته ملکوت نموده لطماتی شدید و تعدیاتی جدید بر آن ستمیدگان داده و

وارد آورده و آن سباع ضاریه از شدت رعب و خوف از هلاکت غره کنان

طیور شکور را از لانه و آشیانه خود دور نموده بال و پر شکسته و بسیر و مان خسته

و آن ذآب کاسره خود سرانه غزالان الهی در چنگال تعدی و جفا گرفته

دم مظهر و شهید مظلوم را یکی در نیرود دیگری را در ارض خا بادیه عشق و فاجعه

و بنده شهادت کبری برسانند . و از طرفی دیگر در بلاد مستعده غرب

در عاصمه مجتلی ترین ممالک عالم اسبابی خارق العاده و وسائلی کامله از
 برای ارتفاع صیبت اسم اعظم قیام و فراهم گردید. انجمنی تشکیل یافت و اعضا
 محترمه آن که هر یک از شاهپیر رجال دانشمندان عالم و ارکان علم و دیند بصیرت
 طبع و در کمال دوستی و احترام نمایندگان این امر بسین داد دعوت با شتراک در آن
 انجمن بنموده طلب کشف حجت و برهان کردند. هزار افسوس که مقارن رمضان
 بمجموعه قایم موله مانده جاگذاری و همچو اقدامات غیر مستطره همه ای این عبد
 سراپا تقصیر روح آزرده و دست بسته و قلم شکسته در حالی بود که چاره ای جز
 سکوت و دوری نداشت و مغرتی جز صبر و تشکیبائی نخت. حال که بدقت
 آنی روزنه امیدی بر این قلب مجروح منقوح نموده و بحساب تیره خزن عالم را
 اندکی تسلاشی کرد و این عبد را دوباره بسوی این بقاع منوره بکشید گذشته
 در وادی نسیان مدفون ساخت خطابی انس و حلی از آنچه مولای اهل با
 از افاق ابھی تبلا نده خویش در ملک ادنی خطاب می فرماید ندانم و نخواهم
 این ندانم مردم بگوش بگوش یاران و فادارش متوصل که ای صبیبان
 من از افاق ابھی سیم هر دم ناظر و شاهد کم که در این سنوات اخیر بر آن
 فدایان و شیدایان چه وارد گشته. در آتش فرقت و حرمانم بنوختید

و با خستید و از جغای مدعیان متحتم مایوس و هراسان گشتید. زهر بر لبای
 نوشیدید و چون کوه آهنین مقاومت بر طوفانی نمودید. عواصف آسمان
 بلایای ناگهان و بمن خلی در غم و شبستان وارد دنیا در دو انقلابات و
 صدمات داخله و زاریای متتابعه شعله امید را در قلوب صافیان خاموش
 نمود. شبهات و دسائس عدو لدودم ادنی تردد و توقیفی در حال آن نغوس
 زکیه تولید نکرد و مساعی مخفیانه آن خود پسند سیوا اسباب شبهه و ارباب
 و ترزل و اضطراب نمودید. ملائکه مقربین در فردوس برین زبان بوصف
 و شایان گویند که هزار آفرین بر شما چه که در بسوخته با حصن کعبه را محافظه نمود
 و از میراث مرغوب لا عدل به قسمتی بیروال برداشتید. اسماستان در لوح
 محفوظ الهی ثبت است و انوارتان از افق عزت ابدیه الی الابد جهان فروز
 آنچه واقع گشت چه از تعدی اعدا و جغای او و ابرود را اخبار نمودم و شمارا
 از برای همچو یوم مرعب مدیسی بر انجیم پس تا سف محوید و دل شکسته مرید
 بلکه در این صراط که اعدا رسیف و ادق از شعراست مداومت کنید زیرا
 اندازات قلم اعلی عنقریب کمال تحقیق یابد و بشارات طلوع صبح هدی رخ
 بگشاید. قد اقرب الساعة ضوف ترون تملوا ابھی جوهره دین الله علی کل

میشاق الله حسنه ترون المزلزلین فی خسران بسین .

حال ای برادران و خواهران روحانی باید نظر بوقب امور نمود و از عوارض
و شئون فانیه عالم امکان بزار شد . باید از این بعد بغرضی شدید و روحی جدید
کل متحداً چون نفس واحد حکمت و فرزائی آنچه را از این سبیل رنج و بلا بایست ماند
بفرح و نشاط طی نامسیم تا انشاء الله در این چند روز زندگانی خوشی سفینه
امر الله از طغیان طوفان بر بد و باطل نجات و امان رسد و اگر چنانچه اراد
مطلعه بر این تعلق گرفت و مقصود آمال بزودی چهره نکشاد شیوه عشق و وفا
که از رب عزیزمان هشتاد سال تعلیم گرفته ایم باز ماندگان خوش بسیاریم
در رویه حسن استقامت و ثبات را در قلوب و راث ملکوت از ابناء و بنات
خوش تائیس و مستحکم نائیم تا این امانت آسمانی و پیام نیردانی بمرد و ایام از
هر آلودگی و دهرین و آیتی مصون مانده در اعصار و ادوار آتیه بیکل عالم
امر را روحی سیحانی دهد و نوع بشر را از حسیض ذلت و خسران باوج سما
رساند . هر چند آنچه از قلم اعلی نازل گشته محموم است و واقع و حکم بدا
از آن مرفوع ولی بقدر قوه و امکان این عبد آستان در تدبیر باب
فساد و نفاق فتنه و افتراء منع اذیت و آزار و احقاق حق مظلومین

و تحصیل اسباب سرور و آسایش و مهیت آن یاران محترم حضرت عبداله
 بدل جان سعی اقدام نماید و تصور نکند ولی آنچه در مقام اول دفع هجوم
 و کافل و ضامن سعادت یاران است بهمانا تعلیب قلوب و غلبه و تذکر
 و لایه امور و حکام ارض است و آن خبر تعلیب القلوب در رتبه اولیه احد
 دیگر چاره نتواند . از درگاه کیتا نبات و بنده عالمیان از اعماق قلب
 مسألت نمایم که آنچه را وعده فرموده چون شمس در وسط سما ظاهر و
 اشکار سازد و لابد در این محکم مستور و مکنون است برور آیام مشکوف و واضح
 گردد . آنچه کل مکلف برانیم حسن سلوک و تحمل شدائد و کروب و حفظ و استقام
 اساس وحدت جمع اهل کعبه و توطید ارکان اتحاد و اتفاق و جناب
 از نا قضین میثاق و عدم مداخله در امور سیاسیه و مناصات طوائف
 و احزاب و مداومت در توسعه و تقویت اساس محکم متین بوی عدل الهی
 و استخدام هر یک از این محافل روحانیّه از برای اجرای مواعظ و نصائح
 الیه از قبیل تعمیم معارف و تحقیق عقول و تحسین اخلاق و رفع تعصبات
 و ارتقاء مراتب سناء در سمیت اجتماعیه و تزیید تفاهیم و آشتی در بین طبقات
 نفوس و تحصیل محن و آلام زندگانی و ترویج منافع عمومیّه و تشیید ارکان

صلی مؤبد و عمومی در بین تمام دول و مل و طوائف و اجناس مذاهب
 عالم . باید این محافل روحانی که حال اساش گذشته شده مجتمعاً و
 و متدرجاً خدمت باین مقاصد عالیہ نمایند تا از سائر تأسیسات و مجتمعات
 متعدده مترایده عالم بفصل ممتاز گردند و چون مصابیح هدایت کبری جهان
 آفرینش را مرآت ملایا علی نمایند . اینست مآرب اهل محب .
 این است فرائض اهل وفا . میدان وسیع است و وسائل فراهم و مہیا
 و نضر من قام علی نصرة امری بجنود من الملایا الاعلی

ہنیا للعالمین . ۲۴ سپتمبر ۱۹۲۴

بندہ استانش شوقی

۳۸- - بافتخار اعضای محترمه بجنه نشر نغمات طهران

برادران روحانی و فاضلات یاران ستمیده ایران این

دل شکسته محزون را باین شطر رحمن بکشاند و هم عالیه اعضا

آن بجنه محترمه هموم را بسر و مو فور مبدل نمود. و طائفه محفل شو

و بجنه های آن در این ایام در نهایت درجه اهمیت .

امید دارم که اساس ایومانیو ما محکم تر سازید و دایره خدمات را

اتساع دهید. از دعا شمارا فراموش ننایم مطمئن باشید

بندۀ استانش شوقی

بواسطه منشی محفل روحانی طهران

جناب آقا میرزا علی کسبه روحانی ایده الله
 طهران اعضای محترمه محفل مقدس روحانی آید هم الله و حفظهم
 یا من الله و اصفیائه روحی و راحتی کلم الفداء نامه محفل روحانی تبارخ
 ۷ اکتبر ۱۹۲۴ واصل حکایت از بهمت و ثبات و اتحاد و یگانگی و عشق
 و وفای آن حافظان و عارسان حصن شریعه الله در این ایام منظمه سینمود
 سرور و نور بخشید و علت اطمینان و انتقاش این خسته دل مشتاق گشت
 آنچه رایاران ستمیده ایران عموماً و اعضای محفل طهران خصوصاً در این شهر
 اخیر و ایام عسیره تحمل گشته اند و اجرا نموده اند کل در نهایت سطوع و وضوح
 در ساحت کبریا معلوم و مشهود و این عبد محروم بر هر یک از آن شابد و آگاه
 فی الحقیقه افراد و محافل بهب آیان در تمام ایران در مقابل این بیات
 متواتره و آفات و محن تکاثره و منازعات داخله و تهدیدات شدید و
 مغفیات و دسائس خفیه و اضطرابات مانده چون بنیان مرصوص متعاد
 عواصف کون و امواج امتحان را نمودند و چون ذهاب ابریز در آتش
 افستان چنان رخی برافروختند که بر توان قلوب اهل غرب را از برآ

و خواهران روحانی خویش مشغول و مستبشر و نورانی نمود و آنان را نجات
 کلیه در آن ممالک شاعیه آزاد در این ایام موفق گرد و این عبد را پانصد
 بلوی جانان بخشید و انتعاشی جدید و امیدی شدید در این قلب حزین
 بدید و حال نیز این فتنه مظلومه بقوتی ملکوتی و غمی آسمانی و امیدی الهی
 و بشارتی سبحانی در این معرکه حیات حاضر و مترصد هر گونه آشوب و بجائی
 هستند و از مشقات متوالیه و موانع مزایده است و هر انسان و طول نگردد
 یقین بسین دانند که هر قدر افاق عالم تاخیر گردد و زلزل عالم کون بشیر شود
 و برج و مرج اتساع یابد طلوع خورشید موعود قریب تر گردد و اسباب تجلی
 و سطوع انوارش تهر فراهم آید . بچه بشارت سامیه جان پروری لابد
 اینگونه مقدمات و تمهیدات مدیسه مرعبه ای خواهد داشت چه که تحقق و عود
 حتمی الهیه بر جنبه و تذکر تمام هیئت اجتماعیه بشر موقوف و این تذکر و جنبه
 عمومی جزو فوریهات و تعدد اضطرابات و مزایده مشکلات حاصل گردد این است
 که اهل کعبه از جام طمیسنان مرز و قند و بروج امید زنده و مشغول
 بیدار و متوجهند و ثابت و هوشیار . بدل و جان ساعی و جاهد تا ننگ از
 که از فشاریهات اسس امر الله و جوهر تعالیم الله بتدریج از دست رود و

تعمیم و از دیاد و ذائل و سیئات مبادی اصلیه این خوش متروک و تارک شود
و از تطاول بد اعدا و دسائس شرار ادنی ضللی در شریعت مقدسه راه یابد و افکار
موشه حائیه علت خبرنی انحرافی از آن صراط مستقیم الهی گردد .

اقیم مقدس ایران در این اوان منقلب افکار عموم در میان مروجین تعالید
خائف و هراسان ارکان نوستات عقیده ترغیر و افراد ملت بعضی در
بین نقطه و نام و اکثری مبهوت و آزرده سرگردان . در ایران حال و قیام
اخیره انظار اعم را از بعید و قریب بنحوی عجیب متوجه بایران و ایرانیان ساخته
وقت عمل و قیام است و زمان رجاء و تحصیل آمال باید آن مهلت محله که اعضا
محض مرکزی آن قلمیند جمعا و بتأیید و تعاون افراد بهائیان در تمام ایالات
و ولایات روش و سلوکی اتحاد نمایند که اسباب صیانت و تعزیز و تقدم امر
گردد .

امر مشورت در این آیام بر انقلاب الزام ضروریه محسوب و در امور عمده عمومی
استشاره از اراض مقصود محبوب و مطلوب .

از طرفی کل معاشرت با روح و ریحان با آشنایان از کل فرق و ملل
و نخل و ادیان ما موریم و از طرفی دیگر از معاشرت و مخالطه با شرار کجی خمویع

اعضای محفل و افراد احزاب در این ایام تنگی و ابتلا باید در اجرای این امور سیاست
 قبلأ و کاملاً و دائماً اقدام نمایند :

اولاً عدم تمایل چه فعلی و چه قولی با خراب سیاست و عدم اتفاق و مخالفت
 با پیروان آشوب طلبان و تمسکین با بخار شوشه و صور موهومۀ خارجه .

اهل مذهب چه در ایران و چه در خارج آن موطن جمال آندس اجمعی را پرستش
 نمایند و در احیاء و تغزیر و ترقی و ترویج مصالح حقیقیۀ این سرزمین منافع و حجت
 بلکه جان و مال خویش را فدا و ایثار کنند ولی بواسطی فعالیت فعاله و وسائلی الهیه
 تشبثند . در تحسین اخلاق و تعقیب قلوب افراد و اصلاح ملت سعی و جاهدند

نه در تأسیس و وضع قوانین و سنن و شروعات مادیۀ حدیثه . از تعلید بزراند
 و با سماء و رسوم جدیدۀ تعقیدی ندارند و از احزاب و فرق مغروره متخاصمه

چه از حزب اشتراک و انقلاب و چه از نظامیان و سلطنت جویان و جمهوریا
 طلبان و تعلید پرستان متحاید و در کنار . ادنی مخالفتی با ایسچیک ندارند

و ضدیت و مقاومت نمایند بلکه خود را مرآت و صحن امری روحانی دانند که
 بالمال فائق و شامل بر بقاصد اصلیه کل است نه معارض آن .

بر حکومتی را طوعاً اطاعت نمایند و هیچ وجه مترض نشوند و مقاومت نکنند

صادق و امین و مطیع و خیرخواه باشند. احبایب با موری مشغول گردند
و متعهد وظائفی شوند که ثمراتش بمجموع ملت راجع گردد نه آنکه فقط بایه انتفاع
بعضی از رؤسا و اشخاصی محدود باشد.

ثانیاً یاران و اعضای محافل باید با اعمال و رفتار و سلوک در کل احوال و در
تمام شئون و در جمیع معاملات فریت و حقیقت و قوت و ستمو این آئین
مقدس را بآبنا، وطن خویش نماینده آنکه اکتفا به تبلیغ و بیان و تفسیر و تشریح
کنند. حضرت عبداللہا، حسین حقیقی شریعت حضرت بہاء اللہ می فرماید :

« بہائیان باید نظر باین امر دقیق نمایند کہ مانند سایر ادیان بعربہ و ہابی
و ہونی و لفظی معنی کفایت نمایند بلکہ بمجمیع شئون از خصال و فضائل و اعمال
و روش و رفتار نفوس ربانی قیام کنند و ثابت نمایند کہ بہائی حقیقی
ہستند نہ لفظ بمعنی و بہائی این است کہ شب و روز بکوشند تا در
مراتب وجود ترقی و صعود نمایند و نہایت آرزوی ہر یک این باشد کہ
نوعی روش و حرکت نمایند کہ جمیع شہر از آن مستفیض و منور گردند و نقطہ
نظر گاہش ہمسوارہ خلق و خوی حق باشد و روش و رفتارش سبب
ترقیات نامتناہیہ گردد. چون باین مواہب موفق شود میتوان گفت

که بهائی است و الا در این دور مبارک که فخر اعصار و قدرون است ایمان عبارت از اقرار بوحثانیت الهیه نه بلکه قیام بحجج شئون و کمالات ایمان است. «
 ما حفظ فرمائید که این بیان چقدر رشید و تین و کل الامور دلی تا بهبسیان باین طراز کاینی و عتیق ترین بگردند چشم عالم چنانچه باید و شاید متوجه بآنان نشود و نام بهبهاء الله جهان افسرد و زنگردد .
 یاران برگزیده ایران باید نظریه پستی محیط خود و دتوا اخلاق و سوء رفتار نفوس در حول خود ننمایند و راضی بامتیاز و تفوق نسبی نگردند بلکه باید بنظر را باوج مرتفع نمایند و نقطه نظرگاه را تعالیم و نصائح قلم اعلی قرار دهند .
 آنوقت معلوم شود که هنوز از برای کمال در وادی سلوک مراحل عیدیه باقی مانده و طی مسافتات نکرده بمرئزل مقصود که تخلق باخلاق و شمیم الهیه است هنوز دارند گشته ایم پس مآله سالکان بسیل نجاییم باید تمام قوی بگوئیم تا در مجالسات و مکالمات و معاملات و مشاغل و مقاصد مان با تمام طبقات نفوس در امور خیرائی و کلی در هر دقیقه و آنی آن روح مودعه در تعالیم حضرت بهاء الله را بفعل اظهار و اعلان و اثبات کنیم و چنان جلوه نماییم که بر کل ثابت گردد که خرقه جامع روح حضرت بهاء الله

هیچ امری دیگر تعلیب نیست نماید و خلق جدید نکند نیست بجا است
نجات و طفرام آتی .

ثالثاً این محافل روحانیه اولاً محض اجرای این امور تائیس شده
و ثانیاً مقصد آن تهیه تمهیدات کامله متقنه از برای تائیس مبت عدل عمومی
آتی است که چون آن محور مرکزی اصل عباد در نهایت جدال و اتقان
استوار گردد دوره جدیدی رخ بگشاید و نعماد الطاف ساویه از آن منهد
گردد و وعود کلیه حاصله نماید . اعضای این محافل روحانیه باید تمام
امور رجوعه همت شایان بکارند و تحقیقات کامله اجرا نمایند و تعقیب
مسأله ای کنند و تمعن و تدبیر در خربیات هر امری نمایند و از روی دلسوزی
و حکمت بنشأ تا تمام قیام کنند و مشورت حقیقی بپردازند و بدو مبدأ صحت
و صداقت تمسک تمام جویند و بعدالت تمام حکم کنند و در اجرای فوری
قرارهای خویش همت و سعی کامل مبذول دارند تا قابل و لایق اعتماد و
ثقه و اتکال و انقیاد و اطاعت و یابند و مساعدت سایر یاران شوند .

و ایضا این محافل روحانی باید بحجت تمام و بقدر استطاعت خویش و
بحسب اقتضای زمان و مکان بوسائلی تشبث کنند و اقداماتی بعمل آرند

که عمویت آئین بهائی را در انظار اغیار جلوه دهد و ثابت گردد که بهائیان بصیانت و تعزیز و تقدیم بهائیان و ایرانیان که هم‌دین و هم‌وطن خود هستند اکتفا نمایند بلکه محبت و خادم و مروج مصالح عالم انسانی هستند و تا با اعمال و اقدامات با بهره این امر ثابت نشود اعلان و بیان آن اثر کامل نبخشد و مقصود اصلی حاصل گردد. اینست صلاح اهل بهاء، این است جوهر حقیقت تعلیمات حضرت عبداله‌ها، اینست مایه روحانیت و امید داری و اطمینان قلب این عبد بی‌نوا.

این عبد پر تقصیر همواره آن شیفتگان مظلوم را بیاد آرم و از درگاه رب قدیر از اعماق قلب مسألت نمایم و تضرع و مناجات کنم که بقوه و مشیت خوش این موانع شدید را از میان بردارد و اهل ظلم و عدوان را مستنبه سازد و برکت آسمانی در امور مادی و روحانی عنایت کند و با لہامات و تأییدات غیبی آن ستم‌دگان پر شوق و وفار انجمن‌های صلیبه و اقداماتی با بهره‌های سیاه عظیمه نظر کلک‌ه در مستقبل ایام موفق دارد. ان ربنا لعلم قدیر و بالاجابة جدير

۳. اکتبر سنہ ۱۹۲۴ بندہ استانش شوقی

بواسطه اعضای محترمه محفل روحانی مرکزی ایران علیهم السلام

برادران و خواهران روحانی در کشور مقدس ایران

لطفاً ملاحظه فرمایند

ای عزیزان حق روحی لطیف و مستحکم العزاء چندی است از آن موطن عزیز
 حوادثی حیرت انگیز متتابعاً با سمع عاکفان کعبه مقصود رسیده و قلوب و رفا
 مقدسه بلکه ارواح مؤمنین و مؤمنات را در شرق و غرب عالم در آتش آ
 دالم گذاخته . از جهتی تلوات و مقتضیات یاسیه و آشوب و انقلابات
 داخله دشمنان خفته را بیدار نموده و بر شقاوت و جبارت اشرار ظلوم و ج
 افروخته و از جهتی دیگر تنگی و محنت و ضیق معیشت و اختلال امور زندگانی
 دچارندگان الکی گشته برکت و اقبال و آسایش و رخا را برنج و محنت
 مبدل نموده . از طرفی تغییر مشرب و انقلاب افکار اساس دینیت و تقو
 مترغزع ساخته و حزب تقلید و ارباب را ابداد نموده و بر شکل و موافق
 تبلیغ افروخته و از طرفی دیگر فاجعه ناگهان سیل بنیان کن خاندان یار
 مهندم ساخته و جم غفیری از عزیزان نیز را پریشان و سرگردان نموده و در
 ورطه احتیاج و خسران شدید انداخته . ای خسته دلان جان شما

ید تقدیر دست ستمکار را تره آخری بر ستمیدگان بگشاید مسلط فرمود و شیت
حق تقدیر بر این تعلق گرفت که بلیات و آفات گوناگون نیز چون سیل منهد
بر حزب مظلوم مترادفا متواتر انازل گردد. نیران آزمایش است که در این
سین شن شد و تمهیداً الوعدہ الکریم و ترویجاً لمبدئہ القویم خداوند حکیم در آن قلم
برافروخته. دلخون و هراسان گردید اسبابی است مقدر و محتمل که
مسبب الاسباب بار آورده ازلیه و قوه لازمیة خوش رخا کل معاکس حدود
فراهم آورده تا این خوش را در این صین در انجمن عالم جلوه دهد و در مستقبل ایام
در آن کشور مقدس مظفر و مستحکم سازد. بنیاد و مأیوس مشوید. در الواح الهی تفرغ
نمائید « تالله ان الامر عظیم عظیم. بذه کلمه کرنا ما فی اکثر الالواح
لعل تنسب به العباد » و در مقامی دیگر این بیان نازل « ان هذا الامر
عظیم عظیم. زود است که عظمت آن واضح و مبرهن شود. »

این آئین آسمانی را بشوئ عالم امکان معایه نتوان نمود و بقوای مادیة کونیة
شابه و موازنه نتوان کرد. سراپرده اش غلطویت کبری مرتفع و ترویج
و تقدش بوسائل معنویة خفیة و اسباب مدیسه مرغبه غیر متطره مشروط
و منوط. لسان قدم تسلی دهنده عالم می فرماید « انه ما قدر من قلم التقدیر

لاجبائه آما بهو خیر لیم و سنده بان یوفتم علی الصبر و الاصباء لئلا تمنعنا البلاء
 عن صراط الله العزیز العظیم . تحقیر و توہین ہر نمونہ موقفہ ای باب عزت
 ابدیہ را بروجہ عموم نساء ایران بلکہ تمام جہان مضوح سازد . از ضرب شمشیر
 و ابتلا جوانان جدیدہ الاقبال روح بدیعی و نشاط جدیدی در عروق و شریا
 ہیکل امرائے ساری و جاری گردد . آہ مہوفان کہ درین واقعہ جانگذا
 میر و سامان گشتند بسمع روحانیان در بلاد غرب رسد و انعکاسات
 قویہ اش حرارتی جدیدہ در عالم کون احوادث نماید و روابط معنویہ ای ایجاد
 کند و جوہرین آئین آسمانی را در نظر آشنا و بگمانہ مکتوف و نمایان فرماید .
 در این سنین اخیرہ ہر چند بلایای وارده بسرعت و شدت و تنوع و زبایای شہرہ
 در این شہور اخیرہ نبودہ ولی با وجود این از اثر فشار و تالمات روحیہ یاران
 ایران نہضت عجیبی و تقدم سریع از برای امر عزیز الہی در قطعات خمسہ حاصل
 گشتہ . ایران غافل و ذہل . یاران ستمدیدہ اش سیر و مستلا ولی جنود
 حیات حاملان پیام نجات در اقطار شاسعہ آزاد در جولان و نفع
 مدائن قلوب مشغول . قوہ محرکہ دافعہ کہ کافل شجاع این نفوس زکیہ است
 ہمانا حرارت و اشتعال و اثرات اذیت و آزار وارده بر یاران صاف و لا

ایران است. اینست که می فرماید « نار الہی چون در شرق برافروزد
 شعشعہ اش بغرب تابد و تاثیرش در شمال و جنوب ظاہر گردد. »
 ملاحظہ فرمائید کہ بحکم مصداق این بیان اعلیٰ تحقق یافته. در ممالک اروپا
 و زروج کہ در اقصی شمال قارہ اروپا واقع و همچنین در مقاطعہ شمالیہ آلمان
 و در افریقیہ جنوبی کہ اقصی جنوب قارہ افریقیا واقع و در ایالات غربیہ
 ممالک متحدہ امریکا کہ باقصی الغرب معروف است و در شرق اقصی قارہ
 استرالیامیت امرالہی مرتفع و محافل روحانیہ بسرعتی تمیر معقول تاہیں
 تشکیل میگردد. مکاتیب متعددہ از نقاط مختلفہ پی در پی دارد حتی
 اقایلم جدیدہ در ظل لواء امراللہ داخل. در جہاں ہر جنوبیہ قطعہ امریکہ
 یعنی پرو و برازیل یارانی بتسلخ و ترجمہ کتب امریہ و تائیس محافل روحانیہ
 مشغول. در جزائر اقیانوس اعظم در دو جزیرہ کوبا و فیجی نیز نفوس منقطعہ
 بتبشیر دین اللہ مشغول و مالوف. در عاصمہ اطیش جدیدہ آلمان محفل
 آراستہ در نہایت محبت و جدیت و صفات توسعہ دائرہ خویش مشغول
 و بہ ممالک مجاورہ مجرستان و پولند و رومانیہ نظر را متوجہ ساختہ.
 تا بحال محدودی اشغفہ تعالیم الہی گشتہ و بہ نشر و توزیع آثار امریہ قائم

و نیز از دانشمندان عالم که در نطق و فصاحت شاز با لبها نند و در علم و نفوذ و کمال
مشهور و معروف پرده او نام را در دیده بیا ران آلی منغم گشته اند و در مالک
و دیار امریک بسیار و بقوه بیان تسخیر مدائن قلوب مشغول .

بذکر کیفیت تائیس و ترویج امر آلی در قاره استراليا اخیرا اکتفا میرود
تا معلوم شود که نیزان با ساء و ضراء که در ایران شغل است چه تاثیر
در اقصی بلاد عالم نموده : چهار سال قبل دو نفس زکویه بر دو نحیف و علیل
المرانج با بضاعتی مزاجه بی آشناسفارشی و تهیه مقدمه ای تنها از
وطن خویش امریک به غربت باقصی اشرق شتافتند و تعلیمی فارغ و صدرا
واسع و مهمتی حیرت انگیز در قاره شاعه استراليا چنان سمند توکل را
در جولاگاه خدمت باختند و محافل خود انیه در نفس آن اقلیم و جزائر مجاوره
نیوزیلند و سمایا بمناات و مرغی تائیس سره مودند که حال عده نفوس
مطمنه که در این مدت چهار سال بنور ایمان فانور گشته اند بجائی رسیده که
چند روز قبل نامه خصوصی نگاشته اند و دستور العلی مخصوص از برای تکمیل
اولین محفل مرکزی قاره استراليا طلبیده اند و مستی از این نفوس ستوده
نومنه بجزم زیارت ارض مقصود مسافرت نموده و در هفت آتیه حسین را

بر عتبه مقدسه خواهند نهاد و عظم آمال و مقاصد فائز خواهند شد .
 علمای سود گمان نمایند که بزجر و عقوبت و پستی و دنائت و ظلم و ندامت
 روح آزاد این امر مستحور و مغلوب گردد و این جلوه ملکوتی بغبار عدوان
 و طوفان طغیان تاریک شود ولی غافلند که این جور و ستم دول و اعمام بیدار
 نماید و بر انجبت و سطوح تیرا فاق بفرزاید و شوکت و صولت و سطوت
 خویش عاقبت از بنیاد براندازد و مضمحل سازد « میریدون ان بطیفوا نورا
 با فوا هم و یا بی الله الا ان تیم نوره و لو کره الکافرون » در حق این نفوس
 است که میفرماید : « سوف یاتی یوم یضیون انما ظلم بین انیامهم و یکلون
 علی انفسهم سوف یأخذهم زبانیة القهر من لدن عزیز مقتدر قیوم . »
 اگر در موطن اصلی موقتاً آئین یزدانی را فتور و خموتی حاصل و آهنگ ملکوت را
 ضوضاء مغلیس مانع ولی در اقالیم بعیده در اواسط اقیانوس پسیفیک
 و در جزائر مجاوره و لوله اش مرتفع و نورش لایح و علم قصر مشیدش قتموج
 و باهره این است که از قلم اعلی این بیان آتم اعلی نازل :
 « لویسترون النور فی البرانه یظهر من قطب البحر و یقول انی محیی العالمین »
 حال ملاحظه فرمائید که این اقدامات جلیله و این فتوحات اخیره در آن

ممالک وسیعہ وقتی واقع کہ یاران پر چندہ نمود و خطر واقع تا حدی در محد
امن و امان آرمیده بودند حال کہ دوبارہ شدہ شر بار بارہ قطب آن قلم در تفسخ
اثرش در ممالک غرب چہ خواهد بود .

بمجرد وصول اخبار این وقایع جانگاہ از غرافیا و کتبای جمیع محافل غرب
منفصلاً مخابرہ گردید تا بر مجاری امور و اوضاع حالیه مطلع گردند و بر محافل
و موانع و احتیاجات یاران عزیز ایران کاملاً مستحضر شوند و حاضر و ہیا گردند
کہ اگر چنانچہ این آتش خاموش نگردد و بسالی فعالہ متمسک شوند و با ویای امور
در ایران مراجعہ نمایند چہ کہ بعض صریح از شکایت و نظم ممنوعیم و بصدقت
و خیر خواہی و اطاعت و امانت مامور . واضحا می فرسہ ماید :

« لیس لأعدان بعرض علی الذین یملکون علی العباد دعوا لهم ما عندہم
و توجہوا الی العلوب » الحمد للہ بمجرد وصول اخبار فاجعہ موطنہ
نیز برادران و خواہران غمخوار در بلاد غرب علی الخصوص ایالات متحدہ
امریک ہمتی شایان دریل اعانہ محتاجین مبذول نمودند و اعانات کلیہ
پی در پی تغرافیا ارسال نمودہ و مینمایند . فی الحقیقہ وحدت و یگانگی
جمع اہل مہب و حقیقت روابط معنویہ کہ شرق و غرب عالم بہائی را

بکشد مگر چون اعضاء و جوارح یک تن مرتبط نموده . بعمل ثابت نمودند خاور
و باختر مانند دود لبر در آغوش و سین و غنوار و مساعد یکدیگر گشتند و این نسبت
مگر از قوه قاهره محیطه امر الهی در این فتن نورانی . حال علی العجله
دوستان غرب معاشرت و تخفیف مصائب وارده بر یاران ایران قیام
نموده اند . عنقریب بدلول این آیه مبارکه روح افزا خدماتی کفیه بشود
ایران و مصالح ایرانیان خواهند کرد . می شنوید :

« عنقریب برادران اتان از اروپا و امریکای ایران خواهند آمد و تسلی
صنایع بدیعه و بنا و آثار مدنیّت و انواع کارخانه ها و ترویج تجارت و تکثیر
فلاحات و تعمیم معارف خواهند نمود ... خواهند آمد و خطه ایران را بشک
جهان و غبطه اقالیم سائر خواهند نمود » حال علائم و مقدمات
اولیه این دعوای صریحه در نقاط مختلفه ایران اندکی ظاهر و نمایان گشته
بتدریج آنچه از قلم خفی مسطور گشته در نهایت جلوه و وضوح از افق آن خطه
منقلب اشراق نماید .

ای برادران و خواهران روحانی هر چند الیوم افق آن کشور تاریک
است و مصائب و متاعب متنوعه مترادف و مستتابع . ارکان

کشور مزلزل است و افکار در نهایت بیجان . ابرار بی امن و امانند
و اغیار در نهایت بغض و عدوان . ولی این تنگی و پریشانی و ذلت
و نادانی باقی نماند و این جور و اسارت و انقلاب و وحشت دوامی نگیرد
« سوف ینظر الله من هذا الالفی نوراً و قدرۃ و کعباً تطلم الشمس
و تحو آثار من شکبر علی الله و تستضی وجه المخلصین »

چشم انتظار را متوجه بشارت قلم اعلی فرمائید و دیده امید را بوعود مشعشعه
کتاب اقدس و الواح سائره روشن و منور سازید . چه خطابی اعلی
و چه بیان و وعده ای اکمل و انسب و اعلی از این آیات محکمات
که از مخزن قلم ابجدی نازل . قوله تعالی :

« یا ارض الطاء لا تحزنی من شیء قد جعلک الله مطلع فرح العالین
لویثاء یجمع انعام الله الّتی تفرقت من الذباب . انه لا ینقطع عنک
محطات الالطاف سوف یاخذک الاطمینان بعد الاضطراب »
و از کلک میثاق این بیانات و افیّه جان پرور نازل :

« غمغریب ملاحظه خواهد شد که دولت وطنی جمال مبارک در بیسع بسیط
زمین محترمترین حکومت خواهد گشت و ایران معمورترین بقاع عالم خواهد

شد. ان هذا الفضل عظیم و ان فی ذلك لعلیه لفظه من ..
 این وعود است و بشارات سامیه که از قلم اعلی و ملک علم میسر
 عهد و میثاق نازل شده بدلول این آیه مبارکه حتمی الوقوع است .
 قوله الأعلی : « و آنچه از قلم اعلی جاری بسته ظاهر شده و خواهد شد
 و لایستی من حرف الا و قدیراه المنصفون مستویاً علی عشر النور »
 ولی صبر و تحمل و شجاعت و شهامت لازم . زود است آن اقلیم جبهه انیم
 گردد و مظلومان ایران فخر جهان و معتدای جهانیان گردند .
 و ان هذا الوعد غیر مكدوب

۶ مارچ سنہ ۱۹۲۵ بندہ آستان شوقی

۴۱- بافتخار شرکت نوهالان

طیور مدتی بقاء اطفال ملکوت را از آستان بهسات رقیات مغنیه
استدعا نمایم و اعضای محترمه شرکت نوهالان را موفقیت کامل و
نجاح با هر و برکت آسمانی از درگاه الهی التجا و تمنا کنم . امید شدید از
الطاف رب مجید چنان است که آن شرکت محترمه بوساطی فعاله
دائره خویش را وسعت دهد و بر تقدیم اطفال مغنیه اید و اسباب
ترقی و تحسین اخلاق و سعادت و آسایش را فراهم آورد و حقوق
نوهالان را کاملاً محافظه نماید و مهیت جامعه بهساتی را مفتخر
و سرافراز گرداند . در جمیع شوئن و معاملاتش ممتاز از سایرین شود
و چنان معروف و مشتهر گردد که اسباب عزت امر الله و اقتدار ایران
و ایرانیان شود

بنده آستانش شوقی

اعضای محترمه محفل مقدس روحانی مرکزی ایران آید هم الله و حفظهم

یا امان الله واصفیه روحی شباتکم و دفاکم الفداء

مکاتیب اخیر به تاریخ ۴ و ۱۲ و ۱۹ و ۲۶ مارس و ۲۱ آپریل ۱۹۲۵ میل
و نهایت دقت مطالعه گردید. اعضای منتخبه محفل جدید را تأییدی
شدید از درگاه رب مجید طلیم تا بوظائف مقدسه ترانیده و محکم خویش نهایت
سرور و نشاط و مسانت و اطمینان قیام نمایند. ترویج کلمه الله نمایند
و حصن حصین امر الله را محافظه فرمایند. روابط مستینه ای بین شرق
و غرب جامعه بهسازی ایجاد کنند و حقیقت و نوایای این آئین مقدس
را بوسانلی متقنه قولاً و فعلاً بنماداران و اولیای امر را اظهار و اثبات
نمایند. در ترویج منافع عمومی به قدر وسع و استطاعت بکوشند و در بسیل
ترتیب اطفال از دکور و انات و ترقی عالم نساء، تهتمی شایان مبذول دارند
و از منازعات سیاسی و اخراج مستباضه و مبادی سقیمه و افکار شوم
و مخاصمات داخله و تعصبات جنسیه کلی احتراز نمایند و بتطهیر اخلاق و تزکیه
نفس و ترقی افکار و ازالیه تعصبات بدل و جان بسپه دارند.

این است لوازم ضرورتیه ایران و ایرانیان. این است یکانه نجات

دهنده عالم انسان . امید چنان است اعضای مجلّه محترمه محفل مقدّس
روحانی مرکزی بهسائیان ایران منظمه این کمالات گردند و روح این
مبادی سامیه شوند . این عهد در احیان زیارت از برای عموم یاران
ستمیده ایران عون و صون و هدایت و تأیید الهی را استعدا و
التجانیام تا از مکاره و شرور و آفات زمان مصون و محفوظ مانند .
از رواج کدره فساد و محوم ارباب امتحان شام را منتره و مبراسازند و از
اهل تقلید نجات یابند و از صراط مستقیم آنی منحرف نشوند . بعروّه کوثیا
دیانت در جمیع شئون و احوال متمسک گردند و از دسائس و منقریات بیوفایان
ست عنصر اقصایب تا م نمایند . روح امید و نشاط در هیاهای پرآمده
بدمند و گمشدگان بادی ضلالت را بقوه نافذه کلمه الله شریعه بقا هدایت
نمایند . از آبأس و ضراء متاثر نگردند و از ظلم و جفا طول و هراسان نشوند
این است دعا و تمنای این عبد بسینواد رجوار این بقاع علیا .

راجع بنامه و سوالات مجلّه محترمه ترقی نوان این مورد
بفرموده حضرت عبدالهبا به بیت عدل عظمی راجع . حال عباتا
آنچه را اعضای محترمه محفل مرکزی است در دهند همان محبوب و مقبول

از اقدامات اعضا، محترمه این مجله و طبع و انتشار تقویم مجبانی مسرور
و ممنونم و موفقیت و ادامه آن نعوس زکیه را در خدمت بمصالح نساء
در تمام ایران راجی و تمنی .

۹ می ۱۹۲۵

بند استانش شوقی

بافتخار اعضا، بجهت نشر نفحات طهران

برادران روحانی شایسته نورانی آقا ذکرا الله بارضی تقدسه فائز
و بشارات همت و سعی و ثبات آن بجهت محترمه را بسمع این عبد شتاق
رسانند. پیامهای این عبد را بآن عزیزان ابلاغ خواهم نمود
در حق هر یک دعا نمایم و موفقیت اعضای بجهت نشر نفحات را از درگاه
ملک فخر استدعا نمایم.

امید دارم بنشر آثار الهیه و تعلیم و انتشار بشارات قدسیه و توزیع
اخبار و ادوارق امریه در صفحات ایران خصوصاً و نقاط خارجه عموماً
کامیابی و یقین موفق و نمود گردید. نشر نفحات مسکینه این امر اعظم
نمائید و قلوب و ارواح پر مردگان را از مومنین و مومنات باهنر آرایید
و اموش نشده و نخواهید شد
بنده استانش شوقی

اعضای محترمه و محفل مرکزی ایران اید هم الله

هو الله

یا احب الله واصفیه این عید در این جوار پر انوار از برای هر یک از اعضای محترم محفل مرکزی تسلیم ایران تأییدات متابعه حضرت رحمن استدعایم .
دو نامه اخیر تاریخ ۲۰ آپریل و ۲۰ می واصل و بر بندر جانش اطلاع حاصل . از اقدامات عزیزان حضرت عبدالبهاء اعضای محفل روحانی مشهد سرور و موفور حاصل امید چنان است سائر محافل نورانیه ناستی بان محفل روحانی نمایند و شعله هدایت کبری در آن صفحات مظلمه برافروزند . زاد هم الله تأیید او توفیقاً .

آنچه را با حجابی تبریز راجع باخصائیه مرقوم نموده اید مطابق صواب و موافق حکمت است افشا و پرده در می جانزند . در اظهار عقاید بسیار ملاحظه نمایند مقتضیات زمان و مکان را در این ایام پر زحمت و انقلاب مراعات نمایند . روزی سر طنون معلوم و مشهود شود و اسرار ملکوت علی رؤوس الاشهاد اعلان گردد .
و نقش خواهد رسید .

نامه ای تخاصر ارسال میگردد تمام محافل روحانیه در صفحات ایران نسخه ای مخصوص مستقیماً ارسال دارید . بنده آستانش شوقی . عزیزان ۱۹۲۵

بواسطه محفل مرکزی کشور مقدس ایران

ان شاء الله و ذوات محترمه اعضای محافل مجلّه روحانیّه بهائیان در قائم
طرحاً ملاحظه نمایند

ای سروران خند ملکوت حضرت ربّ الهجود در این کور موعود سپاسی
در عالم ملک بر انگشت و در میادین قلوب در قطعات خمسه نفیحات روحانیّه
نامور ساخت . روح اعظم را در پیکل آن جیش عمرم بدید و باید
غیبه خوش وعده داد . جنود مجنّده را بدست آن برگزیدگان سپرد و تاج
عبودیت عظمی را بر سرق آن نمایندگان بجهاد . شرائط و وظایف
پاسپانان لشکر حیات را در زبر و الواح تعیین و تصریح فرمود و ناشرین الویه
نظر را بصراط مستقیم و منجّ قویم دعوت و دلالت کرد .

حمد مقصود عالمیان را که در این سنوات اخیر پس از افول کوکب پایان
جند جمن در بیسع بلدان بعروۃ الوثقای ایمان تمسک و از صهای اطمینان
مرزوق . هر چند نائره امتحان شعله اش بعنان آسمان واصل و کیستغیث
دوّمه ششاق از شرور اهل هوس و هوی نامون . هر چند حزب ضلال
چه از تر لرزین و دشمنان دیرین و چه از بوی فایان خود پسند و پر کین کلّ

در قلع و قمع امر الله آن نخال نازنین بهت بگاشتند ولی گروه نمین
چون کوه آتشین سیل اراجیف و عواصف شبهات و مغتریات مقاومت
نمودند . هر چند آفات گوناگون تضییقات شدید و تعدیات متابعه
مفسدین و مغیلین بر شکلات و مخاطرات حزب مظلوم میفرود ولی اهل بهار
در محبت و وفای ثابت و استوار کرد و سرموی ارشاد همراه هدایت کبری بخوف
ساخت . بانگ جمال اهی است که از عالم بلا متواصل « یا ملا، تو شایسته
بشری لکم بما یثبتکم علی الحبشاق و جنبتم الشقاق و احقرتم من اهل التفیق
و اشتدتم بالوفاء و المحبة و الولاء فی کل الافاق . اذا فانصرونی
باعدکم و اخلاکم و اقداناکم و مشروعاکم ان انتم من الصادقین »
حال ای نمایندگان محترم و فدائیان اسم اعظم شما که تحفه ابرارید و بر مسند
عبودیت جالس این سئولیت عظمی را تکفیلید و باین شرف اعلی مقام
اسنی متفخر . وقت آن است که این ندای جانفزار را اجابت نمایند و در حل
عشق و وفای اطمینان نموده بجوایگاه خدمت و بهمت و عمل قدم گذارید
مبادی سامیه و عواطف شریفه و آمال قلبیه و استرازات روحانیه را
در این یوم عظیم که فخر آیام است مبدل باجرات متینه و تشببات متعنه

و تائیدات عمومی و مشروعات جمیده نمایند . تحقیق و بیان و قرار و جزا
و بسط و شرح حقائق امریه اکتفا نمایند بلکه بآتش بساط ناظر باشید
و آن اخلاق حمیده و کمالات روحانیه و شیم و کیمیه و حسن سلوک و معاملت و ترک
تعصبات جاهلیه و تثبیت منافع عمومی است . اعلان و نصرت این
آئین بزرگانی باین امور اساسی معلق و منوط و الّا عاقبت خسران است
و پشیمانی و محرومیت است و پریشانی . اهل با حقیقت را پشش
نمایند و از اهل مجاز در اجترار . بروج دافعه قاهره این امر گرانها ناظرند
و از تعالید دنییه و اولیامات عقیقه بزار و در کنار . بیقین بسین دانند که
قوه محرکه این آئین آسمانی آزاد و مطلق ایمنان است نه مقید بقیود عالم
امکان . از عوارض کونیّه متاثر نگردد و تبعیّات شخصیّه و مایل تر بایه محدود
نشود . سبب الاسباب است و از نقّات روح القدس مستمد .
ترقیات عصریه و فنون و کمالات مادیّه و اکتشافات بدیعه کلّ منبعت از
آن قوه قدسیه است . چگونه تصور توان نمود که این قوه معنویّه اسیر
اشخاص محدود و تلونات ارضیه و شئون فانیّه و مآرب شخصیّه گردد
اینست که پروان ثابت قدم جمال اقدس الهی از عوارض عالم ادنی

مول و آزرده نگردند و از لواحق آستان تزلزل نشوند و از سموم ندایا پرورده
نگردند. از دسائس ماریقین و کخن و نگران نشوند و از ارتداد و احتجاب متعین
و شکسته و غمگین نگردند.

ای انبای الهی شرق که محیط انوار است و مطلع الهام. جهد تمدن الهی است
و موطن اصلی جمیع انبیاء و رسل الیوم در دست اخواب اسیر است و در چنگ
اهل تقلید و ریاست است. تضییقات متعدد و شدید است و آزادی و جدان
مفقود. از طرفی عربده و مایهوی علمای سوء که در تعالید منهکند و از طرفی
دیگر صلاهی لاندی که از محمدین و متجددین مرتفع. حزب عین سلطه
بر جهال بگناه گشته و آنان را از مبادی دینیه شتمن ساخته و مانع از تبشیر
و تبلیغ علنی امر الله گشته و حزب شمال افکار جوانان پر استعداد را شوش گشته
و از حرمت و تعلق بدین حقیقی باز داشته و از اساس شریقه الله غافل
و محبوب نموده. موقف یاران علی الخصوص انبای رحمن در این محیط پر
همجان بسیار محتم و بی نهایت صعب و مشکل. مسئولیتشان در عالم ملک
عظیم است ولی اجرشان در ملکوت غیب خیز. طغیان اهل عدوان
شعله امید را در قلوب صافیه شان خاموش نماید و تراکم موانع و دود و رزایا

و عدم تقید نفوس و فقدان وسائل و اسباب مربوطین امر حضرت رب
 الارباب را از ایفای وظائف معلومه و پیشرفت مقاصد عالییه و اجرای
 احکام الهیه ممنوع نسازد. این است شأن و مقام و منزلت و فریت و
 اقتیاز بهایان از سایر ملل و اقوام و آلهت و اقدام و ثبات و جانشین
 رادر محضیت و کامرانی چه بسطوه فضیلتی. وفادار موارد بلا و شهامت
 و متانت در بجهت ثقت و محنت لازمال از خصائص و سمایای این فیه
 مظلومه بوده. حیف است اخلاف بشیم مدهوده اسلاف فرین و مفتخر
 نگردند و در سالکسان یاران ممتحن ستمیده مشی و سلوک نمایند.

و از جمله وظائف اعضای محفل روحانیّه در این ایام اعلان و اثبات
 عمومیت آئین مقدس حضرت بهاء الله است. از عزیزان الهی اختصاص
 بکثوری و یارادی و یا حربی نداشته و ندارد و پیش عمومی است و نقطه
 نظر گاهش نجات و وحدت عالم انسانی. کواکب بخشیش بر جهانیان
 از قریب و بعید و ضعیف و شریف و مقبل و معرض برپا افکنده و بخوان نعمتش
 مل و نخل خاور و با خیر ادعوت فرموده ولی این مدعا را باید بعمل اثبات نمود
 و بقول و اعتراف اکتفا نکرد. امید دارم بتدریج چون اسباب مهیا گردد

مخاض کبک بایان مشروعات عمومی مباشرت نمایند و به تبرقات خیریه و عا
 مجزه چاقیاری و چه از اخبار پر دارند تا آشنایان بیکانه شهادت دهند که اهل کبک از
 تعصبات در کنارند و بمصالح حقیقیه نوع بشر ناظر و متمسک . عالم بیند
 نه خود بین . مفتون حقیقتند و از حمیت جاهلیه فارغ و آزاد .
 و از جملہ فرائض اصحاب شور و قیامت و صیانت امر الله است . باید بود
 متقنه میلک الطف ارق امر الله را از نفس اهل ریب و ضلال و شر آشکار
 و دسائس خائنین و شبهات مغرین و استهزاء جاهلین و غشای عین
 حراست نمایند . وحدت جمع اهل کبک را از اختلاف آراء و سوء تفاهات
 و تحریکات بدخواهان و فتنه جویان محافظه نمایند . از جهتی حفظ وصیانت
 امر الله را در امور جزئی و کلی مراعات تام نمایند و از جهتی دیگر اسباب عنا
 اهل نفعان شوند و بر خصوصت و عداوت آنان نفی نمایند . در مواقع
 مخصوصه چشم از عیوب اهل فتور بپوشند و بالعکس معامله نمایند و راه راجع
 پیش گیرند ولی بیدار و هشیار باشند تا در دام اهل خدعه و تزویر گرفتار نشوند
 و فریب مغرضین نخورند .

و از جملہ فرائض اعضای مخاض روحانیه ترویج امر تبلیغ است

باید جوانان را علم تبلیغ بیا موزند و بر معلومات امریه و علمیه و ادبیه آنان
 بنویزاند. با سبب و بمن خطابه های حضرت عبدالهباء در بلاد غرب آشنا
 نمایند و شرائط تبلیغین که در کتب و صحف مشهور است تذکر سازند.
 نفوس قابله زکیه منقطعه را بنقاط بعیده در ممالک آزاد اعزام نمایند و در ریاست
 و موطبت و محبت و مؤانست با همدین و مقبلین سعی بلیغ مستمرا بکند و
 دارند. این است اسس اساس شریعت الهیه. این است مایه برکت
 سعاده. این است مدار عزت و سعادت ابدیه. طوبی للفائزین.
 و از جمله وظایف مقدسه محافل روحانیه تعلیم معارف. تائیس مدارس
 و ایجاد تسهیلات و لوازم تحصیل از برای عموم بنین و نبات است. هر
 طفلی من دون استثناء باید از صغیر سن علم قرائت و کتابت را کمال تحصیل
 نماید و بحسب میل و رغبت بقدر استعداد و استطاعت خویش در کتب
 علوم عالییه و فنون نافعه و لغات مختلفه و حرف و صنایع موجوده همت
 و سعی موفور مبذول نماید. اعانه و دستگیری اطفال فقرا در کسب این
 کمالات علی الخصوص در تحصیل مباری اولیه بر اعضای محافل روحانیه فرض
 و واجب و از فرائض مقدسه و جده انیه انای الهی در جمیع بلاد محسوب

«ان الذی ربی ابنه او ابنا من الاینا و کانه ربی احد ابنائی
 علیه بحبائی و غیاتی و رحمتی الی سبقت العالمین»
 و از جمله فرائض اهل شور حفظ، یکل امر الله است از تمایل بمخاصات
 سیاسی و از مداخله در شئون فرق و اقوام متحاربه و از شرکت در مباحثات
 و مناظرات و منازعات احراب متباغنه تمزاید است.

اهل کعبا هر چند به محبت و خدمت بنوع شبر معروف و شتر و متعجزند و
 بذل همت در ترویج مصالح عمومی عالم انسان مشار با لبنان ولی باطلان
 خویش نیز تعلق و تمسکی شدید دارند و هر سلطه عادله ای را ستایش و پرستش
 نمایند. آنچه را حکام و اولیای امور در وطن عزیز قرار دهند و هر حکمی را
 صادر نمایند و هر قانونی را وضع کنند کعبایان فوراً در نهایت خلوص
 و جدیت و خیرخواهی و صداقت و امانت قلباً و فعلاً و لساناً در کل نقاط
 و در جمیع شئون و احوال اطاعت نمایند و تبعه رسم ابره مخالفت نمایند
 و تجامل نکنند و انحراف نجویند. بهایان از تمام طبقات مستعد و منتظر
 بلکه تشنه خدمت بمصالح حقیقی امتند و از مادون آن در کنار. بیدارند
 و هوشیار و میزنند و درست کردار. هر یک بحسب لمستین مبادی رفیعۀ

آئین محبت خویش بتمام قوی تشبثند و از سبب الاسباب تممتی و تمتم که بویگان
 نازل گردند و بمأموریتی موفق شوند که بواسطه آن مقصد از جهند این حزب
 مستمند را در انظار عموم جلوه دهند و مآرب و نوایای خالصه خود را بآبائ و
 بنمایند و مدعای خویش را اثبات کنند. وظیفه محافل روحانیه تمتم و تمتم
 و جلب انظار و رفع سوء تفاهات و تهیه وسائل و ایجاد تسهیلات در این امور
 و شئون است. در جمیع احوال باین بیان اصلی ناظر باشند و در محافل
 مودعه در آن تفرق نکنند: «خوشحال نفوسی که اسیر رنگ دنیا و ما
 خلق فیها شده اند و بصبغ الله فائز گشته اند و آن تقدیس از جمیع رنگها
 مختلفه دنیا است و جز منقطعین بر این رنگ عارف نه»

و از وظائف محافل روحانیه مخیره مستمری با تمام نقاط امریه در شرق
 و غرب عالم بهسانی و تبادل افکار و استحکام روابط و مواصلات
 و کسب اطلاع بر اقدامات و احتیاجات و خیالات و تأسیسات یکدیگر
 است. ترقی سریع امر الله مشروط بقا و تعاضد. تعاون و تعاضد
 مشروط بحسن تفاهم و حسن تفاهم مشروط بتبادل آراء و مخیره بایکدیگر و ستاره
 از یکدیگر است و این تبادل آراء در این اوقات حاضره خبر بوسیله مکاتبه

و مرسله ممکن نه . محافل محلی عموماً و محافل مرکزی خصوصاً در تمام اقایم شرق باید رتبه‌ها مستقیماً براساسه با محافل محلی و مرکزی اقایم غرب نمایند و کسب معلومات کنند و تحریری حقایق نمایند و مطلع برشون و گزارشات و اوضاع و حالات یکدیگر گردند . کسب محسنات و فضائل یکدیگر را نمایند و از معایب و رذائل احتراز کنند و از تقلید اقباب تام نمایند تا جامعه بهائی از مفاسد کون نجات یابد و منظر کمالات نامتناهی الهیه گردد و در بطن انسانی اشراقی شدید و جلوه‌ای عظیم نماید .

و از وظائف اعضای محافل روحانیه تأیید و تقویت مجلات امریه عالم بهائی است . انسانی الهی باید در فکر انتشار و ازدیاد نفوذ و تنظیم و ترتیب و توسعه دایره این مجلات امریه باشند . اخبار و بشارات روحانیه را مقرر^{تقریر}اً بعنوان مجلات امریه من دون استشار سال نمایند و اخبار را با و تبرعات و تحریر مقالات تشویق کنند و هرگونه مساعدیه مالی و ادبی نمایند تا انشاء الله این مجلات امریه برای صافیه تعالیم الهیه و وقایع تاریخیه و اقدامات محافل روحانیه شرق و غرب گردد و انعکاسات بدیهه اش جم غفیری را مطلع و آگاه سازد و بشریة بقا هدایت نماید .

و از فرائض محافل روحانی تسوئین نفوس در ادامه و توسعه دائره صندوق خیریه
 یاران است. باید انسانی الهی به تبرقات مستمره خویش بر شوق افراد گردد
 و بقدر امکان بصندوق خیریه محفل مرکزی تسلیم خویش محضاً اعانه مالی ارسا
 دارند. از فرائض وجدانیه یاران الهی چه از اغنیاء چه از فقراء و چه از اعضا
 محافل و چه غیر آن در هر طبقه و قریه ای اشتراک در این امر خطیر است.
 تکلیف نفوس جائز و مطالبه شخصی منضم به حاج امریه. اگر چنانچه هر فردی
 از افراد چه در موقع عسرت و چه در ایام رفاهیت بقدر وسع و استطاعت
 خویش بطیب خاطر مستمره استقامت محفل خصوصی علی الخصوص محفل مرکزی
 اقلیم خویش اعانه ای تقدیم نماید و در این مسلک شریف مداومت کند
 مبالغ کلی نزد انسانی رحمن جمع شود و در حین احتیاج صرف اعانه متحابین
 و تائیس مشروعات حمده و ترویج منافع عمریه و انتشار شریعت الهیه گردد
 می فرماید: « انفعوا ما رزقتم به ان کنتم فقراء و غنیکم الله من
 فضله انه کان علی کل شیء قدیرا. منوف بحزب الله الذین آمنوا
 ثم انفعوا احسن الجزاء من عنده فیدعلم فی رضوان قدس قدیمیا »
 این است فرائض خدام ملکوت. این است اتقن و اعظم وسائل

اعلان امر آتی . امید این عبدنا توان چنان است اعضای این مجامع
نورانیه بمبادت و معاونت مجتبه های امریه که بمنزل ایادی و اجنه
محفظه در سابقه روحی از یکدیگر سبقت جویند و شعله نور بین را در شرق
زمین برافروزند و در اعلی العلیین در زمره مقتدرین محصور شوند .
رب اجل ایادی امرک المثلثین بشرقیك السماء دعاة خلقك
دعاة اغنامك بین العالمین

۱ جون ۱۹۲۵ بنده استانش شوقی

بواسطه محفل مقدس روحانی مدینه حیفه

اجبای الهی و اما، الرحمن برادران و خواهران روحانی در صفحات شرق
مرا ملاحظه نمایند

روحی و راحتی لکم العزاء یا اهل البهائم و اصحاب الوفاء چندی است
این خسته دل ناتوان خود را ناچار از تبعاع مقدسه علیا مجبور و محروم ساخته
و در ارض غربت سکن بسته و در نقطه منفرد ای مقیم و مستراح . از
لوله و آشوب خلق فارغ و آزاد و از مراوده آشنایان و بیگانه برود و کنار
ایام و ییالی بعد و فراق را صرف تأمل و تدبر دشواری و مصاحبه امریه بنایم
و ساعات راحت و فراغت را بمجابرات روحیه با آن عزیزان و مقربان
درگاه حضرت احدیه گذرانم . مشغول بی پایان ، و فور و وفود زوآر
از یار و اغیار ، تعدد و تراکم مکاتیب که از جهات لایقطع متوصل ، متعجب
ذهنی و مسائل معضله ، تکالیف عدیده و موانع غیر منتظره این بنده شرمند
را در مدت نه ماه آنی فرصت و مهلت نداد تا بر حسب رغبت و درخواست
خویش در نهایت نشاط به تمام امور پردازد و در مسائل کلیه خوض نماید و تعریض
کند و در دشواری آتی تمعن نماید و احتیاجات ضروری این امر مقدس را

تشخیص دهد و در ایجاد وسائل و تهیه اسباب متعنه تأمل و تدقیق نماید و تمهیدات
عمومی تثبیت نماید و حسن تعاون و تفاهم را در بین شرق و غرب جامعه جهانی
ترویج دهد و نصوص مغرضه کتاب و صایا را علی قدر مقتدر با مقتضای احوال
از خیر آمال میدان حسبه الگذاورد. افسوس موانع عدیده و فقدان وسائل
و اسباب از دو جهت اکثر بلدان شرق را از تشکیل محافل روحانیه مرکزی مطابق
تعلیمات مبوطه کالمه مندرجه در وصایای حضرت عبدالجبار المنوع و محروم
ساخته و تا هر یک از این بیوت عدل خصوصی چه در شرق و چه در غرب بابتاب
عمومی در هر اقلیمی معلوم و منتخب نگردند تشکیل و تائیس بیت عدل عظمی الهی
بقانون مصطلحه در بلاد غرب بسیار معب و مشکل بکلمت منع و تسخیر. پس باید
اجبای شرق علی الخصوص اجبای الهی و اما، الرحمن که در اقلیم قدیم ایران
مقیم و متوطنند نظر را باین امر خطیر متوجه سازند و خود را امیاد مستعد رفع
موانع و ایجاد وسائل نمایند تا متدرجاً برادران و خواهران خویش که در
ممالک آزاد غرب بتأسیسات مهمه مشغولند در ممالک شرق نیز از برای تأیس
و تشکیل این بیوت عدل خصوصی در نهایت حریت و کمال اساس متین نهند
و بر آن اساس و حید بشارت اجبای باختر قصر مشید بیت عمل عمومی

علی رؤس الأشهاد رغماً لكل عدو لدود و معانید حسود مرتفع سازند و بر اجری
 اعظم نوایای مقدسه رب عزیز موفّق و فایز گردند و بر هیئتی که بنظام الهی
 و بر حسب تعلیمات و اصول و شرائط سماویّه که در صحف الهیه مشرود و حاشیوت
 و مسطور است کاملاً کاینفی و طیق لهذا المقام الرفیع و المکرز المنیع انتخاب
 و تشکیل نشود آن هیئت از اعتبار اصلی و درتبه روحانی ساقط و از حق تشریع
 و وضع احکام و سنن و قوانین غیر منصوصه ممنوع و از شرف انسانی و قوه مطلقه
 علیا محروم و چون بآبدا دات لاریسیه موعوده قلم اعلی موافق حالیه بر طرف
 گردد و نوید فرخنده اش امکان تشکیل مسیحه مرکز امریه ای در اقالیم شرق کاملاً منتظماً
 بسمع این عید منتظر مشتاق رسد دستور العملی مخصوص بمجافل مرکزیه حالیه
 احبای شرق ارسال خواهد شد تا من دون تعویق مطابق اصول و احکام
 منصوصه کتاب الهی بیت عدل خصوصی که نبض و ضایا مستقیماً بآیات
 اعضای بیت عدل اعظم مکلف و مأمور و مستخزنه ازین جمهور منتخب و معین
 گردند. حال تمهیداً لآمره الحکیم و تحکیماً لبسیانه المنیع و تسهیلاً لآلئ السیس
 بحیث از جمله امور لازمه مبرمه که از احتیاجات ضروریّه و اساس
 تشریعات و محو اجراءات آتیه بیت عدل عمومی است استنفاخ و جمع و

ترتیب و تدوین و حفظ آثار است و این امر خطیر از وظائف قیمه^{صلیه} محافل روحانیه است و این عبادان توان بقدر استطاعت و امکان معاون و مساعد آن برگزیدگان حضرت یزدانم تا انشاء الله جمیع محافل روحانیه چه محلی و چه مرکزی در تمام اقالیم باین امر عظیم بصبر و سکون در نهایت دقت و متانت بانسب و نظامی بدیع پردازند و این فریضه مقدسه خویش را در نهایت روحانیت و کمال انجام دهند و با جرد و ثوابی خیرین فائز گردند.

باید جمیع افراد مؤمنین و مؤمنات من دون استثناء در نهایت خلوص و امانت و جدیت آنچه را از الواح و توقیعات مقدسه که از سما و شبست جمال اقدس الهی و حضرت نقطه اولی و حضرت عبدالبهاء روحی آثارهم المشعقة المقدسه فدا نازل گشته نزد خود موجود و محفوظ دارند نسخه های اصیده که اکثر فرزین محب و امضای مبارک است بواسطه غشی بر بسم امانت تقدیم و تسلیم محفل روحانی محلی خویش نمایند و در مقابل آن درقه رسمی از محفل تسلیم گیرند تا پس از استنساخ و مقابله محفل محلی خود آن الواح را کاملاً بصفا^{نش} ارجاع نماید و همچنین باید هر محفل محلی لجنه ای مخصوص تعیین نماید تا اعضا^ک این لجنه از هر لوح و توقیعی باطلاع و تصویب محفل رونسخه استنساخ و مقابله

نمایند و اسم صاحب لوح و تاریخ استنساخ را ثبت کنند و اگر چنانچه موقع
 و تاریخ نزول تعیین گشته آید نیز ثبت و حفظ نمایند . باید جمیع این امور یعنی
 تحقیق و اثبات و استلام و استنساخ الواح و ترتیب و محافظه نسخه های آن
 کل با اطلاع و صواب دید اعضای محفل روحانی باشد و هر نسخه ای بمر و انضام
 محفل تصدیق و تصویب شود و اگر چنانچه لوحی و یا توقیعی نزد فردی از افراد
 اجبا باشد که بسیار محرمانه و سرش لازم و واجب باید صاحبش اصل لوح
 سر بسته و مهور برسم امانت تسلیم محفل روحانی محلی خویش نماید و محفل محلی نفس
 امانت را سر بسته بواسطه محفل مرکزی آن قلمیم بارض اقدس نزد این عهده
 یا شخص کامل مسینی ارسال نماید تا پس از استنساخ در ارض مقصود بواسطه محفل
 مرکزی و محلی این عهده شخصاً بصاحبش ارجاع نمایم ولی این ترتیب فقط
 راجع بمعدودی قلیل از الواح شخصیه خصوصیه است باید سایر الواح کل
 تسلیم محفل روحانیه گردد تا این محفل پس از استنساخ بصاحبش
 ارجاع نمایند و آنچه نسخه های الواح نزد محفل روحانیه محلی جمع شود باید متدبّر
 نسخه های اول را در نهایت دقت و مسانت نزد محفل مرکزی خویش ارسال
 دارند و نسخه های ثانی را نزد خود در محفظه آثار محفوظ دارند تا بعد تحلیف معین

گردد و در هر نقطه ای که محفل روحانی تشکیل گشته باید صاحبان الواح صورت اصل را
 مستقیماً در نهایت مواظبت و احتیاط نزد محفل مرکزی اقلیم خود ارسال دارند
 تا پس از استنساخ و نسخه محفل مرکزی اصل لوح را بصاحبش ارجاع نماید
 و چون نسخه های اول از نقاط امریه نزد محفل روحانی مرکزی جمع شود باید هر
 محفل مرکزی بجهت ای مخصوص تعیین نماید تا اعضای این بجهت باطلاع و تصدیق
 محفل مرکزی پس از ترتیب و تدقیق نسخه های الواح را با اقتضای زمان و
 مکان بخوبی شروع با شخصی امین بارض اقدس نزد این عبدالرسال نمایند
 تا آنچه لازمه این امر مهم است اجرا شود و اگر چنانچه در نقطه ای از نقاط
 اغیار الواح و توقعیات مبارکه یافت شود باید محفل روحانی محلی در نهایت
 تلاطم و روحانیت و حکمت جمیع مبلغ مبذول دارد تا بطیب خاطر کمال
 سرور و طمینان صاحبان آن الواح توقعیات اصلیه خویش را به محفل
 ارائه دهند و تقدیم نمایند تا پس از استنساخ فوراً ارجاع گردد. تکلیف
 هیچ وجه من الوجوه جائز نیست و چون اکثر محافل مرکزی در اقلیم شرق هنوز
 موافق نوایای مقدسه و مطابق اوامر الهیه تشکیل و منتخب نگشته اند
 باستثنای اقلیم مصر و هندوستان که در آندیا محفل مرکزی را جمهور

مؤمنین و مؤمنات انتخاب نموده اند. لذا اقدام و اتمام نقطه امریه هر قلمی
موفقاً محض مرکزی آن تسلیم نامیده شد و اساسی نقاط امریه که فعلاً همت
رحمت را داراست از این قرار است :

- محض طهران : محض مرکزی تسلیم ایران .
- محض بادکوبه : محض مرکزی قفقازیا .
- محض عشق آباد : محض مرکزی ترکستان .
- محض بغداد : محض مرکزی عراق .
- محض اسلامبول : محض مرکزی ترکیه .
- محض حیف : محض مرکزی فلسطین و سوریه .

و اما نقاط متفرقه امریه که از دایره این اقالیم خارج است احسن و اولی آنکه
نفوس مؤمنه در این نقاط الواح خویش را رأساً با رض اقدس بهایت
مواظبت و اتقان ارسال دارند تا این عبد پس از استیلاخ این الواح
بصاحبانش ارجاع نماید .

ای عشاق و فدایان پر وفای جمال الهی بهنگام همت و اقدام است و
یوم یوم عمل و جانفشانی . وقت آن است بحجت تمام و حی خیر

وامانت و صداقتی کامل و نشاطی موفور و نظم و ترتیبی بدیع کافه نمونین
و مؤنات در کل اقطار از وضع و شریف و قریب و بعید قدم باین
میدان گذارند و بجان و دل در تأیید و اجرا و تشریح و تکمیل این مشروع محلی
همتی شایان بکارند. این امر عسیر اولین بحسب به و استعانی است که بآن
میزان نوایای خالصه و همسم عالییه و تعلقات روحیه افراد نمونین
و ثنات و کفایت و وثوق و اعتماد و اقتدار و استطاعت محافل روحانیّه
بهائیان قیاس و موازنه گردد و قدر و منزلت هر یک مشهود و مبسوس شود
اگر معاذ الله فتور و قصور و ارتقاء و احوال ظاهر و عیان گردد و اجراءات آتیّه
و تأسیسات مهمه که در مستقبل ایام باین امر مهمّتم مرتبط و معتلّق است و عمده
تعویق افتد و در زاویه نیسان مدفون و فراموش شود و نوایای مولای حکیم
و توانا آشکار و پدید آید و در عالم شهود بسو و بر دوزی نماید اگر فی الحقیقه
یاران الهی بزبور راستی و فداکاری و ثبات و اتقان مطرزه و فرین گردند
افواج تأیید چنان احاطه نماید که عالمیان حیران گردند و دشمنان مدبر
و سرنگون شوند. شک و شبهه ای نبوده و نیست که یاران پرورده یید
عنایت کبری در این سبیل گوی سبقت را در میدان شهامت از پیشینیان

خواهند بود و در این عمل مبرور از یکدیگر سبقت خواهند جست .
 و ایضا از امور مهمه که با اعضای محافل روحانیه محمول شده ملاحظه و مذاکره
 در تحقیق تقسین و بتسیاع مواقع متبرکه و نقاط تاریخیه امریه است . هر چند
 موانع جسمیه متعدده در میان و اسباب مادی مفعود و تحقیق تقسین و تحدید
 این اماکن عدیده بسیار صعب و مشکل ولی باید بتدریج در نهایت حکمت
 و بردباری و جدیت و فعالیت مباردت باین مشروع نمود و بقدر استطاعت
 از صندوق خیریه و تبرعات شخصیه این بقاع شریفه منوره عزیز را در حوزه
 ملکات و تصرفات بهائیان در آورد و از عدم تقید و اعتنا و بی حرمتی
 جهال و اشرار محافظه نمود و آنچه بتسیاع گردد باید فوراً محافل محلی محفل مرکز
 خویش اطلاع کامل دهند تا در سجل محفل مرکزی ثبت و قید گردد و در ترتیب
 و ترمیم کیفیت استعمال آن باطلاع و مشورت و صوابدید محفل مرکزی اقدام
 شود تا حقوق امریه محفوظ ماند و نظام الهی در جمیع شئون چه خبری و چه
 کلی در انجمن انسان جلوه ای نمایان نماید . تحقیق این امر نیز معلق نشود
 بحکم و انقطاع و جانفشانی و تدقیق و استقامت و تعاون و تعاضد
 بین یاران و محافل روحانیه است و هر چه بیشتر تأخیر حاصل شود مشکل

مترالم گردد و موانع داخله و خارجه از یاد یابد . آید کم المولی و تینا علی تسکو
 و المداومه و الغوز و الفلاح فی هذا المنهج التویم .
 و آنچه الیوم نیز از لوازم ضرورتیه و جالب و جاذب برکت سادیه و کامل حفظ
 و حراست بندگان حضرت اعلی است وقف و تخصیص محل مناسب
 از برای تعیین مرکزیت امر الله است در هر نقطه ای از نقاط امریه باید یاران
 الهی در صفحات شرق نظر بتفصیلات حالیه بملاحظه و اعتدال و سکون و
 حکمت و آرامی حرکت نمایند ولی مقصود از حکمت خاموشی و فراموشی و حال
 و تأخیر در اجرای این امر نه بلکه مقصود آن است که اعلان مرکزیت درین
 جمهور نگردد و اسباب محمده و عربده و بیاهموی ناس نشود ولی تعیین مرکز و لو
 در زیر زمین باشد از احتیاجات شدیدۀ این یوم عظیم است . اگر ممکن و
 اوضاع محلیه مانع نه اجتماعات عمومیۀ از برای ترسیل الواح و ادعیه و مناجات
 و انعقاد محافل روحانیه و مجالس تسبیح و نطق و تذکار و اعیاد و ضیافات
 کل در آن نقطه و لو احقر نقاط باشد جمع و حصر گردد و اگر مناسب باشد و در
 مستقبل آیام بنیان رفیع مشرق الاذکار در آن نقطه مبارکه نیز مرتفع شود
 نور علی نور گردد و آن نقطه خطیره القدس نامیده شود تا نفحات

مسکینه تضرعات قلبیه و مذاکرات روحانیه و اجزایات جلیده اهل محراب از
خاطر قدس بصغحات مجاوره سرایت نماید و شام مذکوم این عالم علیل را
باز نماید و عطسه و غمخیزین کند.

و نیز از امور مطلوبه، تسخنة تائیس محفوظه، آثار امریه است در هر نقطه از نقاط
مرکزی اقلیمی بهائیان. و این محفوظه آثار در تحت صیانت و اداره محافل
روحانیه مرکزی یاران است و محتویات آن در ضمن تجدید انتخابات محفل
روحانیه مرکزی جدید الانتخابات بجاها تقدیم و تسلیم گردد و هر سه دی از فر
علی مخصوص نفسی که در آتش از اهل محراب محسوب نه دیاطرف ثقه و اعتماد
او نباشند بصرافت طبع و طیب خاطر از آثار امریه چه از الواح و کتب و صور
و امثله و ماشا کلهما تقدیم محفوظه آثار محفل روحانی مرکزی خویش نماید اجرش
عند الله عظیم و اسمش در سجل محافل روحانی و یادگارش در محفوظه آثار الهی
باقی و برتر خواهد ماند. و همچنین محفوظه آثاری در ارض ایکی
اخیراً تشکیل گشته تا آنچه را افراد محافل روحانیه از آثار منیعه علی الخصوص
آثاری که جمعی در یک نقطه حسن و اولی و ششش مایه خسارت و فقدان
است طوعاً تقدیم محفوظه آثار ارض اقدس کنند. بنام آنان در محفل مخصوص

مخفوظ و مصون ماند و بمرد آیام زوآر ارض مقصود از جمیع اطراف و انکاف
بزیارت آن آثار فائز گردند و یاد آن معتمدین در گاه کبریا را نمایند و بذكر
خیر و دعای حق آنان مشغول گردند .

از قبل اشاره و تاکید شد که هر فردی از افراد و هر محفلی از محافل که مالک
شایل مبارک حضرت اعلی و جمال اقدس الهی است احسن و اولی آنکه
آن شایل را با شخصی امین با رض اقدس ارسال نمایند تا در محفظه آثار
الی الابد از او یادگار ماند ولی در ارسال آن مختار است نه مجبور و مکلف
ولی مشروط بآن است که هیچچیز بمن الوجوه ننهد ای از آن بربندار و شخص
غیر امین بی اعتباری نسپارد و دائماً در محفلی مخصوص در نهایت موقبت
و احترام محفوظ و از انظار مکتوم دارد . و همچنین تعدد و تداول شایل
و صوت و صور متحرکه حضرت عبدالهباء در بین جمهور ناس چه یار و چه غایب
جائزند و نمایش آن در هر موقعی از مواقع جائزند چه که منصرف بمصالح امریه است
و مخالف شأن و حرمت و قدر و منزلت هیچ آثار کریمه شریفه مقتدره است
امید آنکه اجابا علی بخصوص جوانان پر شور و نشاط مراعات این امر
مهم لازم را نمایند و از حد آداب و رتبه اعتدال خارج نگردند و تجدد نمایند

و در ختام اظهار آن محترم پر عیش و دوغای حضرت عبدالعبار این
 امر لازم و محتمل منعطف نمایم و باین نکته متذکر دارم و آن موظبت و وقت
 تمام در حفظ حقوق مدتیة شرعیة شخصیة افراد است از هر سلك و طایفه و
 و عقیده و مقامی در این مقام استیاز و ترجیح و تفوق جائز نباید
 نهایت سعی و وقت من دون تردد و ملاحظه ای یاران و برگزیدگان
 حضرت بهاء الله در محاسبات و معاملات خویش راجع بحقوق صلیة
 نوع شبرادنی استیازی بین ایشان و بیگانه و مؤمن و مشرک و مقبل و
 معرض نگذارند. بعد از تحقیق و تدقیق اگر چنانچه معروضند باید تمام
 قوی بهمت بگذارند تا آنچه بر عهده آنان است تا فلس سیر بردارند و
 راحت بخویند تا بآودیة آنچه را مکلفند تمامها موفق گردند.

حقوق مدتیة و معاملات ظاهرة تعلقی بدیانت و اعتقاد باطنی آن
 نداشته و ندارد. افراد در مسیت اجتماعیه چه از موصدین و چه از
 مشرکین کل در این مقام یکسانند و حقوق شخصیة آنان نزد اصحاب
 عدل و انصاف محفوظ و متعده است و سلم و هر فردی در ساحت
 آن مستقیم قرار معصوم و مؤول و مردود. بی مصاحبت و در رفقت

با کفار ملحدین و خائنان پرکین و بیوفا یان خود بین در رعایت و هذبانی
 بدشمنان امر الهی ذنبی است جسیم و انحرافی است عظیم از صراط مستقیم
 الهی ولی نفس ارتداد و محجوبیت و ترک عقیده حقوق مذنبه شرعیه افراد
 آزاد را هیچ وجهی از الوجه بقدر ستم ابره تخفیف و تغیری ندهد و الا اهل
 بهاباط پیشینیان را در این تسنن شش نورانی دوباره بگسترانند و
 آتش تعصب و حمیه جاهلیه را در صدور برانسر و زنند و خود را از نوایب
 جلیله این یوم موعود محروم سازند و تأییدات الهیه را در این روز فریاد از
 ظهور و بروز باز دارند .

حیف است ذیل تقدیس باین اوام و شون ناشایسته آلوده نمایم .
 ربنا و قنا علی معرفه امرک بعظیم و تخلق بخلقک الکریم و السلوک
 فی منجک العویم بفضلک القدیم و جودک بعیم انک انت اعلم
 انک انت الرحمن الرحیم . بنده استانش شوقی

بواسطه محفل مقدس روحانی مرکزی ایران

اجتای آلمی برادران و خواهران روحانی در صفحات شرق طراً
ملاحظه نمایند

ای تسلیتین در ظل دوده بقا جمال الهی روح من فی الوجود لمضجہ العذا
باصبح اقتدار نهالی بهمال در زرقه جهان نباشد و بسیف حکمت و بیان
از هجوم دشمنان محافظه فرمود و با مطار بلایای لا تخصی نخال امرش را
سفات کرد و بجزارت محبت بی منتهاش پرورانید . بدم اهر شهیدش
اصلش را قوت و طراوت بخشید و با اعمال پسندیده پرورشش فرغش را برگ
و شکوفه بیار است . در عالم ادنی شجره مبارکه را محکم و استوار فرمود و بمبدأ
اعلی منظر و منصوبت یافت . کشت گرانهایش را بکف کفایت دهقان
حقیقی مولای توانا حضرت عبد البهباب پر دو ثمرات کلیه و عده داد
آن مرتبی آلمی سی سال متادیا میراث مرغوب را بادل جان و حراست نمود
و در آغوش محبت و حصن حمایت خویش از آفات گوناگون مصون داشت
از ارباب مختلفه تغلق و ذواب نقض میثاق نبات داد و از مفاسد قویه
پاک و پاکیزه فرمود . اغصان یا سدره از اصل منفصل و مفصل کرد و غص

و فاشاک غرور و عصیان را از ریشه برانداخت . آن مقتدای اهل کعبه
 دمی نیا سود و از موانع مانده دقیقه ای مایوس و طول نگرید تا آنکه محبت کبری
 و قدرت عظمی سپرده دید عنایت را در انجمن عالم جلوه داد و با علی انداء بجای
 و آشناء در شرق و غرب عالم نظر غلیش دعوت کرد . آئین حایل قدم
 رغماً لکل ناقض حسود و وعد و لدود مشهور آفاق شد و وعده های اهل و اتم
 یکیک تحقق یافت . جمعی در شرق و غرب شادمان و لبیک گویان
 بر خوان نعمتش وارد و از جام عرفان و ایقان مرزوق و برخی در خاور و باختر
 بنعت و شائش ناطق و بر بزرگواریش شاد و بحس عشق متمسک و جم غفیری از
 وضع و شریف مدبوش و منضوع و در وادی حیرت و طلب سالک و در
 شون این امر عظیم متحیر و متفکر و در اقبال و ایمان متردد .

ای برادران و خواهران روحانی ماکه وراثت آن رب عزیزیم و باین
 شرف بسی مفتخر و فائز حیف است خدمات جلیله رب شفیق را اکمال
 ننایم و این عمل مبرور و پاینده را با انجام و اتمام نرسانیم . زلف رزنا
 عفت و ارتقاء سبب گردد جمهور ماں خود را از شجره مبارکه که ایوم بقوه
 بازوی حضرت عبد البهاء بثمرات یا نعه فرین گشته دور و محبوب نمایند

و گروه مجتبن که حال شیفته آن روی چون نه تابانند از ایمان و معرفت
کامل که مقصد اصلی است ممنوع و محروم مانند . یوم یوم پروان پرورده
ید عنایت حضرت عبدالهباست که ما را از برای همچو روز فیروزی و هدایت
با هری تربیت و عبودیت فرموده . وقت آن است چشم از غیر شویم و مادرش
را از اموش کنیم و نظرها با عظم و صیاییش که جلب نفوس نطق ممدود سدره
التهیه است متوجه سازیم . و تبلیغ و هدایت نفوس در این عصر نورانی غیر
ممکن مگر آنکه معرفت کامل حسن سلوک و اخلاق در انسان توأم و مجتمع گردد
« لایقبل احد همدون الاخره » معرفت الهیه یعنی اقبال منظر کلیه
التهیه و حسن رویه و رفتار از لوازم اصلیه و شرائط ضروریه تبلیغ است و
اگر چنانچه مبادی امریه و علوم نافعه نیز تحصیل شود نور علی نور گردد و امر تبلیغ
را تسهیل و ترویج نماید ولی در مرتبه اولی آنچه لازمه تبلیغ است شناسایی
منظر کلیه الهیه و اتصاف بصفات مرضیه ممدوده است . علوم اولین
و ختمین حق تحصیل اصول امریه و مبادی روحانیه عاقبت فائده
و اثری نباشد مگر آنکه منتظم باین دو شرط اعظم گردد . و همچنین معرفت
منظر ظهور اگر غرض تسبیحش حسن سلوک و تزکیه اخلاق نباشد از خود و تپا

محروم و نزد اهل دانش و ارباب بصیرت قابل اعتنا نبوده و نیست چه که
 این معرفت معرفت حقیقی نه بلکه صرف توهم و تقلید است و همچنین حسن نیست
 و صفای قلب درستی و صداقت اگر چنانچه از نور شناسائی حق محبوب ماند
 و باقیال مظهر ظهورش فائز نگردد بالمال از قوه دافعه تأیید و امدادات روح بقه
 که بچانه دافع هجوم و کروب این عالم ظلمانی است ممنوع و از تائید و یاری
 و نیاج کلیت محروم . فتح و ظفر در این تسنن انور نصیب نومن نیک
 رفتار است نه عالم بد کردار . مواعظ علماء سو که از مقصد دین غافلند
 و هنر و همت اهل علم و تقوی که از عرفان معلوم مجوید هر دو اثرات و ثمرات
 در حیرت ادنی محدود و فانی ولی ثمرات هم عالیّه هر نومن پر هنر کار بی پایان
 و باقی چه که مستمد از روح نباض آئین حضرت بهاء الله است و
 بنفحات روح القدس نموید . بنیت شرط وفا بنیت تسربلغ امر بها
 چندی قبل نامه مفصلی بآن یاران محترم ثابت قدم جاثقان
 مرقوم و ارسال گردید و بعضی از مطالب مهمه و مواد اساسیه که از لوازم
 ضروریّه این ایام است مشروداً ابلاغ و تأکید گشت و اخیراً نیز نظر بر جود
 اخیر و تغییرات و ترقیات سریعه در این اراضی مقدسه ابرامی

مجاور مقام مقدس حبیل کرمل بواسطه یاران شرق و غرب در این ایام بهیچ فوق
العاده یافته چه که از مذاکرات تصمیمات مؤخرین المللی کلیمیان که در ملک و پافیر منعقد
و در صفحات اوراق اعلان شده چنین معلوم دستفاد میشود که بعضی از رؤسا
ملت یهود در فکر آنند که جسد اولین مؤسس حزب خویش را انتقال بدانشگاه
کرمل دهند و خاک این حبیل مقدس را دفن نموده رئیس حبیل القدر خویش را
دهند و چون اطراف دو مقام مقدس علی الخصوص جنبه جنوبی در تصرف
اغیار است و در نقطه پر جسد و شکوهی واقع خوف آن است که ارباب
ثروت و نفوذ این قطعه ثمنه را متمسک شوند و تعمیر بسته مختلفه در نقطه
که مشرف بر مقام اعلی است پردازند. وقت آن است که بندگان
هوشیار و یاران جان نثار حضرت عبدالهبا، در این سبیل با وجود عسرت
مالی و بحران اقتصادی متفقاً خالصاً لوجه الکریم و صیانت مقامه المنیع
اطراف و کناف این دو مقام طحس را از هجوم و تسلط اغیار صیانت
و محافظه نمایند و با سرعت مایمکن در حوزه ملکات یاران الهی در آورند
تا بتدریج و مرور ایام نوایای مقدسه جلوه نماید و معابد جلیله در جوار رفعت
مقدسه بنیادش استوار و بنیانش مرتفع گردد. تاخیر و اهمال در

این امر خطیر تولید مشکلات نماید و بر محذورات عالیه بنویزاید .
 دیده اشتیاق در انتظار است تا از محبان جمال گردد کار چهره جنبی و
 اثری ظاهر و نمایان گردد . استغفرکم یا اجباء الله بیدل الحمد الجمد
 والمراقبه والمداوتة فی هذا المشروع الجلیل . جزاکم الله فی
 عالم الملک احسن محسنه ، و قدرکم فی ملکوتہ المنیع اجرا عظیما و
 وثوابا جزیلا

۱۶ اکتبر ۱۹۲۵ بنده استانش شوقی

اعضای محترم مجلس تقدس مرکزی روحانی کشور مقدس ایران

ملاحظه نمایند

یا اماناء الرحمن و اودائه روحی لقیالکم و ثباتکم و وفایکم العدا، نامه های
اخیر آن مجلس نورانی بدقت مطالعه گردید و بر مضامین و مطالب مهمه اظهار
حاصل گشت. از وقایع مؤلمه و صدمات وارده بر ایران مظلوم خزن و
اندوه حاصل فوراً بعضی از مراکز خارجه مجدداً محابره گردید و بعضی از مطالب
مهمه لازمه ابلاغ گشت. امید و طمید آن است نتایج کلیه حاصل گردد و
عدم امنیت و پریشانی و حسرت و ناتوانی و ظلم و تعدی با سائش و رخا و سعاد
و امنیت و صفای مبدل گردد و کوب درخشنده غرت و اقبال بهبائیان
در آسمان عالم امکان چنان جلوه و بروز نماید که کل چه اعدا و چه اوداء
بهسوت و حیران گردند. صبر و تحمل و ثبات و شکیبائی لازم تا آنچه درین
کور عظیم کمون و ستوارت باشد اشراق در قطب آفاق ظاهر و عیان
گردد و چنان صیت شوکت و عظمت این آئین بهبائی شرق و غرب را
احاطه نماید که لرزه بآرکان اعدای جهول و ظلم اندازد.

خدمات فائده و اقدامات یار و وفادار و بنده جان نثار

در تعزیر امر الله و سدا احتیاجات مجزا و آراء فی الحقیقه قابل تمجید و توصیف و
تقدیر است. در حق آن حبیب مخلص حسد دوم و غیور دعا و تصریح بنایم
تا از سرور و آفات این عالم ظلمانی مصون مانند و تبریج و توسعه دائره
خدمات جدید خویش در نهایت سرور و آسایش وطمینان موفق و مؤید
گردند.

راجع بتدوین تاریخ امر الله و جمع مواد تاریخیه اوائل ظهور در مدینه طهران
آنچه در این نقطه ممکن جمع و تحمیل خواهد شد و نزد لجنه تدوین بواسطه
مرکزی ارسال خواهد شد تا آنچه را اصلاح دانند محسب می دارند. امید
چنان است این تاریخ جدید بنظم و ترتیبی بدیع در نهایت صحت و دانست
و کمال من دون تعویق تکمیل گردد و در جامعه بهائی منتشر شود و خدمتی شایان
بصالح امریه در استقبال ایام نماید.

اخیراً متدالما ل مبوط محفل مرکزی ایران که بحجت و سعی لجنه محرمه نشر
نقحات تأسیس گشته و توسعه یافته مع نظامنامه لجنه مذکور ملاحظه گردید
سرور و جوهر و نشاط کلی حاصل. در مجمع یاران قرائت گردید و مطالب
مذربه در آن بیاد غرب بواسطه محفل روحانیه ارسال و ابلاغ شد

ترجمه آن نیز بسیار موافق و مناسب امید چنان است که روز بروز این
 درقه اخبار بر جامعیت و تنانت و جلوه و علاوت بنیزاید و برآستی
 تمام اقدامات و خدمات یاران در مرکز ایران و ایالات و ولایات
 و ممالک خارج گردد و روابط مکمل و مستینی در بین شرق و غرب تولید
 نماید. رجوع باولیای امور و کسب اجازه از برای طبع آن حال
 مخالف حکمت نظر میآید ولی امیدوارم عنقریب اسباب فراهم آید
 و موانع حالیه تخفیف یابد و تحصیل اجازه ممکن و آسان گردد.

راجع بلوح مبارک که در موضوع نکاح از طکات میثاق صادر گشته البته
 نسخه اصل را تحصیل نموده بارض اقدس بشخص مسینی ارسال دارید تا
 من بعد طبع و منتشر گردد.

آنچه را محفل مرکزی بنقاط امریه در بلاد ایران راجع بموقوفات امریه
 نگاشته ملاحظه گردید رسیدگی باین امور بمحفل مرکزی طهران
 تا بواسطه لجنه ای مخصوص بلوازم و احتیاجات و خبریات این امر
 پردازد و اگر چنانچه تعیین اسم شمس شخص مخصوصی شرعاً لازم و واجب رئیس
 محفل مرکزی روحانی ایران تعیین نگردد تا بالوکاله بمسعدت لجنه محفل مرکزی به

تمنیت این امیر پر دازد و تجدید و کاتمانه نیرسانی غیرت به پس از تجدید انتخابات محفل مرکزی خواهد
 آنچه را محفل طهره ان محفل تبریز راجع بخارت وارده بر برادران
 اهداف میلانی نگاشته محبوب و مقبول . این خبر بی نهایت
 اسباب خرم و الم گردید . در احیان زیارت از برای آن خانواده
 جلیل القدر که بخدمات باهره در گذشته ایام موفق گشته اند به دعا
 صون و عنایت و برکت و الطاف از درگاه حضرت خفی الألف
 نموده و خواهم نمود . مطمئن باشند

بنده استانش شوقی

۲۸ اکتوبر

۱۹۲۵

بواسطه اعضای مکرره محفل مقدس روحانی مرکزی ایران

اجای آئنی در صفحات ایران و قفقاز یا ترکستان ملاحظه شد

اینها محرقون من نار افراق روحی بحر کرم و فاکم الفداء چهار سال است
که نجسم در میثاق از انظار پروان دل داده اش محجب و در پس پرده
قضا ستواری . هیکل مقدس در بایش از عین عشاق مستور و نغمه جان
پرورش از آذان روحانیان مقطوع . جمال بیشایش در پس پرده غیب
پنهان و شمی و تمسهای روح افزایش از انظار اهل تراب محبوب .

بهانیان در این سنین اربعه در ظلمات فراق مستغرق و بهیران غم و اسف
بتلا . مؤمنین و مؤمنات از مفارقت آن مولای نازنین بآه و این دسار
و قلوب کتیه باید و رحم و الطاف بی پایش در سوز و گداز . هر چند آن کجکب
در خشنده از افق این عالم ظلمانی آنفل گشت و بساط احزان را کاما گسترانید
ولی هزار شکر پروردگار بی نیازی را که در ملکوت اسرار و عوالم انوار از کمن غیب
باشد اشراق در فیضان و لمعان . بدر میثاق از عوالم عصری بگذشت
و بهیر آفاق پیوست . روح ششوش در نقطه کمال استعرا یافت و با شعله
ساطع اش از عالم بالا ظلمت خمول و حیران را محمود زائل فرمود . با صبح

اقدار حزب مظلوم را از وادی حیرت و حرمان بکشاند و بشا به راه علویت
 و اقدار دلالت کرد. ای خسته دلان و سوختگان آتش حسد مان
 غصه نخورید فوج و ندبه بکشید. نایوس و محمود نگزیدید. در صف اخبار پس از
 صعود مرکز عهد و شایق ملکوت انوار برخی از بخیردان چنان انگاشتند که
 چون این امر عظیم از قبضه قدرت آن سید عیسی خارج گردد و بدست
 پیروان معدود قشقت بنفقد و با خطاط گذارد و در زاویه نیسان متروک
 شود و گننام و مضحک و پریشان گردد. هیاهات هیاهات عظام نطنون.
 و بعضی از تشکرین و تحسین باین کلام اکتفا نمودند: من بعد معلوم و واضح
 خواهد شد که در آتش باین میراث مرغوب چه خواهند کرد. ولی غافل از آنکه
 روح از قیام نفقات قدسیه اش آئین نازنین را در هر آنی نصرتی جدید
 بخشد و توفیقی بدیع و تائیدی جدید امداد نسر ماید. از شر و عالم کون
 محافظه کند و با سباب معنویه و هم عالمیه پیروان جان نثارش را از
 ورطه یاس و کدر باوج نصرت و ظفر رساند.

محافظه نمایند چگونه در این سنوات اخیر نفقات قدسیه و امدادات
 متابعه آن روح آزاد در کل ارجاء نافذ و ساری گشته. تفکر نماید قوه

مغویه اش بجهت خود سرغشی دهد یا دین قلوب نبضات روحانیه مشغول است
و بجهت اسباب عجیبه غیبیه ای بر اعلان و استحکام و تعمیم شریعه مقدسه اش
قائم. مستطین در ظل شجره مبارکه ترویج دین اقدس مستقیماً مشغول
و نفوس غیر مؤمنه از عقل و دانشمندان و خادمان عالم انسان نیز از برکت
این بهار الهی بنجر غیر مستقیم با اجرای احکام الهی فائز و موفق. اعدایش
مستور و مغلوب و گرفتار و شکوب. مخالفین و ممدین امر بر سرش مغلوب
و سرگردان و ذلیل و پشیمان. نام جهانناش فاتح مدائن قلوب و
نوربخش اقالم و شعوب. مقام شمعش کرم الهی را ستاره درخنده
و مرقد شیرش مطاف و هزار و هزاره گاه عالمیان از قریب و بعید. و عهد
صریحه محتمله اش مستابعا در ظهور و بروز و سطوت مکنونه اش در عالم کل
مکار و حسود از خلف صد حجاب مشرق و جهان پسروز. ادرغیرش
در قلوب مستحکم و در عرق جهان نباض و در ممالک شاسعه آزاد بر سرستی
عجیب در ترویج و انتشار. وقایع ناگوار، مشاکل شرعی و موانع مختلفه
هر چند بظاهر مغل در نظم شریعه الله ولی بیاطن در انظار حکام ارض
و دانشمندان عالم کاشف اسرار امر الله و مثبت اقدار و همینه جامع

بهائی. در شرق عالم علانی فرخنده از افق ایران نمودار و بشا و اولیای پیغمبر
 و سعادت و آسایش جان نشانان تمهیدیه آن اقلیم آشکار و نمایان.
 در اقصی بلاد غرب انجمن مرکزی بهائیان امریک بوسائلی متعین و تثبیت
 و بانفوس همه ای مرتبط با بدنیوسیده از یک جهت استین حضرت یزدان را
 در انظار ملت و دولت علنی و معتبر و مشروع گردانند و از جهتی بسیار
 در صوم شرق الاذکار را در قلب آن اقلیم مرتفع سازند. محفل روحانی
 در شرق و غرب عالم کجودیم ترو با تمهیدات اولیه تأسیس بیت عدل
 اعظم مشغول و تحکیم روابط روحانی شرق و غرب عالم بهائی
 و حفظ وحدت جمع اهل بها و تشیید ارکان تبلیغ و ترویج منافع عمومی مآلوف.
 تعالی تعالی بنده القوه الازلیه و القدره الکامله و العزه الابدیه و
 الالهیة الناشرة اللواء فی مشارق الارض و مغاربها.
 تعالی تعالی هذه الاشعة ات طعته من مرکز الانوار نیر الافاق
 صاحب العهد و رب الميثاق بنیاً للشاهین بنیاً للعائین.
 ای مولای توانا از عالم بالا نظری باین بنده گان بسینوا و آوازه و نین
 این خسته دلان را اجابت کن. مسامحی اشغفان رویت را برکتی

عظیم بخش و بر اجرای وصایای مبررات موفق دار. لب فرقت
 بمیاه عذب اجرات عظیمه پس امرت بنشان و خرن و اندوه این مصیبت
 زدگان را از صفحات قلوب تحقیق و عده های جانپورت محو زائل کن.
 ذوق و شوق تسلیع را در قلوب و ارواح تولید کن و موانع حالیه را یک
 مرتفع ساز. قلوب را استعدادی شدید بخش و ناشرین لوا، مجید را
 بجمع تقدیس و تزیین و خلوص نیت و راستی و صداقت مزین فرما. ابواب
 رخا بر وجه اهل کعبه آن سیران مظلوم گشا و عزت جاودانی را بیار آن
 عزیزت عطا کن. تو شاه و اگاهی که این شت ضعفا خبر تو بخونید و حرز
 و مونی خبر تو نخواهند و امید و اتکالی جز و عده های هر یک است و تأییدات
 و تأییدات نداشته و ندارند. تویی مقتدر و توانا و بنیاد شنوا.

ای قوی قدیر این موزع ضعیف را با اجرای وصایای مبارکات تأیید بخش
 و این بنده مکین را تحقیق نوایای مقدسه است موفق و آتایچه را رضای مبارک تو
 و امید و نخواه یاران عزیزت کاملاً اجرا و اتمام نماید. رب حق آمالی
 و تیر منانی بفضلك وجودك. بنده استانش شوقی.

۵۰- انشاء الله اعضای محترمه محفل مقدس روحانی مرکزی ایران

وقفتم الله ملاحظه نمایند

یا انشاء الله و اصفیانه نامه اخیر آن محفل مرکزی بتاریخ ۱۱ نوامبر
 واصل گردید و بر مضامین کاملاً اطلاع حاصل . از اقدامات سریع
 متقنه آن محفل نورانی سرور و نشاط و امیدواری کلی حاصل گشت
 و شبهه ای نبوده که نفس این اقدامات که یاران شرق و غرب
 حفظاً و صیانه بلبیت الاعظم در آن اشتراک نموده اند اثرات
 شدیده و فوائد کلیه بخش و غت و شوکت و جلال و وحدت جمع
 اهل کعبه را در انظار حکام ارض و رؤسای ملل و دول ابراز
 و اثبات نماید . هنوز نتیجه معلوم نه ولی آنچه واقع گردد شبهه ای
 نبوده خیر و صلاح امر الله است . من بعد در حین لزوم این عبد
 آن عزیزان جانتان را اطلاع خواهد داد . مطمئن باشید .
 مسئله جمع آثار از امور لازمه مهمه در این ایام است .
 متحد المال محفل مرکزی راجع بکستناخ آیات بسیار مناسب
 امید چنان است افراد اجاباً در جمع نقاط من دون استثناء

اجابت نمایند و این وظیفه مقدسه خویش را با حسنہ و اکملہ اجرا
و اتمام کنند

در خصوص آوارہ بیوفا بہتر آن است اورا بحال خود گذارند
و بار حبش ادنی عستانی نمایند. نہ بر بغض و عداوتش تفرینند
و نہ اقدامی کنند کہ محل نظم شریعہ اللہ و مغایر اصول و مبادی
امرئہ الکیہ باشد. اثال این نفوس بحسنہ ای خود خواهند رسید

در ہم فی خوضہم یغیبون

بندہ استانش شوقی

۳. نو مبر

بواسطه اعضای محترمه محفل مقدس روحانی مرکزی
اعضای محفل محله روحانیه در نشود مقدس ایران حفظ نموده
ملاحظه نمایند

ای سروران لشکریات جمال مجتبیان رب الآیات البینات بانگ
موعود ملکوت را در عالم ناسوت بلند کرد و علم مسین را در شرق زمین بر افروخت
روح حیات را در جسم لکھان بدید و چون لونه نوزد پس مجبات غیب مستور
گشت . مولای بی همتا حضرت عبدالهیا ، این روح ازلیه و قوه قدسیه
را سینی متواریات در حصن حمایت خویش سپرد و رانید و در او آخرت ایم نعم
مظهر صلاهی الهی را بگوش اهل هوش در شمال و جنوب و اقصی بلاد غرب
برساند . بازوی اقتدار و اثر خاتمه شر را بر جسدی از ابرار و اخیار در
جمع اقطار برنگیخت و در میادین انقطاع فدائیان حق را بخرق صفوف
جمل و ضلال امر و دلالت کرد . حقائق مکنونه را مکتوف نمود و سر جانباذ
را بسپاهیان خویش بیاوخت . تعلیمات کافیه و نصائح مشفقانه و
مواعظ حکیمانه میراث مرغوب بگذاشت و بر کز انوار مظهر منور شتابت .
پرچم هدایت کبری را بدست آن برگزیدگان سپرد و بامدادات لاریتیه

خوش از اوج غلی اوعده داد .

ای برادران روحانی در این عصر نورانی بید تعذیر زمام امور را بدست
آن نمایندگان محترم سپرده . سپردگان حق را بدل جان محافظه نمایند
مشیت الهیه شمار پیشوایان و علمداران ضرب مظلوم فرموده افواج منشین
بمقصد اعلی و غایه قصوی که هدایت من علی الارض است تشویق و دلالت
کنید . نمایندگان اسم اعظمید آئین نازنین را از مکاره و شرور و آفات
عالم کون حراست نمایند . نویسن بنیان اقومید از تلوات و نقصانات
و شذوئات ترابیه که محل نظم شریعت الله است احراز و اجتناب تام
نمایند . وظائف مقرر مبرمه خویش را بپاد آید و بهنایت خضوع
و خشوع و تذلل و انکسار و حکمت و انقطاع بخدمت عموم و ترویج مصالح
جمهور پردازید . این بنده ضعیف از احزان و صدمات
دارده و تعدد و تنوع مشاغل و غوائل چندی است از مکاتبه و مراسله
با آن ذوات محترمه که در حمل این ثقل عظم شریک و سهم این عبید
کاین غنی و یلین محروم ممنوع گشته چه که دائره امر الله انا فانا در اتساع و عده
مقبیلین و متخصمین دراز دیاد . سر مکنون مشکوف و نسائم جانپور در فتح

و ظفر روحانیان در تمام اقالیم در محبوب و مرور . در ارض اقدس این
عبد غریق مثل گل گوناگون و در دریای اوراق و اشغال و انکار چنان
مستغرق که دقیقه ای راحت و آسایش مفقود فراغت و آسودگی
مسلوب . وقت آن است اعضای محفل روحانیه که نخبه ابرار و
قدوة اصحابند تمام قوی در توسعه دایره خدمات خویش علی قدر مقدور
همتی جدید بکارند و بر حسب تعلیمات الهیه پس از مشورت تام بحسب
اقتضای زمان و مکان بوسایلی متعنه تشبث گردند و در رسد احتیاجات
انسان و وطن خویش بقدر استطاعت و امکان قدم اول بردارند .
و طائف محفل روحانیه که در بلدان شرق به تشریف آلوده میشوند در الواج
مقدسه مصرح و مبثوث : تحسین اخلاق است و تعلیم معارف . ازله
جهل و نادانی و دفع تعصبات است و تحکیم اساس دین حقیقی در قلوب و
نفوس . اعتماد بر نفس است و اجتناب از تقلید . حسن ترتیب و نظم
در امور است و تمکک بلطافت و نظافت در جمیع احوال و شؤون .
راستی و صداقت است و جرئت و صراحت و شجاعت . ترویج
صنعت و زراعت است و تشیید ارکان تعاون و تقاضد .

حریت و ترقی عالم نساء است و تعلیم اجباری اطفال از بنین و نبات
استحکام اصول مشورت در بین تمام طبقات است و دقت در حسن معامات
تأکید در امانت و دیانت است و صدق نیت و طیب طینت و نبات از
از قیود عالم طبیعت . تقدیس و تنزیه از شرور و مفاسد قویّه مستولیّه بر بلاد
غرب است و تمسک با عدال در بیع و شون و اوقات . تغنّ و تقیق
در علوم و فنون عصریه است و حصر نظر در ترویج مصالح جمهور . تمعن و
تعرض در الواج سماویّه است و تطبیق نصوص الهیه بحالات و اوضاع
و شون حالیه هیئت اجتماعیه . عدم مداخله در امور مشوشه احزاب است
و عدم اعتنا و تعرض بمخاصمات سیاستیه و منازعات مذمبیه و مباحی
سیعنه اجتماعیه حالیه است . صداقت و اطاعت قلباً و لساناً با احکام
مشروعۀ دولت و حکومت است و اقرار از مسلک و افکار و آراء و آیین
مقلدین و متجددین . احترام و توقیر و تحمید و پیروی ارباب هنر و صنعت
است و تکریم و تعزیر صاحبان علوم و معارف . حریت وجدان است
و عدم تنقید و تعرض بعبائد و رسوم و عادات افراد و اقوام و ملل
این است از جمله احتیاجات ضروریّه امم شرقیه . انیت و لطافت

میرمه محتومه اصلیه انمای رحمن نمایندگان بهسایان اعضا
مخاض روحانیه .

ای عزیزان جان نثار معشوق آمل در آن دیار چهره کشاید مگر بتائیس
دادار و توسعه صندوق خیریه که از قبل در محاقیب این عباداشاره و تاکیدت
ملاحظه فرمایند که از کمال میثاق چه تاکیداتی مصرحاً نازل می فرماید :
« شرکت خیریه از تأسیسات رب البریه است زیرا امر بی ایام و کاف
راحت فقرا و عجز و مساکین انام است و سبب تعلیم اطفال و تبلیغ
امر حضرت رحمن باید این شرکت خیریه را نهایت اهمیت بدید تا
نفوس از مبلغین تقسیم گردند و در اطراف به تبلیغ پردازند . ترسیل آیات
نمایند و شرفعات کنند و تفاوت کلمات فرمایند . هر نفی که معاونت
شرکت خیریه نماید در جمیع مراتب تأیید و توفیق الهی شامل گردد و هر نفی
کامل شود و سبب عزت ابدیه آن نفوس گردد . یا اجباء الله علیکم بهذا الامر لمجرور
و المحظوظ الموفور و السعی المشکور و سوف تدون آن کل جمعیه خیریه بصحت نموده
بجنود من الملائه الاملی و غدت منصوره بحیث من الملکوت الانبی »
مقصود از شرکت خیریه همانا صندوق خیریه است که مبرور ایام چون

توسعه یابد اعضای محفل « نهایت دقت و مواظبت و امانت تبرعات
یاران را سرمایه شرکتی قرار دهند و تمام واردات و منافع این شرکت
خیریه را صرف تقدم و پیشرفت امر الله و ترویج منافع عمومی نمایند .
امید و طمید این عبد آن است که بآبادات غیبیه و برکت سماویه و اثر
و عده های الهیه سروران جنود مجتهدة ملکوت الله نفع و ظفیری با بهر نعل
گردند و با جراتی موفق شوند که کل جهانیان از امر و مأمور و حاکم و محکوم
حیران مانند و در صفحات شرق بلکه در تمام جهان از مسدودین و شاخوین
کل شهادت دهند که در یاق اعظم و داروی اکمل و اتم این علل فرمنه
در قبضه بهائیان است و یگانه حلال شکلات مزیاده عالم انسان همانا
روح مشعش حضرت بهاء الله است که در قلب جهان نباض است
و در عرق کائنات جاری و ساری . آنچه را تا بحال انسانی رحمن
در انتظام و استحکام شریعت مولای عالمیان در آن بلدان جمعا و
منفردا بان موفق گشته اند فی الحقیقه قابل تحمید و تعریف و توصیف
و تقدیر است . در بسیل محافظه بیت اعظم که حال تقدیر حق قدیر
در چنگال اهل ضلال بندت کبری متلا فدائیان اسم اعظم روحی هم نهاد

در میدان مبارزه چنان مهمتی نگاشتند و صولتی نمودند که عالمیان از
 قریب و بعید و ضعیف و شریف مدیهوش و حیران گشتند. بماعت
 و معاضدت اولیای الهی در صفحات غرب علی الخصوص در کشور نور
 امریک که حال در نزد حق میدان اشراق انوار و ظهور اسرار است
 قیامی حیرت انگیز نمودند و احتجاجات شدید ای بولاه امور بی پرده
 و حجاب ارسال نمودند. حقیقت آئین مقدس را بر دسای ارض و مصلح
 و مفسوف ساختند و وحدت جمع اهل کعبه را در نظر قریب و بعید قویاً
 و عملاً اثبات فرمودند. ولوله در آفاق انداختند و بمصادر و مقامات
 علیا صیت نبأ عظیم را رساندند. در شریات خویش بعباراتی عبرت
 انگیز بلوک و وزراء و وکلا و سفراء و امناء و رؤساء جهراً به بیانی شیع
 و مخفی نصیح و تبلیغ دعوت باین آئین بدیع نمودند و بوساطت مختلفه و وسایل
 قاطعه به حکومت قوی شوکت را در دو قاره اروپا و امریکا دستگیر
 ظیرو معین خود ساختند. حتی در بعضی نقاط اغیار بصرافت طبع طیب
 خاطر باین کعبه منظم گشتند و در مخبرات رسمیه و احتجاجات شدید
 خود را در سلک بهائیان درآوردند. احقاق حق مظلومین نمودند

و اثبات جرم فاحشین و خائنین کردند . بشارت و معاذت برسانند
 و این آئین رب العالمین بدینوسید خدمت و نصرت فرمودند .
 جمعی از بهادر سفها چنان انگاشتند که پیروان امر حضرت بهاء الله روحی
 و روح من فی الوجود سلطه العذا . مثنی ضعیفانید و در گوشه و کنار بعضی
 از ممالک مظلومه تا آخره افتاده و پراکنده . جمعیان تپشت و روشن
 افسرده و افکارشان پریشان و متقلب . جهت جامعہ معقود و از
 فیوضات روح القدس ممنوع و مایوس . اتباع را در خاد و با حق تعالی
 متباین و مسلک و شرب مختلف و آراء و رسوم مخالف و متناقض
 سبدشان سقیم و تعالیشان مقتبس از قصص کاذبین و اساطیر اولین .
 بنیادشان برباد است و کوبش از آفل . آماشان سراب است
 و تمام مجروداتشان فانی و زائل .

همراشگر شارع قدیر را که حقیقت شریعت الله را بر مدعیان کثوف نمود
 و سطوت قدیمه را در انظار جهانیان از خواص و عوام حبلوه داد
 عنقریب کل شهادت دهند که بهائیان کاس سراسام او مانند
 از تعصبات جاهلانه فارغ و آزاد . هر شتمند و غیورند و توانا و مقتدر

بادرایت و کفایتند و خیرخواه دولت و ملت . پرشده و نشاطند و از
 پیشرفت مقاصدشان پر بخت و انبساط . مستعد از روح فیاضند و تمکک
 بر امدادات متابعه حضرت بی نیاز . عده شان یومافیه و درازداد و نفا
 مسکینه قدسیه شان آنا فائاد و انتشار . در اکثر اقالیم باروحی پر فتوح چون
 فارسان و لیر تسخیر قلوب و تطهیر اخلاق و تزکیه نفوس مانوس . عاملین
 پیام نباتند و رفیعین خمیه وحدت عالم انسان . در شرق و غرب عالم پیروان
 عظم چون اعضا و جوارح یک تن متحد و مرتبط و در ظل نظم عظم تمیید
 بسین و تائیس مدنی بی مثل مشغول . عنقریب زمام امور را بدست گیرند
 و علم استقلال حقیقی را علی رؤس الأشرار برافرازند و شوکت و سطوت
 دیرینه را در انظار اهل مکر و حسد و ظلم و اریاب کشف و مشهود سازند .
 « سر نهیم آیاتانی الآفاق و یعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون »
 بکرات و مرات از ان طهم مرکز عیاق روحی لعظمه العذاب شنیده شد
 که هر چند منطوق بعضی از خصوص کتاب الهی واضح و عیان گردید و حقائق
 مکنونه کشف شد : سطوت ناپیون در گون گشت و علم غرور و استکبار
 سرگون شد . برین آه و خنیش مرتفع گشت و رشک خونین از زمین

شواطی مخصوصه رین جاری شد . معشر روم اسیر غموم و هجوم گشت و
 از کینه ظلم و اعتساف مضحک و نابود شد . زینت ظاهره اش مبدل ببت
 بی منتی شد و چنین نبات دار امل بفلک اشیر متوصل گشت . امپراطوری
 نمسه بکلی منقرض گشت و ممالک وسیعه اش متجزی و پرتیان و دویران شد
 ولی با وجود این وقوعات مهیبه و حوادث مؤلمه که حکایت از نفوذ و عظمت
 کلمه الهیه مینماید هنوز برخی از نصوص مصداقش در پس پرده قضا مکنون
 و تحقق مواعید جانپورش بوقت دیگر مریون . ارض طامون جمال
 اقدس ابھی مرکز سنو حات الهیه گردد و مطلع محبت و فرح عالمیان شود
 ذئاب کاسره علمای دین و دشمنان دیرین و پیکین قلع و قمع گردند انغما
 ستمیده در کمال رفاقت و جلال و عظمت عدل محشور و مجتمع گردند .
 صوت رجال از ارض خا بادیه مسکنه خراسان زلزله بارکان کشور اندازد
 والویه نصر بر قتل آن سامان موج زند « اذ انصرحن المخلصون بنصره
 وینوحن المشرکون » .

از ارض کاف و داء نفوسی او لوالباس معبوث گردند و پرده حجب
 و اشارات و شبهات بر سین را بزدند . کسر مهنام نمایند و تربیت انبیا

جهراً و علانیة بتبشیر و تأیید نمایند « دولت وطنی جمال مبارک در جمیع بسیط
 زمین محترمترین حکومت خواهد گشت و ایران معسورترین بقاع عالم خواهد شد »
 « بهائیان در جمیع علوم و فنون سر حلقه دانایان گردند و کوس علم و دانش را
 در اوج اعلی زنند . مرکز انکشافات عظیمه شوند و مصدر اختراعات نامتناهی
 گردند » و همچنین در دفع شرطالمین و شیت شمل معتدین و اضمحلال فتنه
 خائنین و ارتفاع رایت این چنین و استخلاص و استعلا ی بیت ^{علی} علیین
 نصوص قاطعه با ثمر قلم اعلی مؤکده و مشهور و این بیان اکمل و اتم راجع به بیت
 اعظم از مصدر شیت ماکت امم شصت سال قبل نازل می فرماید :
 « و اذکر ما نزل فی ارض السرفی السینة الاولی لعبدنا المهدی و اخبرنا
 به فیما یرد علی البیت من بعد لئلا یحزنه ما ورد من قبل من الذی اقلدی
 و سرق و عند ربک علم السموات و الارضین . قلنا و قولنا الحق
 ثم اعلم بان لیس هذا اول و هن نزل علی بیتی و قد نزل من قبل
 بما اکتبت ایدی الانطالمین و نینزل علیه من الذلّة ما تجری به الدیور
 عن کل بصیر بصیر کذلک القیناک بما هو استور فی محب الغیب
 و ما اطلع به احد الا الله الغیرنا بحمید . ثم تمضی ایام یرفعه الله بالحق

و یحبدہ علیاً فی الملک بحیث یطوف فی حوله ما العارفين . ہذا قول
 ربک من قبل ان یاتی یوم الفرع قد اخبرناک بہ فی ہذا اللوح لئلا
 یخزنک ماورد علی لہیت بما اکتبت ایدی المحدثین .

در این مقام بداحکمی نداشتہ و ندارد و تغیر و تبدیل حسی تأخیر و تعویق
 تمنع و تسخیر . « لایستی من حرف الا و قد یراہ المنصفون مستویاً
 علی عرش الظہور . » ملاحظہ نمایند علم محیط الہی را کہ چگونه قلم اعلی از
 وقایع جانگداز و جزع و فرع عالیہ بہ بیان درمل آقا شصت سال
 قبل اخبار فرمودہ . در ہر کلمہ ای از زبر و الواح فیض الہیہ تغیر
 و تمنع و تدقیق لازم تا متبصرین و منقطعین و منصفین استنباط معانی مکتوبہ
 نمایند و بر حقایق مودعہ در قالب کلمات عالیات آگاہ و مطلع گردند .

ای برادران روحانی ایام ایام سعی و سرور است نہ یأس
 و قنوط . روز روز ہستقامت و شادی و کامرانی است نہ تردد و
 پریشانی . می فرماید : « امر عظیم است عظیم و مقاومت و مجاہدہ
 جمیع علی و ہم شعیب است شدید . غنقریب نعرہ قبائل افریک
 و امریک و فریاد فرنگ و تاجیک و نالہ ہند و آتمہ چین از روز نزدیک

بلند شود و کل جمیع قوی بمقاومت برخیزند و فارسان میدان الهی
بتأییدی از ملکوت الهی بقوت ایقان و جند عرفان و سپاه پیمان
جند هنالک هر دم از خرابی را ثابت و آشکار کنند .
« قل یا ایها الارض موتوا بغضکم سوف ترتفع اعلام الامر فی کل مدینه
وتستضی منها الدیار »

و همچنین آنچه را یاران الهی و اشغکان دلدادۀ آن دلیبر رحمانی حفظ و
صیانت مقام الرفیع و لمرقده الشریف سعی و بهمت مبذول داشته اند
حتی است قاطع و دلیلی است بابر بر توفۀ امر الله و نفوذ کلمۀ الله و نظم
شریعۀ الله و وحدت دین الله .

حد خدا را که باشر مساعی جمیعۀ همسم عالیۀ یاران جانفشان حوالی
مقامات مقدسۀ از هجوم اهل ثروت و طمع و عدوان بقدر مقدور
محافظه گردید و انصاف و اطراف روفاست مقدسۀ در دامنه کرم
الهی از تسلط و نوایای سیئه اهل حق و حسد تأمین گشت .
انشاء الله بتأییدات الئیه و هدایت سماویۀ پس از تأسیس بیت علی
اعظم و تشکیل اولین مملکت شرعیۀ بجهت بیان عالم این ارضی مجاور

بر حسب شرع مسین و نص صریح بموقوفات امریه تماماً و کلاً محول
و مبدل گردد و مبرور آیام معاهد جلیله و بسته شاهانه و قصور مشیده
و حدائق بدعیه در حوالی مقامات مقدسه تعمیر و تشکیل و تائیس گردد
و نوایای رب عزیز با حسنهما و اکلهما در ارض مقدس جلوه نماید و بر عزت
و شمت و شهرت امر الله بفرماید . و این عهد در وقت حضر بالنیاء
از یاران جان فشان کفیل و حافظ این اراضی مجاوره و ضامن تحقق
این امر خطیر است . ایدنی الله و ایاکم علی خدمه امره و صیاته

شریقه و استعلاء دینه بین العالمین

۱۹۲۶، ۲۳ ک

بنده استانش شوقی

۱۲۱۰ هـ ۱۹۲۶ م از حیفا بشیراز

مصیبت زدگان مجسم جناب سید احمد روحانی جناب محمد صدیق
جناب نصرالله آزادگان جناب پرویز کاویان جناب ابراهیم کاوین
علیم فضل الله الملك الغریز المنان

ایها الصابرون فی البلاء، هر چند نیران ظلم و عدوان شعله اش بجای
آسمان و اهل و آن بازماندگان شهدای عزیز پریشان و منهوم و گرفتار
ولی این واقعه مؤلمه و خبر وحشت اثر و لوله در آفاق اندازد و شور و هی
جدید و انجذاب و نشاطی شدید در قلوب منادیان اهل غرب احدث
نماید. روح ثبوت و رسوخ و انقطاع و جانفشانی در بیا کمال آن تعوی
بدد و امر عظیم تسلیخ را ترویجی فوق العاده دهد و اسباب شهرت
و اعلان امر الله در اقطار عالم گردد و بالمآل عزیزان ستم دیده مظلوم
عزیز و آزاد و سرافراز فرماید. پس محزون گردید مغموم شوید
صابر باشید و شاکر و بوعود محتمنه لاریبسیه آئیه مطمئن و ناظر.
این عبد بی نهایت تأثر و تحسّر و در کمال تضرع و اتتهال از درگاه
غنی متعال آسایش و اقبال و نجات و استخلاص آن بندگان صبور

و شکور را سالت نمایم . آن نفوس زکریه فی الحقیقه فدای اعدای
 این امر عظیم گشتند و در ملکوت ابی با جبر و ثوابی خیرین نائل شدند .
 روحی مظلوم مستم الفداء . زود است منتقم قمار زلزله بآرکان
 دشمنان اندازد و یاران مقهور را منتحز و آزاد و غریز و دشادند نماید .
 ولایتی حرف لا و قدیراه المنصفون مستویاً علی

عرش الظهور

بنده استانش شوقی

۵۲- اعضای محترمه مجله محفل روحانی مرکزی را تأییدی بدیع از ملکوت
 ربّ صیل خواهم. فی الحقیقه آن نمایندگان محترم و انسانی این امر عظم
 در آن کشور مقدس مرجع خدمات عظیمه اند و مروج مصالح عمومیّه ثابت
 بر امر اللهند و حامی شریعه الله. ناصر ضعیفانید و حافظ فقر و محجّز
 از موانع مختلفه و تضییقات شدید و تعدّیات عدیده طول و خسته گرد
 و پشیمان و مأیوس نشوند بلکه با وجود این خدمات و بلیات بیش از
 پیش در تحکیم اساس کوشند و در توسعه دایره تبلیغ و تقویت روابط و
 خارجه جدیدی تبلیغ مبذول دارند چه که مطمئن بود و صریحاً حتمیه الهیه
 هستند و ناظر و منتظر نصرت و ظفر امر الله.

از واقعه مانده خبر پرده شهادت عزیزان حق در جهرم خزن و اندو
 و تحیر و تحسّر شدید حاصل. ببلاد غرب مخابره گردید و بان محفل نورانی
 مغرافیا پیامی مفصل ابلاغ گردید و همچنین مغرافیا تأکید گشت که محفل عارفانه
 در صفحات ایران و ترکستان و قفقاز یا بهایت روح و ریحان و نبات
 و اتقان پیچیده انتقابات نمایند. امید چنان است که مآل باین غنی فوق
 و نائل گردند. حال این عبد مکرّم و منتظر وصول تفصیل این واقعه

نوملّه هستم تا در حین لزوم بواسطه محفل غرب با اولیای امور چه
 در ایران و چه در مراکز خارج مستقیماً مخبره گردد. این حوادث محزنه
 و انقلابات اخیر هر چند اسباب پریشانی و قتل و غارت نفوس عزیزه
 مومنّه است ولی در باطن مدد و ترویج و مثبت امر الله است .
 صیت نبأ عظیم را در اقلیم بلند نماید و بر شوکت و قوه و جلوه آئین
 بهائی بنمیزاید .

یاران را تسلیم و اطمینان دهید و بوعود الهیه و شست شمل اعداء
 و سطوع کواکب عزت ابدیه اجابت ذکر دارید . بیان مبارک را بیاد
 آرید : ولا یبقی من حرف الا وقد یراه المنصفون مستویاً علی عرش
 الظهور . زود است عظمت و حقیقت و عزت این امر الهی بر
 عافان ارض ثابت و مشهود گردد . اذا یفرح المؤمنون .
 بنده آستانش شوقی

۵۴- برادران و خواهران روحانی و حبای الهی و امام الرحمن در صفات
ایران و قفقاز و ترکستان و اقلیم مصر و هندوستان و ترکیه
و سوریه و عراق عظمی الله طهره اطلاق نمایند

هوالمحافظ العبدیر

ای عشاق و فدایان نبیته آفاق در ایندم که از مشاغل بسیار
ارض اقدس فی الجمله فراغت یافته و فرصتی بدست آورده قلب
حزین را بگروه نوین که در مشرق زمین از تابع محن و بلا یا پناه و شنیدند
توجه ساخته بادی سوزان و خاطری پریشان بیاد آن مظلومان و
سوخنگان نازیده عدوان مألوف و متذکرتم. تفصیل واقع مولد
و کیفیت شهادت آن اجداد اصحاب را بیاد آورده بدرگاه رب بی نیاز
باین مناجات و مساز که: ای حق توانا و مولای بهیما تو دادرس
ضعفائی و یگانه طلبا اولیا. پناه هسته دلانی و دستگیر هر درماده
بی نوا. قطرات دم شهیدانت را تقسم جباری و ایران دام جفا
ناجی و مقتدی قهار. از من علی نظری بابل و فادو سرستان جام
بلانما و از پس پرده غیب قدرت دیرینه آشکار کن. صفوف اشقیاء

در هم شکن و جمع او دارا تالیف و رونقی ده. اشرار حقوق و جور را مقهور و
 نابالغان و اصفیای مظلوم را آزاد و سراسر از فرما. ادویای امور را در این
 واقعۀ جانسوز بشا پراه عدالت دلالت کن و جمهور ناس را در خاور و باختر
 بر این وقایع چون ک مطلع و آگاه فرما. علانۀ ناشرات را بکشف حقایق
 مجهولۀ نامور کن و ضمایر پاکدلان را بیدار فرما. اقویای ارض را بر نصرت
 و حمایت این فتنه بی گناه مسووت فرما و آه غمزدگان را راندۀ در آفاق غم
 تو شاید و آگاهی که در این طوفان اخیر محرکین پرتدیس و علمای چون
 ابلیس چه فساد می بر پا نمودند و چه آتشی بر افروختند. جهال عوام
 چه ناست و ذناتی نمودند و چه رعب و آشوبی در قلوب ساده دلان
 بنیداختند. اشرار بست و عن زبان گشودند و پرده شرم و حیاء بریدند
 ابرار جام شهادت نوشیدند و بازماندگان بسیر و سامان زهر هر بلایی
 چشیدند. طفل معصوم را جسد قطعه قطعه نمودند و زنان پرده نشین را
 در معرض فدا بشکلی قبیح مقبول ساختند. اموال ببالان و تاراج
 بردند و مسکن و مأوای بیچارگان آتش زدند. بسکلی غمگشته بخون سپردند
 نازنین را بدست پدر پیر یا توان در کوچه و بازار بر خاک کشاندند و بنان

و شمشیر آن بیا کل مقدسه خون آلود را شره شره نمودند و به لب باز
 سپردند . ای منتقد قدیر این جلایای متوالیه تا کی و این تضییقات
 شدید تا چند . عشاق پرشوق و انتظارات را در چنگ ظالمان ابر
 مبتلا کردند . تودانی که درماندگان را صبر و قرار می نمانده و زمام تدبیر
 از کف برفه پس بید اقتدار از حبشیت برون آرد آمال هشتاد
 ساله عزیزانت را در عرض ششود جلوه ده . جز تو نداریم . جز تو نخواهیم
 جز تو نشایم . بر عون و عنایت تو کلیم و بوعود حمیه ات شاد و مطمئن .
 ای بسینده شوا قدرتی بنا و فرجی عطا کن . این امرناز نیست را
 بمقامی منسج برسان و در تکبیر این عمل شنیع را مجازاتی سریع ده .
 خاصانت را از قید اسارت پر حلال برهان و بر مسند رفعت بنیوال
 بنشان . سراج آزادی و جدان را در قلب آن سامان برافروز
 و ظلام دیکور او دام را محو و زائل کن تا ناخمن روحانیان در آن بلدان
 نفس را حق برآرند و حیاتی تازه جویند . دوره ای جدید از سر گیرند و با
 تبلیغ آزادی و شادمانی گسترانند . قدم بمیدان عمل گذارند و قیامی
 عاشقانه نمایند . علم همت برافرازند و دلوله در اقالیم شرق اندازند

زمام را بدست گیرند و مهیت اجتماعی را احیا فرمایند . بر ملا کوس یا مجا
زنند و در یاق عظم را بعیلان تشنه لب رسانند . مبادی سامیه
حضرت بهاء الله را علی رؤس الاشهاد فریاد زنند و مردگان ناسوت
از نام یوم موعود حیات و نشئه جدید بخشدند . ارکان مدنیت الهیه
بنهند و قصر شید و حدت عالم انسانی را مرتفع سازند . مصدر خیرات
عظیمه گردند و مرکز اکتشافات عجیبه شوند . هم عظم را شهر در آفاق
گردانند و عالم ادنی را مرات جهان بالا نمایند . توئی مجیر توئی دستگیر
توئی مقدر و توئی توانا .

فدیکم بروجی کبیشوتی یا ملا ، العشاق . هر چند در مشرق زمین آئین
نازنین حضرت رب العالمین در تحت محالب ظالمان پر کین متبا و
اسیر است و حارسان امر بین در اشد محنت و فشار ولی هزار شکر
حضرت خفی الالطاف را که با اثر تعلیمات و ارشادات و مواعظ حکیمانه
مشفقانه رب عزیز و مولای بی نظیر حضرت عبدالهبا ، جو ابر لوجود غلظه
الهداء که در صوامع و مجامع اوروپ و امریک باعلی التذاء بیان
و اعلان نموده آوازه امر الهی در باقر مرتفع و انوارش ساطع

و آثارش ظاهر و نفیاش متضوع « انه قد اشرق من جهة الشرق
 و غرت في الغرب آثاره » آن تهنهای افشاندۀ ید غایتش در ارضی
 قلوب جای گرفته و آن کلمات و بیانات هر پروردگرازش جمعی بیدار
 و پرانستباه ساخته . فیض از ملکوت علی در زیرش است و روح از به
 اش از قطعه احراق در تابش . حواریون حضرت بهاء الله فدیم
 بروحی و راحتی در ممالک شاسعه آزاد میآید و نهارا در جوش و خروشند
 و از پیشرفت مقاصد عالیه خوش و لگرم دل شاد . اسباب میآید و گنگا
 تبلیغ وسیع . آزادی افکار موجود . نفوس میوشمند و غیور مستعد و طالب
 از باب هنر و همت در تجسس و تفحص و افکار جمهور مبادی اساسیه یوم
 ظهور متوجه و آنوس . انصار و علماء از ان حزب مظلوم نفع اقلیم جدید
 مشغولند و ترویج و تعمیم و تفهیم حقائق مکنونه در شریعت مقدسه الهیه
 مألوف . الواح مبارکه را با لسن متعدده در نهایت اتقان ترجمه
 و طبع نموده و در انحاء معهور بیتی عجیب منتشر ساخته . بتالیف کتب
 و جمع آثار و تائیس محلات امریه و انعقاد انجمنهای علمیه و ادبیه و توسعه
 دائره منابر و مراسلات محفل روحانیه پرداخته . در تهیه و سال

و ایجا در روابط قیمیه رسمیه باد و ائرو مقامات مالیه شب و روز سامی
 و جا بدهند . با اجله نفوس از تمام طبقات و اجناس و ادیان محشور و
 نموانند و با نخبه ای از رجال دولت و ملت که بصیر و غیور و پاک
 طینت و معروفند همدم و همسراز . کثیری از کمترین مجال قسم
 که در اطوار و سکنت و سعی و بهمت و افتادگی و فرزانگی و ثبات و تقوی
 و انقطاع فی الحقیقه سر حلقه خادمین و خدمات آستان مقدس است
 و سر مشق مجبور و مقینین و موقوفات اخیراً در میدان تبلیغ بغور و ظفری با هر
 فائز و نائل گشته . این خانم محترمه امه الله المتقربه مارثا روت
 که سجایا و ادعاش در صفحات او راق مسطور و مشهور و نزد یاران شرق
 و غرب هر دو معروف و مشهور در این سنه اخیره بی معین و دلیل منقطعاً
 عن الجہات و حیداً فریداً با مزاجی علیل و بضاعتی فرجاءه بدیاریا بلغار
 و صقلاب شتافت تا در آن صفحات نیز مانند سایر ملدان ندای قد
 اتی الرحمن را بسمع و شریف و میر و جوان رساند . آن برگزیده
 اعظم بنم بدیاریا غربت شتافت و با وجود تا عجب بشمار چندی در
 عاصمه مملکت رومانیای توقف نمود . زاد و توشه ای خبر توکل و تعویض

نداشت و این و همدی جز تاوت آثار و مطالعه آیات نبوت و نبوت
 آن سرور سلطنت و معتدای مومنات با عزمی آئین و قلبی تشنه و درو
 طلم قصد دوازده مقامات عالیه نمود و در فکر حضور در محضر ملکه آن یار بنیاد
 تا پیام الهی را شخصاً بسمع تا جداران آن مملکت رساند و آثار قلم علی
 خود بدست آن ملکه زمان سپارد. وقتی وارد عاصمه آن مملکت گشت که
 قلب علیحضرت شریاری از حرکات ناشایسته و بیحد خویش و تنال
 پسر عزیزش از ولایت خویش اسیر غموم و محموم بود و از انقلابات کشوری
 ملکه و پریشان. آن پیا مبر فرح و سلام فرصت را غنیمت شمرد و توجّه
 بمقتب القلوب نمود و بسوی ملکه متوجّه و علی بنده مسبب الاسباب بشافت
 تا قلب آزرده آن مادر غمنازه را بمغایط محبت الله بر باید و تسکین
 و طمینان و تسلیت بخشید. وظیفه خویش را بعون و عنایت حضرت
 احدیه با تمام و انجام رسانید و چون لمعه نور شعله بسینای قلب آن
 شهیره آفاق زد و منظر و منصور بدیار آخری بشافت. فبمثل
 بذالطیلع العاطون. چندی نگذشت که باثر و عود آئینه و آید آ
 لاریبیه غیبیه ملاحظه گردید که در اوراق اخبار که در صفحات اروپ

و امریک توزیع و منتشر میکرد شایل آن مکه محبّه درج گردیده و در حاشیه
 آن کلمات پر حلاوتی و عبارات تینّه ای که از قلم آن مکه درخت و وصف
 حضرت بهاء الله و حضرت عبد البهاء صادر گشته بحروف علی
 مطبوع و منتشر. این مکه که بانه خانواده ملوکانه وصلت نموده و ارتباط
 یافته و باین سبب بر حشمت و نفوذ و شوکت خویش فخر نموده خود
 فاضله و نگارنده ای معروف و تألیفاتش در عوالم بلاد متعمده منتشر و
 مشهور و فضل و کمالش و لیاقت و استعدادش در دوائر عالیّه مقامات
 رسمیه و معابد علمیه مسلم و مشبوت و از جمله کلماتش این خطاب در برابر
 که از قرار معلوم معجوم اهل عالم نموده و رأساً بدون واسطه و ادنی خط
 ای جبراً و علانیه علی رؤس الاشهاد اعلان نموده فریاد برآورده که ای
 جمهورناس " چه بدیع پیامی است که حضرت بهاء الله و فرزندش
 حضرت عبد البهاء بجا ابلاغ فرموده اند. در تبلیغ این پیام تقوّه
 جبریه اقدام ننمودند و تمسک نخبستند چه که یقین بین دانستند که بذر
 حقیقت از تیه که اس اساس این پیام الهی است بالمال ریشه دواند
 و سرایت کند و انتشار یابد

اگر نام بجا آید یا عبد الہا بمع شمار رسید از آثارشان غنفت
نمائید و در بر گردانید . در طلب کتبشان بدقت جستجو نمائید تا آیات
بنیات و کلمات عالیات صلح پرور محبت انگیزشان را در دل و جان
خود چنانچه در قلب من جای گرفته جای دهید

بوی این تعالیم شتابید و بر سرست و جہان بفرمائید .
تعالی تعالی قدرۃ الغالبۃ علی الممکنات . تعالی تعالی کلمۃ النافذۃ
فی حقائق الموجودات . تعالی تعالی امرہ العظیم المہمۃ من سطوۃ
الأرضین و السموات قد خضعت لہ الأعناق و خضعت لہ الأصوات
و عنت لہ الوجوہ فسمان ربنا الایہی .

ای برادران و خواہران روحانی آہ مظلومان است کہ این شور
و آشوب را در دل و جان مہتران اروپا فکندہ و افروختگی رخ
جان نثاران مجتہن ایران است کہ انعکاسش در قلب لطیف آن
ملکہ زمان ظاہر و مہوید آگشتہ .

زہی حسرت و افسوس کہ سلاطین شرق و امرا و علمای عظام قدر
و منزلت این آئین نازنین را ندانستند بکہ تمام قوی قلع و قمع و زجر

و تهدید و تشیت و ضحکال این فتنه مظلومه قیام و اقدام نمودند؛ سبیل
مکرم حضرت اعلی را بدار آویختند و سینه مطهر را تیر باران نمودند جمال
قدم را در قعر زندان بنیداختند و چهار مرتبه سرگون بلاد نمودند آخر الامر
در قلعه مغموره علکاً مدام الحیاة مسجون و منفی ساختند.

حضرت عبداللہاء را پنجاه سال در محن اعظم بانواع بلا یا معذب
نمودند و بانواع دسائس در قتل و آزار و تحقیر آن مولای عزیز و حسون
ہمت بگماشتند.

و اخیراً در این ایام با وجود احتجاجات شدیدہ و مخابرات عدیدہ و
تمسک با سبب متعنه مستینہ و توسل بوسائل رسمیه و اقامہ بر این کافیه
و ادلہ محکمہ و حج قاطعہ ملک عراق ایذہ اللہ اجابت دعوت پیروان
نیرافاق را ننمود و اعتنائی بخواطف قلبیہ بہائیان نکرد. بر عین
بیت اعظم کلمہ اعتراضی بر زبان نراند و بر مقاومت دسائس و تعدیات
اہل نفاق بر نخواست. در احقاق حق مظلومین لب نگشود و جوابی
در تکیس ملہوفین و تسلیت منکوبین نداد.

حال مشیت غالبہ مولای مختار بر این قرار گرفته کہ نور شناسائی

۵۷- اجبای الهی و امام الرحمن در کشور مقدس ایران و قفقاز یا ترکستان
 و صفحات هندوستان و اقلیم مصر و عراق و ممالک
 ترکیه و برتیه اشام طرّاً ملاحظه نمایند
 هو الله

روحی و ما اعطانی ربّی فداءً ثباتکم یا ملاء المؤمنین . در تعقیب
 رساله اخیر راجع بگفتار و پذیران بابوی نیک اختر علیحضرت ملکه
 رومایا اداها الله کهنهاً للضعفاء و تمایش بتعالیم جان پرور حضرت
 بهاء الله ارواح الملائه علی السلطنة العذراء از مصداق موشوقه اخیراً
 نوید ظهور و بروز اثراتی فرح بخش و آثاری جان فشاننده ابرامع این مشتاق
 مترادفاً و اصل که کل ازوله و اشتغلی و تعلق قلبی و انعطاف آن ملکه
 نسبت باین حزب مظلوم حکایت نموده و مینماید . چندی قبل در
 جواب مرقومه آن گنجینه پیشوای مسلمین و مبتغات مس مارثاروت
 خود ملکه بنفسها جبراً و علانیته تغرافاً بآن مؤمنه موقنه را ساجز
 نمود و تمنای ایصال این پیام روحانی را بهبانیان مظلوم نموده بدو یقین
 بسین بدانید که در احساسات و عواطف قلبیه با شما شریک و بر عهد

و نشاط و سروری بی اندازه یابیم. از بهوب اریح جلا آزرده نیریم
 و آفرینشیم. کلام حق را بیاد آریم که می فرماید :
 « قد جعل الله للبداء غادیه لهذا الله مکره الخضر و ذبالة لمصباح الله
 اشرق من الارض والسماء » .

باید نظر را بان قوه قدسیه لا شرقیه و لا غربیه متوجه ساخت و در این
 احزان و آلام وارده تسلیت جست . وقت آن است که تمنع و
 تغرس در آثارش بنائیم و بمعانی مکنونه و اشارات مودعه در کلمات
 عایاتش پی بریم . خود را مستعد و همایای یوم نجات و استیلاص
 و مشارکت بامایران غرب در خدمات کلیه و تحقق نوایای معده
 رب عزیز سازیم . بجدیت و فعالیت و روح در میان تشبیه ارکان
 امر و اتساع دائره خدمات علی قدر مقدور بپردازیم و در دفع شر آشرا
 بعد از مشورت کامل و تدبر و تفکر بقدر وسع و استطاعت کوشیم و
 شون داخله خویش را تنظیم و ترتیب دهیم . بر یکا نگلی و لغت و
 تفاهیم و تعاضد بنفیر بنسیم و در ادامه و توسعه و تکمیل و تکمیل و تفهیم
 نهیستات و تکلیفات امریه تا نفس اخیره تمت میغ مبذول داریم

تا از پس پرده قضا ید تقدیر چه ظاهر نماید و چه اسباب غیبیه ای ایجا
فرماید. لیس لنا الا التسلیم والرضا انه سمیع الدعاء و الحاکم

علی مایشاء

بندۂ استانش شوقی

خزیران ۱۹۲۶

۵۵- اعضای محرمه محفل مقدس روحانی درکزی کشور مقدس ایران

عظیم الله و اید هم ملاحظه نمایند

هو الله

یا امانا، الرحمن و اصفیاء چندی قبل نامه ای عمومی مرقوم و ارسال
گردید و اخیراً تلوا فی مشعر بر فتوحات عظیمه روحانیه که در صفحات غرب
این آیام در جلوه و بروز است بعنوان آن محفل مقدس ارسال گشت ..
ندای امر عظیم بسمع تا اجداران و احاطم احم رسیده و ولوله در جهان انبثه
صلای الهی بوسا ئلی حیرت انگیز هم غیفری را بیدار و هوشیار نموده و
حقیقت این آئین نازنین بحجده و همت نخبه ای از مبلغین در قلوب بعضی از
رجال ملت ثابت و استوار گشته . نتایج و ثمراتش ان شاء الله در
مستقبل قریب ظاهر و مبرهن و مشتهر گردد . یاران مظلوم مستعیده یاران
دائیات و تسلیم و اطمینان رهید و سفارش و تأکید نمایند که جمعا
و منفرداً بتضرع و مناجات مشغول گردند . بجزا نه نهای موعوده الهیه
پردازند و تحقق مواعید الهیه را کاملاً سریعاً مسئلت نمایند زیرا
علاماتش بابر و آثار اولیه اش ظاهر و واضح گشته . سر حلقه مبلغین

و مبلغات و سرور خادین و عادات شمیره آفاق امة الله المقربه
 و اشارت بفتح مدائن قلوب یثا و نهار مشغول و بخودتاید مؤید
 بعضی از نامه های فرح بخش آن خانم محترمه را الفبا ارسال میدارم تا سیرت
 بنهایت دقت ترجمه نموده در متحد المال محفل مرکزی کا ملا درج نمایند
 و در تمام صفحات ایران خصوصاً و بلدان شرق عموماً انتشار و بیدار
 کل مطلع و واقف گردند که حضرت بهاء الله چه نفوس معده ای
 و بهای کل محبده ای در حیران مکان معجوت فرموده . انکسارات
 این مجسم عالیه عنقریب کشور ایران را منور نماید و از ظلام اسارت
 و جهالت و عسرت نجات دهد و آزاد نماید و آن بذا لکوعده محموم .
 بنده استانش شوقی

تموز ۱۹۲۶

۵۶- اعضای محرمه محفل مقدس روحانی مرکزی کشور ایران

و فقه الله ملاحظه نمایند

هو الله

ای حبیبان با وفا و خادمان و حارسان امر حلال اقدس ابی
نامه های اخیر آن محفل مقدس نورانی بتاریخ ۵ و ۶ و ۱۰ شهر الرمح
و اصل و بدقت مطالعه گردید و بر مطالب و محتویاتش اطلاع تام حاصل
گشت . در خصوص مساعده یاران بصندوق خیریه اقبال و فیما
تأکید گشت که بجزد تأسیس و تشکیل محفل روحانی باید من دون تأخیر صندوق
خیریه ای نیز تأسیس و اعلان گردد و اعضای محفل شور هر چندی عموماً
و کتباً بجای الهی را دعوت و ترغیب و تشجیع بر اعانه نمایند و آنچه
در این صندوق خیریه جمع گردد تمام آن در تحت اداره مطلقه کامله
دامنه اعضای محفل روحانی است و هیچ کس از حق مداخله و تصرف نبو
و نیست . آنچه را اعضای محفل شور بالاتفاق قرار دهند و هر مبلغی
تعیین و تخصیص نمایند باید این صندوق من دون زیاده و نقصان
ادانماید و اگر چنانچه اتفاق آراء غیر ممکن آنچه اکثریت قرار دهد

مقبول و مجری است هیچ نفسی را منفرداً و مستقلاً حق تصرف در
واردات محفل روحانیه نبوده و نیست. باید هیئت پس از مشورت
و تفحص و تدقیق در لوازم امریه و احتیاجات نفوس بقدر قوت و
استطاعت خویش تخصیصاتی معین نمایند تا فقرا و عجزا و محتاجین از
تمام طبقات برخوردار آید ماسعده کردند و منافع عمومی و مصالح امریه
نیز ترویجی سریع یابد.

و همچنین تشکیل و ادامه و توسعه صندوق خیریه مرکزی کشوری و تسلیم
ایران که از الزم لوازم و امور اساسیه محسوب تا بحال بنحوی که باید
و شاید ممکن نگشته. باید اجبای الهی و امانا و الرحمن را در تمام کشور
ایران باین امر مهم دلالت کرد زیرا اعانه بصندوق خیریه مرکزی
مقدم براعانه صندوق خیریه محلی بوده و هست چه که از عوامل مهمه
بلکه گانه محور اقدامات و تشکیلات و تأسیسات امریه است.
حسن و ادا ولی آنکه عموم افراد در تمام تسلیم ایران و محافل روحانیه
نقاط امریه مشترکاً بصندوق خیریه مرکزی مستمراً اعانه نمایند تا
اسباب ترویج این امر عظیم در مرکز و سایر نقاط گامی بسببی و یلیق

فراهم گردد و واردات صندوق خیریه مرکزی بجاها در تحت تصرف
 و اداره مطلقه اعضای محض روحانی مرکزی است .
 و فقهم الله علی وقایه امره و اعزاز دینه و بسط تعالیمه و هدایه خلقه

فی ملک الانحاء

بنده استانش شوقی

تموز ۱۹۲۶

۵۷- اجبای الهی و امام الرحمن در کشور مقدس ایران و قفقاز یا ترکستان
 و صفحات هندوستان و اقلیم مصر و عراق و ممالک
 ترکیه و برتیه اشام طرّاً ملاحظه نمایند
 هو الله

روحی و ما اعطانی ربّی فداءً ثباتکم یا ملاء المؤمنین . در تعقیب
 رساله اخیر راجع بگنجتار و پذیران بابوی نیک اختر علیحضرت ملکه
 رومایا اداها الله کهنفاً للضعفاء و تمایش بتعالیم جان پرور حضرت
 بهاء الله ارواح الملائه علی السلطنة العذراء از مصداق موشوقه اخیراً
 نوید ظهور و بروز اثراتی فرح بخش و آثاری جان فشاننده ابرامع این مشتاق
 مترادفاً و اصل که کل ازوله و اشتغلی و تعلق قلبی و انعطاف آن ملکه
 نسبت باین حزب مظلوم حکایت نموده و مینماید . چندی قبل در
 جواب مرقومه آن گنجانه پیشوای مسلمین و مبلغات مس مارثاروت
 خود ملکه بنفسها جبراً و علانیته تغرافاً بآن مؤمنه موقنه را ساجز
 نمود و تمنای ایصال این پیام روحانی را بهبانیان مظلوم نموده بدین
 بسین بدانید که در احساسات و عواطف قلبیه با شما شریک و بر عهد

مودت قائم و ثابت . آمال و آرزویم تعلیم پیام بدیع حضرت عبداللہ است
 انتہی . حمد و ثناء البقی الا بھی بابت تک الاستار و بطرفیضہ
 الممدار و کشف غلام الا حزن و الا کدار بطلوع فجر و عده المحکم الکرم
 حال نغمہ مولا ی بہتیا حضرت عبداللہ ، روح الوجود لرشحات
 قلہ الغداء بدایت طلوع است و آغاز جلوہ جمال موعود . من بعد
 بر جہان و جہانیاں مشکوف و معلوم گردد کہ این بھبار چہ بہار روحا
 بود و این قسمن چہ قرن غورانی و آن بذالوعد غیر مکتوب .
 ولی ای برادران و خواہران روحانی گمان نرود کہ آن متوجہ الی
 و شیفتہ تعلیم مقدسہ حضرت بہا ، اللہ تبارک و کالاً لہم شام شناس
 و معرفت حقیقی این آئین عظیم رسیدہ و ندای است مغرور و کلید
 الہیہ را چون مومن دلدادہ تصدیق و اجابت نمودہ . این قبول
 و اذعان ہنوز در پیش است و بچہ فتح و ظفری بی مشیل از عقب
 تا تقدیرات حق قدیر از افق قلب محمد آن ملک چہ ظاہر و مشرق فرماید
 سیوفی اللہ و عده و لتیمس امر اکان مفعولاً . آنچه تا بحال واقع
 گشتہ و تحقق یافتہ و حقیقتش تعلیم سبہ را فرا گرفته بہمانا شہادت

بر ملاوت آن ملکه قوی شوکت روشن ضمیر است که باین مضمون در
 بین خلایق خود اعلان نموده و انتشار داده که پیام مسجون و مظلوم
 عالم کاشف گردوب و مهوم این جهان ظلمانی است و حلال مشکلات
 مترایده عالم انسانی . حجت جانم شراعی الهیه است و دافع در دفع
 اختلافات و تبانیات مذمبه است . اس اساش روح الهی است
 و قوه دافعه اش محبت الله و چنان مجذوب و شیفته حقیقت
 آن تعالیم و مبادی سامیه گشته و بجدی فرح و تسلیم و طمیان
 حاصل نموده که امرهایونی صادر فرموده تا آنچه از کتب و صحف امریه
 موجود و بدست آید بمقر سلطنت ارسال گردد تا بصیغه نورسیده خویش
 نصائح قلم ابھی را خود تعلیم و تلقین نماید و از بدو حیات آن امیره
 پر استعداد و اب روح نباض شرعی حضرت بهاء الله مطلق و آشنا
 گردانند . بده اول حرکت شاعت و ذاعت صیتهای فی الاقطار
 و سوف یسمعن المقرّبون نغمت هذا الصافور و نقرات هذا القور
 ترن فی قطب الافاق بان جندنا لهم الغالبون . و این عجب
 نظر باعلان عمومی و پیام خصوصی که علیحضرت ملکه انتشار داده و

مجموعه بھسائیان ابلاغ نموده از لسان برادران و خواهران روحانی
 در بلدان شرق و غرب مراسم قدر دانی و مراتب شکر گذاری را از اسأ
 اجرا و اظهار نمود. دعا و تضرع نمایند تا آنچه مقدر گشته زودتر تحقق
 یابد و انعکاسات این امر خطیر در قلوب زبردستان تأثیری شدید
 بخشد و بسینوایان را بتدیرج از ورطه بلار ماند و باوج رفعت و رفا
 رساند و در آینده در صورت لزوم و احتیاج بمحافل مرکزی اشاره خوا
 شد که چنین اظهاری از طرف عموم بھسائیان در اقلیم خویش نمایند
 ولی عجائبات فایده از طرف محافل روحانیه و افراد یاران مستحب
 و لازم نیست.

ای جان نشان بیل الہی از قرار مکاتیب وارده اشتیاق و محرمین
 فاجعه بھسم بجای جرم نرسیدند و از قید قصاص و عقاب رها
 یافتند. از قرار معلوم نائزہ فساد در اندیارسنوز مشعل و یاران بی
 امان و قشت و ہراسان. بدخوان و جفاکاران بکینند و عزیزان حق بی
 طبا و معین. عوانان گمی دست تجاوز گشایند و گمی بکبر و دسیہ
 جدید پر دارند. زہی حیرت و عبرت کہ با وجود این وقایع فحش

و تعذبات شنیعه و احتجاجات شدید و مخبرات عدیده سفر او
وزراء و حکومت و ارباب جرائد و صاحبان علوم و معارف را قطعاً
متحدّه عالم و بیان نامه شیع و مبوط و متین و جامعی که اعضای محرمه
مجلس مجتلی مرکزی روحانی اقلیم امریک را تا بهر آن ارسال داشته
و مقاله ای که آن هیئت محرمه بسبب جریده از جرائد معتبره معروفه
ایالات متحده و کنده ارسال داشته اند و ترجمه هر دو لغتاً ارسال میگردد
با وجود این اقدامات و مخبرات محرکین و متکلمین و مجربین مؤلفه
گشتند و بجای اعمال شنیعه قبیه خود نرسیدند و در دربار عدالت
کامیابی و طبع محکوم و مقهور نگشتند بلکه بالعکس شفاعت شتی از علماء
سوء و تهدیدات نخیفه آنان بعضی از متحصّرين و محرکین مستخلص
گشتند و نجات یافتند. آنانند نفوس که در حقشان از قلم اعلی نازل
نبا لقوم حکیم علیم کلامهم الا نختسم من الآخرین.

مقصود انتقاد و تزییف و اعتراض بر حکام و نمایندگان محترم آن
اقلیم جلیل نبوده. حاشا ثم حاشا. این مظلومان بگناه بکلمه ای که
منافیر اصول و تعلیمات و تأکیدات مصدّره قلم اعلی که در توقیر و احاطه

و خیرخواهی اویابی امور نازل گشته تفوه نمایند . پس ناچار تسلیم
و آرزو و اطاعت و الانقیاد و انخسوع و انخشوع و الاستغاثه الی
الله و اتوسل الیه ان یؤید حضرت سلطان علی ما هو خیر له فی مملکة و
ملکوتہ و یبارک سریره بطراز العدل و الانصاف و یجعله ناصرًا لأمره
المبارک المقدس المنزه العظیم .

ای یاران پر وفا هر قدر طوفان بلا شدید تر در ابراج محن و درزایان سوز
گرد محیط عظیم امرائی امواجش بر تفع تر و جوش و خروشش قیامت
و در دلتای افکنده اش بر ساحل وجودشین تر و بد بعیر مشاهده شود .
چنانچه ثابت و برهن گشت که فشار تضییقات اخیره رغما لکل مقصد
ایشیم میدانی وسیع و فستحی بدیع و جولانگاهی جدید بر وجه اهل بجاگشود
و مغلوبیت و مقهوریت ظاهره استمدیدگان راه نیردان در ایران
علت رفعت و استعدای امر مقدس در مقامات عالیہ گشت .

شیت حق قدر بر این تعلق گرفته و حکمت بالغه الهیه چنین اقتضای نموده
که خاصان حق در کشور مقدس ایران مال و منال حتی دم و تپهر خویش را
ایثار نمایند تا شجره امید سعایت گردد و بر برگ و میوه های گوناگون زمین

شود و مبرورایام اقوام و قبایل و مل مستنوعه متباغضه اروپا و امریک
 و آسیا و آفریک را در ظل طلایش در آورده و تالیف دهد . تا آنکه
 هذه موهبه لاشیل بهانی الابداع تیمنا ما اهل خباء المجد فی النجبة تعلیا
 خوشحال شمای برگزیده گان حضرت کبریا ، چه که نخبه احسنه ارید
 و سرور اختیار . در بونه امتحان کوارا و حرارا چون ذنب ابریز
 رخ بر افروخته و از لواحق فستان غموش و سرده بگشاید . شماید
 سروران حقیقی جند ملکوت الله . شماید منادیان حقیقی امر محال
 ابھی . ملح از ضیید و چون شریان در جسم امکان نباض . عرق
 حیایید و مایه نجات و سعادت جهان و جهانیان . حال با وجود این
 موانع حالیه و متاعب و مصائب متابعه عدیده شایسته و سراد
 جند بها آن است که سالکان بسیل اقوم در حبس بونه بلاد و اجزای بیکی
 و طائف مبرمه مقدسه خویش نیز سعی کامل مبذول فرمایند . هر چند
 مبتلا و پریشانند دقیقه ای از آنچه فریضه افراد اهل محاسن غفلت
 نمایند و اجمال و فتور بخود راه ندهند و از فرائض مهمه که از قبل بآن
 اشاره گشت اعظم و الزم از کل امر مهمسم تبلیغ است . زنده از آنها

امر تبلیغ دقیقه ای معوق و معطل ماند زیرا امر تبلیغ مقصد اصلی
 اقدامات امریه میسران است و مایه سعادت ابدیه آنان . باید
 بهر وسیله ای که ممکن و میسر باشد جوانان بهوشیار پاک طینت را
 ترغیب و تشویق نمود تا نور سیدگان ازینین و بنات مبادی و اصول
 تبلیغ را بیا موزند و بزرویت و فوائد و منافع کلیه آن اقناع و آشنا
 گردند . و از جمله فرائض حمیه احبای الهی تبیین و اثبات عمومت
 و جامعیت و علویت آئین حضرت بهاء الله است . باید
 بمشورت و صوابدید محافل روحانیه بوسائل فعاله تشبث نمود و با اجرا
 مینه توسل یافت تا بیکانگان از تمام فرق و نحل اقناع شوند و اذعان
 نمایند و شهادت دهند که پیروان حضرت بهاء الله فی الحقیقه قلباً
 و فعلاً و لساناً عالم بیننده خودمین . خادمان حقیقی نوع انسانند
 و در خیرخواهی و خدمتگزاری و مهربانی هیچ ملت و فرقه و طبقه ای را
 ترجیح برد دیگری ندهند و ستشی و خارج نشمرند . از قیود و سلاسل تعصبان
 فارغ و آزادند و از حمیه جاهلیه دور و درکنار . ولی باید این مقصد
 عالی در معاملات و مخالطه و معاشرت با عموم از تمام طبقات فعلاً

اثبات گردد و بقول و ادعا گفته شود بذهبتجیه اهل اهل با، بشری لعلین
 و همچنین اهتمام در ادامه و توسعه دهند و قهای خیریه محلی و مرکزی از
 لوازم ضروریه این ایام محبوب. از قبل تأکید گشت که از برای پیشرفت
 امور روحانیه و فواید امریه اسباب مادی و وسائل مالتیه لازم
 تا این اسباب پیشتر گردد پیشرفت کلی متعین و محال. علی الخصوص صندوق
 خیریه مرکزی که در تحت موطبت و اداره محفل روحانی مرکزی است
 باید تمام قوی کوشید تا دایره اش بویا فیموا اتساع یابد و اساسش
 استقرار یابد و محکم و متین گردد.

و از جمله و انقض اولیه اهل محبا سعی متادی در تنظیم و استحکام اسباب
 محافل روحانیه است. بجهت موفور لازم تا شان و منزلت و نفوذ
 و فعالیت و رونق این محافل نورانیه آناً تا از دیاد یابد چه که
 اعضای مستحب این محافل روحانیه رفیعین بنبیان اقومند و غایندگان
 اسم اعظم. در انظار دول و اعم مستین مدنی بی شینند و مثلیین
 و عدت و سطوت جمع اهل محبا. باید محافل روحانیه با یکدیگر
 عقد مشورت بنهند و در تبادل افکار و انشاء و ایجاد و مسائل مهمه مقینه

بمقتضای بیخ بکارند تا اسباب تشکیل و انعقاد انجمنهای شوروی ملی رود که
 فراهم گردد و بر حسب تعلیمات مقدسه که در مصایای مبارکه مصرح و
 مشروح است انتخابات علیه در هر قلمبی دائر گردد و بویوت عدل خصوصی
 طبقاً لمبادئه و تعالیمه تشکیل گردد و بعد از تأسیس و تنظیم این بویوت عدل
 خصوصی در انتخابات بین المللی متحد اشراکت نموده بوسیله آن رفیع
 بیت عدل عظیم را مرتفع سازند . ملاحظه نمایند وظائف و مسئولیت
 این محافل روحانیه چقدر مهم و عظیم است . باید در امر انتخابات سنویه
 محافل روحانیه و تشکیل مجله های امریه و تحکیم اساس مشورت و تصمیم بعد
 از مذاکرات و اجراء و تنفیذ قرار های محافل روحانیه عموم یاران چه
 از متجین و غیر متجین بدل و جان مشارکت و مساعدت و معاضدت
 و تأیید یکدیگر را نمایند . بخت بخت لازم تا نوایای آن مولای خون
 در عرصه شهود جسلوه نماید .

و از حجه لوازم ضروریه تسریع در استنساخ و جمع و ارسال آثار امریه بار
 اقدس و تدوین تاریخ عمومی امراته است . یاران غرب که
 در اقالیم شامعه آزاد مشروعات مهمه پرداخته اند مترصد و مستظرند

که این دو امر محتمل برودی انجام و اتمام باید و تمهیدات اساسیه
اجزای آتیه آنان من دون تاخیر تحقق یابد تا آنچه را در نظر دارند
خیرآمال بمیدان اجرا گذارند و امر مقدس را ترویجی عظیم دهند .
و همچنین شرکت یاران با انجمنهای خیریه علمیه ادبیه است هر انجمنی
که مقصدش فی الحقیقه ترویج منافع عمومی و مصالح عالم انسانی است
باید اجبای الهی محکمت و اعتدال پس از مشورت کامل بقدر قوت و
استطاعت مساعده و تأیید آنرا نمایند و بقدر وسع و امکان شرکت
نمایند ولی باید فعلاً و قلباً و لساناً از ادنی مداخله ای در امور سیاسیه
اقتناع نمایند و از مخالطه با احزاب شریره متنازع تجتنب و احتراز جویند .
این احزاب سیاسیه نشأ دارند و مادم بنیان دولت و ملت .
انتفاع خویش را مقدم بر خیر عموم دانند و از لوازم و احتیاجات شدید
وطن خویش غافل و بیزار . متغله و مغرورند ولی کفایت و اطلاع
ز بهار یاران صاف دل در دام آنان گرفتار گردند و از شرکت و مصاحبت
با چنین نفوس از آنچه بآن مأمور گشته اند محروم و ممنوع گردند .
این است از جمده فرائض افراد مجسایان در ممالک شرقیه . این است

وظائف مقدسه محافل روحانیه. اگر فی الحقیقه ادبیای الهی در جمیع
 بلدان با وجود تعدیات و تضییقات و آفات و ناملایمات از این مرط
 دقیق نلغزند و از این فرائض اولیه خویش روی برگردانند و درین سبیل تا
 نفس اخیره اومت نمایند و ملال نپا و رند و برودت و فراشی و سستی
 بخود راه ندهند تا آنکه محنت یلغ الله امره مقاماً لم تر شبهه القرون الاولی
 تنصق من سطوته ارکان کل مشرک مراتب و استغنی وجوه المؤمنین
 یقین است پیروان دلدادۀ جمال الهی و پرورده ید عنایت کبری
 که در گذشته ایام زهر هر بلایی چشیدند و سیل بسیان کن امتحانات
 لا تعد و لا تحصی مقاومت نمودند و در میادین عیدیه پرچم استقامت
 کبری برافراشتند در آئینه نیر راه و فاپویند و این مراحل باقیه
 رنج و بلا را طی نمایند و بسر منزل مقصود که غرت جاودان و سعادت
 دو جهان است رسند. اذّا یسمعن هتاف الملاء الاعلی طوبی
 للفائزین ثبری تثابتن همنیاً للصابرین فرحاً لکل معتم
 بحمد المحکم المستین.

و بنا و ملاذنا اذل کروینا بیزوغ شمس و عدک الکریم و خفت

همونا بتزول ملائکہ نصرک المبین و انزل بصارنا بمشاهدة آیات
 ادرك العظیم . ربنا افرغ علينا صبراً من لدنک ربنا افتح علی
 وجوهنا ابواب السعادة والرحاء واذقنا حلاوة الهناء وادفعنا
 مقاماً انت اوعدتنا به فی صحفک وکتبک . الی متی یا آلهنا
 بذاتک العظمی واطغیان . الی متی بذاتک الجور والعدوان . هل لنا
 من مامن الا انت لا وحضرة رحمانیتک . انت مجیر المضطربین
 انت سمیع دعاء الملهوفین . ادرکنا بفضلک یا ربنا الا بهی
 ولا تحبب آماننا یا مقصود العالمین و ارحم

الراحمین

بنده استاش شوقی

ایول ۱۹۲۶

اعضای محرمه محفل مقدس روحانی مرکزی
 اقلیم ایران حفظهم الله ملاحظه نمایند
 بوالله

یا اصفیاء الرحمن و احبائه و امثاله نامه های اخیر آن محفل مقدس
 تاریخ ۲۴ و ۲۸ اکتبر و ۲۰ و ۲۲ نوامبر و مهل و بر مضمون هر یک
 اطلاع کامل حاصل. از خبر سلامتی یاران و تقدم امور امریه و
 استحکام شریعه الله و عدم تعرض اعدا و دشمنان و طغیانان
 حاصل گردید. این عباد دعا و تضرع نمایند و از سبب الاسباب
 استدعا و تمنا کنند که این موانع عالیّه مرتفع شود و امور مستقر اریابد
 و وسائل مادیّه از برای توسعه دائره خدمات کلیه همایا و فراهم شود.
 و امر تبلیغ ترویجی سریع یابد و یوم ید خلون فی دین الله انو اجا
 از افق آن اقلیم فخرش طالع و با هر گردد. این آیام این عبدستان
 در دریای مشاغل همه متنوعه و قیقه مستغرق و با بعضی از نمایندگان با
 کفایت خردمند مختص محرب مشورت و مذاکره و مجامعه مشغول زیرا
 وقایع غیر منتظره و سیر سریع امر الله و اشتها رکلمه الله بیجان

و غلبانی شدید در قلوب و افکار متران و کترین بعضی ممالک و بلدان
 اعدا شده . جمهور عقل و ادب و در تفحص و جستجو و ارباب علوم و
 فنون و اصحاب جراند و ادیبای امور از ظهور و بروز علامت اولیه این رخیز
 اعظم تنبه و مدبوش . امید شدیدین عهد ضعیف آن است که پس از
 جلوه و سطوع انوار زیر عظم در قلوب و ارواح زمامداران دول و ام
 حزب منطوم بناییدات لاریستیه حی قیوم و مدد اقدامات برگزیدگان
 حق در اقلیم غرب از قیود رنج و بلا برهیند و با وج عزت و علی چون
 طیر آزاد پرواز نمایند . بدیر و رقاء اعدیه را گوشزد قریب و بعید در
 آن کشور جلیل نمایند و خارستان ظنون و اوام را بتعالیم جان پرور
 یوم ظهور بنیاده عالم بالا نمایند . صبر و استقامت لازم لعل الله
 یجده بعد از کت امر .

در خصوص مدرستین بنین و نبات مجرد و وصول را پورت هیئت مدیره
 نامه عمومی مخصوص بایران امریکه مرقوم گردید و ارسال شد و نگه داشته
 گشت که محفل مقدس مرکزی آن اقلیم بجهت تبلیغ مبذول فرمایند
 تا یک نفر یا دو نفر از نفوس عاقله تجربه مستعد اسی را همراه نامه ملحقه

دکترمودی بطهران عزام نمایند تا مشغول تعلیم و ترتیب و تقدّم و استحکام
 شئون اداخله و خارجیه این دو مدرسه مجبائی شوند. و همچنین ایجاد
 روابط مستسینه ای بین مرکز ایران و محافل روحانیّه صفحات امریکه
 نمایند. از آستان مقدّس استدعا نمایم که اسباب و وسائل من
 دون تأخیر فراهم گردد و قدر منزلت معابد ادبیه علمیّه امریه در مدینه
 طهران کاینسبغی و طلیق نمایان گردد. و اگر چنانچه بعد از تفحص دقیق
 معلوم و مبرهن گردد که در امور مالی و مخولات و عایدات این دو
 مدرسه تجدی تأخّر و خلل حاصل گشته که بیم آن است نظمه و دهنی
 بامر مقدّس در انظار عموم وارد گردد آن محفل قسمتی از موقوفات
 امریه را بقدر لزوم بفروش رسانند و آنچه عاید گردد در سبیل سدا احتیاجات
 ضروریّه این دو مدرسه صرف نمایند و آنچه صرف گردد باید تماش
 باطلاع و صواب دید آن محفل مقدّس باشد. ایدکم الله علی ما ترغ
 به اعلام الأمر فی ملک الأرجاء.

ببلغ پنجاه تومان اعانه بمدرسه نبات که جناب امین پرداخته اند
 بسیار محبوب و مقبول. امید چنان است که یوما فیوما شهرت

و نمرتش در انظار یار و اغیار بشیر و نمایان تر گردد و عالم نسا را خدای
 بابر نماید .

آنچه را راجع بموقوف اجبار در ممالک روسیه تصمیم گرفته و ابلاغ نموده
 اید صحیح و مستین و تمام است . امید چنان است یاران چه در
 قفقاز یا و چه در ایران از خط اعتدال خارج نشوند و انحراف نجویند
 زیر سلامت در این است و ما عداوه مخالفان اساسه المحکم الملتین
 و تعالیم امره العظیم .

در این جوار پر انوار از آستان ملک مختار موفقیت و انعمی آن
 انصای رحمن را از اعماق قلب مستدعی و متمسک بوده و مستم .
 بنده استانش شوقی

۱۹ دسمبر ۱۹۲۶

۵۹- راجع بانتخابات محفل مقدسه روحانی می فرمایند

قوله الاصلی

محفل روحانی یاران در شرق و غرب عالم باید من دون استثناء و هر سال
در یوم اول عید سعید رضوان تجدید شود و انتخابات در آن یوم مبارک باید
در نهایت مسانت و روحانیت شروع شود و حسب الامر و اگر ممکن همان
یوم سیم انتخابات معلوم و اعلان شود و اصول انتخاب از این قرار:
چون یوم انتخاب رسد باید جمیع یاران متفقاً متوجّه ایه منقطعاً من
دونه طالب هدایه مستیعاً من فصد بدل و جان اقدام بانتخاب
نمایند و انتخاب اعضای محفل روحانی خویش از وظایف مقدسه
محمده و جدائی خود شمرند ابداً احوال در این امر نکنند و کناره گیرند و دوری
نجویند. منتخبین و مستجبین بیچوجه دم از استعفا نزنند بلکه در نهایت
افتخار و جدیت و سرور ابدی رای نمایند و عضویت محفل را قبول نمایند
ترجمه تلگراف مبارک در سنه ماضیه

دو اچی - روحانی . از جمیع اجبای ایران ، ترکستان و قفقازیا
جدا خواهم نمودم تمام قوی در تجدید انتخابات محفل روحانی شرکت

نمایند

نمایند. هیچ بهائی حقیقی نمیتواند از این انتخاب برگزیده باشد. نتیجه انتخابات باید فوراً توسط محافل مرکزی با رض اقدس ارسال شود. بهیچ در اگر فوراً ابلاغ کنید با حزم و حکمت اقدام نمایند.

تأییدات ملکوتی را عظمیسم. شوقی

در لوح مقدسی که اخیراً رسیده می فرمایند :

دور ختام است دعا و خواهش این بنده کترین از گروه مؤمنات و مؤمنین آن است که تمام قوی در نهایت انقطاع و تجرد از ثوابات نفس دهری بر ترویج و تسریع و حکیم و تفهیم و تعزیز این مؤسسات اوتیه امریه قیام نمایند. هر نفع و آرزویی را فدای مصالح شریعه الله کنند و در ایام رمضان چون میعاد تجدید انتخابات محافل محلی و مرکزی رسد بدل و جان باین امر خطیر من دون استثناء و استعفاء اقدام کنند و در این عمل مبرور بر یکدیگر سبقت جویند و پس از تجدید نتیجه انتخابات را یعنی اساماء اعضای منتخب و عنوان غنی محفل را من دون تاخیر و تعطیل بمحفل مرکزی اقیم خویش رسانند و محافل مرکزی همت در جمع ادراک نموده صورتی در آنرا کاملاً متواضعانه و این عهد با سرعت مایکین ارسال دارند

۶۰- ۳. دسمبر ۱۹۲۶ میلاد من حیفا الی بغداد

اعضاء محترمه محفل مقدس روحانی زید اجلالم

هو الله تعالی

اولیای الهی ! عرضیه آن محفل مقدس در خصوص نخل جلیل حضرت
شیخ محمد رسید و بملاحظه طلعت انور ولی امر الله فدیت محضره ^{علی}
فائز گردید. فرمودند در این خصوص از خانه مشتاق محبوب آفاق
روح مقدسی صادر و در آن می فرمایند که اجتماع دوز و چه منوط
و معلق تعدیل است و تعدیل غیر ممکن و مستحیل لهذا اکنون بجز
این بیان بسین کتاب الله اجتماع زو جتین جائز نه و این بیان
بسین است و تکلیف امروز ولی است در نهائی در بخصوص معلق
بتأسیس بیت العدل است زیرا اینگونه مسائل و متفرعات آن راجع
به بیت عدل الهی است. از بعد آنچه را امناء الهی قرار
دهند همان محسری خواهد شد و این بامر مبارک
..... مرقوم گردید

نامه های اخیر تاریخ ۲۲ دسمبر ۱۹۲۶ و ۲۰ آن وصل

راج زیارت ارض مقدس باید هر سفری از پیش باین عهد
مخابره نماید و تا اشاره ای از ارض مقصود نرسد حرکت ننماید .

راج به عده اعضا محفل روحانی یعنی رئیس و نمایندگان از آنجا
جائزند . تفرقات راج محفل است و آنچه با کثرت قرار دهند

محبوب و مقبول

بنده استانش شوقی

۲. بروج اشانی ۱۳۴۵ هجری از حیفاء مجسمه ان

۴۱- اعضا بمجده محفل مقدس روحانی زید اجدادهم العالی
هو الله تعالی

اولیا، الرحمن ! روحی لقیالم الخداء علی اعلاء کلمه الله المطاعه
وصیاته او امره المقدسه المبرمه . در شب قبل پس از زیارت مقامات
مبارکه - حضرة ولی امر الله روحی لمحضره الا طر فداء در حالیکه روی جهان
افسرد و زبرافروخته بود بانحایت تأثر فرمودند که محفل مقدس روحانی
طهران نویس که آن اعضا محترمه بخوبی از تعالیم قلم اعلی مطلع و ارا و امر
و احکام نموده قلم اعلی باخبر و از مواظبت و نصح آئینه آگاهند که چه
تأکیدی در عدم مدخله در امور سیاسیة حقی منع انتقام و فساد فرمودند
(ان تقستوا فی رضاه خیر من ان تقستوا) باز می فرماید " قسم بحاکم که
اگر احکام کشته شوند بهتر است از شک دم نفسی " و در آیات حدیده
این آیه مبارکه نازل " ان الذین یسفلون الدماء و یاکلون اموال
الناس با بطل عن برآء منهم و نسل الله ان لا یجمع بیننا و بینهم لا فی
الدنیا و لا فی الآخرة " و در لوح عالم قلم قدم ناطق که از کلمات

اربعه ای که موفین قبل بآن تمسک « اول کلمه فغضب الرقاب بود
 و ثانی فغای اخاب « و لکن فضل عظیم در این ظهور اگر چه سبب
 عداوت و بغضا بود مخوف نمود و آنچه علت اتحاد و ایلاف است ثبت فرمود
 و در بشارت خاتم ابی است که « این طایفه در مملکت هر دو تنی کن
 شوند باید با آن دولت کمال امانت و صداقت رفتار نمایند . هذا
 ما نزل من لدن امر قدیم « و بعد از نزول هزاره انگیزه آیات مبارکه
 در کتاب عهد و وصیت آن جمال بسین در نهایت توضیح و تأکید نازل که
 « یا اویا، الله ملوک مظاهر قدرت و مطاع غرت و ثروت حقند
 در باره ایشان دعا کنید . حکومت ارض بآن نفوس عنایت شد
 و قلوب را از برای خود مقرر داشت . نزاع و جدال را نهی فرمود
 نهیاً عظیماً فی الکتاب . هذا امر الله فی هذا الظهور الا عظم و عصمه من
 حکم المحو و زینه بطراز الاثبات . انه هو الامر الحکیم « ملاحظه فرمائید
 که این حکم را از محو و تغییر محفوظ و مصون فرمودند و بطراز اثبات
 و اجرا فرزین نمودند . و از خاتم دلبر بیان چه تأییداتی در عدم مدخله
 در امور سیاستیه و عدم انتقام و امثال آن نازل . حتی می فرماید

از امور سیاسیة دم‌ترنید و لوث‌بش‌شده باشد .

با این صریح و صریح قلم اعلی و شدت تأکیدات غامبه مشرق عبودیت
عظمی و منع شدید اکید بعد از صعود آن طلعت نورا ، باز در تحریرات
مفصله مؤکده و مکرر باین نوشته شده که معاذ الله از مداخله در امور سیاسیک
اجاباید بکلی از این شئون در کنار باشند و از هر وظیفه ای که منجر بذهاب
سیاست شود بزیار گردند زیرا معاشرت غیر ملحق شدن با حزب سیاسی است
و ملاقات بروج و رجحان سوای مداخله در امور پر انقلاب شور مملکتی است
با وجود آنکه احکام اسم اعظم و تأکیدات مطلع عهد اقوم و منع اکید شدید
در هر روز و هفته و ماه و سال حال چه قدر جای تأثیر است که باز
افزادی بهوائی نفسانیة برپند و خود سرانه با فکر باطله پردازند .

مکرر فرمودند که آن محفل مقدس نهایت جبر را در صیانت امر الله بنایند
و کمال مواظبت را در نه شباه نفوس بفرمایند و متحد المآلی محرمانه نیز در
این خصوص بحجت جمیع محافل روحانی ایران بفرستند که اگر چنانچه
باید بروصایای آئینه ثابت نمانند و بر این احکام مؤکده مستقیم و
متحد گردند و هر روز در گوشه ای نفوس خود سر پیدا شوند عاقبت امر

منجر بقتل عام این حزب مظلوم گردد و ذآب کاسره بر جاک عموم اغنام نمی
اجتماع و اتحاد نمایند پس علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد . باید عموم
اجتبا بدانند که او امر صادره از سلطان ظهور برای همیشه است نه یکدو
روز . جدی است نه شوخی . الهی است نه بشری .

باز فرمودند که چقدر جای خزن و اسفاست که در وقت وزمانی
که صیت کلمه الله و لوله تازه ای در ممالک تمدنه عالم انداخته
و صوت امر الله و لهای نفوس مهمه روسای اعم را جذب نمود
نوبت آن رسیده که ملکه های دنیا برو جا بهت و اهمیت تعلیم
بدیعه الهیه شهادت دهند و لوله در قلوب اقران و امثال خود
اندازند و بمذاحی یوسف جمال و سبر پیمان پردازند در چنین وقت
و چنین مجبوسه ای چه قدر مایه ملال است که صدای مخالفی بلند
و عمل نامناسبی شیوع یابد و صفحات جزائر آسیا به کند و زحمت
بیا کل مقدسه را بیا دودد . کلمه الله را از نفوذ مانع شود و حزب
الهی را از نیکبازی باز دارد . و لهای اولیاء الله را محزون کند و
قلوب خاصان حق را پر خون نماید . اعاذنا الله و ایاکم یا

معه الموحدين .

از این قبیل فرمایشات بسیار نموده اند که این نمونه ای از آن قلزم
اسرار است و ذره ای از آن خورشید پر انوار که بامر مبارک تحریر

و ترقیم نمود

عبدیس زرقانی

ملاحظه گردید . بنده استاش شوقی

علت تنظیم لغت نامه

چون از یک طرف کلیه اهل محب از صمیم قلب شایق و آرزو مندند که توقیعات فیض مولای خود حضرت ولی غریز امر الله را زیارت کنند و قرائت آنرا فریضه دینی خود میدانند و از طرف دیگر احتمال میرود بعضی از احباب بواسطه موانع در بعضی از نقاط کشور موفق به تحصیل اساسی نشده بعبارة اخری کم سواد باشند و در فهم برخی از لغات توقیعات مبارکه دچار اشکال شوند این لغت نامه محض کمک باین دسته از یاران روحانی تنظیم شده و از معانی لغات فقط بذکر معانی مناسب بآمد لول توقیعات مبارکه اکتفا نموده از نوشتن کلیه معانی هر لغت خودداری شده است بنا بر این احبابی غریز نباید تصور فرمایند که این مختصر لغت نامه در حد خود از لحاظ ذکر کلیه معانی یک لغت جامع میباشد بلکه چنانکه عرض شد فقط برای زیارت توقیعات مبارکه مرقومه در این جلد و ذکر معنی مناسب هر لغت در این آثار مبارکه قناعت شده امید است برای عده ای از احباب مفید فایده باشد .

حرف الف

| معنی | لغت |
|-------------------------------|-----------------|
| دوستی - الفت گرفتن - متحد شدن | إئتلاف |
| گوشها | آذان - جمع أذن |
| نعمت | آلاء - جمع إلی |
| آرزوها | آمال - جمع امل |
| آرزوکننده | آمل |
| تحریک - توطئه | آنتریک |
| تضرع - استدعا | إبتهال |
| اظهار نظر - رأی دادن | إبداء رأی |
| اشخاص خوب و نیک | أبرار - جمع بار |
| شخص مستبد و مرض پسی | أبرص |
| طلای خالص | إبریز |
| پهلوانان | أبطال - جمع بطش |
| وسعت پیدا کردن | إتساع |

حرف الف

| معنی | لغت |
|--------------------|-------------------|
| محکم کردن - محکم | اِیقان |
| محکمته | اِتقن |
| اعتماد - توکل کردن | اِتکال |
| بندها - تپه ها | اِتال جمع تل |
| کنایه ها | اِشیم |
| شماره برگزیده | اِحْتبالم |
| سعی و کوشش | اِحْتاد |
| بالها - پر ها | اِحْجَه - جمع ضاح |
| زبان و شعله آتش | اِحْج |
| مباحثه - استدلال | اِحْتجاج |
| تیزتر - بُرنده تر | اِحْدَه |
| شمردن - شمارش کردن | اِحْصاء اِحْصائیه |
| اوقات - زمانها | اِحْیان جمع صین |

حرف اُلف

| معنی | لغت |
|----------------------------------|-------------------|
| دوستان | آخلاء - جمع خیل |
| آیندگان - اولاد | آخلاف - جمع خلف |
| خاموش کردن | إخمد |
| از خدا چیزی خواستن - دعا معروفست | أدعیه - جمع دعا |
| نزدیکتر - کمتر - پست تر | أدنی |
| اسباب - ابزار - وسایل | أدوات - جمع اداة |
| قبول کردن - معتقد شدن | إذعان |
| بیوه زنان - زنانیکه شوهرانشان را | أرامل - جمع أرمله |
| از دست داده اند | |
| رحلت - صعود - مردن | إرتحال |
| ستی | إرتشاء |
| شک کردن | إرتیاب |
| اطراف - اکناف | أرجاء - جمع رجاء |

حرف الف

| معنی | لغت |
|------------------------|--------------------|
| مقصود شهر طران است | ارض طاء |
| مقصود خراسان است | ارض خاء |
| مقصود کرمان است | ارض ک و را |
| رقیقتر - لطیف تر | آرق |
| بندگان زر خرید | آرقاء - جمع رق |
| بادها | آریاح - جمع ریح |
| تخت - تخت سلطنت | آریکه - آریکه شاهی |
| برطرف کردن - ازین بردن | إزاله |
| باطل کردن - ازین بردن | إزهاق |
| هنگام وعده رسید | آزف الوعد |
| کمرها | أزور - جمع ازر |
| گلهها | آزمار - جمع زهر |
| پرستشها | آسئله - جمع سؤال |

حرف الف

| معنی | لغت |
|----------------------|------------------|
| قسم میدهم شمارا | استخلفم |
| قدرت و توانائی | استطاعت |
| ملک خواستن | استغانت |
| ایری - ایر شدن | آسرت |
| ساختید - تأسیس کردید | آسستم |
| گذشتگان - نیاکان | آساف - جمع سلف |
| طریقه - روش | أُسلوب |
| رتبه و مقام بلند | أسنی |
| غما - غصه ها | آشجان - جمع شجن |
| اشخاص ظالم و بیرحم | أشقیاء - جمع شقی |
| پیروان | أشیاع - جمع شیعه |
| انگشت ها | أصابع - جمع اصبع |
| کوچکتران | أصاغر - جمع اصغر |

حرف الف

| معنی | لغت |
|--------------------------|---------------------------|
| برگزیدگان | أَصْفِيَاءُ - جمع صَفِيٍّ |
| بُت ؛ | أَصْنَامٌ - جمع صنم |
| خاموش کردن | إِطْفَاءُ |
| آزاد کردن | إِطْلَاقُ |
| کوچه ها | أَطْوَادٌ - جمع طور |
| عارض شدن مثلاً مانند مرض | إِعْتَرَاءٌ - إِعْتَرَتْ |
| عارض شود - عارض شد | |
| دشمنان | أَعْدَاءٌ - جمع عدو |
| بازوان | أَعْضَادٌ - جمع عضد |
| بلند و مرتفع کردن | إِعْلَاءُ |
| ستونها - پایه ها | أَعْمَدَةٌ - جمع عمود |
| دِهشَه ها - افسارها | أَعْيُنَةٌ - جمع عِئَان |
| چشمها | أَعْيُنٌ - جمع عَيْن |

حرف الف

| معنی | لغت |
|---|-----------------|
| چشمهای غماز | اعین قاصره |
| غبار آلودگی - کدورت | اغبرار |
| شاذ؟ - بخسبین حضرت بهاءیه | اغصان جمع غصن |
| نیز اطلاق میشود | |
| بسته شد | اغلیقت |
| گوسفندان - بردمان سلیم دبی آزار و مومن | اغنام - جمع غنم |
| هم اطلاق شده . اغنام الهی - در | |
| مقابل اشخاص شریر که با آنها گرا اطلاق شده | |
| تمت زنده - در و غلو | آفاک |
| امتحان - آزمایش | افستان |
| غروب - زایل شدن | افول |
| چیدن میوه | اقتطاف |
| دور | اقصی |

حرف الف

| معنی | لغت |
|------------------------|--------------------|
| رؤسا و بزرگان | أَقْطَاب - جمع قطب |
| نواحی و اطراف مملکت ؛ | أَقْطَار - جمع قطر |
| فانع کردن | إِقْطَاع |
| محکمتر - مستقیم در است | أَقْوَم |
| بزرگتر آن | أَكْبَر - جمع اکبر |
| پنهان تر مستورتر | أَكْتَمَ |
| تاج | إِكْلِيس |
| آستین ؛ | أَكْلام - جمع کلم |
| اطراف - جوانب | أَكْنَف - جمع کنف |
| عجده کشید | أَلْبَدَار |
| شعله ور شدن | إِلْتِهَاب |
| اصرار - تاکید | إِلْحَاح |
| ابلاغ | إِلْقَاء |

حرف الف

| معنی | لغت |
|-------------------------------|------------------|
| درد و رنج | الم |
| هزارها | ألف - جمع آلف |
| انیس - حبیس | ألیف |
| کنیزان | إماء - جمع امه |
| با یکدیگر مخلوط شدن - وکی شدن | إمتزاج |
| بارانها | أمطار - جمع مطر |
| سرانگشتان | أنایل - جمع انله |
| سبز کردن و نمودادن | إنبات |
| خوشحالی - وسعت و فراخی | إنباط |
| بیدار و مستنبه شدن | إنبهه |
| پراکنده شدن - پراکنده شد | إنتثار - إتشترت |
| سر حال آمدن - شادی و سرت | إنتعاش |
| اقسام - اطراف | أنحاء - جمع نحو |

حرف الف

| معنی | لغت |
|-----------------------------|-----------------|
| تنزل - پائین آمدن | انخطاط |
| اسم سابق بندر پهلوی | آنزلی |
| مناسبت | آنسب |
| فرورفتن - فرود رفت | انقعار انقعر |
| دردنا | اوجاع - جمع وجع |
| چرکها - کثافات | اوساخ - جمع وسخ |
| با عظمت - خطیر - بزرگ - سخت | اوعر |
| موافق تر | اوفق |
| صاحبان عقل - عقلا | اولوالالباب |
| حرکت - فعالیت | اهتزاز |
| سعی و کوشش کردن | اهتمام |
| ریشه ها و دامن و قسمت پائین | اهداب - جمع هذب |
| لباس و پارچه و خیمه | |

حرف الف - ب

| معنی | لغت |
|---|------------------|
| اطفال بی پدر که در کودکی پدرشان مرده باشد | آیتام - جمع یتیم |
| آتش افروختن | ایقاد |
| بیدار کردن | ایقاظ |
| درخت بزرگ و پرشاخه | ایکه |
| | حرف ب |
| مغرب - غرب | باختر |
| اسم سابق بابل | بارفروش |
| تابان - درخشان | بازغ - بازغ |
| ناامیدی - وضع اسفناک | بأساء |
| کهنه - قدیمی - پوشیده | بالیه |
| آشکار واضح | باهر |
| گستردن - منتشر کردن | بش |
| شدت هر چیز و هر کار - وسط کار | بجوده |

حرف ب

| معنی | لغت |
|---|--------------------|
| خالص | بَخت - بخت |
| ماه شب چهارده | بَدَر |
| اول ابتدا | بَدَو - بد |
| تازه | بدیع |
| تخم - تخمک در زمین میکارند تا سبز شود | بَذَر |
| مردمان | بَرایا - جمع برتیه |
| سرمای شدید | بَرَد قارس |
| برق تند و سریع و خیره کننده - بکایه از سرعت | بَرَق خاطف |
| آشکار - علنی | بر ملا |
| سردی - کدورت | بُرودت |
| طلوع - اول تابش و طلوع | بُرودغ |
| شجاعت | بَالت |
| خندان - خنده رو و خوشرو | بسیم |

حرف ب پ ت

| معنی | لغت |
|--------------------------------|-------------------|
| خبرهای خوب و خوش | بشایر - جمع بشارت |
| چشم | بصر |
| سرمایه کم و نا چیز | بضاعت مزجاة |
| قدرت - هیمنه - جرأت - هجوم | بطش |
| دشمنی - عداوت | بغضاء |
| لاله | بکلم - جمع اکلم |
| شهر | بلاد - جمع بلد |
| اشخاص کم عقل و ساده و زود باور | بلهائ - جمع ابله |
| خوشحالی - مسرت | بهجت |
| | حرف پ |
| برق - علم | پرچسم |
| | حرف ت |
| پیروی کردن | تأستی |

حرف ت

| معنی | لغت |
|-------------------------------|------------------|
| ایجاد دوستی و محبت - جمع کردن | تألیف |
| بشارتها - علامت اولیه | تبشیر جمع تبشیر |
| تفزع - انقطاع از غیر خدا | تبطل |
| تهذیب - پاک کردن | تثقیف |
| احراز - دوری کردن | تجنب |
| جستجوی خوب هر چیزی - تحقیق | تحری |
| تطبیع - حریص کردن | تحریص |
| تشویق - ترغیب | تحریض |
| مغشوش کردن ذهن | تخذیش ذهن |
| خردس میخواند | تذللح الذلیک |
| عیب - آراستن ظاهر برخلاف واقع | تدلیس |
| اشکهای چشم من سرازیر میشود | تذرف دموعی |
| اشکهای چشم | (دموع - جمع دمع) |

حرف ت

| معنی | لغت |
|----------------------------------|-----------------------|
| آب میشود - آب شدن | تَذَوُّبٌ - ذوب |
| خاک | تُرَاب |
| رو بهیسم انباشتن - کنایه از کثرت | تَرَاکُم |
| خواندن آیات والواح | تَرْتِیلِ آیات |
| تزلزل میشود | تَرْجُفٌ |
| دودلی - شک کردن | تَرَدُّد |
| بلند میشود | تَرْفُوف |
| نغمه ؟ | تَرْغَمَات - جمع ترنم |
| پاک و تمیز کردن | تَزْکِیَہ |
| تحقیر - خوار شمردن | تَزْیِیف |
| بستن - جلوگیری کردن | تَدْیِد |
| راه میرود - میشتابد | تَتَقِی |
| طفره و تعلل - بتأخیر انداختن | تَسْوِیْف |

حرف ت

| معنی | لغت |
|-------------------------------------|------------------------|
| متفرق کردن | تَشْتِيت |
| برگها زرد میشود | تَصْفَرُّ الْأَوْرَاقُ |
| ساختگی - غیر واقعی | تَصْنَع |
| بوئیدن - استشم | تَضَوَّعَ |
| چپاول - غارت | تَطَاوَل |
| ترقی - بالا رفتن | تَعَارَجَ |
| بدبختی - بیچارگی - پستی | تَعَاثَ |
| بیکدیگر کمک کردن | تَعَاوَدَ |
| بیکدیگر کمک کردن | تَعَاوَنَ |
| زحمت - رنج | تَعَبَ |
| تنبیه - چوبکاری | تَغْزِيرَ |
| عزیز داشتن | تَغْزِيزَ |
| بدبختی - تیره روزی - خواری براه باد | تَعَاْلَهَ |

حرف ت

| معنی | لغت |
|--------------------------|--------------------|
| عمومیت دادن | تعمیم |
| آواز خواندن | تغزو |
| آواز خواندن | تغنی |
| تحقیق - جستجو | تفحص |
| دقت کردن | تفرس |
| هربانی کردن | تفقه |
| تجزیه - تفرقه | تفکک |
| درکاری متفحص شدن | تفنین |
| پاکی - پاک کردن | تقدیس |
| عوض کردن | تقلب |
| شاگردان | تلامذه - جمع تلمیذ |
| رنگ بزرگ شدن ؛ - تغییرات | تلونات - جمع تلون |
| عکس - مجسمه - فرمان | تمثال |

حرف ت

| معنی | لغت |
|---------------------------------------|------------------|
| محکم گرفتن - چنگ زدن | تمسک |
| تفکر دقیق - عمیقانه فکر کردن | تمعن |
| با یکدیگر مخالفت کردن - نفرت داشتن | تنافر |
| کوهها فرو میریزد - از هم پاشیده میشود | تشدک ابحال |
| پاکی - پاک کردن | تنزیه |
| میوه هایش میرسد | تنضج اثمار |
| اجرا کردن | تنفیذ |
| زایل میشود | تنقش |
| آه و ناله | تندتات - جمع تند |
| محکم کردن | توطید |
| بزرگداشتن و احترام کردن | توقیر |
| ابهال دستی | تهادن |
| | حرف ث |

حرف ث ج

| معنی | لغت |
|-----------------------------|------------------|
| رو باه ؟ | ثعالب - جمع ثعلب |
| اعتماد - اطمینان | ثقة |
| ویران شد و آثرگون شد عرش او | ثقل عرشه |
| جمعیت - گروه | ثُلَّة |
| میوه | ثمر |
| قیمتی - با ارزش | ثمنینه ثمن |
| اجر کار خوب | ثواب |
| لباس | ثوب |
| | حرف ج |
| خیان کن - خراب کننده | جاف |
| کوه ؟ | جبال - جمع جبل |
| ترسو | جبان |
| پیشانی | جبین |

حرف ج

| معنی | لغت |
|---|-----------------|
| انکار کردن | جحد |
| دیوارها | جدران - جمع جذر |
| ریشه - اصل - میگرد | جروش - جروشوم |
| زخم - زخمی - مجروح | جرح - جرح |
| گناه - خطا | جرم |
| نام جزیره قبرستان | جزیره شیطان |
| بزرگ - زیاد | جزیل |
| بزرگ | جسیم - جسمه |
| سرگین غلطان (نوعی سوسک که فضولات و کثافات را با حرص و ولع میراند) | جعل |
| ساختگی | جعل |
| پوستها | جلود - جمع جلد |
| عده زیاد - جمعیت فراوان | جهم - غفیر |

حرف ج ح

| معنی | لغت |
|----------------------------------|-------------------|
| آتش سوزان | جمره محرقه |
| بال و پر | جناح |
| قلب - امر پنهان | جنان |
| بهشت | جنان جمع جنت |
| آشکار | چهار - جهره - جهر |
| سعی و کوشش | جهد |
| نزدیکی - همسایه - پناهمگاه | جوار |
| عضاء بدن - حیوانات و مرغان شکاری | جوارح - جمع جارح |
| گریبان | جیب |
| لاشه | جیفه |
| لشکر - سپاهیان | جیوش - جمع جیش |
| | حرف ح |
| پابرهنه - بدون کفش | حافی الاقدام |

حرف ح

| معنی | لغت |
|--------------------------|---------------------|
| تاریک - سیاه | حالک - حاکم |
| پاپ - رئیس مذهب کاتولیک | حبر عظم |
| رشته - ریمان | حبل |
| شادی - خوشحالی | حُبور |
| دوستان | حبیبان |
| پرده؟ | حُجَبَات - جمع حجاب |
| دلیل | حجت |
| سنگ بنا | حجر زاویه |
| مانع شدن | حجْر |
| باغها - دارستانها | حدائق - جمع حدیقه |
| تازه - حکایت و نقل و قول | حدیثه - حدیث |
| محافظة | حراست |
| پناہگاہ | حرز |

حرف ح

| معنی | لغت |
|-----------------------------|-----------------|
| محرومیت - ناامیدی | حرمان |
| آزادی | حریت |
| کنایه از متجددان بیدین | حزب شمال |
| کنایه از متدینین خرافی | حزب بعین |
| غمگین - محزون | حزین |
| حسد برندگان - حسدکنندگان | حساد - جمع حاسد |
| تمرکز - منحصر کردن | حصر |
| زندانی - محبوس - غرب (یعنی) | حضور |
| بازن آمیزش نکرده | |
| قلعه | حصن |
| محکم | حصین |
| مرتبه نپست | خضیف |
| چوب خشک - هیزم | خطب |

حرف ح

| معنی | لغت |
|---|---------------------|
| محافظت کنندگان | حَفَظَه - جمع حافظ |
| صداقت | حَقْد - |
| آدم حسود | حَقُود |
| شیرینی | حَلَاوَت |
| هم پائینا - بمحمد شدگان - هم قسم ها | خُلَفَاء جمع خَلِیف |
| زیور ها - زینت آلات | خُطَن - جمع خُذَه |
| خود ستائی - تعصب جاهلیت | خَمَاسَه |
| بار | خَمَل |
| تعصب | خَمِیَّة |
| گلو | خَنْجَر - خنجره |
| تلخ - هندوانه ابو جهل که خیلی تلخ می باشد | خَنْظَر |
| مهربان | خَنُون |
| زنده - کنایه از خدا | حَیّ |

حرف ح خ

| معنی | لغت |
|-------------------------------------|--------------|
| مار | حَیَّة |
| | حرف خ |
| نا امید - مأیوس | خائب |
| ترسو | خائف |
| متضرر | خاسر |
| سریع - خیره کننده - گریزان | خاطف |
| رو باز | خالقه العذار |
| قلم | خامه |
| مشرق - شرق | خاور |
| خائن - خیانتکار | خشون |
| خواری - ترک یاری کردن و بخود گذاشتن | خذلان |
| پاره کردن - شکستن | خرق |
| ضرر و زیان | خسران |

حرف خ د

| معنی | لغت |
|--------------------------------------|--------------------------|
| گرفتن ماه | خُصُوف |
| بزرگ - مهم | خَطِير |
| پنهان | خُفِيه |
| بهشت | خُلْد |
| افسردگی - پرمردگی | خُمُودت |
| افسردگی - گنای | خُمُول |
| بأحق دریا فروفتن - کنایه از فقر عمیق | خَوْض |
| ترس | خَوْف |
| نخ | خَيْطٌ |
| | حرف د |
| دنباله و نسل ظالمان | دَابِرُ الْأَشْيَاءِ |
| هوشمندی | دِرَايَت |
| یک نوع سنگ درخشان زینتی است | دُرِّ دُرِّ جَمْعُ دُرِّ |

حرف دذ

| معنی | لغت |
|---------------------------|-------------------|
| سارگان درختان و چشمت زنده | دُرهره |
| حیده ا - توطئه ا | دسایش - جمع دسیه |
| فرعه - سبزه زار | دسکره |
| دعوت کنندگان - دعاگویان | دُعَاة - جمع داعی |
| خون ا | دِماء - جمع دم |
| هلاکت - خرابی | دِمار |
| اشکهای چشم | دُموع - جمع دمع |
| درخت بزرگ و پرشاخه | دود |
| تاریک | دیحور |
| | حرف ذ |
| گرگ | ذآب - جمع ذئب |
| شیع شد | ذاعث |
| غافل - بخیر | ذاهل |

حرف ذر

| معنی | لغت |
|--------------------------------|-------------------|
| فتیله | ذباله |
| بلندترین نقطه - بلندی | ذروه |
| طلا | ذهب |
| | حرف ر |
| وسط روز | رابعه النهار |
| ثابتین - اشخاص پایدار در امر | رائخین - جمع رائخ |
| بلندکنندگان | رائعین - جمع رافع |
| پیشرفته - ترقی کرده | رائیه - راقی |
| برق | رایات - جمع رایت |
| بو - بو | رایحه - روائج |
| خدای شگریان - کنایه از خداوند | رب المجنود |
| و از العابد حضرت بهاء الله است | |
| زمان پرده نشین | ربات حمال |

حرف ر

| معنی | لغت |
|---------------------------------|---------------------|
| منفعت | رَبَح |
| بهار | رَبِيع |
| انجام دادن کار و حل و عقد امور | رَتَق و فَتَق |
| کهنه | رَثِيب |
| لرزه و تکان و شدید - حادثه بزرگ | رَجْفه، کبری |
| راحتی و آسایش | رَخاء |
| لباس - بالا پوش | رِداء |
| اشخاص پست - کارهای پست | رِذائیل - جمع رذیله |
| محکم - محکمی | رِزانت - رزین |
| نامه ها - نوشته ها | رِسائل - جمع رساله |
| رستگاری - نجات - براه راست رفتن | رِشاد |
| چوپانان | رُعَاة - جمع راعی |
| بناک ماییدن - مخالفت | رَغَم |

حرف ز

| معنی | لغت |
|------------------------|-------------------|
| مقام بسیار عالی و بلند | رُفوف اعلیٰ |
| مار خالدار و سیاه سفید | رُقطاء |
| صدای خفیف و خیلی آهسته | رُکز |
| خاکستر | رِماد |
| قبر | رَمس |
| آواز - صدا | رَنه |
| طنین انداز | رَنان |
| نیمها - بوهای معطر | رُوحات جمع رُوحه |
| بزرگ - خوفناک | رَهیب |
| باغها - باغچه ها | ریاض - جمع رُوضه |
| شکت - دودلی - تردید | رَیب |
| | حرف ز |
| الواح - کتابها | زُبرج - جمع زُبور |

حرف ز س

| معنی | لغت |
|-------------------------|------------------|
| صفحات آهین - سد محکم | زبر حدید |
| مردم هجوم و یورش آوردند | زحف الناس |
| آه کشیدنها | زفوات - جمع زفه |
| پاکیزه - تمیز | زکیه - زکی |
| یاران و همراهان | زملاء - جمع زمیل |
| گردبادها - طوفانها | زوابع - جمع زوبه |
| درخشان | زہراء |
| چیز بسیار کوچک و حقیر | زہید |
| | حرف س |
| پیشگاه - میدان | ساحت |
| جوهر و سرشته محبت | سازج حب |
| قیامت | ساقه |
| مرتفع - عالی | سامیه - سامی |

حرف س

| معنی | لغت |
|--------------------------------|------------------|
| سوق دهنده - راننده | سائق |
| خواب عمیق و سنگین - بهیوشی | سبات |
| شناگران | سباحان |
| درندگان وحشی | سباع - جمع سبع |
| طبیعت - عادات - خویشا | سجایا - جمع سجیه |
| ابر | سحاب |
| سبک - بمعنی - بیفایده | سخیف - تخفیف |
| جلوگیری - سد معروف | سد |
| پنهانی | سراً |
| خیمه - سراپرده | سُرادق |
| ابدی - همیشگی - بدون اول و آخر | سُرمدی |
| آواز - ندا | سُروش |
| جریان - جاری | سُریان - باری |

حرف س

| معنی | لغت |
|--|----------------|
| تخت - تخت ها | سَریر - سُرُر |
| همینه - قدرت | سَطوت |
| تابش | سُطوع |
| راه رفتن - کوشش | سعی |
| آبیاری - آبیار - ساقی معروف | سَیّات - ساقی |
| مریض - نادرست | سَقیم - سَقیمه |
| ازین بردن - کندن - لباس آوردن - بخت کردن | سَلَب |
| قدرت | سُلطه |
| تسلی و آرامش خاطر | سَلَوَتی |
| سوراخ سوزن | سَم ابره |
| آسمانی | سَمّاءیه |
| سهل و آسان | سَمّاء |
| گوش | سَمع |

حرف س ش

| معنی | لغت |
|-------------------------------------|-------------------|
| اسب | سُمند |
| بلندی و بزرگی مقام | سُمُو |
| زهره | سُموم - جمع ستم |
| نیزه | سنان |
| سایه | سنین - جمع سنده |
| شریک | سهم |
| شمشیر | سُیف |
| جریان زیاد و ناگهانی آب - سیل معروف | سُیول - جمع سیل |
| | حرف ش |
| جوان | شابت |
| بارانها | شآبیب - جمع شوبوب |
| وسیع - بزرگ | شاسعه |
| تیز و بُرنده | شاهر |

حرف ش

| معنی | لغت |
|---------------|--------------|
| بلند و مرتفع | شاهق - شاهقه |
| درخت | شجر - شجره |
| دشمنی - کینه | شکار |
| چشم خیره شد | شخصت |
| سختی | شدار - شدت |
| قطعه قطعه | شرم - شرمه |
| طرف | شطر |
| خوشحالی | شعف |
| مهربان | شفوق |
| مهربان - دوست | شفیقه - شفیق |
| بفاق - تفرقه | شفاق |
| لب باز کردن | شق شفه |
| برادر | شقیق |